

کیمهان

۴۴۵

KAYHAN.LONDON

بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباح‌زاده
جمعه ۲۲ تا ۲۸ دی ماه ۱۴۰۲ خورشیدی
سال چهارم - شماره ۱۹۱۱

شکار فرماندهان «محور مقاومت» تکمیل می‌شود؟



خرید سالنامه مهسا



قیمت: ۵۰ (پنجاه) پوند
تعداد صفحات: ۱۴۳۶

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۵۳۰ مگابایت
نحوه دریافت سالنامه پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید

خرید کتاب سقوط بهشت



قیمت: ۱۵ (پانزده) پوند
تعداد صفحات: ۷۵۲

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۱۳ مگابایت
نحوه دریافت کتاب پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید



بنیانگذار:

دکتر مصطفی مصباح‌زاده

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

- @KayhanLife
- @kayhanlife
- @KayhanLife
- <https://kayhanlife.com/newsletters-subscription>

کیهان شما، کیهان لندن

- @KayhanLondon
- @kayhanlondon
- @kayhanlondon
- https://t.me/kayhan_london

10 New Square-Lincoln's Inn
London WC2A 3QG
Tel: 0044 (0)20 3633 3684
e-mail:
info@kayhan.london
ads@kayhan.london
editorial@kayhan.london
www.kayhan.london
www.kayhanlife.com

سال چهلم

کیهان شماره ۱۹۱۱ (۴۴۵)

جمعه ۲۲ تا ۲۸ دی ماه ۱۴۰۲
۱۲ تا ۱۸ ژانویه ۲۰۲۴



آگهی در کیهان آگاهی می‌آورد

نشانی سایت:
www.kayhan.london

روابط عمومی:
info@kayhan.london

آگهی و تبلیغات:
ads@kayhan.london

سردبیری:
editorial@kayhan.london

وبسایت کیهان لندن به زبان انگلیسی

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY
www.kayhanlife.com

کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوریه: چاله عنکبوت»
به قلم حامد محمدی (افسر خلبان)

برای نخستین بار ابعاد گسترده حضور نظامی و ناگفته‌های دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می‌کشد. علاقمندان می‌توانند این کتاب را مستقیماً از طریق تماس با کیهان لندن ads@kayhan.london یا انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشی‌های معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا به نشانی‌های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.

Satrap Publishing: Email: satrap@btconnect.com
www.satrap.co.uk
Super Hormuz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD
Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA
Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN
UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris, FRANCE
Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY

پیشگفتارها: رضا تقی‌زاده و حسن شریعتمداری

کیشان

*** فهرست مطالب ***

۴ مقاله - گذشته‌ای که آینده‌رامی‌گشدا! / ال‌ا‌هه بقراط.....

۴-۵ تیر هفته - شکار فرماندهان «م‌جور مقاومت» تکمیل می‌شود؟... / احمد محمدی.....

۵ پیام شهبانو فرح پهلوی به مناسبت سالروز ۱۷ دی ۱۳۱۴ آزادی و نوخواهی زنان ایران... /.....

۶ جاسوسان هلندی هویت «مهندس» رادر فلج کردن پروژه هسته‌ای... /.....

۷ روبرو: حملات اسرائیل به پایگاه‌های «سپاه قدس» و نیابتی هادر سوریه... /.....

۸ تنور سرد انتخابات مجلس شورای اسلامی... /.....

۹ صدور احکام سنگین برای ۱۴ افعال مشروطه خواه... /.....

۱۰ برگزاری مراسم یادبود جانب‌اختگان سرنگونی پرواز «پی اس ۷۵۲»... /.....

۱۱ نماز به پیشنمازی آمنه خاتون در کلیسا... / خیراندیش (احمد احرار).....

۱۲-۱۴ «نگاهی از درون به جنبش چپ ایران» (۶)... /.....

۱۴-۱۵ تلاش دولت رئیسی برای خروج ایران از فهرست سیاه FATF... /.....

۱۶-۱۷ متن فارسی گفتگوی شاهزاده رضا پهلوی و پاتریک بت - دیوید (۶)... /.....

۱۸ کاهش موجودی صندوق توسعه ملی به ۱۰ میلیارد دلار... /.....

۱۹ بازداشت یک دانشجوی پزشکی در بند عباس به اتهام انتشار توییتهای در باره... /.....

۲۰-۲۲ «آرمان فلسطین»: موضوعی مبهم و متناقض و کلافی سردرگم... / محمود مسائلی.....

۲۳ محسن سراوانی «جاسوس موساد» یاقربانی توطئه وحید حقانیان؟!... /.....

۲۴ «بغرنج» شدن بحران انرژی؛ تداوم سوزاندن مازوت و زین صنایع... /.....

۲۵ تلاش دستگاه‌های مختلف برای کاهش ساعت کاری و افزایش خانه‌نشینی... /.....

۲۶-۲۷ خلاصه حکم دادگاه تجدیدنظر حمیدنوری در سوئد و... (بخش ۲) / حنیف حیدر نژاد.....

۲۸-۲۹ کاهش میزان جنایات حقوق بشر در ایران از طریق حذف دستکاری مطالب در... /.....

۲۹ سه فرمانده ارشد حزب الله در حاشیه مراسم تشییع جنازه «ابو جواد» کشته... /.....

۳۰ افزایش شاخص فلاکت در ایران؛ فلاکت در ۲۳ استان بالاتر از میانگین کشوری... /.....

۳۱ هنرمند مردمی بودن در جمهوری اسلامی: مهدی یراحی به زندان و ۷۴ ضربه شلاق... /.....

۳۲ ارتش اسرائیل از محل پنهان شدن یحیی سنوار آگاه است، اما به خاطر گرگان‌ها... /.....

۳۲-۳۳ تروور «حاج جواد» (حسن الطویل) معاون نیروهای ویژه «رضوان حزب الله» در... /.....

۳۳ درگیری مسلحانه در «بهشت زهرا»؛ «هانی کرد» از اراذل و اوباش «مدافع حرم»... /.....

۳۴-۳۵ جزئیات جدیدی از «لاستیک گیت» و فساد ۲۲ میلیون دلاری... /.....

۳۵ حمله هوایی به کاروان تسلیحاتی نیروهای وابسته به جمهوری اسلامی در سوریه... /.....

۳۶-۳۷ موافقت نمایندگان مجلس با تأسیس سازمان حفاظت و اطلاعات قوه قضاییه... /.....

۳۷ اسکای نیوز: جمهوری اسلامی در حال تحویل پهپادهای انتحاری جدید و... /.....

۳۸ انفجارهای کرمان؛ اصرار مقامات جمهوری اسلامی به گرفتن انتقام از اسرائیل... /.....

۳۹ انفجارهای کرمان؛ «هر کسی بگوید کار خود نظام است از شیطان پیروی کرده!»... /.....

۴۰ یک چهارم کشته‌شدگان انفجارهای کرمان دانش آموز بودند... /.....

۴۰ صدای انفجار مهیب اطراف دریاچه بختگان... /.....

۴۱ رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح کرمان: «پیش از انفجارها از تهدیدات خبر... /.....

۴۲ روند رشد جمعیت کندتر شد؛ ایدئولوژی یک کردن فرزندان آوری نتیجه... /.....

۴۳ پیامدهای گرانی اینترنت؛ سقوط نمودار مشتریان شاغلان در فضای مجازی... /.....

۴۴-۴۵ دلار در مرز ۵۲ هزار تومان؛ غلبه واقعیت اقتصاد بر سیاست‌های دستوری... /.....

۴۵ خبرنگاری که می‌خواست از معاون تروود در باره تروورستی اعلام کند... /.....

۴۶ ادامه حملات حوثی‌ها به کشتی‌های تجاری... /.....

۴۷ روزنامه «تلگراف»: حدود ۲۰۰ نفر از حوثی‌ها در دانشگاه علوم و فنون دریایی... /.....

۴۸ مرگ ماهانه ۱۸۰ کارگر در ایران به دلیل حادثه در محیط کار... /.....

۴۹ گابریل آتال اولین نخست‌وزیر همجنسگرای فرانسه... /.....

۵۰-۵۱ مالچ‌باشی و مومیایی دریاچه ارومیه... /.....

۵۱ سر نوشت افزایش قیمت بنزین در دست سران قوا... /.....

۵۲ سدهای کشور یکی پس از دیگری در حال خشک شدن هستند... /.....

۵۳ فرزندان آوری با امکانات صفر و هزینه‌های نجومی... /.....

۵۴-۵۵ خبرهای کوتاه... /.....

۵۶ پشت جلد - عکس هفته / یسنا: از زندگی سیرم!.....

بازنشر
بازنشر



سرمقاله

گذشته‌ای که آینده را می‌گذد!

طبق تعاریف بین‌المللی افراد زیر ۱۸ سال کودک به شمار می‌روند. نظام‌های حقوقی و قوانین مدنی و کیفری نیز در کشورهای که حکومت‌های عادی دارند و حقوق بشر در آنها به درجات مختلف از کم تا زیاد رعایت می‌شود، بر همین اساس تنظیم می‌شوند. از این نظر، مسئولیت مدنی و کیفری کودکان نیز با بزرگسالان یکسان نیست.

در ایرانی که تحت مناسبات گذشته‌ی قرون وسطایی اداره می‌شود اما حقوق کودک و بزرگسال زیر پا گذاشته شده و قوانین در حقوق مدنی و جزا اساساً بویی از جهان مدرن و



تحولات نوین نبرده است. وقتی حقوق انسان شهروند در مرکز سیستم سیاسی و حقوقی قرار ندارد، مشکلات اجتماعی و فرهنگی که به عنوان «ناهنجاری» طبقه‌بندی می‌شوند، نه تنها کاهش نمی‌یابند بلکه مرتب بازنویسی می‌شوند. بر این مجموعه می‌بایست فشارهای تحمیلی و مزاحمت‌های روزانه‌ی انواع مأموران محسوس و نامحسوس رژیم در در کوچه و خیابان و مدارس و دانشگاه و محل کار نیز اضافه کرد. مسائل اقتصادی، از بیکاری و بی‌مسکنی تا گرانی نجومی نیازهای ضروری، بخش مهم دیگری از این شرایط غیرانسانی است که با هیچ تصویری از زیبایی‌های ایران و شماری از زنان بی‌حجاب در شهرهای مختلف و محلات خوش‌نشین نمی‌توان آن را لاپوشانی کرد. در این میان نه تنها «خودکشی» به عنوان راه رهایی فردی از مشکلات خارج از شرایط روحی و جسمی بزرگسالان، بلکه خودکشی کودکان نیز سال‌هاست در ایران به یک معضل غم‌انگیز و هشداردهنده تبدیل شده است.

داشتن این توقع از جمهوری اسلامی که به مقابله با این مشکل بپردازد بیهوده است چرا که خودش عامل اصلی مرگ و میر مستقیم و غیرمستقیم در ایران و همچنین قاتل کودکان و جوانانی است که اتفاقاً با شور زندگی و برای زندگی به اعتراض علیه رژیم می‌پردازند. به همین دلیل خودکشی سینا ۱۲ ساله در یاسوج که با خط کودکان‌اش نوشته «از زندگی سیرم» و در نبودنش نیز نگران خواهر کوچکش است، و یا ده‌ها مورد دیگر از خودکشی کودکان، اساساً برای حکومت اهمیتی ندارد! کودکان اما معروف است که آینده‌ی هر کشوری هستند. وقتی خود حکومت عامل و مولد چنین وضعیتی است، جامعه‌ی ایران که با هر اعتراضی با سرکوب و وحشیانه و مرگبار روبرو می‌شود چه می‌تواند بکند تا این گذشته‌ی از گور قرون برآمده، آینده‌اش را نگذرد. آنهم در حالی که تا کنون نیز طی چهار دهه گذشته، آینده‌ی دو نسل را تباہ کرده است! مسئولیت خودکشی‌هایی که معلول شرایط سیاسی و اقتصادی هستند، با کیست جز آنکه علت آنست؟!

خودکشی پدیده‌ای بشری و جهانیست؛ همیشه بوده و باز هم خواهد بود. اما وقتی زیاد می‌شود و سن خودکشی به کودکان ده یازده ساله می‌رسد، باید زنگ خطر را برای همه به صدا درآورده باشد. پیامدهای مرگبار جمهوری اسلامی بیش از همه گریبان ایرانیان را از همه نظر گرفته و هرچه این شرایط استمرار پیدا می‌کند، آینده‌ی کشور با ابهام بیشتری روبرو می‌شود. آینده‌ای که کودکان امروز، خود را سازندگان آن نمی‌بینند. درست همانطور که کودکان دهه شصت و هفتاد و هشتاد خورشیدی، سازندگان آینده‌ی کشور، امروز، نبودند!

تیر هفته

شکار فرماندهان «محور مقاومت»
تکمیل می‌شود؟

● **تروریسم دولتی در دل خاورمیانه ریشه دوانده است و عملیات نظامی و یا ترور صرفاً می‌تواند گام‌های موقت ابتدایی برای مهار دائمی و در بلندمدت نابودی قطعی آنها باشد.**

گزارش داد استراتژی اسرائیل در حملات بعد از «هفت اکتبر» تغییر یافته و مرگبارتر شده و در تحمیل تلفات سنگین به حزب‌الله دیگر «محتاط» نیست و همچنین در حملات هوایی با بمباران سنگین سیستم‌های دفاعی و تسلیحاتی وابسته به رژیم ایران را در سوریه هدف قرار می‌دهد.



اسرائیل در منطقه و جهان تنها نیست

اسرائیل در جنگ علیه تروریسم از بالاترین سطح حمایت از سوی متحدان خود برخوردار است. از نخستین روزهای آغاز عملیات «شمشیرهای آهنین»، آمریکا با هواپیماهای غول‌پیکر باری ده‌ها تانک سلاح و مهمات به اسرائیل منتقل کرد. آلمان صدور مجوز ارسال تسلیحات برای اسرائیل را ۱۰ برابر کرده و بعد از «هفت اکتبر» درخواست‌های اسرائیل برای سلاح و مهمات را در اولویت قرار داده است. شرکت‌های تسلیحاتی بریتانیایی نیز با وجود اعتراض گسترده فلسطینی‌های حامی حماس در این کشور با وجود عدم رضایت دولت، اقدام به صادرات انواع سلاح و مهمات برای اسرائیل می‌کنند.

همزمان بخشی از همکاری دولت‌های خارجی با اسرائیل در حوزه اطلاعاتی پیش می‌رود. موازی با این تحولات، ارتش اسرائیل در همکاری با ارتش اردن باندهای قاچاق سلاح و مواد مخدر مرتبط با جمهوری اسلامی را در مرز با اردن هدف قرار می‌دهد.

اسرائیل فهرستی از اهداف خود را برای این عملیات اعلام کرده که اصلی‌ترین آن نابودی حماس در غزه ←

دستگاه‌های امنیتی و نظامی اسرائیل چهار ماه پس از آغاز عملیات در غزه کارزاری ویژه را برای ترور فرماندهان ارشد حماس و حزب‌الله پیش می‌برند که بی‌سابقه است. بجز شمار معدودی از این فرماندهان مثل صالح العاروری نفر دوم حماس، اغلب آنها گمنام بوده‌اند اما بعد از ترورشان مشخص شد که نقش و مسئولیت‌های مهم میدانی داشتند. حتا برخی از آنها با قاسم سلیمانی فرمانده نیروهای قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از نزدیک در ارتباط بودند و بعد از او نیز با اسماعیل قاتنی و «سپاه قدس» به‌طور مستقیم کار می‌کردند.

انتقام سخت اسرائیل علیه «محور مقاومت»

علی‌اکبر ولایتی مشاور عالی علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی در واکنش به حذف فرماندهان ارشد گروه‌های شبه‌نظامی که توسط جمهوری اسلامی تأمین مالی و تسلیحاتی می‌شوند گفت که با این «ترورهای بزدلانه» جریان مقاومت اسلامی نه تنها متوقف نخواهد شد بلکه روز به روز قدرتمندتر و مقتدرتر می‌شود.

در این میان، اگرچه تب «انتقام سخت» علیه اسرائیل به ویژه بعد از ترور رضی موسوی مسئول تدارکات «سپاه قدس» در سوریه بین هواداران نظام بالا گرفته است اما دست‌کم سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در مواضع رسمی خود چنین وا نمود می‌کند که عجله‌ای برای تلافی ندارد. در همین ارتباط این نهاد نظامی-ایدئولوژیک ۱۳ دی‌ماه در بیانیه‌ای اعلام کرد «صبر راهبردی مقاومت و حزب‌الله تحت تأثیر آمل و آرزوهای شوم رژیم صهیونیستی و حامیان آن، از مدار عقلانیت و منطق و نگاه به الزامات غلبه بر اشغالگران قدس و غاصبان فلسطین دور نخواهد شد.»

اسرائیل در دو جبهه با حماس در غزه و حزب‌الله در جنوب لبنان در جنگ است اما همزمان عملیات خود را علیه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و گروه‌های شبه‌نظامی وفادار و وابسته به سپاه در سوریه و مرز عراق افزایش داده است. شماری از ناظران می‌گویند اسرائیل روش نبرد با دشمنان منطقه‌ای خود را تا حدود زیادی نسبت به گذشته تغییر داده است. خبرگزاری رویترز ۱۹ دی‌ماه ۱۴۰۲ به نقل از چند منبع امنیتی

پیام شهبانو فرح پهلوی به مناسبت سالروز ۱۷ دی ۱۳۱۴ آزادی و نوجوهای زنان ایران: هویت نوین زن ایرانی با این روز گره خورده است



عمومی برای همه ایرانیان نداشت، با همتی شاهانه و اراده‌ای پولادین، به تلاش‌های آزادیخواهانه زنان ایرانی از دوره مشروطیت، مَهر تاسیس و تثبیت زد؛ زن ایرانی را از بند ارتجاع خارج کرد و نیمه‌ی محذوف جامعه را به صحنه‌ی فعالیت اجتماعی و سیاسی آورد.

من هر سال، روز ۱۷ دی را عمیقاً گرامی می‌دارم چرا که هویت نوین زن ایرانی با این روز گره خورده است.

آزادی زن ایرانی به دست رضاشاه بزرگ که بعدها در دوره پادشاه فقید ایران، محمدرضا شاه پهلوی ابعاد گسترده‌تری یافت؛ چنان در تار و پود جامعه ایران تنیده شد که حتی فتنه ۵۷ و رژیم واپسگرایی برآمده از آن نیز نتوانست آن پیشرفت‌ها را بطور کامل به عقب براند.

اکنون بسیاری از زنان جوان ایرانی بدون آنکه در دوران دو پادشاه ایران‌ساز پهلوی زیسته باشند، از آنها به نیکی یاد می‌کنند و خواهان بازگشت قطار ایران به راه پیشرفت و آزادی‌های آن دوران هستند.

باور دارم که در مبارزه دوشادوش شیرزنان و دلیرمردان ایران با اهریمنی که بر کشور ما حاکم است، نور در نهایت بر تاریکی پیروز خواهد شد، و ایران بار دیگر در مسیر آزادی، رفاه و پیشرفت قرار خواهد گرفت.»

رویش و زایش آنها ادامه خواهد شد. چنانکه مقامات اسرائیل بارها تأکید کرده‌اند سر اختاپوس در تهران است و همه این گروه‌ها با وقوع انقلاب ۵۷ و روی کار آمدن جمهوری اسلامی در ایران مثل قارچ تأسیس و تأمین شده‌اند.

به نظر می‌رسد، فشار حداکثری و تشدید تحریم‌ها و نظارت بر انجام درست آنها علیه حکومت و زمامداران ایران و تقویت و حمایت از مردم معترض در ایران با حمایت حداکثری در مقابل رژیم سرکوبگر که به تغییرات بنیادی توسط خود مردم در کشور منجر شود، نه فقط تنها گزینه اسرائیل و متحدان آن برای بازگرداندن ثبات به خاورمیانه است، بلکه راه رشد و رفاه و همکاری‌های منطقه‌ای از جمله تقویت «پیمان ابراهیم» و شکل گرفتن «پیمان کوروش» جز با تغییر رژیم در ایران به یک حکومت سکولاردموکراتیک ممکن نیست. البته اگر منافع سیاسی و اقتصادی بازیگران منطقه‌ای و جهانی در گرو استمرار بحران فعلی در خاورمیانه نباشد!

حامد محمدی

● «می‌توان از آزادی و نوجوهای زنان ایران گفت ولی از ۱۷ دی ۱۳۱۴ سخن به میان نیاورد. روزی که با تصمیم رضاشاه بزرگ، حجاب جهل از سر و صورت زن ایرانی کنار زده شد تا میهن باستانی ما شاهد درخشش زنان توانمندی باشد که سال‌ها در پستوی تعصب و واپسگرایی اسیر بودند.»

● «باور دارم که در مبارزه دوشادوش شیرزنان و دلیرمردان ایران با اهریمنی که بر کشور ما حاکم است، نور در نهایت بر تاریکی پیروز خواهد شد، و ایران بار دیگر در مسیر آزادی، رفاه و پیشرفت قرار خواهد گرفت.» شهبانو فرح پهلوی در پیامی به مناسبت هشتاد و هشتمین سالگرد ۱۷ دی ۱۳۱۴، روز کشف حجاب و آزادی زنان، در پیامی بر آزادیخواهی و نوجوهای زنان ایران تأکید کرد.

متن این پیام به شرح زیر است:

«می‌توان از آزادی و نوجوهای زنان ایران گفت ولی از ۱۷ دی ۱۳۱۴ سخن به میان نیاورد. روزی که با تصمیم رضاشاه بزرگ، حجاب جهل از سر و صورت زن ایرانی کنار زده شد تا میهن باستانی ما شاهد درخشش زنان توانمندی باشد که سال‌ها در پستوی تعصب و واپسگرایی اسیر بودند. رضاشاه که در حکومت‌داری پربارش، انگیزه‌ای جز خیر

پشت آنها هستند در عمل توسعه‌دهنده‌ی تروریسم دولتی‌اند و از همان دولت‌ها نیز مستقیم و غیرمستقیم تأمین مالی و تسلیحاتی می‌شوند. هر کدام از آنها نیز با دولت‌های خودشان در پیوند قرار دارند. حشدالشعبی بخشی از نیروهای مسلح عراق است. اعضای حزب‌الله در کابینه لبنان وزیر و در مجلس آن کشور نماینده دارند. تروریست‌های حماس تا پیش از این در غزه حکومت را در دست داشتند و دولت‌هایی مثل قطر و مصر با رهبران آنها مرادو داشتند. حوثی‌ها نیز عملاً بخش عمده‌ای از خاک یمن را در اختیار دارند و پایتخت را اداره می‌کنند.

تروریسم دولتی در دل خاورمیانه ریشه دوانده است و عملیات نظامی و یا ترور صرفاً می‌تواند گام‌های موقت ابتدایی برای مهار دائمی و در بلندمدت نابودی قطعی آنها باشد. از میان برداشتن فرماندهان «محور مقاومت» و خنثی کردن نیروهای آن به راهکارهای تکمیلی نیاز دارد چرا که تا منشاء مالی و تسلیحاتی و پایگاه سیاسی- عقیدتی آنها از بین نرود،

است اما این را نیز تأیید کرده که زمان دستیابی به این هدف مشخص نیست. روزنامه «تایمز» می‌نویسد «این وضعیت تقریباً در همه جنگ‌های اسرائیل از سال ۱۹۴۸ وجود داشته است، زیرا مشکلات این کشور ماهیت سیاسی دارند و نه فقط چیزی که نیروی نظامی به تنهایی قادر به حل آن باشد. این واقعیت به این معنی است که بجای اینکه عملیات «شمشیرهای آهنین» پس از تکمیل اهداف اسرائیل به پایان برسد، زمانی به پایان خواهد رسید که دولت‌های پیشرو (اغلب آمریکا) تشخیص دهند که ارتش اسرائیل از حد فراتر رفته است. در اینصورت- مانند دیگر جنگ‌های اسرائیل- این جنگ نیز پایان خواهد یافت.»

شکار فرماندهان شبه‌نظامیان و تروریست‌های نیابتی

اما با توجه به وضعیت موجود این پرسش مطرح می‌شود که آیا ترور فرماندهان ارشد گروه‌های شبه‌نظامی و تروریستی نیابتی می‌تواند تهدیدات علیه اسرائیل را مهار کند؟ شماری از تحلیلگران معتقدند اسرائیل برای پیشبرد اهداف خود در غزه و حتا در راهبردهای میدانی با محدودیت‌های بازدارنده‌ی بسیاری حتا از سوی متحدان خود روبروست. تاکتیک ضدبشری «سپر انسانی» که محور دفاع گروه‌های شبه‌نظامی وابسته به جمهوری اسلامی است کار را برای یگان‌های نظامی اسرائیل بسیار دشوار می‌کند.

از سوی دیگر تقریباً در همه رده‌های فرماندهی میان اعضای ارشد گروه‌های نیابتی رقابت زیادی برای گرفتن موقعیت جریان دارد. به این معنا که حذف یک یا چند نفر از آنها به معنای مختل شدن فعالیت آنها نیست و همیشه افرادی هستند که مشتاقانه منتظر جانشینی آنها بوده‌اند! آموزش‌های مکتبی و ایدئولوژیک از یکسو و دسترسی به منابع مالی و امکانات بیشتر، انگیزه‌ی افراد را برای جانشینی فرماندهانی که ترور می‌شوند افزایش می‌دهد. بنابراین خلاء آنها در کوتاه‌مدت جبران خواهد شد. فراتر از اینها برای رژیم اسلامی در ایران به عنوان کارفرما، از بین رفتن این مهره‌ها چندان اهمیت ندارد زیرا تا زمانی که بر سر قدرت است، برنامه‌های خود را علیه اسرائیل از کانال‌های دیگر و در موقعیت‌های دیگر می‌تواند دنبال کند.

به این ترتیب، حتا اگر ترورها به مرحله‌ای برسد که اسماعیل هنیه یا حسن نصرالله هدف نهایی آن قرار گیرند، باز هم می‌تواند برای خنثی کردن تهدیدات علیه اسرائیل، راه حل نهایی باشد. ضمن اینکه بعضی از دولت‌های منطقه و حتا غربی‌ها ترجیح می‌دهند موقعیت شماری از رهبران و فرماندهان گروه‌های شبه‌نظامی تغییر نکند زیرا نتوانسته‌اند پل‌های ارتباطی با آنها برقرار کنند که در مواردی تأمین‌کننده منافع آنهاست و می‌خواهند این موقعیت به خطر بیفتد. به عنوان مثال در شرایطی که همه آماده بودند حزب‌الله بعد از «هفت اکتبر» با اسرائیل یک درگیری تمام‌عیار را آغاز کند، از چند مسیر به این گروه پیام داده شد که با آتش بازی نکند و تا حدود زیادی نیز این پیام هشدار دریافت شد.

تروریسم دولتی

واقعیت اینست که تنش درخاورمیانه برای برخی بازیگران دولتی و غیردولتی منفعت دارد. اینکه شریان‌های اقتصادی غرب و شرکای آن دائم در تهدید باشند یا زبان بدهند، به نفع چین و روسیه است. همچنین کم نیستند کارتل‌ها اقتصادی و دلال‌های بین‌المللی که در مواقع بحران، نفوذ و انگیزه‌ی آنها برای تشدید بحران به مراتب از سیاستمداران که برای آرام کردن اوضاع تلاش می‌کنند، بیشتر است.

حزب‌الله، حماس، حشدالشعبی و حوثی‌ها با القاعده و داعش تفاوت دارند. گروه‌های شبه‌نظامی که جمهوری اسلامی

جاسوسان هلندی هویت «مهندس» را در فلج کردن پروژه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران پنهان کردند



تصویر ماهواره‌ای تأسیسات اتمی نطنز مربوط به ۱۴ آوریل ۲۰۲۱ که توسط شرکت «پلانت لابس/ Planet Labs» تهیه شده است

اطلاعات هلند به وجود آورد. یکی از منابع اطلاعاتی گفته: «او بهای زیادی پرداخت کرد.»

با وجود سوءظن‌ها اما دوستان و خانواده او گفته‌اند که هیچ مدرکی مبنی بر قتل او وجود ندارد.

یان پیتر بالکننده نخست وزیر وقت هلند با توجه به کنوانسیون سرویس مخفی آن کشور و عدم تحمیل فعالیت‌های مخاطره‌آمیز به وی، از این ماجرا آگاه نشده بود. انتظار می‌رود این افشاگری‌ها جنجال‌های سیاسی برانگیزد. ویم کویکن یک مقام ارشد سابق هلندی گفته: «فکر می‌کنم نخست وزیر باید به دلیل پیامدهای ژئوپلیتیک احتمالی از این ماجرا مطلع می‌شده است.»

به گزارش کیهان لندن در شهریور ۱۳۹۸ به نقل از روزنامه فولکس کرانت هلند، چهار منبع اطلاعاتی که نام آنها افشا نشده، گفته بودند که سرویس اطلاعاتی هلند (AIVD) به سرویس‌های اطلاعاتی آمریکا و اسرائیل در حمله سایبری به تأسیسات نطنز با بدافزار استاکس‌نت کمک کرده است. این روزنامه در سال ۲۰۱۹ از جمله نوشته بود که «از عوامل این حمله یک مهندس ایرانی دستگاه‌های اطلاعاتی هلند در داخل ایران بود که به درخواست سیا و موساد استخدام شده بود. اطلاعاتی که این فرد به آمریکا داد کمک کرد بدافزار استاکس‌نت وارد سیستم‌های نطنز شود.

سیا و موساد در سال ۲۰۰۴ از هلند خواسته بودند برای دسترسی به نطنز به آنها کمک کند و این شخص که مهندس مکانیک بود در سال ۲۰۰۷ استاکس‌نت را وارد سیستم‌های دیجیتال نطنز کرد. بنا بر این گزارش او برای شرکتی صوری کار می‌کرد که در نطنز پروژه داشت.»

بر اساس این گزارش، هدف این عملیات موسوم به «بازی‌های المپیک» نه تخریب برنامه اتمی ایران بلکه ضربه زدن به آن برای به دست آوردن زمان و به نتیجه رسیدن تلاش‌های دیپلماتیک جمهوری اسلامی بود.

*منبع: تایمز

*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

بدافزار استاکس‌نت که در سال ۲۰۱۰ برای نخستین بار شناسایی شد، محصول مشترک آمریکا و اسرائیل بود و برای ضربه زدن به برنامه‌های اتمی جمهوری اسلامی طراحی شده بود. نقش این مهندس در سال ۲۰۰۶ با دیدار مایکل هیدن، مدیر وقت سازمان سیا، که با سرویس اطلاعات نظامی هلند، MIVD/AIVD، در لاهه گفتگو کرد، آغاز شد. او آنچه را به عنوان یک «ماموریت فوق سری» توصیف می‌شود، چنین فاش کرد که از یک «شاهکار فنی» برای تعطیل کردن برنامه غنی‌سازی اورانیوم رژیم ایران استفاده می‌کند.

ون سابن با انجام نصب پمپ‌های آب حامل بدافزار که پس از آن باعث می‌شد تقریباً ۱۰۰۰ سانتریفیوژ اورانیوم ایران از بین برود و توسعه تسلیحات برای چندین سال به تعویق بیفتد، باید «نقش اساسی» را ایفا می‌کرد.

سرویس مخفی هلند می‌دانست که او درگیر این پروژه بوده، اما از جزئیات ویروس این طرح که بعداً در اینترنت پخش شد، بی‌اطلاع بود. یک جاسوس هلندی به روزنامه Volkskrant که روز دوشنبه ۸ ژانویه نقش این مهندس را فاش کرده، گفت: «آمریکایی‌ها از ما استفاده کردند» و «این درواقع یک اقدام جنگی بود.»

مشخص نیست که آیا خود مهندس هلندی نیز دقیقاً می‌دانست که این عملیات شامل چه مواردی می‌شود یا نه، اما به گفته خانواده و همسرش، او کاملاً آگاه بود که باید هرچه زودتر ایران را ترک کند و جشن‌های سال نو خانواده در ۲۰۰۹ بطور ناگهانی به پایان برسد.

به نوشته نشریه فولکس کرانت Volkskrant، با آنکه ون سابن «به کار در موقعیت‌های به شدت خطرناک و تحت فشار بالا عادت کرده بود، اما به نظر می‌رسید وحشت‌زده بوده است». آلتوش همسر وی گفته: «او بسیار ناراحت بود و اصرار داشت که به سرعت ایران را ترک کنیم.»

دو هفته بعد، در ۱۶ ژانویه ۲۰۰۹، ون سابن پس از انحراف و واژگون شدن موتورسیکلت‌اش از جاده، گردنش شکست و جان باخت. مرگ او پرسش‌هایی در سازمان

● اریک ون سابن با پخش ویروس کامپیوتری «استاکس‌نت» برنامه تسلیحاتی تهران را به خطر انداخت. چند هفته بعد، پیکر بی‌جان او در جاده پیدا شد.

یک مهندس هلندی در مأموریت خرابکاری در برنامه تسلیحات هسته‌ای رژیم ایران با یک ویروس کامپیوتری پیچیده به عنوان بخشی از مأموریت ایالات متحده و اسرائیل، بدون اطلاع دولت کشور خود (هلند) «نقش بسیار پراهمیتی» ایفا کرد.

اریک ون سابن در روزهای پایانی سال ۲۰۰۸ ویروس کامپیوتری «بسیار پیشرفته» معروف به «استاکس‌نت» را در سیستم‌های کامپیوتری نیروگاه هسته‌ای زیرزمینی نطنز منتشر کرد و برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران را متوقف نمود. او دو هفته بعد در یک تصادف جاده‌ای کشته شد. این عملیات مخفی بخشی از یک مأموریت آمریکایی و اسرائیلی بود که به عنوان «فوق سری» طبقه‌بندی شده و بطور مشترک توسط سازمان‌های اطلاعاتی سیا و موساد انجام گرفت. پروژه‌ی انجام این طرح سال‌ها در دست اجرا بود اما با یک مشکل بزرگ مواجه بود: نحوه ورود یک مامور و نرم‌افزار خرابکاری به تأسیسات اتمی ایران که به شدت محافظت می‌شود.

ون سابن ۳۶ ساله با قبول انجام این پروژه، این مشکل را حل کرد. قهرمان ناشناخته عملیاتی که برنامه پب اتمی ایران را سال‌ها به تعویق انداخت، در سال ۲۰۰۵ از سوی سرویس‌های اطلاعاتی هلند به خدمت گرفته شده بود.

او به عنوان یک مهندس عمران، تماس‌های زیادی در خلیج فارس که ۱۲ سال در آنجا زندگی نیز کرده بود داشت. او همچنین با ایران ارتباط داشت و غالباً با خانواده همسر ایرانی‌اش دیدار و در آنجا کار می‌کرد.

ماموریت او و توسعه ویروس «استاکس‌نت» با هزینه‌ای بالغ بر ۲ میلیارد دلار، توسط رئیس‌جمهورهای وقت ایالات متحده، جرج بوش (پسر) و باراک اوباما امضا شده بود و یکی از محرمانه‌ترین برنامه‌های سری در جهان بود.

رویترز: حملات اسرائیل به پایگاه‌های «سپاه قدس» و نیابتی‌ها در سوریه مرگبارتر شده است



تشییع جنازه رضی موسوی مسئول تدارکات «سپاه قدس» که در سوریه کشته شد

فرمانده ائتلاف حامی سوریه گفت که حملات پهبادهای اسرائیلی در «هشت دسامبر» منجر به کشته شدن سه نیروی حزب‌الله شد که قصد عملیات احتمالی در شمال اسرائیل را داشتند و حمله دیگری به قنبره در جنوب سوریه دو جنگجوی حزب‌الله را که مسئول انتقال سلاح بودند، هدف قرار داد.

چهار نفر دیگر در اواخر دسامبر در حمله به ساختمان‌ها و کامیون‌های مورد استفاده گروه‌های شبه‌نظامی وابسته به حکومت ایران در امتداد مرز شرقی سوریه با عراق کشته شدند.

این حملات همچنین به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در سوریه نیز ضربه زده است. یک حمله در اوایل دسامبر دو تن از اعضای سپاه را کشت. رضی موسوی مسئول تدارکات سپاه قدس نیز در دمشق کشته شد.

یک منبع آگاه با تفکرات و عملیات حزب‌الله در سوریه می‌گوید: «او قبل از واقعت جدیدی که پس از هفت اکتبر شکل گرفت، کشته نمی‌شد... برخی دیگر به زیرساخت‌ها در جنوب سوریه ضربه زده‌اند: یک پایگاه دفاع هوایی در ۲۸ دسامبر پس از اصابت یک سیستم دفاع ضد هوایی نیز مورد حمله قرار گرفت.»

این افسر اطلاعاتی سوریه گفت که حملات به تجهیزات دفاعی حتی قبل از اینکه نیروها بتوانند آن را نصب کنند، مورد اصابت قرار گرفته است. فرودگاه‌های دمشق، پایتخت سوریه و شمال حلب، که رژیم ایران از آنها برای انتقال تسلیحات استفاده می‌کرد، تقریباً بطور مداوم در اثر حملات از دسترس خارج شده‌اند.

اسرائیل به بشار اسد می‌گوید: شما به ایرانی‌ها و حزب‌الله اجازه می‌دهید سلاح‌ها را انتقال دهند و خودشان سنگر بگیرند، بنابراین ما خط زندگی شما را بهم می‌زنیم و شما هستید که خودتان را در تنگنا خواهید دید.

از ۱۳۰ عضو حزب‌الله نیز در جنوب لبنان توسط اسرائیل کشته شده‌اند.

ارتش اسرائیل به پرسش‌های رویترز درباره تشدید کارزار خود پاسخی نداد. یک مقام ارشد اسرائیلی که خواست نامش فاش نشود، به خبرنگاران گفت که آغازگر این حملات حزب‌الله بوده و راهبرد اسرائیل گرفتن انتقام است.

فرمانده ارتش اسرائیل ماه گذشته در پاسخ به پرسشی درباره حملات اسرائیل به سوریه گفت که نیروهای اسرائیلی در سرتاسر منطقه کار می‌کنند و «هر اقدام لازم» را برای نشان دادن عزم اسرائیل برای دفاع از خود انجام می‌دهند.

اسرائیل سال‌ها پیش حمله به اهداف مرتبط با جمهوری اسلامی ایران در سوریه را آغاز کرد، اما منابع آشنا با این حملات گفتند که به نظر می‌رسد در صورت امکان از کشته شدن اعضای حزب‌الله جلوگیری می‌کرد.

یک افسر اطلاعاتی منطقه‌ای گفت که اسرائیل بیم آن دارد که تعداد زیاد تلفات باعث انتقام حزب‌الله لبنان علیه روستاهای اسرائیلی در آنسوی مرز شود.

این افسر افزود، اما با تبادل آتش در حال حاضر به صورت روزانه پس از حمله «هفت اکتبر» اسرائیل مایل است در کشتن حزب‌الله لبنان در سوریه «کمتر محتاط و مهارشده عمل کند.»

حسن نصرالله، رهبر حزب‌الله در یک سخنرانی تلویزیونی در «پنجم ژانویه» گفت که این گروه «تعدادی از جنگجویان خود را در گلوله‌باران اسرائیل در چند نقطه در سوریه در سه ماه گذشته از دست داده است... ما قبل از عملیات توفان الاقصی یک الگو داشتیم- اگر برادران ما را در سوریه بکشند، در جبهه لبنان پاسخ می‌دهیم- که آرام بود. عملاً شرایط این فرمول تغییر کرده است- چرا؟ اکنون تمام جبهه روشن است.»

● یک افسر اطلاعات ارتش سوریه و یک فرمانده در ائتلاف منطقه‌ای حامی رژیم اسد گفتند که اسرائیل استراتژی‌های خود را پس از حمله «هفت اکتبر» توسط جنگنده‌های حماس به خاک اسرائیل تغییر داده است.

● فرمانده ائتلاف منطقه‌ای و دو منبع دیگر که با تفکر حزب‌الله آشنا هستند، گفتند که اسرائیل «قواعد بازی» ناگفته‌ای را که قبلاً حملاتش در سوریه را مشخص می‌کرد، کنار گذاشته و به نظر می‌رسد در مورد وارد کردن تلفات سنگین به حزب‌الله در آنجا «دیگر محتاط» نیست.

● این فرمانده با تشریح حملات اسرائیل به انتقال تسلیحات توسط حزب‌الله قبل از حمله حماس گفت: «آنها قبلاً وقتی شلیک می‌کردند نزدیک کامیون می‌زدند، بچه‌های ما از کامیون خارج می‌شدند و سپس کامیون را می‌زدند... اکنون از این روش خبری نیست. اسرائیل در حال حاضر حملات هوایی مرگبارتر و مداوم‌تری را علیه سیستم‌های دفاعی و تسلیحاتی [رژیم] ایران در سوریه انجام می‌دهد. آنها مستقیماً همه را بمباران می‌کنند. آنها بمباران می‌کنند تا بکشند.»

شش منبع آگاه به رویترز گفتند که اسرائیل در حال انجام موج بی‌سابقه‌ای از حملات مرگبار در سوریه است که کامیون‌های باری، زیرساخت‌ها و افراد شریک در خطوط حیاتی تسلیحاتی جمهوری اسلامی و گروه‌های نیابتی وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را هدف قرار می‌دهد.

این منابع، از جمله یک افسر اطلاعات ارتش سوریه و یک فرمانده در ائتلاف منطقه‌ای حامی رژیم اسد، گفتند که اسرائیل استراتژی‌های خود را پس از حمله «هفت اکتبر» توسط جنگنده‌های حماس به خاک اسرائیل تغییر داده است.

به گفته این منابع، اگرچه اسرائیل برای سال‌ها به اهداف مرتبط با جمهوری اسلامی در سوریه، از جمله مناطقی که گروه مسلح حزب‌الله لبنان در آن فعال بوده است، حمله می‌کند، اما اکنون حملات هوایی مرگبارتر و دامنه‌دارتری را علیه انتقال تسلیحات و سیستم‌های دفاع هوایی جمهوری اسلامی در سوریه انجام می‌دهد.

فرمانده ائتلاف منطقه‌ای و دو منبع دیگر که با تفکر حزب‌الله آشنا هستند، گفتند که اسرائیل «قواعد بازی» ناگفته‌ای را که قبلاً حملاتش در سوریه را مشخص می‌کرد، کنار گذاشته و به نظر می‌رسد در مورد وارد کردن تلفات سنگین به حزب‌الله در آنجا «دیگر محتاط» نیست.

این فرمانده با تشریح حملات اسرائیل به انتقال تسلیحات توسط حزب‌الله قبل از هفتم اکتبر گفت: «آنها قبلاً وقتی شلیک می‌کردند نزدیک کامیون می‌زدند، بچه‌های ما از کامیون خارج می‌شدند و سپس کامیون را می‌زدند... اکنون از این روش خبری نیست. اسرائیل در حال حاضر حملات هوایی مرگبارتر و مداوم‌تری را علیه سیستم‌های دفاعی و تسلیحاتی [رژیم] ایران در سوریه انجام می‌دهد. آنها مستقیماً همه را بمباران می‌کنند. آنها بمباران می‌کنند تا بکشند.»

بر اساس آمار رویترز، طی حملات هوایی سه ماه اخیر ۱۹ عضو حزب‌الله در سوریه کشته شدند. در همین مدت پیش

تنور سرد انتخابات مجلس شورای اسلامی تهدیدهای خامنه‌ای و درگیری «خودی»ها



نمایندگان یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی

عمومی با هدف گرم کردن تنور انتخابات صورت گرفته است. بخش دیگری از تحلیلگران نیز رقابت‌های بین جناحی حکومت برای کسب سهم بیشتر از کرسی‌های مجلس شورای اسلامی را در جهت دسترسی حداکثری به یکی از مهمترین شاهرگ‌های توزیع رانت و قدرت و فساد ارزیابی می‌کنند. در چنین شرایطی اصولگرایان که حالا در دولت دست بالا را دارند کمتر نگران هستند اما همزمان اصلاح‌طلبان فعالیت گسترده‌ای برای کسب سهمی از کرسی‌های مجلس شورای اسلامی دارند. شماری از چهره‌های شاخص اصلاح‌طلب هفته گذشته در دیدار با ابراهیم رئیسی معروف «قاضی مرگ» شرکت کردند تا بار دیگر بتوانند برای حفظ مشروعیت جمهوری اسلامی و ایفای نقش و کسب قدرت گامی موثر بردارند. محمد قوچانی، علی ربیعی، مجید انصاری، محمدعلی ابطحی، مصطفی کواکبیان، حسین مرعشی، محمد هاشمی و جواد امام سخنگوی جبهه اصلاحات از جمله حاضران در این نشست بودند.

علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی دو روز پیش در سخنانی در جمع مداحان درباره انتخابات گفت: «انتخابات یک وظیفه است و هر کسی با انتخابات مخالفت کند با جمهوری اسلامی و اسلام مخالفت کرده است.»

رهبر جمهوری اسلامی مدعی شده که «برخی می‌خواهند انتخابات و حضور مردم که اثبات تحقق مردم‌سالاری دینی است ضعیف و نامناسب باشد تا حرف و ایده امام بزرگوار و وعده الهی دروغ درآید که در مقابل این حرکت خصمانه، مجاهدان تبیین باید با بیان حقایق بایستند و به وظیفه خود عمل کنند.»

اینهمه در حالیست که تلاش‌های جناحین مختلف نظام برای گرم کردن تنور انتخابات تا کنون بی‌اثر بوده و مردم کوچکترین توجهی به این انتخابات که قرار است در نیمه اسفند برگزار شود ندارند. به نظر می‌رسد به همین علت است که علی خامنه‌ای تهدید کرده و عدم مشارکت در انتخابات را مخالفت با حکومت و اسلام خوانده است!

رئیس فراکسیون اهل سنت مجلس شورای اسلامی درباره رد صلاحیت خودش گفته «صلاحیت بنده به استناد بندهای ۱، ۲، ۴ و ۳۱ ماده ۳۱ رد شده است البته پیش از این صلاحیت بنده در هیئت اجرایی به استناد به بند امنیتی بنده ۴ ماده ۳۳ رد شده بود ولی الان هیئت نظارت این بند امنیتی را برداشته است. در هر صورت هیئت نظارت به دلیل عدم التزام به قانون اساسی و مواردی از این قبیل بنده را رد صلاحیت کرده است.»

این نماینده مجلس شورای اسلامی افزوده که «به نظر بنده به دلیل انتقاداتی که از دولت داشتم، ردصلاحیت شدم البته در مجلس با برخی لویای نظیر لایحه عفاف و حجاب و یا طرح صیانت مخالفت کردم، همچنین در بحث پیگیری‌ها و تحقیق و تفحص‌ها، سوال، تذکر و استيضاح وزرا نفر اول در مجلس هستم، به عبارت دیگر با فاصله زیاد از نفر دوم، از نظر نظارتی رتبه اول مجلس را دارم. از طرف دیگر بنده همیشه پیگیر مشکلات مردم بودم و از این‌رو انتقاداتی نسبت به عملکرد دولت داشتم، از بین ۶ نماینده‌ای که منتقد دولت بودند، ۴ نفر ردصلاحیت شدند. لذا فکر می‌کنم به دلیل انتقاداتی که ما از عملکرد دولت در این مدت داشتم، ردصلاحیت شدیم.»

در میان رد صلاحیت‌شدگان داوطلبان انتخابات مجلس شورای اسلامی نام محمود علوی وزیر سابق اطلاعات در دولت حسن روحانی هم به چشم می‌خورد.

محمد مهاجری فعال سیاسی اصولگرا با اشاره به رد صلاحیت‌ها از سوی شورای نگهبان، در شبکه ایکس نوشت: «با اطلاع می‌گویم تعداد قابل توجهی از چهره‌های شاخص و رأی‌آور نزدیک به علی لاریجانی در سراسر کشور توسط هیئت‌های نظارت شورای نگهبان ردصلاحیت شده‌اند. لاید برای رفع اتهام از خود، عده کمی را هم تأیید کرده‌اند. شورای نگهبان متشکریم!»

این در حالیست که برخی تحلیلگران معتقدند رد صلاحیت «خودی»ها برای ایجاد فضای رقابتی و جلب توجه افکار

● دست‌کم ۲۶ نماینده کنونی مجلس شورای اسلامی که برای شرکت در انتخابات اسفند داوطلب شده بودند رد صلاحیت شده‌اند.

● شمار دیگری از «خودی»ها مانند علی مطهری، مسعود پزشکیان، محمدباقر نوبخت و غلامرضا تاجگردون تأیید صلاحیت شدند.

● محمد قوچانی، علی ربیعی، مجید انصاری، محمدعلی ابطحی، مصطفی کواکبیان، حسین مرعشی، محمد هاشمی و جواد امام سخنگوی جبهه اصلاحات به همراه شمار دیگری از اصلاح‌طلبان هفته گذشته در نشست با رئیسی معروف به «قاضی مرگ» شرکت کردند.

حدود دو ماه به برگزاری دوازدهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی باقی مانده و جمهوری اسلامی با هیچ ترغندی نتوانسته تنور انتخابات را داغ کند اما در عوض درگیری جناحین برای اشغال کرسی‌های مجلس، نه برای خدمت به مردم، بلکه به عنوان یکی از شاهرگ‌های توزیع رانت و فساد بالا گرفته است. در این میان رئیس ستاد انتخابات کشور گفته مردم با کارت سربازی، گواهینامه، گذرنامه، کارت ملی و شناسنامه می‌توانند رأی بدهند.

هادی طحان‌نظیف سخنگوی شورای نگهبان آخر هفته گذشته از پایان مهلت ۵۰ روزه هیئت‌های مرکزی استان‌ها و هیئت مرکزی نظارت بر انتخابات برای اعلام نظر در خصوص «صلاحیت ثبت‌نام‌کنندگان انتخابات مجلس شورای اسلامی» خبر داد و گفت نتایج بررسی‌ها به وزارت کشور ارسال شده است و در دو روز آینده به داوطلبان اعلام خواهد شد.

سخنگوی شورای نگهبان با بیان اینکه ۱۱ هزار داوطلب نمایندگی مجلس در ایران تأیید صلاحیت شدند گفته بود که افراد رد صلاحیت شده این مرحله سه روز برای اعتراض فرصت دارند. رسانه‌های داخلی اما از رد صلاحیت گسترده شماری از «خودی»ها خبر داده‌اند در حالی که دیگر خبرها نشان می‌دهد شمار دیگری از «خودی»ها مانند علی مطهری، مسعود پزشکیان، محمدباقر نوبخت و غلامرضا تاجگردون تأیید صلاحیت شده‌اند. بر اساس خبرهایی که تا بامداد شنبه ۱۶ دی‌ماه منتشر شده دست‌کم ۲۶ نماینده کنونی مجلس شورای اسلامی که برای شرکت در انتخابات اسفند داوطلب شده بودند رد صلاحیت شده‌اند.

در میان آنان نام نمایندگانی که در سه سال حضور مجلس یازدهم مواضعی انتقادی به عملکرد دو دولت روحانی و رئیسی داشتند یا درباره پرونده‌های فساد یا تباکاری‌هایی چون مازوت‌سوزی در نیروگاه‌ها پرده برداشتند به چشم می‌خورد.

خبرگزاری «برنا» روز جمعه در خبری اختصاصی نام نمایندگان کنونی مجلس را که رد صلاحیت شده‌اند، منتشر کرده که در میان آنها نام افرادی چون جلال محمودزاده، احمد علیرضاییگی، معین‌الدین سعیدی، جلال رشیدی کوچی، اسماعیل حسین‌زهی، شهریار حیدری، جواد کولیوند، جعفرزاده ایمن آبادی و سید علی موسوی به چشم می‌خورد. جلال محمودزاده از جمله نمایندگان اهل سنت که رد صلاحیت شده گفته «در حال حاضر صلاحیت بیش از ۴۰ درصد نمایندگان اهل سنت مجلس شورای اسلامی توسط هیئت نظارت رد شده است، به عبارت دیگر ۱۶ نماینده اهل سنت در مجلس هستیم که ۶ نفر از ما را ردصلاحیت کردند.»

صدور احکام سنگین برای ۱۴ فعال مشروطه‌خواه از شش تا ۱۶ سال زندان، شلاق و جزای نقدی

یک سال حبس محکوم شده است. در دادگاه بدوی که در شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب تهران به ریاست قاضی محمدرضا عموزاد برگزار شده بود، رضا محمدحسینی به بیست و یک سال و هشت ماه حبس، محبوه رضایی به بیست و شش سال و پنج ماه زندان و سمانه نوروز مرادی به سیزده سال و ۹ ماه حبس مجموعاً به ۶۱ سال و ۵۵ ماه حبس و محرومیت‌های اجتماعی محکوم شده بودند. همچنین از بابت مجازات‌های تکمیلی هر یک از این افراد به دو سال منع اقامت در استان تهران و دو سال منع عضویت در احزاب گروه‌ها و دستجات سیاسی یا اجتماعی و فعالیت در فضای مجازی محکوم شده بودند. رضا محمدحسینی در حالی که بهمن‌ماه گذشته در پی اعلام عفو زندانیان سیاسی آزاد شده بود، ۱۱ اردیبهشت امسال بار دیگر با پرونده‌سازی نهادهای امنیتی بازداشت شد. او اکنون در حالی که به زندانی طولانی‌مدت محکوم شده که بر اساس گزارش‌ها بعد از جلسه دادگاه که در ۱۳ آبان ۱۴۰۲ برگزار شد، از اوین به بند انفرادی زندانیان اعدامی قزلحصار منتقل شده است. سمانه نوروز مرادی فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد کارگردانی تئاتر و فعال مشروطه‌خواه، چهارم اردیبهشت امسال توسط مأموران امنیتی جمهوری اسلامی در خانه‌اش واقع در غرب تهران بازداشت و در ۱۶ اردیبهشت به بند زنان زندان اوین منتقل شد و همچنان بلا تکلیف در زندان اوین محبوس است. او پیشتر در شهریور ۱۳۹۷ توسط سازمان اطلاعات سپاه (ساز) بازداشت و در شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران به ۸ سال حبس تعزیری محکوم شد. این حکم در دادگاه تجدید نظر، به ۳ سال و ۹ ماه حبس کاهش یافت. او در پرونده دیگری به دلیل انتشار ویدئوی سپاس‌گزاری از مردم و بانو یاسمین پهلوی نیز به پانزده ماه زندان محکوم شد. سمانه نوروز مرادی سه سال پیش در زندان به بیماری سرطان پستان مبتلا شد و به دلیل جلوگیری از درمان، این بیماری همچنان بهبود نیافته است. او اردیبهشت امسال در حالی بازداشت شد که مراحل درمان سرطان را طی می‌کرد و بر اساس گزارش‌ها حال جسمی او در زندان رو به وخامت گذاشته است. محبوه رضایی اول خردادماه بازداشت و به زندان اوین منتقل شد. بر اساس گزارش‌ها اتهامات او «اجتماع و تبانی علیه امنیت ملی» و «تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی» است. محبوه رضایی پیشتر «ارباب، شکنجه، تهدید، تعرض و تجاوز» به زندانیان و بازداشت‌شدگان افشاگری کرده بود. بازداشت محبوه رضایی پس از آن صورت گرفت که کاربری حامی مسیح علینژاد و حامد اسماعیلیون به نام علی ابراهیم‌زاده در توئیتر به دروغ نوشت که فعالان پادشاهی‌خواه با پرداخت پول به زندانیان فقیر برای شاهزاده رضا پهلوی حمایت می‌خرند. محبوه رضایی در ویدئویی پاسخ او را داد و همزمان خبرگزاری «فارس» وابسته به سپاه پاسداران به پرونده‌سازی علیه محبوه رضایی پرداخت. خبرگزاری فارس بلافاصله پس از بازداشت محبوه رضایی مدعی شد که «یک منبع آگاه به فارس گفته عامل اصلی گروه‌های سلطنت‌طلب که با پشتیبانی رسانه‌های معاند، هدایت اقدامات یک «شبکه زندان» در زندان‌های کشور را به عهده داشت، توسط اطلاعات سپاه در بوشهر دستگیر شد.»



نوروز مرادی را صادر و ابلاغ کرده است. بر اساس حکم صادره از سوی دادگاه تجدید نظر رضا محمدحسینی به چهارده سال و شش ماه حبس و جریمه نقدی، محبوه رضایی به نوزده سال و ۹ ماه حبس و پرداخت هشت میلیون تومان جزای نقدی و سمانه نوروز مرادی به یازده سال حبس محکوم شده‌اند. جزییات رأی صادرشده علیه این سه فعال مشروطه‌خواه که در یک پرونده مشترک محاکمه شدند نشان می‌دهد رضا محمدحسینی به دلیل اتهام عضویت در گروه‌های مخالف نظام با هدف برهم زدن امنیت کشور به شش سال و سه ماه حبس با احتساب ایام بازداشت قبلی، به اتهام اجتماع و تبانی به قصد ارتکاب جرم علیه امنیت کشور به شش سال و سه ماه حبس، به اتهام فعالیت تبلیغی علیه نظام جمهوری اسلامی به یک سال زندان، و به اتهام تحصیل مال از طریق نامشروع به رد دو برابر اصل مال به نفع دولت و در نهایت به اتهام تفرّد نسبت به مأمورین در حین انجام وظیفه به یک سال حبس محکوم شده است. محبوه رضایی به اتهام عضویت در گروه‌های مخالف نظام با هدف برهم زدن امنیت کشور به شش سال و سه ماه حبس با احتساب ایام بازداشت قبلی، به اتهام اجتماع و تبانی به قصد ارتکاب جرم علیه امنیت کشور به شش سال و سه ماه حبس، به اتهام فعالیت تبلیغی علیه نظام به یک سال حبس، به اتهام اهانت به مقدسات اسلام به شش سال و سه ماه حبس، به اتهام کشف حجاب و تظاهر به فساد در فضای مجازی به پرداخت هشت میلیون تومان جزای نقدی محکوم شده است.

سمانه نوروز مرادی دیگر فعال مشروطه‌خواه نیز به اتهام عضویت در گروه‌های مخالف نظام با هدف برهم زدن امنیت کشور به پنج سال با احتساب ایام بازداشت قبلی، به اتهام اجتماع و تبانی به قصد ارتکاب جرم علیه امنیت کشور به پنج سال زندان و به اتهام فعالیت تبلیغی علیه نظام به

● یازده فعال مشروطه‌خواه با صدور حکمی در پرونده‌های مشترک به پنج تا ۱۶ سال زندان، تحمل شلاق و پرداخت جزای نقدی محکوم شدند.

● محمدرضا کامرانی نژاد، وحید سرخ گل، کاظم علی نژاد برانلو، آرشام (محمود) رضایی، میثم غلامی، وحید قدیرزاده، علی اصغر حسنی راد، سامان رضایی، پیام باستانی پاریزی، فاطمه حق پرست و حجت‌الله رافعی مشروطه‌خواهانی هستند که حکم علیه آنها صادر شده است. دو شعبه دادگاه انقلاب تهران با صدور احکامی سنگین برای چهارده فعال سیاسی مشروطه‌خواه، هر یک از آنها را به پنج تا ۱۶ سال زندان، تحمل شلاق و پرداخت جزای نقدی محکوم کردند. مجموع سال‌های زندان برای این فعالان بیش از ۱۴۱ سال زندان است.

یازده فعال مشروطه‌خواه با صدور حکمی در پرونده‌ای مشترک به پنج تا ۱۶ سال زندان، تحمل شلاق و پرداخت جزای نقدی محکوم شدند. این رأی سنگین در شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران به ریاست قاضی ایمان صادر شده است. محمدرضا کامرانی نژاد، وحید سرخ گل، کاظم علی نژاد برانلو، آرشام (محمود) رضایی، میثم غلامی، وحید قدیرزاده، علی اصغر حسنی راد، سامان رضایی، پیام باستانی پاریزی، فاطمه حق پرست و حجت‌الله رافعی مشروطه‌خواهانی هستند که حکم حبس علیه آنها صادر شده است.

بر اساس این حکم، وحید سرخ گل و پیام باستانی پاریزی هر کدام به شانزده سال حبس، آرشام (محمود) رضایی به پانزده سال زندان و پرداخت پانزده میلیون تومان جزای نقدی، کاظم علینژاد برانلو به یازده سال حبس، علی اصغر حسنی راد به هشت سال زندان، یازده ضربه شلاق و پرداخت سه میلیون و یکصد و هفتاد و سه هزار و سیصد و سی و سه تومان جزای نقدی، میثم غلامی، وحید قدیرزاده، محمدرضا کامرانی نژاد و حجت‌الله رافعی هر کدام به شش سال حبس، سامان رضایی به پنج سال حبس و فاطمه حق پرست سهی به هشت ماه حبس و یک میلیون تومان جزای نقدی محکوم شده‌اند.

همچنین بابت مجازات‌های تکمیلی هر یک از این افراد به دو سال منع اقامت در استان تهران و سایر استان‌های مجاور، دو سال منع عضویت در گروه‌ها و دستجات سیاسی و اجتماعی و ضبط گوشی‌های تلفن همراه و مودم اینترنت کشف شده از وحید سرخ گل، آرشام (محمود) رضایی، میثم غلامی، وحید قدیرزاده، علی اصغر حسنی راد، پیام باستانی زاده پاریزی، محمدرضا کامرانی نژاد و حجت‌الله رافعی و مبلغ نود و سه میلیون تومان و از آرشام (محمود) رضایی به مبلغ هفتاد و سه میلیون و از علی اصغر حسنی راد مبلغ بیست میلیون به نفع دولت، محکوم شدند.

در دادنامه صادره آمده است، در خصوص هر یک از متهمان مجازات‌اشد یعنی برای فاطمه حق پرست سهی هشت ماه حبس، برای سامان رضایی چهار سال حبس، برای وحید سرخ گل، کاظم علینژاد برانلو، آرشام (محمود) رضایی، میثم غلامی، وحید قدیرزاده، علی اصغر حسنی راد، محمدرضا کامرانی نژاد، حجت‌الله رافعی هر یک به پنج سال حبس و برای پیام باستانی پاریزی ده سال قابل اجرا خواهد بود. همچنین شعبه ۳۶ دادگاه تجدید نظر استان تهران حکم صادر شده علیه رضا محمدحسینی، محبوه رضایی و سمانه

برگزاری مراسم یادبود جانبختگان سرنگونی پرواز «پی اس ۷۵۲» «فریاد از این بیداد»



سخنرانی خانواده جانبختگان پرواز «پی اس ۷۵۲» در مراسم یادبود / تهران ۱۸ دی ماه ۱۴۰۲

که در مراسم با دوربین از دادخواهان فیلم و گزارش می‌گرفتند گفت: «ایستادید، نگاه می‌کنید، می‌شنوید و گزارش تهیه می‌کنید، ایرادی ندارد وظیفه‌تان را انجام می‌دهید، اما یک خواسته دارم برای نوشتن گزارش، برای دیدن و برای شنیدن، شرافت را در نظر بگیرید. این چهره‌های تکیده را ببینید. اینها همه مصیبت‌دیدگان هستند. چهار سال پیش در چنین روزی در این نقطه فضایی ایجاد شد که تاریخ از یاد نخواهد برد. چهارسال پیش تکه تکه‌های عزیزان ما را از سر این در دیوار جمع می‌کردند و اموالشان را به سرقت بردند.»

انجمن خانواده‌های قربانیان پرواز «پی اس ۷۵۲» در بیانیه‌ای اعلام کرد، «در سالی که گذشت پرونده‌ی این جنایت توسط چهار دولت متضرر کانادا، بریتانیا، اوکراین و سوئد به دیوان بین‌المللی دادگستری ارجاع شد. ضمن تشکر از تعهد این دولت‌ها به خانواده‌ها، بار دیگر اعلام می‌کنیم که انتظار ما از این روند حقوقی روشن شدن حقیقت و اجرای عدالت است.» بر اساس متن این اطلاعیه «اکتبر آینده مدارک چهار دولت در لاهه ثبت می‌شود و پس از آن نوبت جمهوری اسلامی‌ست تا مستندات خود را به لاهه ارائه کند.» در بخشی از بیانیه انجمن آمده «همین امروز واضح است و از روز اول هم مشخص بود جمهوری اسلامی هیچ مستنداتی مبنی بر خطای انسانی در اختیار ندارد. از طرف دیگر فشار فزاینده‌ی جمهوری اسلامی به خانواده‌های جانبختگان در هر جای دنیا به ویژه در ایران افزایش پیدا کرده است.» این انجمن سه درخواست مطرح کرده است: (۱) بررسی ویژه‌ی پرونده در دادگاه لاهه با توجه به رفتار جمهوری اسلامی با خانواده‌ها، (۲) باز شدن پرونده‌ی جنایی در کانادا توسط پلیس فدرال و (۳) قرار دادن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در لیست گروه‌های تروریستی.

در این بیانیه همچنین آمده: «این روز سالگرد قتل عمدی بکتاش آبتین و قتل حکومتی محمدمهدی کرمی و محمد حسینی نیز هست. ستون‌های پوسیده‌ی جمهوری اسلامی بر مزار هزاران قربانی ایستاده است که یادشان را

● در جنوب تهران در منطقه «شاهدشهر» روز دوشنبه در همان محلی که ۱۸ دی‌ماه سال ۱۳۹۸ هواپیمای مسافری اوکراین اینترنشنال سرنگون شد، خانواده جانبختگان تجمع کردند و بعد از سخنرانی چند نفر از حاضران شعار «فریاد از این بیداد» سر دادند.

● خسرو ملک که دخترش را در آن پرواز بی‌بازگشت از دست داد خطاب به حاضران در مراسم گفت: «برگزاری دادگاه‌های نمایشی صرفاً با هدف قطعی پایمال نمودن خون بی‌گناهان و نادیده گرفتن حقوق انسان‌هایی دیگر در پیگیری و محاکمه و مجازات کسانی بوده که دستان‌شان تا مرفق به خون بی‌گناهان آلوده است و هنری جز ایجاد درد و رنج در دیگران ندارد.»

● انجمن خانواده‌های قربانیان پرواز «پی اس ۷۵۲» در بیانیه‌ای سه درخواست مطرح کرده است: (۱) بررسی ویژه‌ی پرونده در دادگاه لاهه با توجه به رفتار جمهوری اسلامی با خانواده‌ها، (۲) باز شدن پرونده‌ی جنایی در کانادا توسط پلیس فدرال و (۳) قرار دادن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در لیست گروه‌های تروریستی.

● محمود علیزده طباطبایی وکیل چندنفر از خانواده‌های هواپیمای اوکراینی درباره رسیدگی دادگاه‌های جمهوری اسلامی به پرونده سرنگونی پرواز «پی اس ۷۵۲» به وسایت «دیده‌بان ایران» گفته تمام متهمان این جنایت آزاد شده‌اند. خانواده جانبختگان پرواز «پی اس ۷۵۲» که با موشک‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بر فراز تهران هدف قرار گرفت، در چهارمین سالگرد این جنایت در چند شهر مختلف جهان مراسم یادبود برگزار کردند.

در جنوب تهران منطقه «شاهدشهر» روز دوشنبه، در همان محلی که ۱۸ دی‌ماه سال ۱۳۹۸ هواپیمای مسافری اوکراین اینترنشنال سرنگون شد، خانواده‌های شماری از جانبختگان تجمع کردند و بعد از سخنرانی چند نفر از حاضران شعار «فریاد از این بیداد» سر دادند.

بر اساس گزارش منابعی که در محل حاضر بودند، دور تا

دور محل برگزاری این مراسم در محاصره نیروهای امنیتی و لباس شخصی‌ها بود.

در این مراسم برخی از اعضای خانواده‌ها سخنرانی کردند. یکی از آنها خسرو ملک بود که دخترش را در آن پرواز بی‌بازگشت از دست داد. وی خطاب به حاضران گفت: «برگزاری دادگاه‌های نمایشی صرفاً با هدف قطعی پایمال نمودن خون بی‌گناهان و نادیده گرفتن حقوق انسان‌هایی دیگر در پیگیری و محاکمه و مجازات کسانی بوده که دستان‌شان تا مرفق به خون بی‌گناهان آلوده است و هنری جز ایجاد درد و رنج در دیگران ندارد.»

جمشید رحمانی‌فر که دخترش را در سرنگونی هواپیمای اوکراین اینترنشنال از دست داد خطاب به مأموران امنیتی



نماز به پیشنهادی آمنه خاتون در کلیسا

(کیهان لندن شماره ۱۰۵۰) فروردین ماه ۱۳۸۴ خیراندیشی (احمد احرار)

بازنشده



آمنه ودود



نعمت‌الله آغاسی

می‌گزارند. پس از چندی ملائی دیگر به ده آمد و دید که زنی را با طمطراق به مسجد می‌آورند که پیراهن و جامه‌اش از زمین می‌رود. پس ملا مردم را موعظه کرد که به زن نمی‌توان اقتدا کرد و این بدعت است و عبادت شما باطل. یکی از دهاتیان که هر روز به نماز جماعت حاضر می‌بود گفت والله این ملا راست می‌گوید. من هر روز ملاحظه کردم که نماز باطل است. گفتند از کجا دانستی؟ گفت از آنجا دانستم که عادل هرگاه به رکوع و سجود منحنی می‌شد مسجد و محرابی دیگر پیش چشم می‌گشود که حال مرا دگرگون می‌ساخت و غسل و تجدید وضو واجب می‌شد!

لازم به یادآوریست که عادل بودن شرط لازم، بلکه واجب برای پیشنهادی است. اوایل که حضرت امام حجت‌الاسلام والمسلمین آن روز و آیت‌الله امروز، آقا سید علی خامنه‌ای را به امامت جمعه تهران منصوب کرد، آقا شیخ علی تهرانی شوهر خواهر ایشان گفت قوه تشخیص آقای خمینی را از همینجا قیاس بگیرد که در سید علی آقای ما شروط عدالت را جمع دیده و او را به امامت جمعه برگزیده است.

شیخنا که بعد از چندی طاغی شد و به مجاهدین پیوست خبر نداشت که این تازه اول ترقیبات سید علی آقااست و زمانی خواهد بود که او بر مسند امامت و ولایت و رهبری سیاسی و مذهبی مسلمین جهان تکیه بزند.

پار بودی قطبک و امسال گشتی قطب دین
 سال دیگر گر مانی قطب‌دین حیدر شوی

از نخستین آثار عصر طاغوت که در بدو تأسیس نظام فقهاتی هدف حمله قرار گرفت تصنیف «آمنه، آمنه» بود با صدای آغاسی.

مندایان اسلام انقلابی عقیده داشتند ساختن این تصنیف و خواندن آن توسط یک مرد صدا کلفت توهینی بوده است به یکی از اسماء مقدسه اسلامی - آمنه، مادر حضرت پیامبر - و شنیدنش هم حرمت شرعی دارد، پس «متروک باید گردد». حالا، در آمریکا یک آمنه انقلابی ظهور کرده که مدعی است اقامه نماز جماعت از حقوق انحصاری مردان نیست و زن نیز می‌تواند پیشنهادی کند.

آمنه ودود، یک زن معمولی نیست. او قرآن را به زبان انگلیسی ترجمه کرده و بر آن شرح و تفسیر نوشته است. علاوه بر این، دارای کرسی استادی و صاحب تألیفات متعددی در رشته اسلام‌شناسی است. در حقیقت، از نظر علمی نقیصی در کارش نیست، چیزی که کم دارد تذکیر است یعنی مذکر بودن. از آنجا که در آمریکا هم هنوز اسلام مردانه غلبه دارد و متشرعین حاضر نیستند مدعیه را احراز صلاحیت کنند و محراب را به وی بسپارند و پشت سرش نماز بگذارند، آمنه خانم رفته است به یک کلیسا و با جمعی از مردان سنت‌شکن و بدعت‌پذیر در آنجا به نماز ایستاده.

حضرت امام اگر زنده بود این جسارت را بی‌جواب نمی‌گذاشت. خاصه در این ایام که استکبار جهانی پرونده اتمی را علیه دولت علیه اسلامی پیراهن عثمان کرده و بر فشارها و آزارهای خود افزوده است. فرض است بر مسلمین که در قبال این توطئه جدید پناهنده و جنجال برانگیزند و از مقام معظم رهبری استفتاء و استعلام کنند که تکلیفشان با این مؤمنه یا غیر مؤمنه آمنه نام چیست.

در «ممتاز‌الحکایه» آمده است که ملائی به دهی درآمد. دید مسجد و منبری دارند ولی ملا و نماز جماعت ندارند. مردم را در مسجد جمع کرد. موعظه نمود که شما ملا ندارید و نماز جماعت را ترک کرده‌اید. واجب است از میان خود یکی را که عادل باشد برگزینید و نماز جماعت بگذارید. بعد از رفتن ملا، مردم آن ده، زن کدخدا را که عادل نام داشت کشان کشان به مسجد می‌آوردند و نماز جماعت

گرامی می‌داریم. دادخواهی خانواده‌های پرواز که بخشی از جنبش بزرگ دادخواهی در ایران است می‌تواند یاری‌گر جنبش مدنی ایرانیان برای عبور از این کابوس و رسیدن به عدالت و آزادی باشد. مسیر دشوار ما برای رسیدن به عدالت همچنان ادامه دارد و در این راه خود را مدیون میلیون‌ها انسان آزاده‌ای می‌دانیم که در ایران و سراسر جهان همراه ما بوده‌اند. باشد که روزی عدالت واقعی در ایران و در قوه قضاییه‌ای مستقل و زودده شده از آثار جمهوری اسلامی برگزار شود. برای آن روز مبارزه می‌کنیم و جنایتکاران را نه فراموش می‌کنیم و نه می‌بخشیم.»

نواز ابراهیم که خواهر و همسر خواهرش را در «پرواز ۷۵۲» از دست داده است در توییتی نوشت «نیروهای رژیم پوستری یادمان عزیزان پرواز را از جلوی خانه پدری من و خواهرم در تهران دزدیدند.» وی توضیح داد که «موارد آزار و اذیت خانواده‌ها در ایران و کانادا به خصوص در ماه‌های اخیر زیاد شده است.» وی از کشورهای درگیر در این پرونده خواسته تا موضوع را از طریق دادگاه بین‌المللی دادگستری در لاهه پیگیری کنند.

محمود علیزده طباطبایی وکیل چند نفر از خانواده‌های هوایمی اوکراینی درباره رسیدگی دادگاه‌های جمهوری اسلامی به پرونده سرنگونی پرواز «پی‌اس ۷۵۲» به وسایت «دیده‌بان ایران» گفته تمام متهمان این جنایت آزاد شده‌اند. وی توضیح داد، «مطابق قانون هر زندانی اگر یک سوم محکومیت‌اش را طی کند، می‌تواند به صورت مشروط آزاد باشد. بنابراین آقای (م.خ.) متهم ردیف اول که با طراحی و عاملیت عده دیگری ماشه شلیک دو موشک را به هوایمی مسافربری با ۱۷۶ انسان که در آن ۲۷ کودک و یک جنین بوده از زده و به صورت کاملاً مظلومانه و با بدترین وجه به قتل رسیده است، طبق قانون می‌تواند به صورت مشروط آزاد شود.» حدود ۱۰ ماه پس از اعتراض به رأی دادگاه هنوز دیوان عالی کشور هیچ پاسخی به دادخواهان نداده است. علیزاده طباطبایی در پاسخ به اینکه آیا عدم رسیدگی و صدور رأی توسط دیوان عالی پس از گذشت ده ماه روند عادی است یا نه، عنوان کرد: «خیر، چندان نرمال نیست. ضمن اینکه ما از مسئولین هوایمی‌های کشوری، نظامی و سیاسی همان زمان به اتهام نشر اکاذیب شکایت کرده بودیم ولی دادسرای نظامی مسئولان هوایمی‌های کشوری رای عدم صلاحیت داد و به دادسرای عمومی ارجاع داد. پرونده نشر اکاذیب در دادسرای عمومی رسیدگی و رای صادر شد که مشمول مرور زمان شده است. در صورتی که شکایت در دست دستگاه قضایی بود ولی گفتند مشمول مرور زمان شده است.»

این وکیل همچنین گفته شکایت خانواده‌ها از مسئولین هوایمی‌های کشوری، نظامی و سیاسی نیز مشمول مرور زمان شده و قرار منع تعقیب صادر کرده‌اند!

سال گذشته دادسرای نظامی تهران پس از سه سال بررسی و تحقیق طی ۲۰ جلسه رسیدگی به شکایت برخی خانواده‌ها، متهم ردیف اول این جنایت را به ۱۳ سال زندان محکوم کرد! در حالی که اغلب خانواده‌ها تأکید دارند که آمران این جنایت افراد دیگری هستند.

در آخرین تحولات مربوط به این پرونده دادگاهی در کانادا، رهبران جمهوری اسلامی را در سرنگونی این هوایمی‌ها از نظر کیفری مقصر شناخت. کانادا به همراهی سوئد، بریتانیا و اوکراین که بیشتر مسافران هوایمی‌ها علاوه بر ایران، اتباع آنها بودند، از دولت جمهوری اسلامی به دیوان بین‌المللی دادگستری شکایت کرده‌اند. اقدامات مقدماتی برای برگزاری جلسات دادگاه در جریان است که احتمالاً زمان آن، از سال آینده میلادی، زودتر نخواهد بود.

«نگاهی از درون به جنبش چپ ایران» (۶)

تشکیل نخستین کنفرانس سازمان انقلابی دانشجویان ایران در آلبانی

دکتر کشاورز می‌خواست خود را رهبر سازمان انقلابی وانمود کند و این با خلق و خوی ما تطابق نداشت

تاریخ نشر در کیهان لندن: از مهر تا آذر ماه ۱۳۸۴ - از شماره ۱۰۷۵ تا ۱۰۸۲

با نشر



حمید شوکت

نگاهی از درون به
جنبش چپ ایران

گفتگو با محسن رضوانی

حمید شوکت

کنفدراسیون جهانی دانشجویان ایرانی و سازمان انقلابی که از ائتلاف آن با حزب توده به وجود آمد در سوق دادن مبارزه سیاسی به مسیر مبارزه چریکی و اقدام مسلحانه علیه رژیم پشیمان ایران نقش مؤثر داشتند. حمید شوکت، از فعالان کنفدراسیون، در سالهای اخیر به تدوین تاریخ شفاهی کنفدراسیون همت گماشته و چند کتاب زیر عنوان «نگاهی از درون به جنبش چپ ایران» انتشار داده که آخرین آنها گفتگو با محسن رضوانی است.

در این کتاب، گفتنی‌های بسیار از کم و کیف فعالیتهای پنهان و ارتباطات کنفدراسیون و سازمان انقلابی به صورت گفت و شنود بین شوکت و رضوانی بازگو شده است.

خوانندگان عزیز و پژوهندگان تاریخ معاصر ایران را به مطالعه این کتاب که بخشهایی از آن برای درج در صفحه‌های خاطرات و تاریخ برگزیده شده است دعوت می‌کنیم.

گزیده کتاب را از مأموریت پرویز نیکخواه و عزیمت وی به تهران می‌آغازیم. «گروه نیکخواه» پس از حادثه تیراندازی به محمدرضا شاه در کاخ مرمر (۲۱ فروردین ۱۳۴۴) به عنوان متهم اصلی شناخته شد. پرویز نیکخواه و تعدادی دیگر از افراد تیم او بازداشت و محاکمه شدند. نیکخواه پس از آن که قسمتی از دوران محکومیت خود را در زندان گذراند آزاد شد و چون به تحولات ناشی از «انقلاب سفید» در جامعه ایران عقیده پیدا کرده بود مانند کورش لاشایی تصمیم به همکاری برای پیشبرد این برنامه گرفت. او در سازمان رادیو تلویزیون ملی ایران مشغول کار شد و پس از انقلاب اسلامی در شمار نخستین کسانی بود که اعدام شدند.

محسن رضوانی - کشاورز ایرادهای ما را می‌پذیرفت. بر همین اساس بود که به او گفتم اگر با نظرات و عقاید سیاسی ما موافق است، می‌تواند در کنفرانس سازمان که قرار است به زودی تشکیل شود شرکت کند. او از این دعوت استقبال کرد و گفت می‌تواند شرایطی را فراهم آورد تا کنفرانس در آلبانی برگزار شود.

حمید شوکت - پس پیشنهاد تشکیل نخستین کنفرانس سازمان انقلابی در آلبانی از او بود.

- همین طور است. گفتم باید با رفقایم در اروپا مشورت کنم. در بازگشت به آلمان این مطلب را با کورش (لاشایی) و چند نفر دیگر از رفقا در میان گذاشتم و همه با آن موافقت کردند.

● اما چرا در آلبانی؟

- به خاطر رعایت اصول پنهانکاری بهتر بود کنفرانس را در غرب برگزار کنیم.

● نظر مهدی خانباها تهرانی چه بود؟

- مهدی در آن تاریخ برای کار در بخش فارسی رادیو پکن به چین رفته بود.

● هنوز برایم روشن نیست چرا کشاورز را به کنفرانس دعوت کردید. با توضیحاتی که پیرامون شخصیت و نظراتش دادی چنین دعوتی بی‌معنا بود. می‌خواهم بدانم آیا دعوتش به کنگره از این بابت بود که امکان تشکیل آن را در آلبانی فراهم می‌آورد؟

- برای جلب او به سازمان انقلابی شور و شوق داشتیم و برخوردی که در کنفرانس پیش آمد قابل پیش‌بینی نبود. بعدها در مورد فروتن، قاسمی و سغایی نیز که از حزب توده جدا شدند و به ما پیوستند همین وضعیت پیش آمد. نسبت به پیوستن آنها به سازمان انقلابی نیز در آغاز با صمیمیت و شور و شوق برخورد کردیم.

● در مورد آنها ماجرا به گونه‌ای دیگر بود. اگر حرفهایت را درست فهمیده باشم از همان آغاز کار روشن بود که

به پاریس.

● چرا با گذرنامه خودت نرفتی؟

- چنین امکانی وجود نداشت. می‌ترسیدم اگر با گذرنامه واقعی سفر کنم به‌خاطر حادثه کاخ مرمر در مقصد بازداشت شوم. سفر با نام و گذرنامه جعلی این خطر را مرتفع می‌کرد. در پاریس با رفقایم در آلمان و انگلیس تماس گرفتم و برگذاری نخستین کنفرانس سازمان انقلابی در آلبانی را تدارک دیدیم.

در آلبانی

● چگونه به آلبانی رفتید؟

- رفتیم به رم و از آنجا با هواپیما به تیرانا، پایتخت آلبانی. برای این که مبادا شک پلیس ایتالیا برانگیخته شود، در نوبتهای مختلف رفتیم. در تیرانا میهمان حزب کار آلبانی بودیم و ما را به قصر احمد زوخو، پادشاه آلبانی بردند که پس از روی کار آمدن کمونیستها در اختیار حزب قرار داشت. آنجا چند خدمتکار و آشپز و مستخدم از ما پذیرایی می‌کردند.

● با رهبران آلبانی هم ملاقات کردید؟

- با رمزی عالیا، معاون انور خوجه و از اعضای دفتر سیاسی حزب که بعدها رئیس جمهوری آلبانی شد ملاقات کردیم. خاطرم هست می‌گفت دنبال الگوبرداری از کشورهای دیگر یا تجربیات احزاب کمونیست نباشیم. حتی اشاره کرد که کتاب خواندن زیاد نیز چقدر می‌تواند لطمه بزند. می‌گفت در دوران جنگ پارتیزانی علیه فاشیسم فقط در یک دیدار با انورخوجه، رهبر حزب، مارکسیست شده است و اضافه کرد: «چون زبان خارجی نمی‌دانستم و کتابهای مارکسیستی نیز خیلی کم ترجمه شده بودند، به‌ندرت با ادبیات مارکسیستی آشنایی داشتم. یک بار از رفیقی که به تیرانا می‌رفت خواستم برام کتابی بیاورد. وقتی کتاب را آورد، با ولع خاصی یکی پس از دیگری آن را خواندیم.»

آب‌تان با کشاورز در یک جوی نخواهد رفت.

- کشاورز نکات مثبتی داشت. او هم رهبری حزب توده را می‌شناخت و هم از آنها انتقاد می‌کرد. این هر دو برای ما از اهمیت خاصی برخوردار بود؛ هرچند بر سر شیوه این برخورد به او انتقاد داشتیم. کشاورز معتقد بود ما مبارزه با حزب توده را تازه شروع کرده‌ایم و شناخت چندانی از آنها نداریم. حال آن که او سالها در این راه تجربه آموخته و به شناختی همه‌جانبه رسیده است. در مقابل این استدلال حرف چندانی نداشتم.

علاوه بر این، می‌گفت با شوروی مخالف است و به چین و آلبانی اعتقاد دارد و با ما همفکر و عقیده است. او به‌گفته خود از این که جوانانی پیدا شده‌اند که می‌خواهند با روحیه انقلابی در مقابل دستگاه رهبری حزب توده قد علم کنند خوشحال بود. می‌گفت در صدد است خاطراتش را بنویسد و آن را برای چاپ در اختیار ما قرار دهد.

● الجزایر را کی ترک کردی؟

- پس از کودتای بومدین. یک روز صبح از خواب بیدار شدم و دیدم خیابانها پر از تانک است. با این همه تا چند روز بعد مقاومت وجود داشت و مردم در مقابل کودتاگران دست به تظاهرات می‌زدند. من و کشاورز نیز در اعتراض به کودتا، با تمام مخاطراتی که ممکن بود به همراه داشته باشد، شرکت کردیم.

خاطرم هست در جریان درگیریهای که بین کودتاگران و مردم پیش آمد، خبرنگاری جلو چشمان من مورد اصابت گلوله قرار گرفت و او را از صحنه خارج کردم. تا آمبولانس برسد خون زیادی از دست داد و گمان می‌کنم کشته شد. اگر اشتباه نکنم خبرنگار نشریه تایم بود.

با سقوط بن‌بلا دیگر آشکار بود که می‌بایست الجزایر را ترک کنم. به‌ویژه آن که حضورم در آنجا به‌خاطر گذرنامه بود که آن نیز منتفی شده بود. پس با گذرنامه‌ای جعلی که از اروپا برایم فرستاده بودند، الجزایر را ترک کردم و آمدم

کشکولی را به آن منطقه فرستادیم. ایرج در گفتگوهایش با تو شرح مفصل این ماجرا را بازگو کرده است.

● هیچگاه با خسروخان ملاقات کرده بودی؟

- در جریان همان سفر اول به مونیخ برای شرکت در کنفرانس تدارکاتی سازمان انقلابی با خسروخان ملاقات کردم. او در جریان این ملاقات از اهمیت نیروهای عشایر حرف زد و در عین حال یادآور شد جبهه ملی بدون همکاری با نیروهای چپ کاری از پیش نخواهد برد. او این نظرش را تا آخرین دیدارمان در سالهای پس از انقلاب که در اردوی عشایر رخ داد، همچنان حفظ کرده بود. خسروخان در ملاقاتی که با او در مونیخ داشتم خود را به نوعی رهبر جبهه ملی می‌دانست و روی این نکته که روزگاری در زمان نخست وزیر مصدق، سخنگوی کمیسیون نفت در مجلس شورای ملی بود، تکیه می‌کرد.

ملاقات بعدی ما مدتی بعد در پاریس صورت گرفت.

تنظیم قطعنامه و مصوبه گذشت و چیزی از تیرانا ندیدیم. گاهی شبها بعضی از رهبران حزب کار آلبانی به دیدن ما می‌آمدند و در محیط گرم و رفیقانه بحث و گفتگو می‌کردیم. آنها روی مسأله استقلال فکری و توجه به شرایط مشخص ایران بسیار تأکید می‌کردند.

● پس از پایان کنفرانس در آلبانی چه کردید؟

- با پایان کار کنفرانس، چنان که اشاره کردم، بازگشت رفقا به ایران در دستور کار قرار داشت. همچنین قرار شد با انتشار نشریه توده، مبارزه نظری با کمیته مرکزی حزب توده ایران را پیش ببریم و گروهی را نیز برای فراگرفت آموزشهای نظامی و تئوریک به جمهوری توده‌ای چین بفرستیم. ایرج کشکولی و کورش لاشایی به چگونگی این سفر و تجربیاتی که جمع‌آوری شد در گفتگوهایشان با تو اشاره کرده‌اند و از آن می‌گذرم.

→ نویسنده کتاب معلوم نبود کیست، چون جلد آن را کهنه بودند. خلاصه مدتی بعد یکی از کادرهای بالای حزب که برای سرکشی به منطقه ما آمده بود آن کتاب را دید و گفت این کتاب «انقلاب پیگیر»، نوشته تروتسکی است، چرا آن را می‌خوانید؟»

● از این حرفها چه نتیجه‌ای می‌گرفت؟

- می‌گفت: «هرچه بود ما با خواندن یا خواندن پیروز شدیم و این چندان اهمیت ندارد.» شاید می‌خواست سر بسته بگوید آن قدر دنبال مائو نباشید و دگم درست نکنید. به‌نظم آدم متواضع و واقع‌بینی می‌آمد. در قید و بند اصول خشک و جامد نبود. او را سالها بعد در سفر دیگری به آلبانی باز ملاقات کردم. در این ملاقات وزیر امور خارجه آلبانی که اسمش بهار بود نیز شرکت داشت. بهار برای تعریف کرد که اجدادش ایرانی‌الاصل هستند و پدرش از ایران به آلبانی آمده است.

● چرا رفته بود آلبانی؟

- شاید از بدبختی، مثل ما که آمده‌ایم اینجا.

● اما آلبانی که جای رفتن و ماندن نبود.

- غی دلم، شاید برای تجارت رفته بود.

● در کنفرانس چه کسانی شرکت داشتند؟

- بیژن چهارازی، کورش لاشایی، ه. ق.، علی صادقی، بیژن حکمت، خسرو صفایی، سیروس نهاوندی، منوچهر بوذری، من و فریدون کشاورز. پزشکی از شهر کلن در آلمان نیز در کنفرانس شرکت داشت که نامش را به‌خاطر ندارم.

● مسایل کنفرانس چه بود؟

- استحکام بخشیدن به موقعیت سازمان در خارج و تدارک سیاسی و عملی بازگشت به ایران. در همین ارتباط، تدوین مشی عمومی سازمان در دستور کار کنفرانس قرار داشت. نظراتی که نیکخواه و یارانش در این زمینه تنظیم کرده بودند به دست ما رسیده بود و پایه این کار قرار گرفت.

خاطرهم هست که سند مصوب کنگره پیرامون ارزیابی از اوضاع ایران و وظایف کمونیستها، نظرات گروه نیکخواه بود که در ایران تنظیم شده بود و با تغییراتی در کنفرانس سازمان انقلابی در آلبانی به تصویب رسید. همچنین کشاورز نیز سندی بر پایه سابقه حزب توده و جنبش کارگری تهیه کرده بود که خطوط کلی آن را قبلا در ملاقاتی که با هم در الجزایر داشتیم در اختیارم قرار داده بود. او بعدها آن را با تغییراتی با عنوان «من متهم می‌کنم...»، به‌صورت کتاب چاپ کرد.

● نظر شما راجع به گزارش کشاورز چه بود؟

- متأسفانه علی‌رغم آنچه با هم در الجزایر صحبت کرده بودیم، نوشته‌اش پر از حملات شخصی و خصوصی به رهبران حزب توده بود.

● آیا به همین علت با عضویت او در هیأت اجراییه سازمان انقلابی مخالفت کردید؟

- این یکی از دلایل ما بود. او چون تدارک برگذاری کنفرانس را در آلبانی دیده بود، نزد رفقای حزب کار آن کشور به‌نوعی خود را رهبر سازمان معرفی کرده بود و این با خلق و خوی ما که به کار جمعی اعتقاد داشتیم، تطابق نداشت. اما نکته دیگر مسأله تبدیل شدن به انقلابیون حرفه‌ای بود که با روحیات کشاورز جور در نمی‌آمد. حرف ما این بود که اعضای هیأت اجراییه می‌بایست دستکم برای يك سال کارهای خود را کنار بگذارند و به‌عنوان انقلابی حرفه‌ای مبارزه کنند. کشاورز این معیار را نمی‌پذیرفت.

● کنفرانس چقدر طول کشید؟

- يك هفته طول کشید و در پایان من، کورش لاشایی، بیژن چهارازی و بیژن حکمت به‌عنوان اعضای هیأت اجراییه سازمان انتخاب شدیم. تمام این مدت به بحث و گفتگو و



تصویری از تظاهرات کنفدراسیون در لندن

محسن رضوانی، حسن رسولی، حمید عنایت، منوچهر ثابتیان و محسن رسولی در این عکس دیده می‌شوند.

خسروخان از طریق فیروز فولادی که هم با او دوست بود هم با ما روابط صمیمانه داشت، اظهار تمایل کرده بود با من ملاقاتی داشته باشد.

● این ملاقات در کجا صورت گرفت

- در رستوران ماکسیم پاریس. این دومین بار بود که خسروخان را می‌دیدم. پیش از این با او در مونیخ ملاقات کرده بودم. شنیده بودم مدتی است وضع مالیش خوب نیست، اما ملاقات در ماکسیم که یکی از گرانترین رستورانها بود، حکایت از وضعیتی دیگر داشت. شاید هم جز این بود و او در تنگنای مالی قرار داشت. آنچه مسلم است او همواره مایل بود نشان دهد از موقعیت مالی خوبی برخوردار است. خسروخان در همین ملاقات با اشاره‌ای غیر مستقیم به وضع مالی خود گفت: «من فرش می‌برم به مصر و می‌فروشم.»



شورش جنوب

● در بازگشت این گروه از چین، عطا و ایرج کشکولی مخفیانه به ایران رفتند تا در مبارزه مسلحانه‌ای که در منطقه فارس به‌رهبری بهمن قشقایی جریان داشت و به شورش جنوب شهرت یافت، شرکت کنند. هدف شما از این اقدام چه بود؟

- اولین کوشش ما برای سازماندهی مبارزه مسلحانه در ایران، شرکت در شورش بود که در سالهای ۴۵ - ۱۳۴۴ در فارس در اوج خود قرار داشت و رژیم برای سرکوب آن، ۴۰هزار سرباز را به آن منطقه اعزام کرد. رهبری این شورش با بهمن قشقایی، خواهرزاده خسروخان قشقایی بود که در آبان ۱۳۴۵، چند ماه پس از دستگیریش، تیرباران شد. او برای رهبری این شورش تحصیل در انگلستان را رها کرده و به میان ایل بازگشته بود. ما با آگاهی از این امر، عطا و ایرج

➔ فیروز فولادی هم در این ملاقات شرکت داشت؟

- فیروز هم بود و خسرو خان پس از تعارفات معمول گفت در نظر دارد به مصر برود و از من خواست نامه‌ای که جنبه سندیت داشته باشد بنویسم؛ نامه‌ای مبنی بر این که در نظر داریم جبهه ملی را مجدداً سازماندهی کنیم.

● به چه عنوانی؟

- همین. به عنوان محسن رضوانی.

● چنین نوشته‌ای چه اهمیتی داشت؟

- واقعاً نمی‌دانم؛ فقط خاطرم هست که اصرار داشت این نوشته در دو نسخه نوشته شود. پس از این ملاقات، مطلبی را که خواسته بود تهیه کردم و فیروز فولادی تایپ کرد. وقتی از پاریس به رم رفتم آن نوشته را به خسرو صفایی از دوستان خسرو خان دادم تا به او برساند. در آن نوشته روی ضرورت ایجاد جبهه وسیعی از نیروهای سیاسی ایران که جریان چپ را نیز در بر می‌گرفت، تأکید کرده بودم. خسرو خان به من اطلاع داد که با محتوای آن کاملاً موافق است. احساس من این بود که او در تماس با مصریها و گرفتن کمک از آنها تحت این عنوان که رهبر چنین حرکتی است به چنین نوشته‌ای احتیاج دارد.

● با شکست شورش جنوب و کشته شدن بهمن قشقایی، عطا و ایرج از راه دوبی به اروپا بازگشتند و متعاقب آن جلسه‌ای با شرکت رهبران سازمان انقلابی در پاریس تشکیل شد. شما در این جلسه اعلامیه‌ای را که به «نامه‌ای از جنوب» شهرت یافت منتشر کردید. این اعلامیه که به امضای عطا و ایرج کشکولی رسیده بود در شماره فوق‌العاده نشریه «توده»، ارگان سازمان انقلابی در تیرماه ۱۳۴۵ انتشار یافت. شما در آن اعلامیه که شرح مفصل شورش جنوب بود چنین واغود کردید که آن اعلامیه از داخل ایران نوشته شده و عطا و ایرج نیز همچنان در حال نبرد با نیروهای ارتش ایران هستند. حال آن که مفاد آن اعلامیه در کافه‌ای در پاریس با حضور عطا و ایرج تنظیم یافته بود. بر ملا شدن این امر بعدها به اعتبار سازمان انقلابی لطمه زد. در این زمینه چه می‌گویید؟

- یک روز به صندوق پستی سازمان، نامه‌ای از عطا رسید که از دوبی پست شده بود. عطا نوشته بود که با ایرج در دوبی به سر می‌برد و باید هرچه زودتر برایشان پول و گذرنامه بفرستیم تا به اروپا بیایند. من تا آن روز به درستی نمی‌دانستم دوبی کجا واقع شده و می‌بایست به نقشه رجوع می‌کردم تا پی ببرم عطا و ایرج کجا هستند؟

هرچه بود، بلافاصله دو گذرنامه جعلی و مقداری پول برایشان تهیه کردیم و هر دو به پاریس آمدند و ماجرای شکست شورش جنوب و کشته شدن بهمن قشقایی را توضیح دادند. بر پایه آنچه گفتند اعلامیه‌ای تنظیم و منتشر کردیم که به «نامه جنوب» شهرت یافت.

● فضایی که «نامه جنوب» به خواننده القا می‌کند چنین است که گویی شورش جنوب همچنان جریان دارد و عطا و ایرج نیز در آن شرکت دارند. آیا چنین ادعایی هیچ مشکلی برای شما ایجاد می‌کرد؟

- الان فکر می‌کنم کار اشتباهی کردیم و استفاده تبلیغاتی از شورش جنوب به کار ما صدمه زد.

● آن روزها گمان نمی‌کردید چنین کاری نادرست است؟

- گمان نمی‌کردیم که هیچ، اصولاً معتقد بودیم باید به دشمن اطلاعات غلط داد. ما خود را در وضعیت جنگی می‌دیدیم و می‌بایست کوشش می‌کردیم تا دشمن به موقعیت‌مان پی نبرد. البته اگر ارتشی داشتیم و جنگی تمام‌عیار در کار بود این اقدام معنایی داشت، اما در موقعیت ما درست نبود.

● منظورت چیست؟

- منظورم این است که مثلاً ماؤو در یکی از آثار نظامی خود می‌گوید: «خبر بده می‌خواهم به شرق حمله کنم، اما به غرب حمله کن.» اما این ربطی به موقعیت ما نداشت. دو نفر را فرستاده بودیم به شورش جنوب و آن وقت آن استفاده تبلیغاتی به بی‌اعتمادی دامن می‌زد.

اما یک نکته را هم نباید فراموش کرد و آن این که امید داشتیم جنبش جنوب پا بگیرد و هیچ گاه فکر نمی‌کردیم همه چیز پایان یافته باشد. می‌خواهم بگویم قصد آن نداشتیم که بخواهیم اعلامیه‌ای بدهیم و مردم را گمراه کنیم.

● در جلسه‌ای که در پاریس داشتید هیچکس به این کار ایرادی نگرفت؟

- اصلاً به فکرمان نمی‌رسید. در شورش جنوب خیلی‌ها کشته شده بودند و رژیم برای سر عطا و ایرج جایزه تعیین کرده بود. اگر پی می‌برد در پاریس هستند، امکان داشت از دولت فرانسه بخواهد آنها را تحویل رژیم ایران بدهد. حفظ جانها برای ما از اهمیت زیادی برخوردار بود. اگر چگونگی تنظیم «نامه‌ای از جنوب» را در چنین فضایی بررسی کنیم، ایرادی که بعدها به چگونگی آن گرفته شد کم‌رنگتر می‌شود. به‌ویژه آن که عطا و ایرج در صدد بودند در اولین فرصت مجدداً به منطقه فارس بروند و در پیشبرد و سازماندهی مبارزه مسلحانه شرکت کنند.

● ماجرا فراتر از اینهاست که در تاکتیکهای نظامی یا برای اغفال دشمن خلاف واقعیت گفته شود. شما در «نامه جنوب» به اعضا و کادرهای سازمان انقلابی و به مردم نیز خلاف واقعیت را گفتید. شاید از این بابت که حقیقت را از آن خود می‌دانستید؛ حقیقتی که در خدمت رسیدن به هدف نهایی، دست زدن به هر وسیله‌ای را توجیه می‌کرد. این مسأله‌ای تئوریک است. طبعاً اگر بخواهی آن را تا آنجا عمومیت بدهی که برای رسیدن به هدف، انسان بیگناهی را نیز به کشتن بدهی، نادرست است.

● اگر گناهکار باشد چطور؟

- اگر گناهکار باشد باید این امر در دادگاهی به اثبات برسد.

● می‌خواهم بدانم برای یک جریان انقلابی که به بیان تو در حال جنگ است چرا قلب حقیقت را نادرست می‌دانی؟ - چون در دید طولانی تو را به هدفی که داری نزدیک نمی‌کند. ممکن است از من سؤال کنی چرا کسی را نمی‌کشی و من در پاسخ بگویم چون با آدمکشی مخالفم. آیا این پاسخ برایت قانع‌کننده است.

● این هم نظری است. برای آن که مردم را فریب دهی باید پیشاپیش خود را فریب داده باشی. از این منظر، آنان که به نام منافع عمومی و حقوق مردم دروغ می‌گویند، خطرناکتر از رهبران فاسدی هستند که تنها به منافع خود و اطرافیان‌شان می‌اندیشند.

- پاسخی که تو می‌دهی پاسخ سازمانی نیست، بلکه پاسخی فردی است. یعنی انتخاب روشی نادرست تو را به هدف درستی که داری نزدیک نمی‌کند. هرچند که معتقدم نباید پاسخی اخلاقی به این مسأله داد.

● چه پاسخی باید داد؟

- تجربه نشان داده است که برای مبارزه با ظلم و ستم و برای بسیج توده‌های مردم بیش از هر چیز می‌بایست کارنامه پاک‌ی داشت و این فقط اصلی عمومی نیست، پراتیک نیز این را اثبات کرده است. شوروی در این زمینه بهترین نمونه است. نمی‌توان تردید داشت که استالین می‌خواست سوسیالیسم را بسازد. اما با خشونت بیش از اندازه‌ای که به‌کار برد به نتیجه‌ای نرسید. (ادامه دارد)

تلاش دولت رئیسی برای خروج ایران از فهرست سیاه FATF؛ کفگیر ته دیگ خورده؟!!

● وزیر امور اقتصاد در نامه‌ای به گروه ویژه اقدام مالی خواستار شده نام جمهوری اسلامی ایران از ذیل توصیه ۷ و سایر اسناد مرتبط این نهاد با قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد حذف شود.

● تلاش دولت برای خروج از فهرست سیاه کارگروه ویژه اقدام مالی (FATF) در مه‌ماه امسال و توسط رئیس وقت اتاق بازرگانی ایران مورد اشاره قرار گرفته بود.

● به نظر می‌رسد کفگیر دولت سیزدهم به ته دیگ خورده و با توجه به معلق ماندن مذاکرات هسته‌ای راهی جز چنگ انداختن به خروج از فهرست سیاه کارگروه ویژه اقدام مالی (FATF) ندارد.

علی خامنه‌ای و دیگر مقامات در رأس جمهوری اسلامی در حالی سال‌هاست با تصویب لوایح گروه ویژه اقدام مالی (FATF) مخالفت می‌کنند که حالا وزیر اقتصاد در نامه‌ای به این گروه بین‌المللی خواستار خروج نام ایران از فهرست سیاه این گروه شده است.

احسان خاندوزی وزیر امور اقتصادی و دارایی جمهوری اسلامی در نامه‌ای به گروه ویژه اقدام مالی (FATF) خواستار آن شده است تا نام جمهوری اسلامی ایران از ذیل توصیه ۷ و سایر اسناد مرتبط این نهاد با قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد حذف شود.

ژوئن امسال گروه ویژه اقدام مالی در بیانیه‌ای با بیان اینکه ایران نتوانسته مقررات پالرمو و کنوانسیون تأمین مالی تروریسم را به تصویب برساند، اعلام کرد که این کشور در فهرست سیاه این گروه باقی می‌ماند.

کارگروه ویژه اقدام مالی (FATF) در بیانیه‌ای اعلام کرده بود «با توجه به اینکه ایران نتوانسته است مقررات پالرمو و کنوانسیون تأمین مالی تروریسم را مطابق استانداردهای اف‌ای‌تی‌اف به تصویب برساند، گروه ویژه اقدام مالی تعلیق اقدامات مقابله‌ای را بطور کامل لغو کرده و از اعضای خود می‌خواهد اقدامات موثر مقابله‌ای را مطابق توصیه‌ها به اجرا درآورند.»

حالا پس از انتشار نامه‌نگاری وزیر اقتصاد جمهوری اسلامی برای خروج ایران از فهرست سیاه اف‌ای‌تی‌اف روزنامه «هم‌میهن» در مطلبی نوشت که مجلس یازدهم که عمده اعضای آن را اصولگرایان تشکیل می‌دادند به شدت منتقد ورود به «اف‌ای‌تی‌اف» بودند. یکی از این اصولگرایان، احسان خاندوزی، نایب‌رئیس وقت کمیسیون اقتصادی مجلس بود.

«هم‌میهن» یادآوری کرده که احسان خاندوزی هنگامی که در مجلس شورای اسلامی بود در پاسخ به اینکه علت مخالفتش با تصویب لوایح FATF چیست، گفته بود که «ایراد دولت و رویکردش این است که اساساً در مسئله‌شناسی، وزن بیش از حد عادی به موضوعاتی





مهرماه ۱۴۰۲ در یادداشتی در روزنامه «آرمان ملی» با اشاره به وضعیت هشدارآمیز تورم و افزایش نقدینگی در نیمه دوم سال، نوشته که هر چند تحریم ضربه بزرگی به اقتصاد کشور وارد کرده اما «دولت در یک خودتحریمی دیگر هم بسر می‌برد و آن اینکه با وجود اینکه می‌توانست با مذاکره با نهادهای مربوط، افای‌تی‌اف را اجرایی کند اما تلاش چندانی برای به اجرا درآوردن FATF انجام نداده است.»

این اقتصاددان تأکید کرده که هزینه نپذیرفتن لوائح افای‌تی‌اف و هزینه عدم عضویت در این کارگروه اگر بیشتر از تحریم نباشد، کمتر هم نیست «چرا که زمانی ایران وارد لیست سیاه این نهاد می‌شود در آن معناست که اگر بانک‌ها و تجار خارجی بخواهند با ایران مرادده مالی داشته باشند عملاً باید ریسک آن را بپذیرند. در این حالت علاقه‌ای به تجارت با دولت و حتی تجار ایرانی نخواهند داشت.»

علی قنبری در ادامه نوشته که «به نظر می‌رسد دولت بعد از دو سال و اندی این مهم را پذیرفته است که باید تحولی در مسیر خود ایجاد کند. چرا که محدودیت‌هایی که در تجارت بین‌المللی برای اقتصاد ایران به وجود آمده مشکل‌زاست از این رو دولت وارد روند جدیدی شده تا روش دیگر و شاید بهتری را برای عبور از این شرایط ایجاد کند.»

افای‌تی‌اف (FATF) یک سازمان فرادولتی است که سیاست‌ها و استانداردهای مبارزه با جرایم مالی را طراحی و ترویج می‌کند. توصیه‌های ایجاد شده توسط کارگروه ویژه اقدام مالی (FATF)، پولشویی، تأمین مالی تروریسم و سایر تهدیدات سیستم مالی جهانی را هدف قرار می‌دهد.

کارگروه ویژه اقدام مالی (FATF)، فهرستی از کشورهایی دارد که خطرات پولشویی و تأمین مالی تروریسم را برای سیستم مالی جهانی به همراه دارند. یک لیست سیاه وجود دارد: اینها کشورهایی هستند که FATF از اعضای خود و سایر کشورها می‌خواهد اقدامات متقابل را اعمال کنند. کره شمالی، ایران و میانمار از فوریه ۲۰۲۰ در لیست سیاه هستند. همچنین یک لیست خاکستری از حوزه‌های قضایی وجود دارد که تحت نظارت تقویت شده توسط FATF قرار دارند. به عنوان مثال، پاناما، سوریه، آلبانی، نیجریه و جزایر کیمین در این لیست قرار دارند.

دولت نیستند، ما یک مجلس بسیار ناکارآمد با قوانین بسیار گیج‌کننده داریم، یک بروکراسی ناکارآمد داریم که ریشه آن در نوع انتصاب ناشایسته‌هاست. این عوامل اگر اصلاح نشود، اقدامات اقتصادی دولت تأثیر کوتاه‌مدت خواهد داشت. دولت اگر نخواهد به این ریشه‌ها بپردازد کاری از پیش نمی‌برد. در کوتاه‌مدت تا مسئله تحریم و اف‌ای‌تی‌اف حل نشود، دولت هیچ ابزاری برای کاهش تورم ندارد. در میان‌مدت و بلندمدت اگر قرار است این تورم دست از سر اقتصاد بردارد، باید در بخش‌های مدیریتی اقدامات ساختاری انجام شود؛ اما پرهزینه است.»

به گفته مرتضی افقه شاید در کوتاه مدت به دلایل سیاسی و به دلیل تنش‌های منطقه‌ای این روند انزوا برای کوتاه مدت قابل تحمل باشد، اما در طولانی مدت قابل پیش بینی بوده که به رغم ادعاهای مکرر این دولت که بدون FATF نیز می‌توانیم مرادده را ادامه بدهیم، اما خب این روند ناممکن است.»

به نظر می‌رسد کفگیر دولت سیزدهم به ته دیگ خورده و با توجه به معلق ماندن مذاکرات هسته‌ای راهی جز چنگ انداختن به خروج از فهرست سیاه کارگروه ویژه اقدام مالی (FATF) ندارد.

تلاش دولت برای خروج از فهرست سیاه کارگروه ویژه اقدام مالی (FATF) در مهرماه امسال و توسط حسین سلاح‌ورزی رئیس وقت اتاق بازرگانی ایران مورد اشاره قرار گرفته بود. حسین سلاح‌ورزی گفته بود که اخبار غیررسمی درباره پذیرفته شدن لوائح افای‌تی‌اف (FATF) شنیده‌ایم. قرار داشتن ایران در فهرست سیاه افای‌تی‌اف همواره از سوی کارشناسان و فعالان اقتصادی مانعی در حد تحریم‌ها و حتی بزرگتر بر سر تجارت ایران ارزیابی شده است. کارشناسان معتقدند حتی اگر تحریم‌های اقتصادی کامل برداشته شود اما باز هم بخش دولتی و خصوصی به دلیل موانع ایجاد شده با قرار داشتن ایران در فهرست سیاه افای‌تی‌اف امکان تبادلات مالی و بانکی آزادانه‌ی بین‌المللی را نخواهد داشت و در نتیجه تجارت خارجی همچنان در بن‌بست باقی خواهد ماند.

در همین رابطه علی قنبری اقتصاددان امروز دوشنبه ۱۰

مثل خروج از فهرست سیاه FATF می‌دهد و بنده علی‌رغم اینکه آن را به‌عنوان مسئله‌ای در قد و قواره خودش رد نمی‌کنم، اما با این وزنی که دولت به مسئله خاص می‌دهد، مخالف هستم و به نظر من کاملاً درباره این بزرگنمایی می‌شود که به‌عنوان یکی از موانع تجارت خارجی و مبادلات ارزی است.»

احسان خاندوزی آن زمان افزوده بود که «مسئله FATF که البته مسئله هست، تا این اندازه مهم نیست و در صحبت‌هایی که بنده با کنفدراسیون صادرکنندگان و فعالان اقتصادی و نمایندگان و رایزنان ایران در کشورهای خارجی و امثال آنها در همین ماه‌های گذشته از مجلس یازدهم داشته‌ام، فعالان اقتصادی کف میدان تجارت خارجی، قائل به این هستند که این مسئله ضریب بزرگی ندارد و حداقل در شرایطی که موانع بسیار بزرگ‌تر تحریمی را داریم.»

وی همچنین گفته بود که «زمانی که تحریم‌ها برقرار است، برآورده کردن خواست‌های گروه ویژه اقدام مالی (FATF)، حیات اقتصادی ما را ذیل شرایط تحریمی سخت‌تر از این می‌کند.»

البته خاندوزی در نخستین ماه‌های حضور در دولت ابراهیم رئیسی به عنوان وزیر اقتصاد نیز همچنان تب تندى درباره تحریم‌ها و FATF داشت.

او اسفندماه ۱۴۰۰ در گفتگویی با نقد عملکرد دولت روحانی و تعریف از خود، گفته بود که «ما می‌توانیم و می‌توانستیم خیلی بیشتر از سال‌های قبل تجارت کنیم. در گذشته مسائل تحریمی و FATF را برای تجارت و فروش نفت بهانه می‌کردند. الان تجارت ایران در ۱۱ ماه نخست امسال حدود ۹۰ میلیارد دلار بوده. آیا مسائل تحریمی و FATF حل شد؟!»

اکنون در پی نامه‌نگاری خاندوزی، مسعود دانشمند کارشناس و فعال اقتصادی که ریاست اتاق مشترک ایران و امارات را نیز برعهده داشته، گفته «همینقدر که ما بالاخره وارد گفتگو با طرف مقابل شده‌ایم را من مثبت ارزیابی می‌کنم. اینکه آقای خاندوزی به این باور رسیده که عدم عضویت در FATF باعث و سبب بروز مشکل شده، یعنی بالاخره به این نتیجه رسیده که باید برای این مساله راهکاری بیابند.»

مسعود دانشمند افزوده که «بالاخره این نشانه‌ای از این مسئله است که باور کرده‌اند نیاز است که کشور از لیست سیاه FATF خارج شود. در شرایط فعلی اگر کشوری با ایران وارد تجارت و مراددهات بانکی شود خود آن کشور نیز وارد لیست سیاه افای‌تی‌اف خواهد شد، بنابراین هیچ کشوری در دنیا دیگر تمایلی به همکاری با ایران نخواهد داشت و این صدمه سنگینی به تبادلات مالی و اقتصاد ایران وارد خواهد کرد. اکنون به نظر می‌رسد آقای خاندوزی متوجه این آسیب شده و حالا هم که متوجه این آسیب شده‌اند، این نامه را نوشته شده است. اما خب با توجه به رویکردی که نظام در این مورد دارد، برای این که دستکم وارد مساله شوند، اعتراض کرده‌اند که اساساً چرا در لیست سیاه هستند و به نظرم این شروع باب گفتگو در اینباره خواهد بود که مشکل را حل کنند.»

مرتضی افقه اقتصاددان و استاد دانشگاه جندی‌شاپور اهواز با اشاره به اینکه «ما بهترین زمان‌ها را برای مذاکره از دست داده‌ایم، اما هنوز دیر نشده» گفته که «مشکلات اقتصادی ما ریشه‌های غیراقتصادی دارند نتیجتاً محدود به

متن فارسی گفتگوی شاهزاده رضا پهلوی و پاتریک بت - دیوید (۶) سقوط ایران در ۵۷ و خواستن و برخاستن مردم برای تغییر رژیم



شاهزاده رضا پهلوی و پاتریک بت - دیوید / نوامبر ۲۰۲۳

در پخش ویدئویی این مصاحبه از نرم افزار زیرنویس انگلیسی و صوت ترجمه همزمان به فارسی استفاده شده که اگرچه می‌تواند کمک اولیه برای آگاهی از مضمون باشد اما از آنجا که گفتار بر اساس صوت و تلفظ گویندگان تشخیص داده می‌شود، هم در زیرنویس انگلیسی و هم در ترجمه فارسی اشتباهات فاحش و غلط‌هایی وجود دارد که یا جمله را بی‌معنی و بی‌ربط کرده و یا حتا منظوری برعکس را منتقل می‌کند. کیهان لندن کل این گفتگو را ترجمه کرده که بالغ بر ۲۷ هزار کلمه می‌شود. اما هم از نظر زبان محاوره و هم از نظر برخی موضوعات پراکنده که مجری مطرح می‌کند، بخش‌های اصلی این گفتگو تا حد ممکن با وفاداری به عبارات اصلی تنظیم شده تا به صورت مکتوب و به عنوان مرجع در دسترس همگان قرار داشته باشد.

است. اما افراد معینی هستند که مایل‌اند این هرج و مرج در خاورمیانه تداوم داشته باشد. می‌دانید، این یک مدل کسب و کار است. مثل آنچه آینه‌ناور در پایان دوره‌اش گفت: حواستان به مجموعه‌ی صنایع نظامی باشد؛ ما دائم به جنگ می‌رویم؛ و همه [رؤسای جمهور آمریکا] مثل او بودند؛ البته بایدن کسی است که نیروها را خارج می‌کند. ما دیگر در افغانستان نخواهیم بود. او رئیس جمهور صلح است! ولی بعد که بایدن رئیس جمهور شد، قلدراها از خواب بیدار شدند: روسیه و اوکراین و بعد حماس و کاری که با اسرائیل کرد و بعدش هم حمله اسرائیل به فلسطین. چه اتفاقی خواهد افتاد اگر ایران درگیر بشود؟ البته آنها قبلاً از طریق نیابتی‌ها درگیر شده‌اند... اما چه کسی می‌خواهد ببیند که ایران در حال تغییر رژیم است و چه کسی دوست دارد ایران را در حال تغییر رژیم ببیند، غیر از مردم‌اش...

-خب، بدون ورود به برخی استدلال‌های بالقوه از نوع تئوری توطئه، می‌توانم بگویم که شرکت‌های مشخصی از جمله شرکت‌های نفتی در این کشور در حال حاضر سرمایه‌گذاری زیادی در تحقیق و توسعه در انرژی‌های جایگزین و انرژی‌های تجدیدپذیر انجام می‌دهند، البته همه آنها شرکت‌هایی هستند که به منابع موجود وابسته‌اند. شرکت‌هایی مانند جنرال داینامیکس که می‌دانند علاوه بر ساخت هواپیماهای جنگنده، محصولات دیگری نیز وجود دارند که می‌توانند آنها را بسازند که بازاری برای آنها در این مناطق خواهد داشت. بنابراین ما در آن نوع ماشین جنگ صنعتی نیستیم که فقط به تفنگ و سلاح فکر کنیم. و فکر می‌کنم که جمعیت این کشورهایی که تا حال کمتر حرفی برای گفتن داشتند، در ارتباط با تصمیم‌هایی که در خیلی بالا گرفته می‌شد حالا بیشتر به بازی گرفته می‌شوند در برخی کشورهایی که اکنون بیشتر شروع به نشان دادن جهت کرده‌اند؛ کشورهایی که مردم را بیشتر درگیر قضیه می‌کنند برای نمونه عربستان سعودی. دورنمای حکومت کنونی عربستان سعودی هرچه باشد، آیا در مسیر اشتباهی پیش می‌رود؟ نه، من فکر می‌کنم در مسیر درستی پیش می‌رود که توضیح می‌دهد چرا در کل پیمان ابراهیم با منافع برخی کشورهای کلیدی جهان عرب همخوانی دارد زیرا آنها نور فرصت‌هایی را که اکنون در دوی دیده می‌شود، در کشورهای دیگر نیز می‌بینند.

می‌توانند نظام را به درستی مدیریت کنند، ولی رژیم هرگز به آنها اجازه نداده و آنها کاملاً دور نگه داشته شده‌اند زیرا افراد این رژیم فقط از یکدیگر و منافع خودخواهانه خود به هزینه مردم محافظت می‌کنند. اما افراد توانمند زیادی در داخل کشور با ایده‌های تازه وجود دارند که می‌توانند کارآفرینان آینده باشند، می‌توانند مدیران بسیاری از بخش‌های دولتی یا بخش خصوصی باشند که منتظر فرصت‌هایی هستند که این رژیم از آنها را دریغ کرده است.

بنابراین ما از صفر شروع نمی‌کنیم. ما همه این پتانسیل‌ها را داریم. ما منابع طبیعی داریم. و فکر می‌کنم کشور به سرعت برای این تغییر آماده است. آنها اکنون می‌فهمند که برای رسیدن به آن، واقعاً باید این رژیم را از بین برد و از سر آن خلاص شد. این چیز است که مردم ایران امروز با تجربه خودشان متوجه می‌شوند و آماری که شما در آغاز به آن اشاره کردید [آمار و ارقام نظرسنجی در ابتدای گفتگو] به نظر من بسیار محتاطانه است، زیرا آنها گاهی می‌ترسند چیز بیشتری بگویند. و بخشی که باقی می‌ماند آماری است که به نظر می‌رسد از رژیم حمایت می‌کند. فکر می‌کنم آنها فقط بخشی هستند که از وضعیت موجود به لحاظ مالی سود می‌برند و به این معنا نیست که الزاماً از نظر ایدئولوژیک طرفدار رژیم هستند بلکه آنها صرفاً منافع بیشتری دارند و احتمالاً می‌ترسند که اگر رژیم تغییر کند ممکن است بسیاری از منافع خود را از دست بدهند. آنها ناچار فکر می‌کنند که باید از آنچه در حال حاضر با این سیستم داریم، سود ببریم. همین موضوع شاید آن درصدی را توضیح می‌دهد که به نظر می‌رسد ترجیح آنها استمرار این نظام باشد. اما فکر نکنم آنها بتوانند در برابر تغییر مقاومت کنند. شبیه برخی از مردم در آفریقای جنوبی که باور نداشتند بتوان به آپارتاید پایان داد و به این نتیجه رسیده بودند که مقاومت بیهوده است و ما باید با این واقعیت کنار بیاییم که با یک رژیم نژادپرست زندگی کنیم!

چه کسانی دوست دارند شاهد تغییر رژیم در ایران باشند؟
● چه کس دیگری دوست دارد شاهد تغییر رژیم در خاورمیانه باشد؟ زیرا برخی خواهند گفت مدل تجاری برای خاورمیانه متکی بر هرج و مرج است. البته وقتی می‌گویم تغییر رژیم در خاورمیانه منظوره به ویژه تغییر رژیم در ایران

در مقایسه، مردم می‌دانند که هرچه زمان می‌گذرد فقیرتر می‌شوند، نیمی از بانک‌های ما ورشکسته می‌شوند، یعنی عملاً ورشکسته هستند. مردم حتا نمی‌دانند که آیا آنچه ظاهراً در بانک دارند واقعا آنجا هست یا نه. یک احساس ترس دائمی وجود دارد. من در مورد دگراندیشان سیاسی و مبارزان انقلاب مهسا و نبرد شجاعانه‌ای که هموطنان ما نشان داده‌اند صحبت نمی‌کنم، بلکه همه این نارضایتی‌ها به یک نقطه‌ای خواهد رسید که سرانجام باید به آن تن داد.

و سوال این است که بعد چه اتفاقی می‌افتد؟ سوال این است که کشور چه مسیرهایی را می‌تواند طی کند؟ به همین دلیل است که من روی روند و چگونگی تغییر متمرکز هستم و نه صرفاً تغییر سیاسی بلکه اینکه پس از حذف این رژیم مافیایی که از سرکوب در داخل و تهاجم در خارج استفاده می‌کند، چه اتفاقی خواهد افتاد؟ سپاه پاسداران و همه جنبه‌هایی از اقتصاد ایران که در کنترل آن است؛ وقتی همه اینها از بین رفت، آنوقت شما شفافیت و پاسخگویی خواهید داشت، عناصر فساد را حذف می‌کنید و موانعی را که در حال وقوع است حذف می‌کنید تا در نهایت تأثیر مثبت داشته باشد؛ تا ایرانی‌ها ببینند چگونه اقتصاد ما می‌تواند دوباره به راه بیفتد؛ چگونه می‌توانیم سرمایه خارجی وارد کنیم؟ چگونه می‌توانیم بهترین نهادها و صنایعی را که نیازهای ایران را از نظر زیرساخت‌ها و ارتقاء فناوری‌های جدید تضمین می‌کند، تأمین کنیم؟ شرکت‌هایی که بتوانند برای مردم در مناطق پیش از همه محروم مثل بلوچستان به سرعت شغل و درآمد ایجاد کنند و غیره.

این بخشی از طرحی است که تنها به تغییر ساختار حاکمیت که البته یک ضرورت مطلق است مربوط نمی‌شود بلکه واقعاً چیز است که برای قشر متوسط معنی دارد زیرا قشر متوسط در ایران لزوماً مسحور حرف زدن درباره حقوق بشر و دموکراسی و آزادی نمی‌شود. همه این حرف‌ها، خیلی هم خوب! اما در عمل به چه معناست؟ واقعاً چه تأثیری در زندگی من می‌گذارد؟ و این باید بخشی از روند تغییر باشد که نشان داده شود در نامیدی مطلق اقتصادی، این فرصت‌ها وجود دارد. وقتی می‌گویم ما باید از امید به سوی باور حرکت کنیم منظوره اینست که همه عوامل آن هم در داخل و هم خارج کشور وجود دارد. ما به اندازه کافی افرادی داریم که

نظر حس مدرنبته وحس پیشرفت کردن؛ می دانید، آن تقابلی که شهروندان ده سال پیش در ارتباط با زنان در عربستان سعودی داشتند، امروز دیگر اینطور نیست؛ و در چشم‌اندازی که او دارد همه چیز در حال تجدید نظر و بازنگریست. او به من از آنچه در خاطر داشت و البته از طریق دیگران درباره ایران قبل از انقلاب می‌دانست و نوع رابطه‌ای که ما با عربستان سعودی داشتیم می‌گفت و اینکه چطور همه چیز بعد از انقلاب مرتب بدتر شد. درواقع خمینی از همان ابتدا در به چالش کشیدن خانواده سلطنتی عربستان که آیا آنها مشروعیت دارند که خادم کعبه باشند یا نه بسیار جنجال کرد. از همین موضوع هم کل درگیری شیعه و سنی در منطقه شروع شد و به نوعی باعث ایجاد تنش و وحس خصومت از همان ابتدا در منطقه شد. بنابراین ما می‌دانیم چقدر همه چیز متفاوت خواهد شد اگر از شر این نظام خلاص شویم و به دورانی برگردیم که آن نوع روابط را داشتیم و البته خیلی چیزهای بیشتر. من واقعاً فکر می‌کنم این قابل دستیابی است، زیرا در آن زمان کل مسئله فلسطین و هرآنچه وجود داشت، به ترور انور سادات منجر شد که برای صلح و رفتن به سمت صلح بین مصر و اسرائیل تلاش می‌کرد.

منظورم این است که همه این عواملی که شما از نظر هرج و مرج و آشفتگی به آن پرداختید، فکر می‌کنم که در حال حاضر، کل حرکاتی که دیده می‌شود بیانگر این عزم است که چگونه می‌توانیم به سمت همکاری‌های منطقه‌ای پیش برویم. بنابراین شما باید عنصری را که هرج و مرج را ایجاد می‌کند از بین ببرید. عنصری را که بی‌ثباتی ایجاد می‌کند از بین ببرید. شما باید عنصر ایجاد خشونت و عدم اعتماد را از بین ببرید. حدس بزن کی؟ تنها رژیم‌هایی که در این منطقه جهنم بپا کرده و درواقع پشت این بی‌ثباتی است، چیزی جز رژیم اسلامی در تهران نیست. آنها هستند که دائم هرج و مرج ایجاد می‌کنند. آنها هستند که دائم بی‌ثباتی ایجاد می‌کنند، آنها هستند که به افراط‌گرایی و تروریسم دامن می‌زنند، و در نهایت هم بخشی از مأموریت مقدس آنها صدور ایدئولوژی خودشان است آنهم با هدف نهایی ایجاد خلافت شیعه، این اساسا مانیفست و مأموریت این رژیم است. خمینی این را به صراحت گفته است.

خمینی در راه بازگشت به تهران بود و وقتی یک خبرنگار ایتالیایی با خبرنگاری دیگر از او پس از ۱۵ سال تبعید پرسید که از بازگشت به ایران چه احساسی دارید؟ می‌دانید چی گفت؟ یک کلمه: هیچ! جوابش «هیچ» بود! هیچ احساسی نداشت، برای اینکه ایران اصلاً برای او مطرح نبود او به دنبال «امت» و «جهان اسلام» بود، بدون مرز! این حتا به نفع ملت هم نبود. این چیزی بود که او می‌گفت. این کلمه امروز به طرز شومی در ذهنیت ایران ثبت شده: هیچ! بدون احساسات!

و بعد به آندسته از رهبرانی نگاه کنید که امروز می‌گویند ما برای کشورهای خودمان، کشورهای قابل احترام خودمان چه کاری می‌توانیم انجام دهیم، اما آیا اگر کار را در همکاری با یکدیگر انجام دهیم آسانتر نخواهد بود؟ منظورم این است که این یک انتظار منطقی و ساده است. آیا چالش‌های جدیدی ایجاد می‌کند؟ بله، این کار را می‌کند. اما آن موقع مشکلات خوبی خواهند بود. وقتی شما یک دشمن دائمی دارید که نمی‌گذارد یک صلح واقعی برقرار شود، اجازه نمی‌دهد آنچه را که اگر رژیم ایران وجود نمی‌داشت، می‌توانست انجام شود، منظورم راه حل دو کشور بین فلسطین و اسرائیل است که به تعویق افتاده، ولی چرا؟ چون کسانی هستند که علاقه‌ای به صلح و ثبات در منطقه ندارند. دست آنها در کار است. بنابراین نبرد حقیقی بین آنهاست که متعهد به روابط حسنه و با ثبات هستند یا مخالفان آن. یک طرف باید برنده شود... (ادامه دارد)

ایدئولوژیک ساخته شده و پرورش یافته؟
 من فکر می‌کنم در دنیای آزاد و واقع‌گرایانه، وقتی بحث و گفتگو باز و شفاف است، آندسته از روایت‌ها و ایدئولوژی‌های که می‌خواهند مردم را دیکتاتور کنند یا آنها را در نگرش علیه چیزی برای توجیه اهداف خود بسیج کنند، ما می‌توانیم آن را معکوس کنیم یا حداقل می‌توانیم آنها را خنثی کنیم؛ اینکه سود من لزوماً ضرر شما نیست، اینکه من الزاماً مجبور نیستم بگویم که جزو منافع ملی یا هویت ملی من است که ضدعرب باشم یا ضد این یا ضد آن. این واقعاً رویکردی یا فلسفه من است. ممکن است از دیدگاه برخی ساده‌اندیشانه باشد یا ساده‌دل باشم، اما فکر می‌کنم ما باید به این روند در منطقه خودمان فرصتی بدهیم که هرگز تا حال فرصت این تجربه را نداشته است.

● مذاکره با مردم غیرمنطقی سخت است. می‌دانید، مذاکره با مردم معقول وقتی مشغول یک معامله تجاری هستید آسان است. می‌گویید می‌خواهیم معامله کنیم و شاید از قیمت معامله راضی نباشیم اما بین ۳۰۰ میلیون دلار یا ۲۰۰ میلیون دلار، شاید به توافق روی ۲۸۰ میلیون رسید. ولی ۴۰۰ میلیون دیگر غیرمنطقی است و از انجام معامله دور می‌شویم. شما با افراد منطقی سر و کار ندارید که بخواهید با آنها مذاکره کنید. حرف زدن با آدم‌های غیرمنطقی بی‌معنی است. می‌خواهم در مورد عربستان بیرسم. اگر به نقشه خاورمیانه نگاه کنید، ایران هست و در طرف شرق افغانستان و پاکستان؛ شما ترکمنستان و آذربایجان را دارید و عراق را در غرب خود. کویت و عربستان را درست آنسوی خلیج فارس. من از محمد بن سلمان می‌گویم که بسیار بلندپرواز است و می‌خواهد آنجا را به چنان کشور امنی تبدیل کند که رونالدو برود آنجا بازی کند. مسی گفت نه و هر چقدر هم پول بدهند به آنجا نمی‌رود زیرا همسر و خانواده‌اش در آنجا احساس امنیت نمی‌کنند. یا برای گلف اینهمه کار انجام دادند و به گرگ نورمن [گلف‌باز استرالیایی] می‌گویند بیا اینجا بازی کن. یا فیل میکلسون [گلف‌باز آمریکایی] گفته به آنجا می‌رود. عربستان طی پنجاه سال پیشرفت کرده و حالا می‌خواهد به کشوری امن معروف شود طوری که همه دلشان بخواهد به آنجا بروند. بن سلمان نیز می‌خواهد خاورمیانه آشفته باشد. ممکن است استدلال عربستان این باشد که: خوب، من در مورد اوضاع همسایگان نمی‌توانم کاری بکنم ولی خانه خودم امن است. اما این استدلال مثل این است که شما در جامعه‌ای زندگی کنید که خانه شما امن باشد و وضعیت خانواده‌تان هم خوب باشد اما درست در همسایگی شما قاتلانی باشند که افراد را برای چیزهای مختلف از جمله مواد مخدر می‌کشند و... دور تا دور خانه شما فوق‌العاده آشفته است، درست؟ یکی مثل بن سلمان مایل است با اسرائیل روابط عادی داشته باشد و وارد «پیمان ابراهیم» می‌شود و از طرف دیگر نمی‌خواهد فلسطین را ناراحت کند چون آنها هم همسایه‌اش هستند و هم مشتری‌اش. می‌دانید، باز همان عنصر راضی نگه داشتن همه مطرح می‌شود. اما آیا بن سلمان و عربستان جزو آنهاست که مایلند تغییر رژیم در ایران اتفاق بیفتد؟ فکر می‌کنم اینطور است و این فقط یک حدس نیست. چند سال پیش زمانی که محمد بن سلمان به واشنگتن سفر کرد با او ملاقات داشتم و اتفاقاً این فرصت بود که بنشینم و با او صحبت کنم. این ملاقات یکبار بود اما با او عنوان یکی از اعضای نسل جوان خانواده سلطنتی عربستان صحبت کردم چون چهار دهه پیش با عموی او آشنا شده بودم یعنی با نسل قبلی در آن زمان؛ و من این را نه فقط در عربستان بلکه در بسیاری از کشورهای دیگر هم دیده‌ام که همه این نسل جوان شاهزاده‌هایی که به معنای غربی تحصیل‌کرده هستند، دیدگاهی کاملاً متفاوت نسبت به قبل دارند؛ از

و بعد شما عراقی‌ها و ایرانیان و یا سوری‌های ناامید را دارید که تماشا می‌کنند و می‌گویند ما هم می‌خواهیم بخشی از این فرصت برای تغییر باشیم. اما آنها در پشت «اتحاد مقاومت» علیه آن «اتحاد پیشرفت» به دام افتاده‌اند. تا حدودی شبیه این است که مردم پشت پرده آهنگین [اتحاد شوروی و کشورهای بلوک شرق] به فرصت‌های آنسوی دیوار رشک می‌بردند. این یک پویایی است. بنابراین آیا هرج و مرج منجر به این رشد می‌شود؟ نه! من فکر می‌کنم امروز بیشتر همکاری‌های منطقه‌ای است [که سبب رشد می‌شود]. شما قبلاً در مورد سازمان‌های اطلاعاتی و مشابهاً صحبت کردید؛ مثلاً بگذار ببینیم موساد چه می‌کند، یا المخابرات یا هر چیز دیگری؛ اما تصور کنید مثل اروپای امروز در چارچوب اتحادیه اروپا، یا به عنوان مثال، ناتو که هر کدام تنظیمات خودشان را دارند؛ چرا ما نتوانیم مشابه آن را در خاورمیانه داشته باشیم؟ در جایی که کشورهای منطقه تنظیمات امنیتی مشترک و ائتلاف نظامی دارند؛ من فکر می‌کنم این [همکاری] ما را از صرف بیش از حد بودجه ملی در زیرساخت‌های نظامی رها می‌کند و آن پول را می‌توانیم صرف آموزش، رفاه، مراقبت‌های بهداشتی و چیزهایی از این قبیل کنیم. برخلاف بودجه سالانه امنیتی و نظامی که اگر با هم کار نکنیم، باید بطور مستقل داشته باشیم. بنابراین، آن نظریه ایجاد هرج و مرج ممکن است در قرن بیستم کارساز بوده باشد. اما فکر نمی‌کنم این مسیری باشد که ما بخواهیم کشورهایمان در منطقه در پیش بگیرند؛ منظورم این است که حداقل اگر بخواهم از طرف هموطنانم بحث را مطرح کنم، می‌گویم من با اسرائیلی‌ها صحبت می‌کنم یا با سعودی‌ها یا هر کس دیگری در منطقه. اگر فرصت رشد اقتصادی برای همه ایجاد کنیم، فقط می‌توانیم از آن سود ببریم. اگر ایرانیان به اندازه کافی در مصر سرمایه‌گذاری کنند و مصری‌ها در عربستان سعودی سرمایه‌گذاری کنند؛ منظورم این است که در اینصورت مردم منطقه خواستار ثبات خواهند بود و هیچ قدرت خارجی صرف نظر از صنایع‌اش نمی‌تواند آن را مخدوش کند زیرا شما با تعداد کمی رهبر تصمیم‌گیرنده در آن بالا معامله نمی‌کنید بلکه ما با ۳۰۰ / ۴۰۰ میلیون مردمی که در این منطقه کار و زندگی می‌کنند معامله می‌کنیم که در مقابل این نوع از تحمیلات مقاومت می‌کنند. این طبیعت بازی است. البته بدیهی است ما نمی‌توانیم تضمین [در این مورد] بدهیم و آنها را به طور دیگری فکر می‌کنند ممکن است بخواهند دوباره سناریو خودشان را تحمیل کنند.

در هر حال، وضعیت بسیار متفاوت از گذشته است. قبلاً مردم نمی‌توانستند نظرشان را بگویند. اما اگر اعلام کنند صبر کنید! این منابع ماست، دارایی ماست، منافع اقتصادی ماست؛ درواقع آنها از دولت‌های متبوع خود خواهند خواست که این منابع را حفظ کنند. من فکر نمی‌کنم که پویایی قرن بیست و یکم شبیه آنچه باشد که در قرن بیستم دیدیم. برخی مناسبات تغییر کرده. من نمی‌گویم که مشکلات کاملاً از بین رفته و موانع را پشت سر گذاشته‌ایم. اما فکر می‌کنم اگر از این زاویه نگاه کنیم که رفتار این باشد که تعهد نسبت به همکاری محکم بین مذاهب و همکاری منطقه‌ای داشته باشیم و متعهد به همکاری با یکدیگر باشیم بجای اینکه برضد یکدیگر حرکت کنیم، این یک منفعت جمعی است در مقابل بازی با جمع صفرها! موضوع بر سر این یا آن اردوگاه نیست.

البته باید این چشم‌انداز را ایجاد کنیم و من فکر می‌کنم که این دیدگاه از طریق گفتگو به دست می‌آید و هرچه بیشتر بین ملت‌های خود گفتگو داشته باشیم، بهتر می‌توانیم به آن دست یابیم زیرا تمام آن مواضع مخالفی که در گذشته وجود داشته، چه شما ضد عرب باشید یا ضد اسرائیل یا هر چیز دیگری، بر اساس چیست؟ بر اساس اطلاعات صحیح یا بر اساس ذهنیت خاصی که توسط روایات خاص یا فشارهای

کاهش موجودی صندوق توسعه ملی به ۱۰ میلیارد دلار انکار آمارهای رسمی توسط وزیر اقتصاد

قانون بودجه ۷۷ درصد بیشتر است که با مجوزهای شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا انجام شده است.

در توضیحات ارائه شده از سوی روابط عمومی صندوق توسعه ملی آمده که در چند سال اخیر با درخواست دولت بخشی از سهم صندوق توسعه از درآمدهای نفتی به عنوان استقراض، صرف بودجه دولت می‌شود و در سال ۱۴۰۰ نیز، ۱۸ واحد درصد از سهم صندوق توسعه ملی (مابه‌التفاوت ۲۰ و ۳۸ درصد) تا سقف یک میلیون بشکه در روز از درآمدهای نفتی صرف مخارج بودجه‌ای شده است. از آنجا که دسترسی به برخی از منابع ارزی صندوق توسعه ملی با محدودیت‌هایی همراه است مطابق با بررسی‌های انجام شده، در نتیجه برداشتهای دولت از صندوق توسعه ملی در سال ۱۴۰۰ نیز همانند سال ۱۳۹۹ به پایه پولی افزوده شده است.

وحید شقاقی شهری، اقتصاددان و استاد دانشگاه درباره برداشتهای مکرر دولت از این صندوق گفته که «به دلیل تحریم‌ها و کمبود منابع، دولت‌های مختلف با اخذ مجوز از رهبر از این صندوق برداشت کردند و شاهد بودیم که در مواردی مانند همه‌گیری کرونا، یا برخی از نیازها دولت‌ها از صندوق توسعه ملی برداشت کردند یا تسهیلاتی هم به بخش خصوصی داده شد که به دلیل ضعف در نظارت‌ها برگشت داده نشدند.»

وحید شقاقی شهری با اشاره به عدم بازگشت منابع دلاری به صندوق توسعه گفته که «یک موضوعی که مطرح است در مورد نرخ دلاری وام‌هاست که هر چند از این صندوق وام گرفته شده اما برخی افراد در زمان نرخ دلار ۴۲۰۰ تومانی از این صندوق وام گرفته‌اند که امروز این نرخ به ۴۰۰۰۰ تومان رسیده و وام‌گیرندگان خواستار برگشت ریالی این وام هستند و می‌گویند آن زمان هم با ریال این وام را دریافت کرده بودند.»

این اقتصاددان با استناد به اساسنامه صندوق توسعه ملی گفته که «هدف از تشکیل این صندوق‌ها این است که منابع نفتی تنها در یک دوره خاصی به مصرف نرسند بلکه منابع آن به صورت بین‌نسلی در نظر گرفته شود تا آیندگان هم از این ثروت بهره‌مند شوند. معمولاً بخشی از منابع صندوق توسعه ملی به منظور توسعه زیرساخت‌ها و بخش دیگر هم برای نسل‌های آینده مورد استفاده قرار می‌گیرد، اما عملاً هدف از تشکیل این صندوق‌ها این است که این ثروت برای آیندگان هم مورد استفاده باشد.»

وحید شقاقی شهری افزوده اگر صندوق توسعه ملی ایران را با صندوق کشورهای امارات، چین، نروژ، عربستان، قطر و... مقایسه کنیم می‌بینیم اصلاً عملکرد آنها قابل قیاس نیست، چه به لحاظ میزان منابع و چه به لحاظ شفافیت، زمانی که به سایت صندوق ثروت نروژ مراجعه می‌کنید به صورت شفاف عدد منابع این صندوق را ذکر کرده‌اند و مدام هم این ارقام به روز می‌شوند و در صورتی که اضافه شود هم مشخص است و یک صورت مالی از میزان سرمایه‌گذاری‌ها در شرکت‌های مختلف را هم ارائه داده است و بازدهی و عایدی آن هم معلوم است و هیچ‌گونه محرماتی هم در آن دیده نمی‌شود.

این کارشناس اقتصادی در ادامه افزوده که «در مقابل ارقام صندوق توسعه ملی ایران محرمات اعلام می‌شود و اصلاً مشخص نیست سرمایه‌گذاری‌ها، میزان عایدی و بازگشت آن به چه صورت است و عملکرد مدیریت‌های مختلف صندوق به چه صورت بوده است تا بتوان آن را به عنوان یک مطالبه عمومی مطرح کرد و اینکه این صندوق برای آینده چه برنامه‌ای دارد؟»



علیرضا صالح عضو هیئت عامل صندوق توسعه ملی اعلام کرد صندوق توسعه ملی در طی مدت فعالیت خود ۱۰۰ میلیارد دلار از دولت طلب دارد که بر اساس پیش‌بینی لایحه برنامه هفتم قرار است از محل سرمایه‌گذاری در میادین مشترک نفت و گاز به تدریج طلب خود را دریافت کند.

مهدی غضنفری رئیس هیئت عامل صندوق توسعه ملی نیز ادریبهشت امسال اعلام کرد که «صندوق ایران یک صندوق ۱۵۰ میلیارد دلاری است که حدود ۱۰۰ میلیارد آن توسط دولت‌های گذشته برداشت شده و حدود ۴۰ میلیارد نیز تسهیلات پرداخت کرده است.»

ارقام ارائه شده از سوی مهدی غضنفری نشان می‌دهد موجودی صندوق توسعه ملی به رقم ۱۰ میلیارد دلار کاهش یافته است. البته این اظهارات توسط برخی مقامات تصحیح شد و آنها مدعی شدند که «دارایی» صندوق ۱۷۰ میلیارد دلار است؛ این رقم با جداول حسابداری و تها روی کاغذ بدست آمده است و وام‌های پرداخت شده و نرخ بهره آن را جز دارایی صندوق حساب شده است. در حالیکه همانطور که مهدی غضنفری گفته موجودی صندوق همان رقم ۱۰ میلیارد دلار است که کمترین موجودی از تاریخ تأسیس این صندوق تا کنون است.

روابط عمومی صندوق توسعه ملی نیز اوایل امرداد در گزارشی کاهش موجودی این صندوق به رقم ۱۰ میلیارد دلار را تأیید کرده بود که نشان می‌داد بودجه‌ای که باید برای تقویت زیرساخت‌ها، پروژه‌های توسعه‌ای و زیربنایی و به عنوان پشتوانه‌ای برای نسل‌های آینده استفاده می‌شد، صرف هزینه‌های جاری شده است.

بر اساس این گزارش، از دخل و خرج دولت در سال ۱۴۰۰، کسری تراز عملیاتی بودجه در این سال نسبت به سال قبل از آن ۶۳ درصد افزایش یافته و استقراض از صندوق توسعه ملی نیز نسبت به مجوز قانون بودجه، ۷۷ درصد بیشتر بوده است. روابط عمومی صندوق توسعه ملی درباره برداشت بیش از رقم در نظر گرفته شده از این صندوق توسط دولت توضیح داده که استقراض از صندوق توسعه ملی نسبت به مجوز

● عضو هیئت عامل صندوق توسعه ملی: صندوق توسعه ملی در طی مدت فعالیت خود ۱۰۰ میلیارد دلار از دولت طلب دارد.

● وزیر اقتصاد جمهوری اسلامی اعلام کرده که رقم ۱۰۰ میلیارد دلار به عنوان بدهی دولت به صندوق توسعه ملی مورد قبول نیست!

● یک اقتصاددان گفته اگر صندوق توسعه ملی ایران را با صندوق کشورهای امارات، چین، نروژ، عربستان، قطر و... مقایسه کنیم می‌بینیم اصلاً عملکرد آنها قابل قیاس نیست، چه از نظر میزان منابع و چه از نظر شفافیت.

برخی آمارها از این حکایت دارند که افزایش بدهی دولت به صندوق توسعه ملی به حدود ۱۰۰ میلیارد دلار رسیده و به دلیل برداشتهای مکرر دولت، تنها ۱۰ میلیارد دلار از منابع این صندوق باقی مانده است.

برداشتهای بی‌حساب دولت از صندوق توسعه ملی برای جبران کسری بودجه و تأمین هزینه‌های جاری از مدت‌ها پیش مطرح بوده و اکنون روزنامه «اعتقاد» در گزارشی نوشته در حال حاضر تنها ۱۰ میلیارد دلار از منابع در این صندوق باقی مانده است.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی ماه گذشته اعلام کرده بود که بر اساس عملکرد بودجه ۱۴۰۲ طی هفت ماه نخست سال جاری حدود ۲۵ هزار میلیارد تومان برداشت از صندوق توسعه ملی توسط دولت صورت گرفته است. همچنین برآورد شده که تا پایان سال حدود ۱۹۵ هزار میلیارد تومان مجموع برداشت از صندوق توسعه ملی باشد.

در گزارش روزنامه «اعتقاد» با استناد به گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس اعلام کرده که دولت سیزدهم نه تنها حدود ۲۵ هزار میلیارد تومان بدهی خود به صندوق توسعه ملی مربوط به سال ۱۴۰۱ را تسویه نکرده است، بلکه انتظار می‌رود با صدور مجوز برداشت ۲۰ درصد از منابع صندوق توسعه در سال ۱۴۰۲ حدود ۱۷۰ هزار میلیارد تومان به این مبلغ افزوده شود، به این ترتیب، پیش‌بینی می‌شود که بدهی دولت به صندوق توسعه ملی در پایان سال جاری به ۱۹۵ هزار میلیارد تومان برسد. صندوق توسعه ملی یک صندوق ۱۵۰ میلیارد دلاری است که حدود ۱۰۰ میلیارد دلار آن توسط دولت‌های مختلف برداشت شده و حدود ۴۰ میلیارد دلار نیز تسهیلات پرداخت کرده است. بنابراین تنها ۱۰ میلیارد دلار از منابع در این صندوق باقی مانده است.

احسان خاندوزی وزیر اقتصاد جمهوری اسلامی گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی را رد کرده و یک روز پس از گزارش روزنامه «اعتقاد» اعلام کرده که رقم ۱۰۰ میلیارد دلار به عنوان بدهی دولت به صندوق توسعه ملی مورد قبول نیست! احسان خاندوزی گفته طبق قانون، هیئت نظارت بر صندوق توسعه ملی باید تعیین کند میزان بدهی‌های قانونی و حسابرسی شده به صندوق چه میزان است. او افزوده که برای دیدن اهتمام دولت در بازپرداخت دیون خود به صندوق، می‌توانید برنامه هفتم را با برنامه‌های قبلی مقایسه و مشاهده کنید که در برنامه‌های پیشین ساز و کاری برای تسویه پیش‌بینی نشده بود.

احسان خاندوزی در حالی رقم ۱۰۰ میلیارد دلار را به عنوان بدهی دولت به صندوق توسعه را قبول نداریم که همزمان

بازداشت یک دانشجوی پزشکی در بندرعباس به اتهام انتشار توییتی درباره «قاسم کتلت»



مراسم تشییع جنازه کشته‌شدگان انفجارهای کرمان / ۱۵ دی ماه ۱۴۰۲

و امنیتی تهدید کرده‌اند. جدا از آنکه اساسا انتشار مطلب با اشاره به غذای کتلت یا ارائه روایت‌های متفاوت درباره انفجارها به هیچ وجه جرم نیست و در هیچیک از قوانین موضوعه کیفری فعلی در ایران جرم‌انگاری نشده، شکی نیست که اقدامات این کاربران امنیتی با هدف ایجاد رعب و وحشت در میان شهروندان و افزایش حداکثری جو سرکوب در فضای مجازی است. ضمن اینکه افشای اطلاعات خصوصی شهروندان در شبکه‌های اجتماعی، خود نقض بارز حریم خصوصی شهروندان است و جرم محسوب می‌شود. همچنین خبرگزاری «تسنیم» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی پنجشنبه شب در یک خبر اختصاصی اعلام کرد که محمدمهدی فداکار استاندار کرمان به این خبرگزاری گفته: «مراسم تشییع شهدای انفجار تروریستی که قرار بود فردا از ساعت ده صبح از خیابان غزه به سمت مصلاهی کرمان برگزار شود با تصمیم شورای تامین لغو شد و اجتماع مردمی با حضور مردم و شهدا در مصلاهی کرمان برگزار خواهد شد.» گفتنی است که «شورای تأمین» هر استان که ریاست آن با استاندار مربوطه و متشکل از فرماندهان و رؤسای نظامی و انتظامی و امنیتی آن استان است، وظیفه و مسئولیت «تأمین امنیت» استان و مراسم مختلف را بر عهده دارد! مسئولیتی که اگر ادعای گروه تروریستی داعش بدون همکاری با جاعش در اجرای دو عملیات انتحاری پذیرفته شود، روز ۱۳ دی در برگزاری مراسم حکومتی سالگرد قاسم سلیمانی، ناتوان و ناکارآمد بود و نزدیک به ۳۰۰ کشته و زخمی برجای گذاشت.

چهار سال از مرگ قاسم سلیمانی می‌گذرد و در این مدت موارد متعدد از دیوانه‌بازی علیه او تا سوزاندن عکس‌ها و تخریب مجسمه‌هایش، واکنش جامعه و مخالفان جمهوری اسلامی نسبت به فرمانده «سپاه قدس» بوده که به «سردار بچه‌کش» نیز معروف است.

تحركات تنش‌زا اقدامات لازم را انجام داده و آرامش را به فضای مجازی برگردانند.»

در همین ارتباط اکانت «دادبان» که درباره مسائل حقوقی و وضعیت زندانیان سیاسی می‌نویسد، پنجشنبه ۱۴ دی ۱۴۰۲ نسبت به سناریوی جدید امنیتی در شبکه‌های



سورنا علیپور

اجتماعی هشدار داده و نوشته است: «شماری از کاربران وابسته به نهادهای اطلاعاتی و امنیتی جمهوری اسلامی در شبکه اجتماعی ایکس (توییتر سابق) اقدام به افشای سیستماتیک هویت کاربرانی کرده‌اند که اظهاراتی برخلاف روایت تحمیلی حاکمیت از انفجارهای کرمان ارائه داده‌اند. این کاربران امنیتی با انتشار تصاویر و اطلاعات خصوصی و هویت کاربران از جمله نام و نام خانوادگی، محل کار یا تحصیل و شماره تلفن، صراحتا آنها را به دلیل انتشار پست‌هایی درباره کتلت یا ایجاد تشکیک در عاملان انفجارها یا مسئول دانستن نظام در آنها به برخورد قضایی

● به دستور دادستانی کل جمهوری اسلامی افرادی که در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی نسبت به کشته‌شدگان انفجارهای کرمان «حرمت شکنی» کنند شناسایی و بازداشت خواهند شد.

● سورنا علیپور دانشجوی دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان بازداشت شده است. او در توییتی نوشته بود «آدمی که میره سر قبر قاسم کتلت از ما نیست که بخوایم براش دل بسوزونیم.»

● پیش از این دکتر محمد شجاع فوق تخصص قلب کودکان که پس از کشته شدن رضی موسوی در اینستاگرام خود تصویری از کتلت منتشر کرد و نوشت «امشب در ساختمان ما بوی کتلت پیچیده» به اتهام «توهین به شهدا و توهین به مقدسات» بازداشت شده بود.

● در همین ارتباط اکانت «دادبان» که درباره مسائل حقوقی و وضعیت زندانیان سیاسی می‌نویسد، نسبت به سناریوی جدید امنیتی در شبکه‌های اجتماعی و پیگرد کاربرانی که درباره «کتلت» می‌نویسند، هشدار داده است.

به دستور دادستانی کل جمهوری اسلامی افرادی که در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی نسبت به کشته‌شدگان انفجارهای کرمان «حرمت شکنی» کنند شناسایی و بازداشت خواهند شد.

محمد موحدی دادستان کل جمهوری اسلامی روز جمعه ۱۵ دی ماه در نامه‌ای به دادستان‌های سراسر ایران نوشت با توجه به «ضرورت برخورد قاطع» با اشخاص غافل یا معاندی که بعد از حادثه کرمان، با تولید، انتشار و بازنشر محتوای کذب و خلاف قانون و دارای وصف مجرمانه در برخی رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی، امنیت روانی جامعه را مخدوش می‌کنند، لازم است به قید فوریت، دستگاه‌های اطلاعاتی، امنیتی و انتظام، ضمن رصد جامع، به هنگام و هوشمند در فضای مجازی و رسانه‌ای، کلیه عوامل و مرتکبین مرتبط با موضوع و دارای مسئولیت قانونی را شناسایی و به منظور رسیدگی و اقدام مناسب قضایی به دادسرای دیصلاح معرفی کنند.

در همین ارتباط سورنا علیپور دانشجوی دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان بازداشت شده است. او در توییتی نوشته بود «آدمی که میره سر قبر قاسم کتلت از ما نیست که بخوایم براش دل بسوزونیم.»

پیش از این دکتر محمد شجاع، فوق تخصص قلب کودکان که پس از کشته شدن رضی موسوی در اینستاگرام خود تصویری از «کتلت» منتشر کرده و نوشته بود «امشب در ساختمان ما بوی کتلت پیچیده» به اتهام «توهین به شهدا و توهین به مقدسات» بازداشت شده بود.

هواداران نظام کارزاری برای شناسایی افرادی به راه انداختند که برای سلیمانی و هواداران وی که در مراسم سالگردش کشته شدند از عبارت «کتلت» استفاده می‌کنند. خبرگزاری فارس وابسته به سپاه در مطلبی نوشته با توجه به مراسم سلیمانی و حادثه انفجار کرمان «شاهد هتک حرمت و توهین از سمت عده‌ای جاهل و خودفروخته در فضای مجازی هستیم که بیش از پیش باعث آزردن خاطر شدن مردم فهیم و شهیدپرور جمهوری اسلامی ایران شده است. لذا از مسئولین محترم تقاضا دارم نسبت به این

«آرمان فلسطین»: موضوعی مبهم و متناقض و کلافی سردرگم



یک نیروی بسیج در راهپیمایی حکومتی حمایت از فلسطین در تهران / رويترز ۱۳ اکتبر ۲۰۲۳

دلیل هم بود که اولین نبرد کشورهای عرب با اسرائیل در سال ۱۹۴۸ نوعی پان عربیسم علیه کشور نوپای اسرائیل بود. نگاهی کوتاه به پیش‌زمینه‌های شکل‌گیری نهضت وحدت عربی در منطقه، و نه آرمان فلسطین، بهتر می‌تواند موضوع را روشن سازد.

هنگامی کمیته ویژه سازمان ملل متحد در اوت ۱۹۴۷ در مورد فلسطین انتشار یافت و درخواست نمود تا دو کشور عربی و یهودی در منطقه فلسطین شکل گرفته و در عین حال، رژیم بین‌المللی مشخصی برای اورشلیم (بیت‌المقدس) و همچنین اتحاد اقتصادی بین دو کشور پیشنهادی به وجود آید، این طرح مورد قبول و پشتیبانی یهودیان قرار گرفت. سپس گفتگوهای نیز میان ملک عبدالله امیر اردن، رهبران سوریه، همچنین عبدالرحمان عزام پاشا سیاستمدار مصری دنبال شد. اما وی که دبیرکل اتحاد عرب بود، همراه با الحاج امین الحسینی رهبر فلسطینیان هر نوع طرحی برای شکل گرفتن کشور مستقل یهودی را رد نمودند.

در جلسه‌ای که در ۱۶ دسامبر سال ۱۹۴۷ در لندن با حضور نمایندگان آژانس یهود انجام گرفت، عزام پاشا به صراحت موضوع محو اسرائیل را از طریق کاربرد نیروی قهرآمیز مطرح ساخت: «هر نوع توافقی تنها با شرایط ما قابل قبول خواهد بود. جهان عرب شما (یعنی اسرائیلی‌ها) را مهاجم می‌داند و آماده است تا با شما بجنگد. تضاد منافع بین کشورها در اکثر موارد قابل حل و فصل نیست مگر از طریق درگیری مسلحانه».^[iii] این برخورد با قطعنامه پیشنهادی ملل متحد توسط دبیرکل اتحاد عرب ریشه در همان تعصب و تنفری داشت که علیه یهودیان به وجود آمده بود. شدت این تنفر تا حدی بود که از نقطه نظر اعراب تنها و تنها از طریق کاربرد زور و نابودی یهودیان و محو تلاش آنها برای داشتن کشوری مستقل می‌توانست پایان یابد. به عنوان اولین دبیرکل اتحادیه عرب، عبدالرحمان عزام تأکید کرد که ایجاد یک کشور یهودی منجر به جنگ نابودی اسرائیل [iv] خواهد شد. ابعاد این جنگ در

هنجاری بالایی که دارد، یعنی آرمان بودن، با ابعاد انسانی همراه است، یا اینکه شعاری است که بسته به شرایط می‌تواند تغییر یافته و به ابزاری برای رسیدن به اهدافی در موضع‌گیری‌ها و چانه‌زنی‌های سیاسی تبدیل شود؟ اگر ویژگی‌های ابزاری دارد، به ذاته نمی‌تواند آرمانی برای گروهی از مردم تلقی شود. آرمان خواسته‌ها و آرزوهایی را در بر می‌گیرد که بزرگداشت ابعاد انسانی، اخلاق‌مداری، احترام به ارزش‌های جهانشمول، رواداری، و شناسایی برابری تفاوت‌های فرهنگی و هویتی را شامل می‌شود. در حالی که شعار سیاسی به سرعت به ایدئولوژی‌هایی تبدیل می‌شود که به جمود فکری، تصلب آیینی، یکسویه دیدن، عدم انعطاف انجامیده و در نهایت نگرش‌های حذفی تولید می‌کند. با در نظر داشتن این تفاوت‌هاست که ضرورت انجام مطالعه‌ای کوتاه درباره آرمان فلسطین برانگیخته می‌شود. بنابراین، باز همان پرسش پیشین همچنان مطرح است: آرمان فلسطین چیست و عناصر سازنده آن کدامند؟

موضوع آرمان فلسطین، شعار سیاسی ریشه‌داری نیست که در امتداد تاریخ کهن منطقه فلسطین و ویژگی‌های آن امتداد یافته باشد. در حقیقت، از همان آغاز که طاهر الحسینی و سپس پسر او به نام الحاج امین الحسینی مبارزات خود را بر علیه قیمومت بریتانیا آغاز کردند، به نوعی ملی‌گرایی دل‌بسته بودند که به اتحادی عربی، موسوم به پان عربیسم، نظارت داشت. اساس این نگرش ملی‌گرایانه نیز این بود که ملل عرب از طریق پیوندهای مشترک زبانی، مذهبی و تاریخی هویت یافته‌اند و این هویت یکسان در کشورهای مستقل تبلور یافته است. از آنجا که به نظر پیروان این نظریه، یهودیت دشمن این هویت عربی تلقی می‌شود، موضوع فلسطین نیز نمی‌تواند از اتحاد عربی جدا باشد. بنابراین، در آغازین سال‌های تلاش برای ملی‌گرایی در منطقه فلسطین بخشی از جهان عرب تلقی می‌شد، و از این روی نمی‌توان حقوق مشخص ملی مستقلی برای فلسطین به عنوان یک ذات سیاسی مستقل در نظر گرفت. به همین

● از فردی فلسطینی که دکتری علوم دارد پرسیدم منظور شما از این آرمان چیست؟ آیا می‌شود آنرا برایم توضیح دهید؟ پاسخ او منفی بود. با همه شور و اشتیاقی که نسبت به سرزمین آبا و اجدادی خود دارد و به عنوان امری طبیعی خود را مدافع حقوق فلسطینی‌ها قلمداد می‌کند، اما نمی‌دانست «آرمان فلسطین» چیست و اجزای تشکیل‌دهنده آن کدام است.

● عزام پاشا سیاستمدار ضدیهود مصری در اواخر دهه ۱۹۴۰: «اعراب از یهودیان برتر هستند. آنها شکست را با لبخند می‌پذیرند؛ اگر یهودیان ما را در نبرد اول شکست دهند، در نبرد دوم یا سوم... یا نبرد نهمی آنها را شکست خواهیم داد! بیشتر اعراب صحرا از جنگیدن لذت می‌برند... جنگ به بادیه‌نشین احساس خوشبختی، سعادت و امنیت می‌دهد، یعنی چیزی که صلح آن را فراهم نمی‌آورد!»

● این یهودستیزی تنها از طریق اتحاد عربی امکانپذیر می‌شد و نه اینکه یک کشور مستقل فلسطین ایجاد شود.

محمود مسائلی - شاید در طول عمر یک انسان معمولی که در خاورمیانه زندگی می‌کند هیچ شعار سیاسی مربوط به روابط خارجی به اندازه چیزی به نام «آرمان فلسطین» بر ابعاد زندگی او تأثیرگذار نبوده است. رسانه‌های رسمی و غیررسمی شامل فضای مجازی، بحث‌های آکادمیک، گفتگوهای گروهی و مناظره‌ها، و اعتقادات برخی از مردم همواره با این شعار پیوند داشته است.

این روزها به دنبال حملات تروریستی گروه حماس به کشور اسرائیل که به کشته شدن بیش از ۱۲۰۰ نفر از مردم غیرنظامی شده و با گروگانگیری و سپس قتل گروگان‌ها نیز همراه بوده، و حملات متقابل ارتش اسرائیل به نوار غزه که آنهم به کشته شدن شمار زیادی از مردم غیرنظامی انجامیده، بار دیگر شعار سیاسی «آرمان فلسطین» را به مرکز توجهات کشانده است.

واقعا آرمان فلسطین چیست؟ از فردی فلسطینی که دکتری علوم دارد پرسیدم منظور شما از این آرمان چیست؟ آیا می‌شود آنرا برایم توضیح دهید؟ پاسخ او منفی بود. با همه شور و اشتیاقی که نسبت به سرزمین آبا و اجدادی خود دارد و به عنوان امری طبیعی خود را مدافع حقوق فلسطینی‌ها قلمداد می‌کند، اما نمی‌دانست «آرمان فلسطین» چیست و اجزای تشکیل‌دهنده آن کدام است. البته این موضوع جای تعجب هم ندارد زیرا صدها هزار نفر مردمی هم که در فضای عمومی از فلسطین و آرمان آن دفاع می‌کنند، توضیح روشنی برای آن ندارند. این نوشتار توضیحی درباره آرمان فلسطین فراهم می‌آورد تا شاید پاره‌ای از سردرگمی‌ها برای هموطنان از میان برداشته شود.

پیشتر، در چند نوشتار شامل «پیش‌زمینه‌های شکل‌گیری یهودستیزی: تأملی در مفهوم قوم برگزیده خداوند در آیین یهود»، «پیش‌زمینه‌های شکل‌گیری یهودستیزی: اتهامات نسبت به یهودیان»، و «تبارشناسی مواضع حماس و معضل خاورمیانه»، ابعادی از گره کور موضوع فلسطین را با موضعی بیطرفانه برای روشن‌نگری در باره موضوع توضیح داده بودم.^[i] در برنامه‌های تلویزیون هم آنها را بطور مفصل توضیح داده‌ام.^[ii] با این وصف، هنوز یک بحث دیگر نیز باید به نوشتارهای پیشین اضافه شود تا بهتر بتوان در خصوص موضوع فلسطین اندیشه کرد.

آرمان فلسطین چیست؟ آیا آرمانی است که به دلیل وزن

➔ مصاحبه عزام پاشا با سردبیر الخبار البوم در لبنان بسیار تکان‌دهنده و ریشه بر اندام انسان می‌اندازد:

«من شخصا آرزو می‌کنم که یهودیان ما را به سوی این جنگ نکشانند، زیرا این یک جنگ نابودی و قتل عام مهم خواهد بود که از آن مانند کشتار تارتارها و یا جنگ‌های صلیبی سخن خواهند گفت. من معتقدم تعداد داوطلبان از خارج فلسطین بیشتر از جمعیت عرب فلسطین خواهد بود، زیرا می‌دانم داوطلبانی از هند، افغانستان و چین به ما خواهند پیوست تا افتخار شهادت در راه فلسطین را به دست آورند... ممکن است تعجب کنید که بدانید صدها انگلیسی‌تبار برای خود را برای داوطلب شدن در ارتش‌های عربی برای جنگ با یهودیان ابراز کرده‌اند...»

وی همچنین افزود: «اعراب از یهودیان برتر هستند. آنها شکست را با لبخند می‌پذیرند: اگر یهودیان ما را در نبرد اول شکست دهند، در نبرد دوم یا سوم... یا نبرد نهمی آنها را شکست خواهیم داد! بیشتر اعراب صحرا از جنگیدن لذت می‌برند. به یاد می‌آورم که در یک جنگ صحرا (که در آن شرکت کردم) که به مدت نه ماه به طول انجامید، وظیفه میانجیگری برای آتش‌بس به من داده شد... در حالی که در مسیر امضای آتش‌بس بودم، برخی به من نزدیک شدند. فرماندهان ارتش به من گفتند: «شرم بر تو! تو فردی مردمی هستی، پس چگونه می‌توانی آرزوی پایان دادن به جنگ را داشته باشی... چگونه می‌توانیم بدون جنگ زندگی کنیم؟» این به این دلیل است که جنگ به بادیه‌نشین احساس خوشبختی، سعادت و امنیت می‌دهد، یعنی چیزی که صلح آن را فراهم می‌آورد!» [v]

این یهودستیزی تنها از طریق اتحاد عربی امکان‌پذیر می‌شد و نه اینکه یک کشور مستقل فلسطین ایجاد شود. در حقیقت، رویای ملت عرب واحد بنا بر مشترکاتی که آنها در نظر داشتند، فلسطین را فقط بخشی از اتحاد عربی تلقی می‌کرد که با آرمان سوریه بزرگ و تأکید بر تجزیه‌ناپذیری این کشور دلالت و اصرار داشت. در پایان جنگ اول جهانی، کنگره عربی فلسطین در نامه‌ای به کنفرانس صلح پاریس خواستار انصراف از بیانیه بالفور و گنجاندن فلسطین به عنوان بخش جدایی‌ناپذیر... کشور مستقل عربی سوریه در یک اتحادیه عرب، عاری از هرگونه نفوذ یا حمایت خارجی شد. این نظریه در کنگره دوم عربی فلسطین مورد باز تأکید قرار گرفت. نمایندگان که در ۲۷ فوریه ۱۹۲۰ در دمشق ملاقات کردند، فلسطین را به عنوان بخشی از کشور متحد سوریه معرفی کرده و خواهان پایان دادن به مهاجرت یهودیان شدند.

در ژوئیه ۱۹۳۷، کمیته عالی عربی، جانشین کمیته اجرایی عربی، با رد توصیه کمیسیون پیل برای تجزیه فلسطین به سه منطقه، بر این مبنا که «این کشور تنها به اعراب [فلسطین] تعلق ندارد، بلکه متعلق به کل جهان عرب و مسلمان است.» [vi] در گزارش خود اذعان داشت که قیومیت بریتانیا بر منطقه غیرقابل اجراء است زیرا اهداف یهودی و عرب در فلسطین با یکدیگر ناسازگار هستند، و پیشنهاد کرد که فلسطین به سه منطقه تقسیم شود: یک کشور عربی، یک کشور یهودی، و یک کشور بی‌طرف. اعراب با این گزارش مخالفت کردند. آنها در اواخر اوت ۱۹۴۷، سه ماه قبل از تصویب قطعنامه سازمان ملل مبنی بر تقسیم فلسطین به کشورهای عربی و یهودی، از الحاق فلسطین (و ماوراء اردن) به سوریه بزرگ حمایت به عمل آوردند. کمیسیون پیل نهادی سلطنتی به ریاست لرد پیل بود که در سال ۱۹۳۶ برای بررسی علل ناآرامی در فلسطین تشکیل شد.

الحاج امین الحسینی رهبر اعراب فلسطین در این دوره،

هرگز به عنوان میهن‌پرستی که به دنبال تعیین سرنوشت فلسطین بود، عمل نکرد، بلکه به عنوان یک مدافع منطقه‌ای اتحاد عربی مشتاقانه عمل می‌کرد. او که از تحسین‌کنندگان اولیه آرمان «سوریه بزرگ» بود، روزنامه جنوب سوریه را ویراستاری می‌کرد. او همچنین ریاست کلوب عرب در شهر بیت‌المقدس را بر عهده داشت که از الحاق فلسطین به سوریه حمایت می‌کرد. او پس از فرار از منطقه در سال ۱۹۳۷ خود را به عنوان سخنگوی کل ملت عرب به هیتلر معرفی کرد، الحسینی استدلال می‌کرد که موضوع فلسطین نیازمند حل فوری است. اما این فوریت نه به دلیل خواسته‌های ملی‌گرایانه اعراب فلسطین، بلکه به دلیل موانعی است که در برابر ملت واحد عربی قرار دارد. بنابراین راه حل پیشنهادی او نه تشکیل کشور فلسطین بلکه استقلال یکپارچه فلسطین، سوریه و عراق تحت رهبری خودش بود.

شکست اعراب در برابر اسرائیل در سال ۱۹۴۸ نسل جوان فلسطینی‌ها را بر آن داشت تا به تدریج مسیر خود را از جاه‌طلبی‌های الحسینی جدا سازند. اما اتحاد عربی هنوز برای آنها آرمانی بود که زیر عنوان گروه مقاومت- جنبش ملی‌گرای عربی سازمان می‌بخشیدند.

در سال ۱۹۶۴ سازمان آزادیبخش فلسطین توسط کشورهای عربی به ابتکار رئیس جمهور مصر، جمال عبدالناصر تأسیس شد. احمد الشقیری سیاستمدار لبنانی - مصری- حجازی- ترک که معاون دبیرکل اتحادیه عرب و همچنین نماینده سوریه و عربستان در سازمان ملل بود، به عنوان رئیس سازمان آزادیبخش فلسطین در شورای امنیت بیان داشت که «فلسطین جزئی از وطن عربی است». جهان عرب حاضر نیست یک ذره از حق خود را از این سرزمین مقدس تسلیم کند. وی با تصریح بر اینکه این سرزمین خاص متعلق به کدام بخش از «میهن عربی» است، افزود که فلسطین «چیزی جز بخشی از جنوب سوریه نیست». به نظر او «منطقه فلسطین از قدیم‌الایام با سوریه مرتبط بوده است» و «بحث جدایی در میان نبود» تا اینکه قدرت‌های بزرگ با ایجاد اختیاراتی در چارچوب جامعه ملل، با کنترل فلسطین و فرانسه در کنترل سوریه، به این امر دست یافتند. [vii]

در اینجا باید خاطرنشان ساخت که جمال عبدالناصر، رئیس جمهوری مصر، در این موضوع نقش بسزایی داشت. او می‌کوشید تا با استفاده از احساسات مربوط به ملی‌گرایی فلسطینی‌ها، از آن در جهت اهداف طرح وحدت عربی خود استفاده کند. [viii] اینگونه سیاست‌ها حتی در سال‌های پس از جنگ ۱۹۷۳ یوم کیپور توسط اعراب مورد استفاده قرار گرفت تا با تقویت سازمان آزادیبخش فلسطین به عنوان ابزاری برای پیشبرد مواضع خود در برابر اسرائیل استفاده کنند.

بنابراین جای تعجب نیست که سند تأسیس سازمان آزادیبخش فلسطین، و یا منشور فلسطین، که پس از تشکیل آن به تصویب رسید، در مورد خود فلسطینی‌ها حرف چندانی برای گفتن ندارد. با اختصاص حدود دو سوم از ۳۳ ماده خود به ضرورت نابودی اسرائیل، فلسطینیان را بجای یک ملت متمایز، «بخش جدایی‌ناپذیر ملت عرب» تعریف می‌کند و به آرمان وحدت عربی قول وفاداری می‌دهد. «فلسطین وطن مردم عرب فلسطین است. این بخشی جدایی‌ناپذیر از میهن عرب است و مردم فلسطین بخشی جدایی‌ناپذیر از ملت عرب هستند». (ماده یک). حتی در سال ۱۹۸۸ که مجلس قانونگذاری فلسطین کشور مستقل خود را اعلام کرد، همچنان بر وفاداری خود به آرمان اتحاد عربی پای فشرده: «کشور فلسطین به عنوان بخش جدایی‌ناپذیر ملت عرب،

میراث و تمدن آن است...». البته این امر نشانه آن بود که فلسطینی‌ها کشور اسرائیل را به رسمیت شناخته و از مواضع پیشین خود عقب‌نشینی کرده‌اند. یاسر عرفات رسماً اعلام کرد که با تأسیس دو کشور در منطقه موافق است. [ix] اما بازم منشور ملی فلسطین همچنان بر نابودی اسرائیل اصرار می‌ورزد. حال باید دید تناقضات تا چه اندازه آشکار و گمراه‌کننده است.

با توجه به این پیش‌زمینه‌ها، شایسته است که منشور ملی فلسطین که بازتاب «آرمان فلسطین» است مورد بررسی کوتاهی قرار گیرد تا شاید برای هواداران ساده‌اندیش «آرمان فلسطین» حقایق آشکار گردد. برای این امر بخش‌هایی از همان منشور مصوب سال ۱۹۶۸ انتخاب و توضیح داده می‌شود و سپس اصلاحات پیشنهادی نیز بررسی می‌شوند. ماده ۱: «فلسطین وطن مردم عرب فلسطین است. این بخشی جدایی‌ناپذیر از میهن عرب است و مردم فلسطین بخشی جدایی‌ناپذیر از ملت عرب هستند». این ماده آشکارا تصریح می‌کند که فلسطین خود را بخشی از اتحاد عربی بزرگ می‌داند.

ماده ۲: «فلسطین با مرزهایی که در دوران قیومیت بریتانیا داشت، یک واحد سرزمینی تجزیه‌ناپذیر است». بر اساس این ماده، جایی برای کشور اسرائیل باقی نمی‌ماند و قطعنامه شکل‌گیری دو کشور مصوب مجمع عمومی سال ۱۹۴۷ نمی‌تواند محلی از اعراب داشته باشد.

ماده ۳: «ملت عرب فلسطین حق دارد که سرنوشت خود را پس از دستیابی به آزادی کشور خود مطابق با خواست خود و کاملاً به میل و اراده خود تعیین کند». آیا مفاد این ماده به این معنی نیست که فلسطینی‌ها تفسیر خاص خود از مفهوم حق تعیین سرنوشت را دارند؟ یعنی اینکه حق تعیین سرنوشت فقط از آن فلسطینی‌هاست و اسرائیل از چنین حقی نمی‌تواند برخوردار باشد.

ماده ۶: «یهودیبانی که بطور معمول تا آغاز تهاجم صهیونیست‌ها (یعنی زمان انتشار اعلامیه بالفور در ۱۹۱۷) در فلسطین اقامت داشتند، فلسطینی محسوب می‌شوند». البته این ماده مقداری بشارت‌دهنده است. اما آیا این ماده می‌تواند حقوق یهودیبانی که بعد از این تاریخ به اسرائیل امروزی مهاجرت کردند، و به ویژه آنهایی را که در جریان جنگ جهانی دوم به این منطقه گریختند، به رسمیت بشناسد؟ آیا این کشور مستقل اسرائیل است که باید در خصوص مهاجرت یهودیان به این کشور تصمیم بگیرد، یا این تصمیم در اختیار فلسطینی‌هاست؟ و شاید از همه مهم‌تر اینکه آیا مفاد این ماده در تناقض با اعلامیه جهانی حقوق بشر برای تصدیق و شناسایی حقوق ذاتی مردم برای مهاجرت به سرزمین‌های دیگر نیست؟

ماده ۷: «اینکه جامعه فلسطینی وجود دارد و ارتباط مادی، معنوی و تاریخی با فلسطین دارد، حقیقتی مسلم است. این وظیفه ملی است که همه فلسطینی‌ها به شیوه انقلابی عرب تربیت شوند. همه ابزارهای اطلاعاتی و آموزشی باید اتخاذ شود تا فلسطینی‌ها با کشورشان به عمیق‌ترین شکل ممکن، چه معنوی و چه مادی، آشنا شوند. آنها باید برای مبارزه مسلحانه آماده باشند و آماده باشند تا از مال و جان خود برای پس گرفتن وطن و آزادی آن بگذرند». آیا این ماده به منزله اعلام جنگی آشکار و غیرقابل اجتناب با اسرائیل نیست؟ و با فرض اینکه کشور مستقل فلسطینی وجود داشته باشد، چگونه این کشور با تأکیدی که برای جنگ با اسرائیل دارد، می‌تواند خود را با قواعد حقوق بین‌الملل، به ویژه منشور ملل متحد مطابقت دهد؟ [x]

ماده ۹: «مبارزه مسلحانه تنها راه آزادی فلسطین است. این استراتژی کلی است، نه صرفاً یک تاکتیک. ملت

آورد؟

باید گفت که مطالعه و نقد همه مواد منشور ملی فلسطین یا «آرمان فلسطین» به مراتب بیشتر از این مرور کوتاه و ساده است. بنابراین علاقمندان می بایست همه مواد آن منشور را با دقت مطالعه نمایند تا به نتیجه روشن تری درباره شعار سیاسی «آرمان فلسطین» دست یابند.

با توجه به ابعاد ضد اسرائیلی منشور ملی فلسطین، اسرائیل همواره با آن مخالفت ورزیده است. و حتی با وجود بیانیه‌های سازمان آزادیبخش فلسطین مبنی بر شناسایی اسرائیل، منشور در ذات خود عدم قابلیت سازگاری در منطقه را به روشنی نشان می‌دهد. در همین ارتباط در آوریل ۱۹۹۶، پس از امضای بیانیه اصول توافقنامه اسلو و تبادل نامه‌های به رسمیت شناختن متقابل بین اسرائیل و سازمان آزادیبخش فلسطین، شورای ملی فلسطین به اصلاح منشور رای داد تا هر ماده‌ای را که با نامه‌های متقابل در تضاد باشد لغو کند. اما پیش‌نویس جدید منشور با آن اصلاحات انجام شده تکمیل نشد. با این حال، در سال ۱۹۹۸، یاسر عرفات نامه‌ای به پرزیدنت کلینتون و نخست‌وزیر انگلستان، تونی بلر، نوشت و اظهار داشت که موادی از این منشور که حق موجودیت اسرائیل را انکار می‌کند، باطل شده است. این موضوع در تفاهم‌نامه رودخانه وای [xii] تکرار شد.

در نتیجه، مواد ۶ تا ۱۰، و مواد ۱۵، ۱۹ تا ۲۳، و ۳۰ باطل شدند. بخش‌هایی از مواد ۱ تا ۵، ۱۱ تا ۱۴، ۱۶ تا ۱۸، ۲۵، و ۲۹ نیز که مغایر با تعهدات فوق بودند باطل اعلام شدند. عرفات در پایان نامه خود نوشت که از طرف سازمان آزادیبخش فلسطین و تشکیلات خودگردان فلسطین اطمینان می‌دهد که کلیه مفاد منشور که با تعهدات مربوطه که در تاریخ ۹ سپتامبر ۱۹۹۳ به نخست‌وزیر اسحاق رابین داده شد مغایرت داشت، بطور کل لغو شده است.

با همه این اوصاف، تلاش برای یافتن سند متقنی که نشان دهد مواد یادشده لغو شده‌اند، یافت نشده است. در بیانیه اتحاد جهانی یهودیان پیشرو به دبیرکل سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۱ تأکید شده است که با وجود تضمین‌های مکرر برای اصلاح آن، منشور ملی فلسطین بدون تغییر باقی مانده و همچنان خواستار حذف اسرائیل با هر وسیله نظامی است. [xiii]

New York. Vintage Books, p. 134

[ix] New York Times, December 8, 1988

[x] نگاه کنید به شرایط عضویت در سازمان ملل متحد به شرح ماده ۴ منشور ملل متحد

[xi] نگاه کنید به نوشتاری از این نویسنده با عنوان «پیش‌زمینه‌های شکل‌گیری یهودستیزی؛ اتهامات نسبت به یهودیان» که در ۱۶ دسامبر ۲۰۲۳ در کیهان لندن انتشار یافت.

[xii] Wye River Memorandum

یادداشت رودخانه وای توافقی بود که بین اسرائیل و تشکیلات خودگردان فلسطین در نشست در وای ریور، مرلیند، ایالات متحده، که در اکتبر ۱۹۹۸ برگزار شد، مورد مذاکره قرار گرفت. هدف این یادداشت، ازسرگرفت اجرای توافقنامه موقت ۱۹۹۵ در کرانه باختری و نوار غزه (توافق اسلو دوم) بود. این قرارداد در ۲۳ اکتبر ۱۹۹۸ توسط بنیامین نتانیاهو و یاسر عرفات و از طریق مذاکرات در رهبری رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده بیل کلینتون در کاخ سفید امضا شد. در ۱۷ نوامبر ۱۹۹۸ پارلمان اسرائیل این یادداشت را تصویب کرد.

[xiii] <https://www.un.org/unispal/document/auto-insert-188599/>

تدافعی است که لوازم دفاع از خود را می‌طلبد. بر این اساس، مردم فلسطین، همانگونه که مایل به دوستی با دیگران هستند، برای احیای حقوق مشروع خود در فلسطین، برای حفظ صلح و امنیت در کشور، چشم به حمایت از آزادیخواهان و مردم صلح‌طلب دارند». آیا فلسطین به عنوان یک کشور مستقل، آنگونه که خود اعلام نموده‌اند، نباید هر نوع داعیه دفاعی را مطابق با معیارهای حقوقی بین‌المللی انجام دهند؟ چگونه می‌شود که داعیه دوستی با ملل دیگر داشت، اما قواعد حقوقی بین‌المللی مربوط به روابط دوستانه و همکاری میان کشورها را نادیده گرفت؟

ماده ۱۹: «تجزیه فلسطین در سال ۱۹۴۷ و تاسیس کشور اسرائیل صرف نظر از زمان کاملاً غیرقانونی است زیرا مغایر با خواست مردم فلسطین و حق طبیعی آنها در سرزمین خود و مغایر با اصولی است که در منشور سازمان ملل و به ویژه حق تعیین سرنوشت متحد گنجانده شده است». چگونه می‌توان به منشور ملل متحد استناد کرد، اما تصمیمات سازمان ملل متحد را انکار نمود؟

ماده ۲۰: «اعلامیه بالفور، قیومت فلسطین و هر آنچه بر آن استوار شده، باطل است. ادعاهای مربوط به پیوندهای تاریخی یا مذهبی یهودیان با فلسطین، با واقعیت‌های تاریخ و تصور واقعی از آنچه دولت را تشکیل می‌دهد، ناسازگار است. یهودیت به عنوان یک دین، یک ملیت مستقل نیست. همچنین یهودیان یک ملت واحد با هویت خاص خود را تشکیل نمی‌دهند. آنها شهروندان کشوری هستند که به آن تعلق دارند». چگونه فلسطینی‌ها می‌توانند همه تاریخ منطقه یعنی از آغاز استقرار قوم یعقوب در کنعان و سپس شکل‌گیری کشورهای اسرائیل و کشور یهودا در پیش از انقلاب مسیح را انکار کنند؟ [xi] یا این پیش‌زمینه‌های تاریخی، آیا یهودیت فقط یک دین است؟ یا نشانه هویتی قومی و ملی است؟ چه کسی و یا سازمانی صلاحیت دارد تا موضوع قومیت را احراز کند؟

ماده ۲۱: «ملت عرب فلسطین که خود را با انقلاب مسلحانه فلسطین بیان می‌کند، همه راه‌هایی را که جایگزین آزادی کامل فلسطین می‌شود، رد می‌کند و همه پیشنهادهایی را که برای حل مشکل فلسطین یا بین‌المللی کردن آن است، رد می‌نماید». آیا با این تصریح بر انقلاب مسلحانه می‌توان امکان همزیستی مسالمت‌آمیز را به وجود

*دکتر محمود مسائلی استاد بازنشسته روابط و حقوق بین‌الملل، دانشگاه‌های آتاوا و کارلتون و دبیرکل اندیشکده بین‌المللی نظریه‌های بدیل با مقام مشورتی دائم نزد ملل متحد

[i] هر سه نوشتار در کیهان لندن انتشار یافته‌اند.

[ii] در صورت تمایل نگاه کنید به آرشیو تلویزیون «میهن»
[iii] Abdulrahman Azzam Pasha Rejects Any Compromise with Zionists. Centre for Israel Education.

[iv] War of extermination

[v] Barnett, D. and Karsh, E. (Fall 2011). Azzam's Genocidal Threat. Middle East Quarterly, Vol. 18, No. 4, pp.85-88

[vi] Parsons, L. (Winter 2020). The Secret Testimony of the Peel Commission (Part II): Partition. Journal of Palestine Studies. Vol. 49, No. 2

[vii] Burish, S. (2004). Nasser: The Last Arab. New York: St. Martin's Press, pp. 222-223. Quoted in Yellinek, R. and Malach. (Spring 2022). How Arab Rulers Undermined a Palestinian State. Middle East Quarterly, Vol. 29, No. 2

[viii] Said, S. (1980). The Question of Palestine.

عرب فلسطین بر عزم مطلق و عزم راسخ خود برای ادامه مبارزه مسلحانه و تلاش برای انقلاب مردمی مسلحانه برای آزادی کشورشان و بازگشت به آن تأکید می‌کنند. آنها همچنین از حق خود برای زندگی عادی در فلسطین و استفاده از حق تعیین سرنوشت و حاکمیت خود بر آن دفاع می‌کنند». باز این پرسش مطرح است که به این ترتیب چگونه می‌توان راه برقراری سازش میان اسرائیل و فلسطین را هموار نمود؟

ماده ۱۰: «عملیات کماندویی هسته جنگ آزادیبخش مردمی فلسطین را تشکیل می‌دهد. این امر مستلزم تشدید، جامعیت و بسیج همه تلاش‌های مردمی و آموزشی فلسطین و سازماندهی و مشارکت آنها در انقلاب مسلحانه فلسطین است. همچنین مستلزم دستیابی به وحدت برای مبارزه ملی (وطنی) در میان گروه‌های مختلف مردم فلسطین و بین مردم فلسطین و توده‌های عرب است تا تداوم انقلاب، تشدید و پیروزی آن تضمین شود». باز هم این پرسش مطرح است که چگونه می‌توان به راه حلی منصفانه و مبتنی بر گفتگو درباره شناسایی متقابل دو کشور دست یافت؟

ماده ۱۲: «فلسطینی‌ها سه شعار خواهند داشت: وحدت ملی (وطنیه)، بسیج ملی (قومیه) و آزادی». آزادی از چه چیزی؟!

ماده ۱۲: «مردم فلسطین به وحدت اعراب اعتقاد دارند. اما برای اینکه سهم خود را در دستیابی به این هدف ادا کنند، باید در مرحله کنونی مبارزه خود، از هویت فلسطینی خود محافظت کنند و آگاهی خود را نسبت به آن هویت توسعه دهند و با هر طرحی که ممکن است آن را منحل یا مخدوش کند، مخالفت کنند». آیا مفاد این ماده پاسخ روشنی به این نیست که چرا کشورهای عربی، از جمله مصر، حاضر نیستند فلسطینی‌ها را بپذیرند؟

ماده ۱۳: «اتحاد اعراب و آزادی فلسطین دو هدف مکمل یکدیگر هستند که دستیابی به هر یک، دستیابی به دیگری را تسهیل می‌کند. بنابراین، اتحاد اعراب به آزادی فلسطین می‌انجامد، آزادی فلسطین به وحدت اعراب می‌انجامد. و تلاش برای تحقق یک هدف در کنار کار برای تحقق هدف دیگر پیش می‌رود».

ماده ۱۴: «سرنوشت ملت عرب، و درواقع وجود خود عرب، به سرنوشت آرمان فلسطین بستگی دارد. از این وابستگی متقابل، پیگیری و تلاش ملت عرب برای آزادی فلسطین سرچشمه می‌گیرد. مردم فلسطین در تحقق این هدف مقدس نقش پیشتاز را ایفا می‌کنند». آیا این مواد به این معنی نیستند که موضوع فلسطین همواره به منزله ابزاری برای کشورهای عربی برای پیشبرد مواضع سیاسی آنها می‌باشد؟ حال اگر کشورهای عربی به سازشی آشکارا با اسرائیل دست یابند، آیا برای این وابستگی متقابل جایی باقی می‌ماند؟ آیا کشورهای عربی همچنان خود را به تعهدی برای دفاع از فلسطین ملزم می‌دارند؟

ماده ۱۷: «آزادی فلسطین از دیدگاه انسانی، عزت، سربلندی و آزادی را به فرد فلسطینی باز می‌گرداند. بر این اساس، مردم عرب فلسطین مشتاقانه منتظر همه کسانی هستند که به کرامت انسان و آزادی او در جهان اعتقاد دارند». آیا می‌شود که این ماده را پذیرفت و در عین حال حقوق دیگر فلسطینی‌ها شامل مسیحیان و نیز دروزی‌ها و همچنین گروه‌های احمديه را نیز به رسمیت شناخت؟ آیا عزت و سربلندی فقط از آن فلسطینی‌هاست یا قاعده جهانشمولی است که شامل همه مردم جهان و از میان آنها افراد بی‌گناهی هم می‌شود که در حملات فلسطینی‌ها کشته شده‌اند؟

ماده ۱۸: «آزادی فلسطین از منظر بین‌المللی، اقدامی

محسن سراوانی «جاسوس موساد» یا قربانی توطئه وحید حقانیان؟!



محسن سراوانی در کنار وحید حقانیان از مشاوران ارشد بیت علی خامنه‌ای

حذف حقانیان از بیت شد. تأیید یا رد این استنادها و اطلاعات که از سوی منابع و افراد مختلف منتشر شده به صورت مستقل ممکن نیست اما اگر فرض بر صحت آنها باشد نشان می‌دهد که متهمان این پرونده در لایه‌های درونی نظام از پشتیبانی جریانی قدرتمند برخوردار بوده‌اند که توانستند به سرنوشتی برای آزادی و اطلاعات نیز دست پیدا کرده و در مقاطعی برای آزادی و همچنین تخفیف مجازات آنها تلاش‌هایی صورت گرفته که نتیجه هم داده است. هرچند سراوانی دوباره دستگیر و در نهایت اعدام شد. از سوی دیگر این پرسش مطرح است که چگونه ماندانان زنگنه با این سابقه توانسته در سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی مشغول به کار شود؟! وی از سوی کدام جریان در حکومت تا این حد پشتیبانی می‌شود؟! یک نظامی سابق درباره پرونده محسن سراوانی به کیهان لندن می‌گوید: «امثال او در سیستم کم نیستند. جوانانی که از سر ماجراجویی و رسیدن به موقعیت تلاش می‌کنند خودشان را به سیستم نشان دهند، به سرعت هم موفق می‌شوند و جایگاه می‌گیرند اما به همان سرعت نیز سقوط می‌کنند زیرا در مسیری قرار می‌گیرند که سرشان به باد می‌رود.» وی می‌افزاید: «در دادسرای نیروهای مسلح و دادسرای انقلاب پر از پرونده‌هایی است که سرباز یا افسران و درجه‌داران جوان یا متخصصان از طریق اپلیکیشن‌ها با افرادی مرتبط شدند که گفته می‌شود جاسوس یک دولت خارجی‌اند. پشت آن اکانت اما یکی از مأموران دستگاه‌های اطلاعاتی حکومت قرار دارد. در واقع اینها به دام بخش‌های دیگری از سیستم اطلاعاتی می‌افتند که در نهایت پشت همه آنها رقابت و دشمنی باندهای درون نظام جریان دارد. در پرونده سراوانی باید گفت کسی که قسر در رفته را می‌بایست مهره اصلی دانست و نه کسی که اعدام شد!» برخی دیگر معتقدند اینها می‌توانند بخشی از نیروها و عوامل ریزی جمهوری اسلامی باشند. شماری از آنها ترک خدمت می‌کنند و قید پادگان و یا شغل و درآمد را می‌زنند و شماری هم می‌مانند و با جاسوسی یا خرابکاری برای نظام در درسر درست می‌کنند.

به اینکه نام خانوادگی او «زنگنه» است شایعه شد که دختر بیژن زنگنه وزیر سابق نفت جمهوری اسلامی دستگیر شده که زنگنه آن را تکذیب کرد. در نهایت به نظر می‌رسد با زد و بند و نفوذ مقامات مربوطه، هشت سال حبس تعزیری زنگنه به یک سال زندان تعلیقی کاهش یافت اما در یک اقدام عجیب و غیرمنتظره وی به سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی منتقل شد و گفته می‌شود همچنان در آن سازمان اشتغال دارد. بر اساس گزارش «ایران اینترنشنال»، ماندانان زنگنه سرش از طرف وزارت اطلاعات متهم شده بود که حدود هزار سند محرمانه را در اختیار محسن سراوانی گذاشته است. گفته می‌شود که خود او در دادگاه پذیرفت که تحت فشار، به سراوانی اجازه داده از سه سند محرمانه روی میزش عکس بگیرد اما «ایران اینترنشنال» تأکید کرده «تصاویری از چت ماندانان زنگنه و محسن سراوانی را به دست آورده که نشان می‌دهد این دو با هم رابطه عاطفی و جنسی داشتند.» شاهد علوی روزنامه‌نگار در یک رشته توییت با استناد به مدارکی با سربگ دادگستری کل استان سیستان و بلوچستان جزئیات بیشتری مربوط به متهمان این پرونده را افشا کرده است. بر اساس اطلاعاتی که شاهد علوی منتشر کرد و بخش‌هایی از آن با گزارش شبکه «ایران اینترنشنال» شباهت دارد، در سال ۱۳۹۸ سازمان اطلاعات سپاه (ساس) محسن سراوانی را بازداشت اما بعد از ۴۵ روز آزاد می‌کند. در همان زمان، وزارت اطلاعات هم وی را ۱۰ روز بازداشت کرده و آزاد می‌کند. گفته شده بررسی‌های آنها نشان داده که «او واقعاً با نهادهای امنیتی و نظارتی در ارتباط بوده و سوء تفاهم‌ها برطرف شده است.» بر اساس دادنامه شعبه هفت دادگاه تجدید نظر استان سیستان و بلوچستان، محسن سراوانی مدعی شده است ابراهیم رئیس، رئیس وقت قوه قضاییه و یکی از دامادهای علی خامنه‌ای شخصاً پیگیر کار و آزادی او بوده‌اند. اما برخی معتقدند سراوانی قربانی یک توطئه شده است. بهنام قلی‌پور روزنامه‌نگار در توییتی می‌نویسد «محسن سراوانی جوانکی که به اتهام واهی جاسوسی اعدام شده، به احتمال فراوان یکی از قربانیان حقانیان است که در این رابطه پنهان هم جان خودش را از دست داد و هم منجر به

هفته گذشته بر اساس گزارش سازمان حقوق بشر ایران، محسن سراوانی که نام وی نخستین بار توسط این سازمان اعلام شد، ۲۸ فروردین ماه ۱۴۰۱ به اتهام همکاری با موساد و «جمع‌آوری اطلاعات طبقه‌بندی شده اعم از محرمانه و خیلی محرمانه و سرنوشتی، از طریق مامورین دولت و در اختیار قراردادن اطلاعات طبقه‌بندی شده به افسر سرویس متخاصم» بازداشت و در دادگاه به اعدام محکوم شد. شبکه تلویزیونی «ایران اینترنشنال» بر اساس منابع خودش گزارش داد وزارت اطلاعات سراوانی را متهم کرده که از سال ۱۴۰۰ با موساد همکاری می‌کرد اگرچه سراوانی در دادگاه گفته بود تحت شکنجه به جاسوسی اعتراف کرده است. مهدی شمس‌آبادی دادستان عمومی و انقلاب زاهدان پس از دستگیری سه عامل موساد (که احتمالاً یکی از آنها سراوانی بود) خبر داده بود که «قصد ترور دانشمندان هسته‌ای را داشتند». دادستان زاهدان همچنین مدعی شد آنقدر مستندات علیه این افراد وجود داشت که وقتی قرار بازداشت علیه‌شان صادر شد، اعتراض نکردند! رسانه‌های داخلی ایران اواخر آذرماه از اعدام یک زندانی در زندان مرکزی زاهدان به اتهام «ارتباط با سرویس‌های بیگانه از جمله موساد» خبر دادند بدون آنکه نام و موقعیت وی را اعلام کنند. پس از آن سازمان حقوق بشر ایران گزارش داد فرد اعدام شده یک بسیجی به نام محسن سراوانی است. براساس گزارش سازمان حقوق بشر ایران، سراوانی ۲۸ فروردین ماه ۱۴۰۱ به اتهام همکاری با موساد و «جمع‌آوری اطلاعات طبقه‌بندی شده اعم از محرمانه و خیلی محرمانه و سرنوشتی، از طریق مامورین دولت و در اختیار قراردادن اطلاعات طبقه‌بندی شده به افسر سرویس متخاصم» بازداشت و در دادگاه به اعدام محکوم شد. پس از آن چند منبع تصویری از سراوانی را در کنار سردار وحید حقانیان معاون اجرایی دفتر علی خامنه‌ای و علی اوسط هاشمی استاندار پیشین سیستان و بلوچستان، علی اصغر میرشکار معاون پیشین امنیتی و انتظامی استاندار سیستان و بلوچستان و محمد مرزیه دادستان عمومی و انقلاب زاهدان منتشر کردند. همچنین مشخص شد وی «مشاور جوان بیت خامنه‌ای» نیز بوده است. شبکه تلویزیونی «ایران اینترنشنال» بر اساس منابع خودش گزارش داد که وزارت اطلاعات سراوانی را متهم کرده که از سال ۱۴۰۰ با موساد همکاری می‌کرد اگرچه سراوانی در دادگاه گفته بود تحت شکنجه به جاسوسی اعتراف کرده است. مهدی شمس‌آبادی دادستان عمومی و انقلاب زاهدان پس از دستگیری سه عامل موساد (که احتمالاً یکی از آنها سراوانی بود) خبر داد که آنها «قصد ترور دانشمندان هسته‌ای را داشتند». دادستان زاهدان همچنین مدعی شد آنقدر مستندات علیه این افراد وجود داشت که وقتی قرار بازداشت علیه‌شان صادر شد، اعتراض نکردند! بر اساس گزارش تلویزیون «ایران اینترنشنال» متهمین ردیف اول پرونده (سراوانی) و متهم ردیف دوم پرونده (افشین قربانی میسانی) به اعدام محکوم شدند. از وضعیت متهم ردیف دوم اطلاعی در دست نیست و فقط گفته می‌شود یک معلم ۲۶ ساله است که فعالیت اقتصادی می‌کند. نفر سوم این پرونده ماندانان زنگنه سرش است. وی اواخر تیرماه سال ۱۳۹۹ به عنوان معاون هماهنگی امور اقتصادی استاندار سیستان و بلوچستان منصوب شد اما در نهایت به اتهام جاسوسی بازداشت گشت. پس از بازداشت وی با توجه

«بغرنج» شدن بحران انرژی؛ تداوم سوزاندن مازوت و زیان صنایع

این صنعت بحران را به حدی افزایش داده که رئیس اتحادیه انجمن‌های علمی انرژی ایران با اشاره به نقش ۷۰ درصدی پارس جنوبی به تأمین نیاز داخلی گاز کشور، گفته در صورت عدم سرمایه‌گذاری سال آینده فازهای پارس جنوبی یکی پس از دیگری از دست می‌رود و تأمین گاز با اختلال جدی روبرو خواهد شد. هاشم اورعی رئیس اتحادیه انجمن‌های علمی انرژی ایران در گفتگو با وبسایت «انتخاب» گفته بخش اعظمی از چاه‌های ما در پارس جنوبی که تأمین‌کننده ۷۰ درصد گاز کشور است، در نیمه‌ی دوم عمرشان قرار دارند. اگر سرمایه‌گذاری لازم در آنجا صورت نگیرد سالانه ۱۰ درصد از تولید گاز را از دست می‌دهیم. رئیس اتحادیه انجمن‌های علمی انرژی ایران با اشاره به آمارهای ناترازی گاز گفته که «شرکت گاز اعلام کرد که ناترازی امسال ۲۸ درصد نسبت به سال قبل بیشتر خواهد بود. این آمار اصلاً تعجب‌آور نیست، چون کاملاً انتظار داشتیم و سال بعد هم بدتر خواهد شد.»

صنعت برق نیز مانند صنعت گاز نیازمند سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف است. طی سه سال گذشته ظرفیت خطوط و ترانسفورماتورهای فوق توزیع و انتقال نسبت به ظرفیت نیروگاه‌ها کاهش شدیدی یافته است.

آرش کردی مدیرعامل شرکت توانیر درباره لزوم سرمایه‌گذاری در صنعت برق برای رفع ناترازی گفته در سال ۷۱ نسبت ظرفیت ترانسفورماتورهای شبکه ۶.۱ برابر ظرفیت نیروگاه‌ها بود که در حال حاضر این میزان به حدود ۴ برابر کاهش یافته و این وضعیت علاوه بر اینکه ظرفیت ذخیره شبکه را با اشکال مواجه ساخته، به عوارض پرباری و فرسودگی شبکه دامن زده است. هاشم اورعی رئیس اتحادیه انجمن‌های علمی انرژی ایران در هفته جاری در گفتگویی اعلام کرده که بحران انرژی به زودی تشدید خواهد شد و اگر امروز نشانه‌های آن در خاموشی صنایع در تابستان و قطع گاز این واحدها در زمستان قابل مشاهده است، در آینده نیز با تداوم روند فعلی اوضاع بحرانی‌تر می‌شود.

او بحران گاز و برق در ایران را «بغرنج» خوانده و گفته «ما چیزی به نام سیاست انرژی و برنامه مدونی برای رفع کسری و یا تأمین انرژی نداریم. اگر نگاهی به آمار خاموشی‌ها و کسری‌ها در طی سالهای گذشته بنیدازید متوجه می‌شویم که هر سال این عدد در حال افزایش است یعنی متناسب با افزایش مصرف توانستیم انرژی تأمین کنیم و لذا ساعات خاموشی‌ها رو به افزایش گذاشته است.»

به گفته هاشم اورعی بسیاری از برنامه‌هایی که تاکنون عنوان شده متأسفانه فقط بر روی کاغذ بوده و و ثمری نداشته و متأسفانه ما در طی سالهای گذشته تولید برق را به گاز گره زدیم و حالا که با کمبود گاز مواجه ایم متوجه شدیم که اشتباه برنامه‌ریزی کردیم.

او با اشاره به فعالیت نیروگاه‌های آبی و فسیلی برای تولید برق در ایران گفته «انرژی برق ما در حالی که گاز و آب گره خورده است که امروز نه آب داریم و نه گاز در حالی که ما از یک دهه گذشته باید به سمت انرژی‌های تجدیدپذیر می‌رفتیم که مشاهده می‌کنید برنامه‌ای در این رابطه نداشتیم و به سمت آن حرکت نکردیم!»

رئیس اتحادیه انجمن‌های علمی انرژی افزوده که با این شرایط هر ساله وضعیت انرژی کشور بدتر از سال قبل خواهد بود و در این عرصه با ابر چالش مواجه خواهیم شد و این در شرایطی است که کشوری که ۹ درصد ذخایر نفت و ۱۷ درصد ذخایر گاز جهان را دارد به واردکننده انرژی تبدیل شده است.



سال ۱۴۰۲ ارزش صادرات برخی مواد نفتی و پتروشیمی به شدت کاهش یافته است. به گفته حمید حسینی صادرات فرآورده‌های روغنی ۳۹ درصد، فرآورده‌های پارافینی ۱۵ درصد، گاز مایع ۱۴ درصد، متانول ۱۸ درصد، اوره ۴۳ درصد، پلیمرها ۳۵ درصد، اروماتیک‌ها ۴۸ درصد و گوگرد ۶۸ درصد کاهش یافته است.

پیشتر و در هفته گذشته نیز مهدی مهدوی اهری دبیرکل انجمن کارفرمایی پتروشیمی اعلام کرد که سال گذشته به دلیل عدم تأمین گاز ۸۰۰ میلیون دلار از صادرات پتروشیمی ایران از بین رفت. او در ادامه گفت ایران در هشت ماه ابتدایی سال جاری نیز ۸.۶ میلیارد دلار صادرات پتروشیمی داشت که ۲.۵ درصد کمتر از دور مشابه پارسال است.

مرتضی قدیری رئیس اتحادیه صنف تولیدکنندگان و فروشندگان مصنوعات سیمانی و لوازم فلزی ساختمانی تهران حتی افزایش شدید قیمت سیمان را با بحران انرژی برای تولیدکنندگان مرتبط دانسته و گفته که به دلیل کمبود تولید و خصوصاً در تابستان که مسئله کمبود برق وجود داشته و الان هم در تابستان مساله کمبود گاز وجود دارد؛ یعنی قیمت سیمان در زمستان و تابستان متأثر از مسائل انرژی است حتی در بحث آهن هم همینطور است و این مسائل باعث می‌شود که تولیدکنندگان ما در مواقعی در تابستان برق نداشته و الان گاز هم با مشکل مواجه شوند.

او همچنین گفته صنایع سیمان‌سازی جزو نخستین قربانیان آلودگی هوا هم هستند و از نخستین صنایعی هستند که دستور تعطیلی آنها صادر می‌شود. مرتضی قدیری توضیح داده قطع گاز و برق در زمستان و تابستان، و دستور قطع تولید در صنایع مختلف از جمله سیمان‌سازی، همگی مواردی است که تولیدکننده مرتب هزینه مازاد می‌کند و حتی تعطیلی ممکن است به نظر خیلی سبک بیاید؛ اما هزینه‌های جاری کارخانه پرداخت می‌شود ولی امکان بهره‌برداری از زمان را ندارد یعنی وقتی آن را تعطیل می‌کنند هزینه‌های جاری مثل حقوق کارگر و بحث اجاره ساختمان و غیره همچنان به قوت خود باقی است.

این در حالیست که تأمین گاز به دلیل عدم سرمایه‌گذاری در

● نماینده مجلس شورای اسلامی: اگر نیروگاه‌های ما مازوت می‌سوزانند ناشی از کمبود گاز است و در حال حاضر عمده نیروگاه‌ها در حال مازوت‌سوزی هستند.

● رئیس اتحادیه انجمن‌های علمی انرژی: ما چیزی به نام سیاست انرژی و برنامه مدونی برای رفع کسری و یا تأمین انرژی نداریم.

قطع گاز و برق صنایع مختلف در زمستان و تابستان سبب کاهش شدید تولید و زیان بسیاری از صنایع شده و روند توسعه در ایران را با اختلال جدی روبرو کرده است. در حالی که سال‌هاست کارشناسان نسبت به لزوم سرمایه‌گذاری در صنعت گاز و برق تأکید دارند، همچنان برنامه‌ای از سوی حکومت برای توسعه زیرساخت‌ها و رفع ناترازی گاز و برق وجود ندارد.

در سال‌های گذشته کمبود گاز و برق سبب قطع گاز صنایع در زمستان و قطع برق آنها در تابستان شده که زیان هنگفتی به همراه داشته است. از سوی دیگر نیروگاه‌های تولید برق در زمستان به دلیل کمبود گاز ناچار به سوزاندن مازوت هستند که سبب آلودگی شدید هوای شهرهای صنعتی می‌شود. دولت با فراقکنی درباره قطع گاز و برق صنایع و همچنین مازوت‌سوزی نیروگاه‌ها تلاش دارد مشکل کاهش تولید صنایع را گردن «تحریم‌ها» و مشکل آلودگی هوا را نیز به گردن شهروندان و اتومبیل‌هایشان بیاندازد.

محمد حسن آصفی عضو کمیسیون امور داخلی کشور و شوراها با اعلام اینکه عمده نیروگاه‌های کشور مازوت می‌سوزانند گفته که اگر نیروگاه‌های ما مازوت می‌سوزانند ناشی از کمبود گاز است و در حال حاضر عمده نیروگاه‌ها در حال مازوت‌سوزی هستند. نیروگاه شازند هم کماکان مازوت می‌سوزاند.

این نماینده مجلس شورای اسلامی افزوده که: «متأسفانه به دلیل اینکه سرمایه‌گذاری مناسب روی گاز و میادین انجام نشده و در بحث توزیع گاز هم عقب هستیم؛ هر ساله با کاهش ده درصدی تولید مواجه هستیم. اگر این روند توسط وزارت نفت جدی گرفته نشود در آینده ممکن است که حتی بخش خانگی ما با مشکل مواجه شود. ۵/۱۴ درصد بودجه برای نفت و زیرساخت‌هاست، اما عملکردی در آن رابطه ندیدیم.»

محمد حسن آصفی افزوده که «وزارت نفت بیشتر از اینکه کار کند شعار می‌دهد و کارهایش نمایی است. وزارت نفت اقدامی برای زیرساخت‌ها انجام نداده است. ما اقدام عملی از وزارت نفت ندیدیم. میادین مشترک نفتی و گازی توسط قطر و برخی کشورها بی رویه مورد استفاده قرار گرفته‌اند. حتی عراق با سرمایه‌گذاری خارجی‌ها از میادین برداشت می‌کند.» کمبود گاز هشدارهایی از سوی فعالان صنفی صنایع مختلف را در پی داشته است. علی‌محمد بساق‌زاده مدیر سابق کنترل تولید شرکت ملی صنایع پتروشیمی ایران روز شنبه ۱۶ دی هشدار داد که کسری گاز منجر به افت بیشتر تولید محصولات پتروشیمی خواهد شد.

علی محمد بساق‌زاده با اعلام اینکه پتروشیمی‌ها روزانه به ۸۳ میلیون متر مکعب گاز نیاز دارند، درباره احتمال کمبود گاز برای خوراک و سوخت پتروشیمی‌ها گفته است مصرف گاز همیشه بیش از تولید شتاب دارد و این شرایط در فصل زمستان بیشتر پیش می‌آید.

حمید حسینی عضو اتحادیه صادرکنندگان فرآورده‌های نفت، گاز و پتروشیمی جمعه گذشته اعلام کرد که در ۷ ماهه

تلاش دستگاه‌های مختلف برای کاهش ساعت کاری و افزایش خانه‌نشینی زنان شاغل

بررسی آمارهای اشتغال و بیکاری در بهار ۱۴۰۲ نیز بیانگر آن است که زنان دارای فرصت‌های شغلی بسیار کمتر از مردان بوده‌اند.

بر اساس این آمارها نرخ بیکاری زنان هم در رده سنی ۱۵ تا ۲۴ سال و هم در رده سنی ۱۸ تا ۲۵ سال از نرخ بیکاری مردان در این بازه سنی بالاتر است.

جامعه زنان ایران دربرگیرنده ۲۷/۵ میلیون زن غیرفعال، ۲۲ میلیون زن در سنین باروری و ۱۰ میلیون زن دارای تحصیلات دانشگاهی است.

با اینهمه آنچه مسئولان اشتغال برای زنان تجویز می‌کنند خانه‌داری و فرزندآوری است! سیمین کاظمی پزشک و جامعه‌شناس ۱۵ مهرماه در همین ارتباط به وسایت خبرآنلاین گفته بود: «بازار کار ایران، فضایی به شدت جنسیت‌زده دارد و پذیرای زنان تحصیلکرده نیست. بر اساس یک تفکر سنتی و کلیشه‌ای و پوسیده مهارت‌ها و توانمندی‌های زنان انکار می‌شود.»

وی با بیان اینکه حاکمیت لازم است از این اشتیاق زنان به تحصیل استقبال کند، به حذف تبعیض جنسیتی در حوزه اشتغال کمک کند تاکید کرده بود: «آنچه برای زنان بطور رسمی تجویز می‌شود، در خانه نشستن و خانه‌داری است و نه حضور در جامعه و مشارکت اقتصادی.»

در همین ارتباط وسایت «تجارت نیوز» به نقل از زهرا کریمی تحلیلگر مسائل اقتصادی نوشت: «جان‌مایه برنامه هفتم این است که زنان بیشتر در خانه بمانند تا از ازدواج و فرزندآوری دور نمانند. اگر هم دستگاه و وزارتخانه‌ای می‌خواهد برای بهتر شدن وضعیت اشتغال، کاری کند، شرط دارد! شرطش آن است که ابتدا نهاد خانواده را در نظر بگیرند. سوال مهم هم همین است که اگر قرار است ازدواج و فرزندآوری افزایش یابد چرا فرصت اشتغال و نقش‌آفرینی در اقتصاد از زنان گرفته شود؟ آیا این موضوع تنها وظیفه زنان است؟»

به گفته این تحلیلگر مسائل اقتصادی، در این فصل آنقدر مسائل خانواده و جمعیت بزرگ شده‌اند که به نظر زنان زیر بار این موضوعات له می‌شوند. در این برنامه، نسبت آموزش الگوهای همسرگزینی و ترغیب به ازدواج بهنگام ۱۰۰ به هزار نفر است، در حالی که ارتقای مهارت‌های شغلی زنان نسبت ۱۰ به هزار نفر دارد. درواقع اهمیت موضوعات را در برنامه هفتم نشان می‌دهد.

در بهار ۱۴۰۲ نرخ مشارکت اقتصادی زنان ۱۴/۱ درصد و نرخ مشارکت مردان ۶۸/۳ درصد بوده است.

در یک بازه چهار ساله در حدود ۶۰۰ هزار نفر از تعداد شاغلین زن کاسته شده و حدود ۵۰۰ هزار نفر به تعداد شاغلین مرد افزوده شده است.

در رتبه‌بندی مجمع جهانی اقتصاد درباره شکاف جنسیتی ایران در انتهای جدول و با رتبه ۱۴۳ و پیش از کشورهای الجزایر، چاد و افغانستان قرار دارد.

جمهوری اسلامی طی چهار دهه گذشته نتوانسته در ادامه مسیر ایجاد برابری جنسیتی که از دوران پهلوی آغاز شده بود حرکت کند. قوانین جمهوری اسلامی بطور مستقیم در ۱۲ مورد از جمله ارث، دیه، حق طلاق، حق مسافرت و حق پوشش، با کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان در تعارض قرار دارند. از سوی دیگر قوانینی که به نام حمایت از خانواده و برای ترویج ازدواج و فرزندآوری از سوی حکومت تحمیل می‌شود، مشارکت اقتصادی زنان را به شدت کاهش داده است.



بود: «جمعیت فعال زنان از ۴ میلیون و ۲۴۰ هزار نفر در تابستان ۱۴۰۱ به ۴ میلیون و ۷۰۰ هزار نفر در تابستان ۱۴۰۲ رسیده است.»

به گفته وی، نرخ بیکاری کل زنان از ۱۷/۷ درصد در تابستان ۱۴۰۰ به ۱۵/۵ درصد در تابستان ۱۴۰۲ کاهش یافته است. با اینکه مسئولان اشتغال در جمهوری اسلامی ادعا می‌کنند نرخ مشارکت اقتصادی زنان افزایش پیدا کرده اما مشکلات زنان در بازار کار همچنان پابرجاست.

به گفته زهرا کریمی اقتصاددان «رشد اشتغال به سرعتی که ما داریم به قیمت کاهش بهره‌روی هم است، الان می‌بینیم عرضه نیروی کار بیش از آن چیزی است که در دوره کرونا بوده است، بخش بزرگی از کارخانه‌ها تعدیل شده‌اند و افراد به مشاغل با بهره‌وری پایین‌تر روی آوردند.»

به گزارش روزنامه «هم‌میهن» در سال ۱۳۹۹ جمعیت زنان شاغل بالای ۱۵ سال، ۳ میلیون و ۶۵۸ هزار نفر بود و در سال ۱۳۹۸ بیش از ۴ میلیون زن شاغل بودند. در سال ۱۴۰۱ نسبت اشتغال زنان حدود سه دهم درصد نسبت به سال قبل‌تر بالاتر رفت اما حدود دو دهم درصد هم نسبت اشتغال ناقص زنان افزایش داشت.

یک جمعیت‌شناس نیز در همین ارتباط معتقد است که از بهار ۹۸ تا زمستان ۱۴۰۱ نرخ مشارکت اقتصادی زنان، روندی نزولی را طی کرده و سرعت نرخ بیکاری زنان بیشتر از نرخ اشتغال است.

به گفته شهلا کاظمی‌پور، به همان میزان که سهم زنان در آموزش عالی افزایش پیدا می‌کند، اشتغال زنان زیاد نمی‌شود. داده‌های مرکز آمار و اطلاعات راهبردی وزارت کار در سال ۹۷ نشان می‌دهد که سهم زنان از تمام مشاغل مزد و حقوق‌بگیر تنها ۱۹ درصد و سهم مردان ۸۱ درصد بوده است. وی با تاکید بر اینکه مردان و زنان دسترسی بسیار نابرابری به مشاغل مزد و حقوق‌بگیری در کشور دارند گفته بود: «داده‌های فصلی مرکز آمار در فروردین‌ماه امسال نشان می‌دهد طی سه‌سال گذشته یعنی از بهار ۹۸ تا زمستان ۱۴۰۱ نرخ مشارکت اقتصادی زنان، روندی نزولی را طی کرده است.»

● پیگیری کاهش ساعت کاری کارمندان و تلاش برای دور کردن زنان از محیط‌های اجتماعی مدت‌هاست در دستور کار سازمان‌ها و نهادهای مختلف دولتی قرار دارد.

● این تلاش‌ها در حالیست که مسئولان اشتغال در جمهوری اسلامی از سوی دیگر ادعا می‌کنند نرخ مشارکت اقتصادی زنان افزایش پیدا کرده است.

● یک جمعیت‌شناس در همین ارتباط معتقد است که از بهار ۹۸ تا زمستان ۱۴۰۱ نرخ مشارکت اقتصادی زنان، روندی نزولی را طی کرده و سرعت نرخ بیکاری زنان بیشتر از نرخ اشتغال است.

وزیر کار تعاون و رفاه اجتماعی در سخنانی بر ضرورت توجه به کاهش ساعت کاری و امکان دورکاری زنان تاکید کرد. به گزارش خبرگزاری ایلنا، روز یکشنبه ۱۷ دی ۱۴۰۲ سولت مرتضوی وزیر کار دولت سیزدهم در نشست هم‌اندیشی با مشاوران «امور بانوان ستاد و سازمان‌های تابعه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی» بر لزوم «توجه به معیشت زنان، کاهش ساعت کاری در جهت ارتقای بهره‌وری، استفاده از دورکاری و بهره‌مندی از بانوان در سطوح مدیریتی» تاکید کرد.

پیگیری کاهش ساعت کاری کارمندان زن و دور کردن آنها از محیط‌های اداری مدت‌هاست در دستور کار سازمان‌ها و نهادهای مختلف دولتی قرار دارد.

دبیر قرارگاه جوانی جمعیت وزارت آموزش و پرورش، ۱۷ دی‌ماه در این ارتباط اعلام کرده بود: «برای کاهش ساعت کاری زنان در بخش اداری، مکاتباتی انجام شده و پیگیریم تا بتوانیم در داخل وزارتخانه به نتیجه مشخصی برسیم.»

به گفته وی، کاهش ساعت کاری مختص زنان شاغل در اداره‌هاست؛ چون رویکرد قانون جوانی جمعیت حضور پررنگ‌تر زنان در خانواده، به‌خصوص در سنین فرزندآوری است. درهمین ارتباط روزنامه دنیای اقتصاد در گزارشی که در ۱۲ دی‌ماه منتشر شد در ارتباط با کاهش نرخ مشارکت زنان نوشت: «باوجود اینکه جمعیت شاغلان کشور در پاییز سال جاری به میزان پیش از زمان شیوع کرونا رسیده، با این حال نرخ مشارکت اقتصادی و نسبت اشتغال همچنان کمتر از پاییز سال ۱۳۹۸ است.»

بر اساس این گزارش، میزان مشارکت اقتصادی در ایران نسبت به کشورهای نظیر عربستان و ترکیه نیز رقم پایین‌تری بوده و این کاهش نرخ مشارکت در جامعه زنان نیز بیشتر بوده است.

در این گزارش با بیان اینکه مشارکت اقتصادی زنان نسبت به پاییز سال گذشته وضعیت بدتری پیدا کرده و با کاهش ۰.۲ درصدی مواجه شده است تاکید شده بود: «همچنین بسیاری از زنانی که پس از شوک کرونا از بازار کار خارج شدند، به آن بازنگشتند.»

در همین ارتباط معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری ۴ دی‌ماه اعلام کرده بود که «آمار زنان خانه‌دار کمتر از ۲۵ میلیون نفر است که بیشتر از آمار زنان شاغل است.» به گفته لاله فرهنگ متین آمار تقریبی زنان خانه‌دار کمتر از ۲۵ میلیون نفر است. آمار جامعه زنان شاغل نیز حدود ۱۳ الی ۱۴ درصد از اشتغال فعال است و طبق این آمار زنان خانه‌دار بیشتر از زنان شاغل هستند.

باوجود این معاون اشتغال وزیر کار دولت رئیسی، وضعیت شغلی زنان در دولت سیزدهم را مثبت ارزیابی کرده است. وی ۲۹ آذرماه در گفتگو با روزنامه فرهیختگان ادعا کرده

خلاصه حکم دادگاه تجدید نظر حمید نوری در سوئد و

نگاهی به برخی نکات مهم آن (بخش ۲)

حنیف حیدر نژاد



حمید نوری / نقاشی سیامک نادری

یک اشتباه جدی پیش آمده است. وگرنه درخواست فرجام رد خواهد شد.

● خلاصه حکم دادگاه، جایگزین خود حکم نیست. حکم دادگاه تجدید نظر به زودی با ترجمه رسمی و بطور کامل از سوی دادگاه انتشار پیدا خواهد کرد. تنظیم‌کنندگان خلاصه حکم در سازمان سوئدی «گزارش پنجاه وهشتم» تلاش کرده‌اند تا با این نوع خلاصه کردن که زبان اداری و حقوقی در آن ساده شده، فهم آن را برای بخش بزرگتری از مردم امکان‌پذیر کنند.

● اگر دولت سوئد که هیچ اظهار نظری در زمینه مبادله نداشته، نیت مبادله حمید نوری با زندانیان سوئدی در ایران را داشته باشد، باید تا نهای شدن حکم دادگاه تجدید نظر صبر کند. حمید نوری پس از پایان دوران محکومیت بر این اساس که حکم حبس ابد در سوئد برابر با ۲۵ سال است به ایران اخراج خواهد شد.

● دادگاه پژوهش یا استیناف و یا تجدید نظر حمید نوری ۱۱ ژانویه ۲۰۲۳ شروع و پس از ۹ ماه رسیدگی به پرونده، در تاریخ ۱۹ دسامبر ۲۰۲۳ حکم حبس ابد حمید نوری را تأیید کرد. دادگاه سوئد متهم را به اتهام یک جنایت جنگی و ۲۴ قتل به حبس ابد محکوم کرد.

● حمید نوری فرصت دارد تا ۱۶ ژانویه ۲۰۲۴ از دیوان عالی سوئد فرجام‌خواهی کند تا حکم صادره از سوی دادگاه تجدید نظر را مورد بررسی قرار دهد. دیوان عالی سوئد زمانی چنین درخواستی را می‌پذیرد که دلایل محکمی ارائه شود که دادگاه تجدید نظر در حکم صادره رویه جدیدی را به لحاظ قضائی پایه‌گذاری کرده است. یا اگر دلایل خیلی استثنایی وجود داشته باشد، از جمله اینکه مشخص شود روند دادرسی در دادگاه تجدید نظر یک نقض جدی داشته یا اینکه در صدور حکم،

این رنج را با خود به همراه کشیده و شب و روز خود را با آن گذرانده‌اند. از همین رو آمادگی آنها برای شهادت در دادگاه حمید نوری، که با زنده شدن دوباره همه آن رنج و دردها همراه بود، بسیار ارزشمند و شایسته تقدیر و تحسین است.

نوع اتهام و شدت مجازات

● آیا اتهامات وارده از سوی دادستان علیه حمید نوری و حکم دادگاه بدوی در آن مورد و میزان مجازات تعیین شده، مورد تأیید دادگاه تجدید نظر است؟

پاسخ: دادگاه تشخیص داد که طرح جنایی به اجرا گذاشته شده در زندان زندان گوهردشت به صورت دستجمعی اجرا شده است. مانند دادگاه منطقه‌ای، دادگاه [تجدید نظر] نیز به این نتیجه رسید که اقدامات متهم طبق کیفرخواست اول به دلیل تعداد زیاد اعدام‌های انجام شده و رنج شدیدی که بر زندانیان تحمیل شده، جنایات جنگی جدی است. در رابطه با جرم موضوع اتهام اول (جنایات جنگی)، دادگاه به این نتیجه رسید که مشارکت متهم در اجرای طرح جنایی به هیچ وجه نمی‌تواند بی‌اهمیت یا اتفاقی تلقی شود و این امر حتی اگر ثابت نشده باشد، وجود داشته است. متهم هرگونه نفوذی بر افرادی داشته که باید اعدام می‌شدند و تعهد او در اجرای عملی و تکمیل عملیات مجرمانه دستجمعی، نقش اساسی داشت. دادگاه دریافت که صرف حضور مجرمان دیگر، که دخالت آنها حتی مهم‌تر به نظر می‌رسید، این واقعیت را تغییر نداد. متهم در جریان موج اول اعدام‌های دستجمعی در زندان گوهردشت بسیار فعال بوده و نقش او جنبه تدارکاتی داشته است.

● در چه مواردی دادگاه تجدید نظر به نفع حمید نوری رای داده یا رای دادگاه بدوی را در چه مواردی کافی ندانسته است؟

پاسخ: در مورد ارزیابی اینکه آیا در مدت مربوطه در زندان گوهردشت افراد مشخصی اعدام شده‌اند یا

از یک تهدید دائمی قضائی، رژیم باید پیوسته یک رسوائی مداوم سیاسی- رسانه‌ای را نیز به جان بخرد و این یعنی هر آنچه حکومت جنایتکار اسلامی در سه دهه گذشته تلاش کرد تا کشتار زندانیان سیاسی به فراموشی سپرده شود، به ضد خودش تبدیل شده و اینک این حکم هرچه نمایان‌تر، آنهم در عرضه بین‌المللی به نورافکنی قوی تبدیل شده که چهره و دستان خونین مسئولین این نظام را به جهانیان نشان می‌دهد. همه اینها مفاشات و معامله کشورهای آزاد با این حکومت را سخت‌تر کرده و دست مسئولین غربی را برای همکاری کردن با این حکومت بیشتر بسته خواهد کرد.

راهرو مرگ، مصداق شکنجه

● آیا رنج شدید به دلیل هراس از مرگ در راهرو مرگ، مصداق شکنجه بوده است؟

پاسخ: دادگاه به این سؤال پرداخت که آیا جرم «رنج شدید» که بخشی از شکنجه در چهارچوب جنایت جنگی محسوب می‌شود، حادث بوده است و با نتیجه دادگاه [بدوی] موافقت کرد که افراد حاضر در راهرو مرگ چنین رنج شدیدی را که شکلی از ایجاد هراس از مرگ داشته متحمل شده‌اند... دادگاه به این نتیجه رسید که ترس از مرگ که شاکیان در طول دوره اعدام به دلیل ترس از اعدام احساس می‌کردند، همانطور که شاکیان در شهادت‌های خود شرح داده‌اند، و این واقعیت که شاکیان با کمیته [مرگ] روبرو شده‌اند، به این معنی است که آنها به شدت چنین رنجی را متحمل شده‌اند. چیزی که طبق ماده ۷۵ پروتکل ۱ کنوانسیون ژنو معادل شکنجه است... دادگاه همچنین دریافت که نه تنها شاکیان، بلکه زندانیان اعدام شده نیز از ترس شدید مرگ، رنج می‌بردند.

تأیید رنج زندانیان در راهرو مرگ از سوی دادگاه تجدید نظر سوئد، به رسمیت شناختن درد و رنجی است که قربانیان کشیده‌اند. از طرف دیگر نشان می‌دهد که جان‌به‌دردرگانی که راهروهای مرگ را تجربه کرده‌اند، چگونه در سه دهه گذشته

● آیا دادگاه وجود هیئت مرگ در زندان گوهردشت در تابستان ۶۷ را تأیید می‌کند؟

پاسخ: دادگاه به تعریف کمیته‌ای در گوهردشت پرداخت که از سوی چند شاکي و شاهد به عنوان کمیته مرگ تعریف شده بود، اما متهم استدلال کرد که کمیته‌ی عفو بوده است. دادگاه تجدید نظر به این نتیجه رسید که شواهد موجود در پرونده به شدت با ادعاهای متهم در مورد هدف و مأموریت ادعایی کمیته در تضاد است، زیرا این واقعیت که زندانیان بلافاصله پس از برخورد با کمیته [مرگ] اعدام شده‌اند، نشان می‌دهد که [به دلیل] تصمیمات این کمیته بوده است که [حکم مرگ] اجرا شده [و عفو در کار نبوده است!] سپس دادگاه این موضوع را مورد بررسی قرار داد که آیا بررسی کمیته را می‌توان با یک دادرسی عادلانه برابر دانست؟ دادگاه به این نتیجه رسید که هیچ دلیلی برای شک وجود ندارد که کمیته [مرگ] به عنوان یک دادگاه عادی عمل نمی‌کند و کسانی که با آن روبرو هستند، آنطور که شاکیان و شاهدان توصیف کرده‌اند، وکالت یا کمک قانونی دریافت نکرده‌اند. علاوه بر این، هیچ فرصتی برای اعتراض به تصمیمات کمیته وجود نداشت. بنابراین دادگاه با ارزیابی دادگاه منطقه‌ای [بدوی] موافقت کرد که بررسی کمیته [مرگ] الزامات اساسی یک دادرسی عادلانه را برآورده نمی‌کند. تأیید هیئت مرگ و نقش آن در صدور احکام اعدام در کشتار زندانیان سیاسی در زندان گوهردشت در تابستان ۶۷ از سوی دادگاه تجدید نظر سوئد، پایه‌های حقوقی برای اقدامات لازم جهت پیگرد بین‌المللی در کشورهای آزاد علیه ابراهیم رئیسی، رئیس جمهوری اسلامی حاکم بر ایران را تقویت می‌کند. از آنجا که ابراهیم رئیسی در آن زمان یکی از اعضای هیئت مرگ بوده است، چه او و چه هر فرد دیگری که نام‌شان در این ارتباط در حکم دادگاه بدوی و تجدید نظر آمده است، در معرض این خطر دائمی قرار دارند که در صورت مسافرت به کشورهایی که اصل صلاحیت قضائی جهانی را پذیرفته‌اند، دستگیر شوند. این یعنی جدا

فراسرزمینی به دلیل حضور متهم در سوئد، دادگاه‌های سوئد می‌توانند در مورد جرائم ارتكابی در خارج کشور توسط افراد مقیم سوئد اعمال صلاحیت کنند، به ویژه زمانی که مجازات احتمالی مطرح شده بیش از شش ماه حبس باشد. این واقعیت که متهم در زمان دستگیری تنها بطور موقت در سوئد بوده است، این موضوع را تغییر نمی‌دهد. دادگاه تجدید نظر تأیید کرد که متهم در زمان دستگیری در سوئد بوده است.

علاوه بر این، دادگاه‌های سوئد صلاحیت رسیدگی به جرائم ارتكابی در خارج از کشور علیه شهروندان یا مقیم سوئد را دارند. عامل تعیین کننده وضعیت قربانی در زمان وقوع جرم است. تغییرات بعدی در تابعیت یا محل اقامت، تأثیری بر صلاحیت ندارد. در این پرونده، مکان زندگی دو قربانی در زمان ارتكاب جنایات ادعایی، در سوئد بوده است و این باعث تقویت بیشتر پرونده برای کل پرونده دوم (قتل) شد تا در دادگاه سوئد محاکمه شود.

درخواست متهم برای رد کیفرخواست

متهم ادعا کرد که دخالت یک افسر پلیس مغرض در تحقیقات، منجر به نفوذ ناعادلانه بر مواد تحقیقاتی شده و این یک نقض دادرسی بوده است. متهم همچنین مدعی شده بود که پرونده باید منتفی شود زیرا فریب خورده و به گونه ای وارد سوئد شده است که کنوانسیون اروپایی حقوق بشر را نقض کرده است. متهم همچنین استدلال کرده بود که امکانات محدودی برای ارائه شواهدی که بتواند او را تبرئه کند داشته است، اینکه دادستان تلاش کافی برای جمع‌آوری اطلاعات لازم از ایران انجام نداده است، و اینکه دادستان با درخواست متهم برای اطلاعات بیشتر موافقت نکرده است. علاوه بر این، متهم ادعا کرده بود که مقامات زندان محل نگهداری او در رسیدگی به او کوتاهی کرده‌اند به نحوی که این بر توانایی او برای مشارکت در پرونده‌اش تأثیر گذاشته و اینکه پوشش گسترده علنی که این پرونده دریافت کرده است بر [زمینه] گناهکار بودن وی تأثیر گذاشته است. دادستان با این ادعاها مخالفت کرد. دادگاه ابتدا به موضوع نقض احتمالی حقوق متهم پرداخت و خاطر نشان کرد که ماده ۶ کنوانسیون اروپا ممکن است برای جبران نقض حقوقی که در آن ماده مقرر شده است، راه حل مؤثری را مشخص کند. با این حال، دادگاه در نظر گرفت که بهتر است اجازه دهد چنین شرایطی چه از طریق تخفیف مجازات یا تسهیل، همانطور که در رویه قضایی دیوان عالی سوئد ذکر شده است بر تعیین مجازات تأثیر بگذارد.

در رابطه با جانبداری، افسر پلیس با پرونده و اقدامات وی، دادگاه به این نتیجه رسید که اطلاعات مربوط به ارتباط شخصی بدون بررسی اصل اتهام، رد پرونده را توجیه نمی‌کند. برخلاف ادعای متهم، دادگاه بر این نظر نیست که متهم به گونه‌ای به سوئد فرستاده شده است که حقوق وی را تضییع کرده باشد و علنی شدن [اخبار دستگیری او] آنقدر بر روند رسیدگی تأثیری نداشته است به نحوی که لازم باشد بخاطر آن پرونده منتفی شود. دادگاه همچنین بیان کرد که تأثیر احتمالی که ممکن است علنی شدن پرونده بر شاکیان و قربانیان داشته باشد، هنگام بررسی ارزش اثباتی اظهارات آنها توسط دادگاه [ب] مورد توجه قرار گرفته است.

در خاتمه، دادگاه به این نتیجه رسید که هیچیک از شرایطی که در بالا توضیح داده شد مانع توانایی متهم در ارائه دفاع موثر یا نقض حقوق وی نشده است. بنابراین دادگاه هیچ دلیلی که بخاوه شکایت را بدون آنکه بررسی محتوایی انجام شود رد کند، نمی‌بیند. (ادامه دارد)

است... اسکورت زندانیان به کمیته، اعلام اسامی آنها برای اعدام و دستور به صف کشیدن زندانیان. اسکورت زندانیان تا محل اعدام که در آنجا به دار آویخته شده بودند.

حکم نهائی که دادگاه تجدید نظر آن را تأیید کرده است چیست؟

پاسخ: طرح جنایی به اجرا گذاشته شده در زندان گوهردشت به صورت دستجمعی اجرا شده است. اقدامات متهم طبق کیفرخواست اول به دلیل تعداد زیاد اعدام‌های انجام شده و رنج شدیدی که بر زندانیان تحمیل شده است، جنایات جنگی جدی است. دادگاه متهم را به اتهام یک جنایت جنگی و ۲۴ قتل به حبس ابد محکوم کرد. جنایات جنگی شامل شرکت در اعدام‌های متعدد و تحمیل رنج‌های شدید بود... دادگاه تجدید نظر با ارزیابی دادگاه منطقه موافقت کرد که متهم مرتکب جرائم شدیدی شده که حتی با توجه به اینکه متهم قبلاً برای مدت طولانی در زندان بوده است، جانی برای صدور حکمی کمتر از حبس ابد وجود ندارد.

مطالعه دقیق حکم دادگاه تجدید نظر مشخص می‌کند که این دادگاه تا کجا تلاش کرده تا با حساسیت، دقت و ریزیابی به حقوق متهم حمید نوری توجه کرده و تلاش کرده تا ابهامات را برطرف و به پرسش‌های مختلف پاسخ دهد. در ادامه، ترجمه خلاصه حکم دادگاه تجدید نظر حمید نوری، برگرفته شده از سازمان سوئدی «مدافعان حقوق مدنی» آورده می‌شود.

گزارش ۵۸: رأی دادگاه تجدید نظر

در تاریخ ۲۸ آذر ۱۴۰۲، چهار سال و یک ماه پس از دستگیری متهم و بیش از دو سال از اتهامات عنوان شده، دادگاه تجدید نظر منطقه سویا (SVEA) رای خود را در رابطه با پرونده اعدام‌های دستجمعی زندانیان سیاسی در زندان گوهردشت در سال ۱۳۶۷/۱۹۸۸ در ایران اعلام کرد. دادگاه تجدید نظر متهم را به اتهام جنایات جنگی و ۲۴ فقره قتل به حبس ابد محکوم کرد. به این ترتیب، دادگاه تجدید نظر تا حد زیادی رأی دادگاه منطقه را تنها با دو مورد اصلاح مربوط به اتهام دوم (قتل) تأیید کرد: متهم به ۲۴ فقره قتل (بجای تعداد نامشخص قتل) محکوم شد. دادگاه درخواست غرامت برای شاکی ۱۹ را رد کرد، زیرا او از تصمیم دادگاه منطقه‌ای برای رد درخواست‌اش، درخواست تجدید نظر نداده بود. مدافعان حقوق مدنی از زمان دستگیری متهم در ۹ نوامبر ۲۰۱۹ بر این پرونده نظارت داشته‌اند و گزارش‌های دادگاهی را در مورد پرونده از زمان اتهامات علیه متهم در ژوئیه ۲۰۲۱ و در طول رسیدگی در دادگاه منطقه استکهلم و دادگاه تجدید نظر Svea منتشر کرده‌اند.

استدلال دادگاه

صلاحیت دادگاه

دادگاه استدلال خود را با این سؤال آغاز کرد که آیا صلاحیت رسیدگی به پرونده حاضر را دارد، زیرا متهم ادعا کرده بود که دادگاه صلاحیت ندارد و درخواست رد اتهامات را داشته است.

دادگاه اعلام کرد که صلاحیت جهانی در مورد جنایات جنگی دارد، صرف نظر از اینکه جنایات در چارچوب یک درگیری مسلحانه بین‌المللی (IAC) یا یک درگیری مسلحانه غیر بین‌المللی (NIAC) انجام شده باشد، و این حق را دارد که این کار را انجام دهد. با توجه به صلاحیت خود در مورد جرم قتل، دادگاه توضیح داد که برای اعمال صلاحیت

نه، دادگاه بجز چهار نفر، به همان نتیجه دادگاه منطقه‌ای رسید: دادگاه تلقی نکرد که دادستان با موفقیت ثابت کرده است که A۱، A۲، و AV۵ در گوهردشت در مدت مربوط به جنایت، اعدام شدند. [نفر چهارم در خلاصه حکم دادگاه نیامده است. باید دید که در ترجمه رسمی حکم دادگاه در این مورد چه نوشته شده است.]

دادگاه در ادامه یافته‌های خود مانند دادستان ناحیه، تشخیص داد اگرچه برخی از افراد در زندان گوهردشت اعدام شده‌اند، اما با توجه به اعتراض متهم در مورد برخی دیگر، توضیحات بیشتری از سوی دادگاه [بدوی] لازم بوده است... دادگاه همچنین اظهار داشت که نتیجه دادگاه منطقه را تأیید می‌کند که دادستانی نتوانسته ثابت کند که متهم اطلاعات شفاهی و کتبی درباره زندانیان به هیئت اعدام ارائه کرده است. بنابراین متهم نمی‌تواند در قبال این اقدامات مسئولیت کفیری داشته باشد.

سپس دادگاه به این پرسش پرداخت آیا همانطور که دادستان در کیفرخواست اول بیان کرده است، متهم سایر افراد [زندانیان] را تشویق و راهنمایی کرده است که در اعدام‌ها شرکت کنند. مانند دادگاه منطقه‌ای، دادگاه تجدید نظر نیز اقدامات متهم را که در اظهارات شاهدان شرح داده شده، به رسمیت شناخت. با این حال، دادگاه در نظر گرفت که «تشویق و راهنمایی» که در اتهام اول بیان شده است، لزوماً برای اثبات اینکه متهم دارای چنین اختیاری بوده است کافی نیست. بنابراین دادگاه به این نتیجه رسید که متهم را نمی‌توان از نظر کفیری برای دستور دادن به دیگران برای شرکت در اعدام‌ها مسئول دانست.

در مورد این ادعا که متهم اسامی زندانیان را برای ارائه به کمیته [مرگ] فاش کرده و سپس آنها را در جریان موج دوم اعدام‌ها به کمیته [مرگ] همراهی کرده است، دادگاه به این نتیجه رسید که شواهد به اندازه کافی قوی نیستند که این عنصر را قطعی کند تا مستند شود.

دادگاه به این نتیجه رسید که شواهد موجود در پرونده این ادعا را تأیید می‌کند که ۲۴ نفری که دادستان در کیفرخواست دوم نام برده است، طبق ادعای دادستان اعدام شده‌اند. با این حال، دادگاه شواهد را برای حمایت از ادعای دادستان مبنی بر اعدام افراد نامشخص دیگر، کافی تشخیص نداد. بنابراین، دادگاه به این نتیجه رسید که متهم نمی‌تواند مسئول قتل اشخاصی غیر از کسانی که در کیفرخواست ذکر شده است باشد. یکی از قضات در خصوص مسئولیت کفیری متهم در رابطه با اتهام دوم (قتل) نظر مخالف داد. قاضی در نظر گرفت که اگرچه شواهد به اندازه کافی قانع‌کننده نیست که متهم را به قتل محکوم کند، اما در عوض باید او را به اتهام معاونت در ۲۴ فقره قتل محکوم کرد.

موارد اتهامی حمید نوری که از سوی دادگاه تجدید نظر تأیید شده‌اند کدام‌اند؟

پاسخ: سازماندهی و مشارکت در اعدام‌ها و همچنین مشارکت در اجرای احکام اعدام، صادر شده توسط کمیته [مرگ]. این شامل انتخاب زندانیان برای معرفی خود به کمیته، هدایت آنها به راهرو اصلی و نگهداری در آنجا بود... متهم با اقدامات خود به طرح مجرمانه دستجمعی پیوسته است و نمی‌توان مشارکت وی را با حضور منفعلانه در صحنه جرم یکی دانست. دادگاه به این نتیجه رسید که این امر در مورد هر دو اتهام صدق می‌کند و متهم در هر دو فقره اول (جنایات جنگی) و اتهام دوم (قتل) شریک جرم بوده است. متهم تحت فشار عمل نکرده است. متهم در انتخاب و اسکورت زندانیان به مکان‌های مختلف از جمله اتاقی که کمیته مرگ در آن اداره می‌شد و محل اعدام نقش داشته

کاهش میزان جنایات حقوق بشر در ایران از طریق حذف و دستکاری مطالب در ویکی‌پدیا

● نگرانی‌ها از سوء استفاده ویراستارانی که عوامل یا حامیان رژیم جمهوری اسلامی هستند و مطالب ویکی‌پدیا را که در دسترس عموم است تحریف و اطلاعات درباره این رژیم را حذف می‌کنند افزایش یافته است.

نشریه تایمز لندن دریافته که اطلاعات وارد شده در ویکی‌پدیا برای کاهش رتبه اعمال وحشیانه ضد حقوق بشر و سایر موارد نقض این حقوق در ایران تغییر کرده و نگرانی‌هایی را برانگیخته که عوامل یا حامیان رژیم برای دستکاری اطلاعاتی که درباره جمهوری اسلامی در دسترس عموم قرار می‌گیرد، سوء استفاده می‌کنند.

این اطلاعات همچنین برای بی‌اعتبار کردن گروه‌های ناراضی و مخالف ایرانی تغییر داده شده، در حالی که نشریات وابسته به حکومت جمهوری اسلامی به عنوان منابع خبری مدعی بی‌طرفی در این «دانشنامه» آنلاین رایگان معرفی می‌شوند.

در یک مورد، جزئیات کلیدی اعدام‌های دستجمعی جمهوری اسلامی حذف گشته و این واقعیت که مسئولان و گردانندگان ارشد فعلی رژیم در کمیته‌های اعدام سال ۱۹۸۸ نیز که در آن هزاران زندانی سیاسی کشته شدند، عمداً حذف شده است.

چگونه جمهوری اسلامی ایران در حال انتشار اطلاعات نادرست در بریتانیا است؟

در عین حال افرادی که می‌خواستند درباره وضعیت وحید بهشتی فعال حقوق بشر که در بریتانیا دست به اعتصاب غذا زده بود، مطالبی در ویکی‌پدیا منتشر کنند، بارها تلاش آنها ناکام ماند.

متی هیون همسر بهشتی گفت که چهار تلاش برای راه‌اندازی این صفحه انجام شده، زیرا اطلاعات نادرست زیادی در فضای مجازی درباره همسرش وجود داشته. همسر وی همچنان بر دولت بریتانیا فشار می‌آورد تا سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در فهرست گروه‌های تروریستی قرار دهد.

متی هیون که وی نیز ایرانی است، گفت که متن بارها حذف شده و صفحه مربوط به همسرش نتوانست منتشر شود. او گفت: «ما معتقد بودیم که این اعمال نفوذ ارتش سایبری رژیم ایران است.»

بنیاد ویکی‌مدیا که سازمان غیرانتفاعی ویکی‌پدیا را اداره می‌کند، اعلام کرده: تمام محتوای این وبسایت توسط جامعه جهانی ویراستاران داوطلب به آن وارد شده است. یک سخنگوی بنیاد گفته که سیاست‌های آن مستلزم بی‌طرف بودن اطلاعات و تأیید توسط منابع موثق است و افزود که اقدامات حفاظتی متعددی برای مقابله با اطلاعات نادرست از جمله ممنوعیت مجرمان سرپالی وجود دارد.

یکی دیگر از موارد حذف شده مربوط به زندانی شدن حمید نوری، یک مقام مسئول جمهوری اسلامی در سوئد است که در سال ۲۰۲۲ به دلیل نقض حقوق بشر در سوئد محاکمه شد. همچنین اخراج غلامحسین محمدنیا سفیر رژیم ایران و یک دیپلمات دیگر جمهوری اسلامی از آلبانی در سال ۲۰۱۸، به دلیل ادعای دست داشتن در توطئه بمب‌گذاری علیه مخالفان از دیگر موارد است. به نوشته «تایمز»، این ویرایش‌ها توسط مشارکت‌کنندگان



سوریه بیشتر بر اساس بیانیه‌های توطئه‌محور مسئولان جمهوری اسلامی تنظیم شده در حالی که صفحه انگلیسی روایت دقیق‌تر و واقعی‌تری داشت. ولی اکنون به نظر می‌رسد که تحریف و تغییر در ویکی‌پدیای انگلیسی‌زبان نیز انجام شده است. بسیاری از ویرایش‌های جمهوری اسلامی مربوط به صفحات یک گروه مخالف به نام مجاهدین خلق ایران مربوط می‌شود که از سرنگونی رژیم تهران حمایت می‌کنند.

در صفحه ویکی‌پدیای انگلیسی مجاهدین خلق در تابستان، مجموعه‌ای از اطلاعات در مورد نقض حقوق بشر توسط مسئولان رژیم جمهوری اسلامی حذف شد. کاربران ناشناس که محتوا را تغییر داده‌اند، با این ادعا که مطالب پیش‌پاافتاده و بی‌اهمیت بوده، به نیاز در «ویرایش» اشاره کرده‌اند.

در ماه ژوئن سال گذشته جزئیاتی از بخشی در کمیته‌های مرگ ۱۹۸۸ که شامل مصیبتی بود که بر زندانیان سیاسی می‌رفت و بسیاری از آنان زن و کودک بودند و شمار زیادی از قربانیان که به دلیل فعالیت‌های مسالمت‌آمیز مانند پخش اعلامیه، دوران محکومیت خود را می‌گذراندند، همچنین مطالبی در مورد اعدام‌هایی که «توسط چند تن از مسئولان رده بالای کنونی جمهوری اسلامی انجام شده است» حذف شده است.

یک ماه پیش از آن، همین کاربر ناشناس مطالب نوشته شده در مورد اخراج دو دیپلمات جمهوری اسلامی از آلبانی به دلیل مشارکت در طرح بمب‌گذاری علیه مجاهدین خلق در سال ۲۰۱۸ و محکومیت حمید نوری از اعضای سابق سپاه پاسداران و دستیار دادیار زندان گوهردشت به

ناشناس ویکی‌پدیا انجام شده، بنابراین نمی‌توان به انگیزه آنها پی برد.

متی هیون مشاور سیاسی و حامی سازمان بین‌المللی برای حفظ حقوق بشر، گفته: «پخش اطلاعات نادرست در فضای مجازی ابزار کلیدی جمهوری اسلامی است. رژیم ولایت فقیه، هر کاری را به میل خود، بدون توجه به رفتار و عملکردشان انجام می‌دهد اما برایشان مهم است که جهان چگونه درباره آنها فکر می‌کند. اگر رژیم بتواند، به گسترش اطلاعات غیرواقعی و گیج‌کننده بیافزاید، این کار را انجام خواهد داد.»

مقامات امنیتی بطور فزاینده‌ای از تاکتیک‌های رژیم ایران انتقاد و اذعان می‌کنند که تهدیدها علیه بریتانیا افزایش یافته است. MI۵ (سازمان اطلاعات خارجی بریتانیا) و پلیس گفته‌اند که از آغاز سال ۲۰۲۲ حداقل ۱۵ توطئه برای ربودن یا کشتن مخالفان ایرانی در بریتانیا را خنثی کرده‌اند.

ماه گذشته شخصی که برای رژیم جمهوری اسلامی جاسوسی می‌کرد، به دلیل مأموریت شناسایی خصمانه در تدارک حمله تروریستی به تلویزیون «ایران اینترنشنال» یک کانال فارسی‌زبان مستقر در بریتانیا که تصاویری از اعتراضات و ارباب «با حمایت دولت» در تهران را منتشر کرده بود، محکوم شد.

اطلاعات نادرست آنلاین نیز ابزاری کلیدی برای رژیم ایران است. در سال ۲۰۱۹ نیز تفاوت‌های کلیدی بین مطالب مربوط به ایران در ویکی‌پدیای فارسی در مقایسه با مطالب مشابه به زبان انگلیسی وجود داشت. همچنین صفحه فارسی در مورد دخالت رژیم ایران در جنگ داخلی

سه فرمانده ارشد حزب الله در حاشیه مراسم تشییع جنازه «ابو جواد» کشته شدند



مراسم تشییع جنازه وسام (حسن) الطویل با حضور شماری از مقامات حزب الله برگزار شد

نیروهای حزب الله در نزدیکی خانه الطویل و محل برگزاری مراسم تشییع جنازه وی انجام شد. برخی منابع غیررسمی می‌گویند این حملات کاملاً هدفدار بود گرچه کمتر سابقه داشته که اسرائیل در چنین موقعیت‌هایی به نیروهای حزب الله حمله کند.

پیش از این حمله، حزب الله به تلافی قتل «ابو جواد»، یک پایگاه نظامی اسرائیل را هدف قرار داده بود. یک افسر اطلاعات ارتش سوریه و یک فرمانده در ائتلاف منطقه‌ای حامی رژیم اسد به رویترز گفته بودند که اسرائیل استراتژی خود را پس از حمله «هفت اکتبر» توسط تروریست‌های حماس به خاک اسرائیل تغییر داده است.

فرمانده ائتلاف منطقه‌ای و دو منبع دیگر که با تفکر حزب الله آشنا هستند، توضیح دادند که اسرائیل «قواعد بازی» ناگفته‌ای را که قبلاً حملاتش در سوریه را مشخص می‌کرد، کنار گذاشته و به نظر می‌رسد در مورد وارد کردن تلفات سنگین به حزب الله در آنجا «دیگر محتاط» نیست.

این فرمانده با تشریح حملات اسرائیل به انتقال تسلیحات توسط حزب الله قبل از حمله حماس گفته بود: «آنها قبلاً وقتی شلیک می‌کردند نزدیک کامیون می‌زدند، بچه‌های ما از کامیون خارج می‌شدند و سپس کامیون را می‌زدند... اکنون از این روش خبری نیست. اسرائیل در حال حاضر حملات هوایی مکررتر و مداوم‌تری را علیه سیستم‌های دفاعی و تسلیحاتی [رژیم] ایران در سوریه انجام می‌دهد. آنها مستقیماً همه را بمباران می‌کنند. آنها بمباران می‌کنند تا بکشند».

سه عضو حزب الله لبنان که در این حمله هدف قرار گرفتند، عیسی علی‌نورالدین، محمد شریف السید ناصر و حسن عبدالحسین اسماعیل نام داشتند. برخی منابع نوشته‌اند آنها به تشییع جنازه وسام الطویل می‌رفتند.

دو حمله متوالی ارتش اسرائیل در روز سه‌شنبه به نیروهای حزب الله در نزدیکی خانه الطویل و محل برگزاری مراسم تشییع جنازه وی انجام شد. برخی منابع غیررسمی می‌گویند این حملات کاملاً هدفدار بود گرچه کمتر سابقه داشته که اسرائیل در چنین موقعیت‌هایی به نیروهای حزب الله حمله کند.

شماری از فرماندهان ارشد حزب الله روز سه‌شنبه نهم ژانویه ۲۰۲۴ (۱۹ دی‌ماه ۱۴۰۲) در حمله پهبادی اسرائیل به یک ماشین در نزدیکی روستای قندوریه در جنوب لبنان کشته شدند.

خبرگزاری رویترز به نقل از دو منبع آگاه گزارش داد سه عضو حزب الله لبنان که در این حمله هدف قرار گرفتند عیسی علی‌نورالدین، محمد شریف السید ناصر و حسن عبدالحسین اسماعیل نام داشتند. برخی منابع نوشته‌اند آنها به تشییع جنازه وسام الطویل می‌رفتند.

وسام (حسن) الطویل معروف به «ابو جواد» معاون گروه ویژه «رضوان حزب الله» بود که دو روز پیش از این در اتومبیلی در شهر «خریت سلیم» توسط پهبادهای اسرائیل هدف قرار گرفت و کشته شد.

دو حمله متوالی ارتش اسرائیل در روز سه‌شنبه به

دلیل مشارکت در اعدام زندانیان سیاسی مجاهد و چیزها در آن زندان که به محض ورود به فرودگاه آرلاند استکهلم پایتخت سوئد دستگیر و به حبس ابد محکوم شده، حذف شده است. نوشته‌ها در مورد اعدام زندانیان سیاسی در آوریل ۲۰۲۲، که حدود ۳۵۰۰ زندانی مجاهدین خلق در اوایل دهه ۱۹۸۰ در ایران کشته شدند نیز محو گشته است.

تجزیه و تحلیل تغییرات در صفحه نشان داد که برخی از ویرایش‌ها توسط سایر کاربران مجدداً در جای خود قرار گرفتند، اگرچه بسیاری از حذف‌ها در زمان انتشار دست نخورده باقی ماندند.

مارکو ویرایشگر ویکی‌پدیا که چندین سال در این پلتفرم مشارکت داشته، ویرایش‌ها را مشاهده کرده و آنها را به مدیران گزارش داد زیرا نگران بود که وبسایت برای اهداف تبلیغاتی دستکاری می‌شود. او سپس به تایمز هشدار داد زیرا معتقد بود در این مورد اقدامات کافی صورت نگرفته است.

وی همچنین یادآور شده که اطلاعاتی از منابع خبری دولت ایران که ادعای بی‌طرفی دارند، به موارد ویکی‌پدیا اضافه می‌شود و به نظر می‌رسد که مطالب مربوط به جنبش و خیزش اعتراضی مردم این کشور دستکاری شده است.

یکی از سخنگویان ویکی‌مدیا گفته است: «اطلاعات نادرست و غیرواقعی، موضوعاتی هستند که بنیاد و داوطلبان ویکی‌پدیا آنها را بسیار جدی می‌گیرند و تدابیر حفاظتی متعددی برای مقابله با آنها وجود دارد. ویراستاران و مدیران داوطلب به عنوان اولین خط دفاعی هوشیار در برابر دستکاری محتوا عمل می‌کنند و بطور منظم ورود ویرایش‌های بلادرنگ را بررسی می‌کنند. ربات‌ها بسیاری از اشکال رایج رفتار منفی را در وبسایت شناسایی کرده و برمی‌گردانند و مدیران داوطلب رفتارهای منفی را بیشتر بررسی و رسیدگی می‌کنند.

هنگامی که یک حساب کاربری یا آدرس IP بطور مکرر خط مشی‌ها را نقض می‌کند، مدیران ویکی‌پدیا می‌توانند اقدامات انضباطی انجام دهند و یک کاربر یا آدرس IP را مسدود یا ممنوع کنند. نقض‌ها می‌توانند شامل مواردی مانند خرابکاری مکرر، ویرایش‌های مالی فاش نشده یا جنگ در ویرایش باشند.

در حالی که این مسائل عموماً توسط داوطلبان عنوان می‌شود، بنیاد دارای یک عملکرد اعتماد و ایمنی است که هنگامی که به جامعه ویرایشگران گزارش می‌شود، چنین مسائلی را به آنها نشان می‌دهد. در برخی موارد، این بنیاد مسائل بزرگتر مانند اطلاعات نادرست یا محتوای مضر را که ممکن است در وبسایت ظاهر شود، بررسی خواهد کرد.

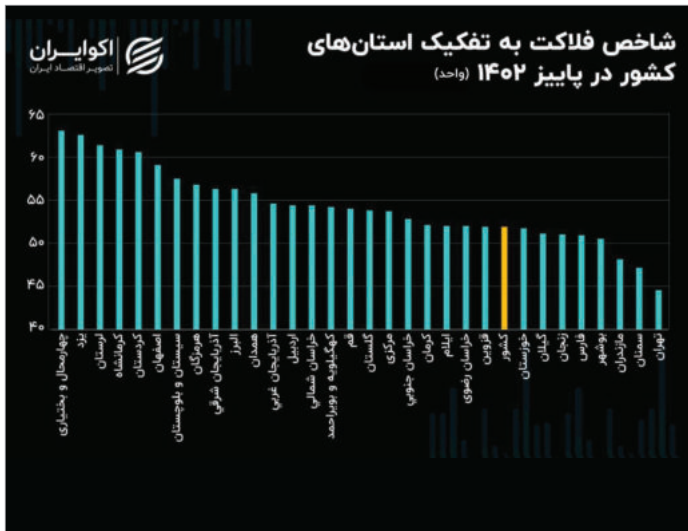
فارسی ویکی‌پدیا، نسخه فارسی زبان ویکی‌پدیا است که در ماه دسامبر ۲۰۰۳ ثبت شده است. از ماه ژانویه ۲۰۲۴، این پلتفرم دارای ۹۸۶۸۲۵ مقاله، ۱۲۷۷۲۴۱ کاربر ثبت شده و ۸۸۲۲۳ فایل است، روزه پورنادر اولین مدیر و توسعه‌دهنده این پروژه است.

او که ایرانی‌تبار است اکنون در آمریکا زندگی می‌کند. وی یکی از دستیاران اصلی و یکی از بنیانگذاران ویکی‌پدیای فارسی بود. روزه پورنادر مدیر فنی پروژه Linux در دانشگاه صنعتی آریامهر (شریف) بود و قبلاً به عنوان مدیر فنی در فارسی تکس خدمت می‌کرد.

*منبع: تایمز

*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

افزایش شاخص فلاکت در ایران فلاکت در ۲۳ استان بالاتر از میانگین کشوری



افزایش قیمت‌ها گفته شاخص فلاکت که از دو شاخص تورم و بیکاری به دست می‌آید در وضعیت «هشدار» قرار گرفته و افزوده که «به دو دلیل عمده شاخص فلاکت در وضعیت هشداردهنده‌ای قرار دارد؛ در وهله اول به دلیل وابستگی اقتصاد ایران به خارج از کشور و واردات کالاهای مختلف، تشدید تحریم‌ها باعث شده که وضعیت اقتصادی ایران طی چند سال گذشته بسیار بغرنج شود که در این زمینه افزایش افسار گسیخته قیمت کالاهای اساسی و مایحتاج ضروری مردم و همچنین رشد ۶ برابری نرخ دلار در سه سال گذشته خود موید این موضوع است.»

به گفته مرتضی افقه در ادامه گفته که «در وهله دوم نیز دولت هیچ برنامه اقتصادی برای برون رفت از وضعیت فعلی ندارد، تیم اقتصادی فعلی دولت نیز از تجربه، توان و کارایی لازم برای تصمیم‌گیری و خروج از این وضعیت برخوردار نیست، بنابراین نمی‌توان انتظار کاهش شاخص فلاکت را داشت، بلکه باید منتظر رشد نرخ تورم و بیکاری باشیم که نتیجه آن نیز افزایش شاخص فلاکت است.»

مرکز آمار ایران اسفندماه سال ۱۴۰۱ گزارشی منتشر کرد که نشان می‌داد شاخص فلاکت در ایران طی پنج سال با افزایش حدود ۱۵۵ درصدی، از ۱۹/۳ درصد به ۴۹/۴ درصد در سال ۱۴۰۰ رسیده است.

این آمار با بررسی هشت حوزه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، سلامت، زیرساختی، جنسیتی و بین نسلی بدست آمده بود و نشان می‌داد شاخص فلاکت در ایران در سال ۱۴۰۰ به اوج خود در ۲۵ سال گذشته رسیده است.

آمارهای ارائه شده از سوی مقامات حکومتی نشان می‌دهد که دستکم یک چهارم جمعیت کشور در «فقر مطلب» به سر می‌برند و به امکانات اولیه زندگی دسترسی ندارند. بهروز محبی نجم‌آبادی عضو کمیسیون تلفیق لایحه بودجه مجلس شورای اسلامی گفته که «قریب به ۲۰ میلیون نفر در کشور در شرایط مساعدی نیستند که حدود ۳ میلیون خانوار بوده و دچار فقر مطلق هستند که این آمار در سامانه رفاه نیز مشخص است و باید به این افراد کمک جدی و اساسی شود.»

که در این یک سال منتهی به آخر آذرماه امسال فلاکت آنها بیشتر شده و در نتیجه سطح رفاهی مردم آن‌ها کاهش یافته است.

شاخص فلاکت به عنوان یکی از مهم‌ترین شاخص‌های اقتصادی که از مجموع نرخ تورم سالانه و نرخ بیکاری حاصل می‌شود طی سالهای گذشته با افزایش روبرو بوده است. آمارها نشان می‌دهد در کمتر از دو دهه، شاخص فلاکت در ایران به بیش از دو برابر رسیده است. این شاخص در سال ۱۳۹۵ معادل ۱۹/۳ درصد بود.

همچنین ایران در سال ۲۰۲۲ به عنوان هشتمین کشور جهان با بالاترین رکورد شاخص فلاکت ثبت شده است. بر اساس آمارهای ارائه شده از سوی جمهوری اسلامی درباره نرخ تورم و نرخ بیکاری، رقم شاخص فلاکت در سال ۲۰۲۲ برای ایران به ۵۷ رسید که بالاترین میزان ثبت شده فلاکت در تاریخ سه دهه گذشته این کشور بوده است.

این در حالیست که بر اساس رده‌بندی کشورها بر اساس «شاخص فلاکت» در سال ۲۰۲۲ که توسط پروفیسور استیو هانکه اقتصاددان برجسته و استاد دانشگاه جانز هاپکینز تهیه شده ایران جزو بیست کشوری بوده است که بالاترین میزان فلاکت اقتصادی در جهان را در سال ۲۰۲۲ داشته است. عراق، لیبی و گابون وضعیتی بهتر از ایران داشته‌اند. گزارش جدید پروفیسور استیو هانکه در رابطه با میزان فلاکت اقتصادی نشان می‌دهد که ایران با شاخص ۷۳/۳ درصدی فلاکت در میان ۱۵۷ کشور رتبه‌بندی شده در جایگاه ۱۹ قرار داشته است. ایران، لبنان، یمن، سوریه، ترکیه و ونزوئلا از جمله کشورهایی بوده‌اند که بالاترین حد شاخص فلاکت در سال ۲۰۲۲ را در اختیار داشته‌اند. استاد دانشگاه جانز هاپکینز با ارائه این آمار تأکید کرده بود که شاخص فلاکت در ایران بیشتر متأثر از افزایش نرخ تورم بوده است تا شاخص بیکاری.

پایامد افزایش فلاکت افزایش جرم و جنایت، ناآرامی‌های اجتماعی و افزایش نااطمینانی اقتصادی و در نتیجه کاهش تمایل سرمایه‌گذاران برای سرمایه‌گذاری خواهد بود. مرتضی افقه اقتصاددان و استاد اقتصاد دانشگاه جندی‌شاپور اهواز اردیبهشت سال گذشته در رابطه با

● در میان استان‌های کشور، استان چهار محال و بختیاری بیشترین نرخ فلاکت را با ۶۳/۲ واحد در پاییز امسال داشته است.

● آمارها نشان می‌دهد در کمتر از دو دهه، شاخص فلاکت در ایران به بیش از دو برابر رسیده است.

● مرکز آمار ایران اسفندماه سال ۱۴۰۱ گزارشی منتشر کرد که نشان می‌داد شاخص فلاکت در ایران طی پنج سال با افزایش حدود ۱۵۵ درصدی، از ۱۹/۳ درصد به ۴۹/۴ درصد در سال ۱۴۰۰ رسیده است.

آمارها نشان می‌دهد شاخص فلاکت در ایران طی پاییز ۱۴۰۲ افزایش یافته و نرخ فلاکت در ۲۳ استان به بالاتر از میانگین کشوری رسیده است.

آخرین آمارهای مرتبط با شاخص فلاکت مرتبط با فصل گذشته نشان می‌دهد فلاکت در ۱۴ استان افزایش یافته و در ۲۳ استان بالاتر از میانگین کشوری است.

میانگین رقم شاخص فلاکت در پاییز گذشته برابر با ۵۲ واحد بوده است. استان چهار محال و بختیاری بیشترین فلاکت را در میان استان‌های کشور داشته است و تهران نیز کمترین در میان سایر استان‌ها بوده است.

بررسی‌ها نشان می‌دهد در میان استان‌های کشور استان چهار محال و بختیاری بیشترین نرخ فلاکت را در پاییز امسال داشته است. نرخ فلاکت در این استان برابر با ۶۳/۲ واحد بوده که از مجموع نرخ بیکاری برابر با ۱۱/۵ درصد و نرخ تورم سالانه برابر با ۵۱/۷ درصد حاصل شده است. کمترین شاخص فلاکت در این فصل برای استان‌های تهران، سمنان و مازندران بوده است. کمترین نرخ فلاکت در میان استان‌های کشور در استان تهران برابر با ۴۴/۶ واحد بوده و در این استان نرخ بیکاری ۵/۴ درصد و تورم سالانه ۳۹/۲ درصد به ثبت رسیده است.

همچنین شاخص فلاکت در استان اصفهان ۶/۳ واحد نسبت به سال قبل بیشتر شده که بیشترین میزان افزایش فلاکت در بین استان‌های کشور در این یک سال است. شاخص فلاکت در پاییز ۱۴۰۱ در این استان برابر با ۵۲/۹ بود که در پاییز امسال به ۵۹/۲ واحد رسید.

یزد، چهار محال و بختیاری و قم دیگر استان‌هایی هستند

هنرمند مردمی بودن در جمهوری اسلامی: مهدی یراحی به زندان و ۷۴ ضربه شلاق محکوم شد



مهدی یراحی

حاضر هیچ خبری از جزئیات و چرایی این بازداشت نداریم. وکیل مهدی یراحی افزوده بود که «در حال حاضر ما نه اطلاعی از اتهامات آقای یراحی داریم و نه نهاد بازداشت کننده او مشخص است. تماسی هم نگرفته است. اطلاعی هم نداریم که پرونده آقای یراحی در کدام شعبه دادسرا مورد رسیدگی قرار می‌گیرد و دستور بازداشت از سوی کدام شعبه صادر شده است.»

مصطفی نیلی همچنین گفته بود که مهدی یراحی در سال ۹۸ هم بابت ترانه‌هایش، با تشکیل پرونده در دادسرا مواجه شده بود. برای او پیشتر ۳ پرونده با اتهاماتی چون تبلیغ علیه نظام و اجتماع و تبانی به واسطه ترانه‌های اعتراضی‌اش در حمایت از کارگران و اعتراضات مردمی تشکیل شده بود.

اول شهریورماه امسال ترانه جدیدی از مهدی یراحی با نام «روسریتو» منتشر شد. این ترانه در آستانه سالگرد کشته شدن مهسا امینی در بازداشت گشت ارشاد اسلامی و در حمایت از نافرمانی مدنی زنان ایران علیه حجاب اجباری با استقبال گسترده روبرو شد. مهدی یراحی این ترانه اعتراضی را به «زنان آزاده» سرزمین‌اش تقدیم کرده که «در خط اول جنبش زن زندگی آزادی، دلیرانه می‌درخشند.»

مهدی یراحی پیش از بازداشت به تشکیل پرونده قضایی و «برخورد» تهدید شد. او در آخرین توییتش یک روز پیش از بازداشت نوشته بود: «گریه نکن؛ من کابوس این قاضی‌ام؛ صدای ایده‌هایم و پیوسته از سالگرد قتل مهسا امینی بگویم. زن زندگی آزادی.» مهدی یراحی متولد ۲۳ آبان ۱۳۶۰ در اهواز، خواننده و آهنگساز است. او دوره آموزش تئوری موسیقی را تحت نظر علی کسرانی گذراند و از جمله هنرمندانی است که در سال‌های گذشته در کنار مردم بوده است. مهدی یراحی تابستان گذشته پس از پخش اعتراضات تلویزیونی سپیده رشو از صداوسیما جمهوری اسلامی اعلام کرد که صداوسیما دیگر اجازه پخش آثار او را ندارد.

او همچنین در جریان اعتراضات سال گذشته به دلیل خواندن چند ترانه اعتراضی در حمایت از اعتراضات مردمی در ایران ممنوع‌المعامله شد. این هنرمند سه‌شنبه ۲۳ اسفند با اعلام «ممنوع‌المعامله» شدن خود و گروهی از چهره‌های فرهنگی و هنری ایران، در توییتی نوشت: «راضی‌ام از جرم خودم.»

مهرماه با وثیقه از زندان اوین آزاد شد. خبرگزاری «میزان» وابسته به قوه قضاییه ششم شهریورماه امسال و همزمان با بازداشت مهدی یراحی نوشت: «در پی انتشار ترانه‌ای غیرقانونی از سوی مهدی یراحی و تشکیل پرونده قضایی، این خواننده با دستور دادستان تهران بازداشت شد.» در این خبر آمده بود که «اخیرا به دلیل انتشار ترانه‌ای غیرقانونی و خلاف اخلاق و عرف جامعه اسلامی از سوی مهدی یراحی، برای وی پرونده قضایی تشکیل شده بود.»



لحظه بازداشت مهدی یراحی

خبرگزاری «میزان» افزوده بود که «یراحی پیشتر نیز در بحبوحه اغتشاشات سال گذشته ترانه خلاف قانون دیگری نیز منتشر کرده بود.» ساعتی بعد از انتشار خبر بازداشت مهدی یراحی، مصطفی نیلی یکی از وکلای او در گفتگو با «شبکه شرق» با تأیید خبر بازداشت موکل خود، از اتهامات و نهاد بازداشت کننده او ابراز بی‌اطلاعی و تأکید کرد که از طریق دادسرا برای پیگیری وضعیت این خواننده اقدام خواهد کرد. مصطفی نیلی گفته بود «ما هم همچون شما از طریق رسانه‌ها متوجه خبر بازداشت آقای یراحی شدیم و در حال

● مهدی یراحی بر اساس رأی صادره توسط شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران به ریاست قاضی ایمان افشاری، در مجموع به دو سال و هشت ماه حبس تعزیری و ۷۴ ضربه شلاق محکوم شد.

● وکیل مهدی یراحی اعلام کرده این هنرمند در حال حاضر با وثیقه «۱۵ میلیارد تومانی» که توسط یکی از دوستان همکار او تهیه شده بطور موقت آزاد است.

● مهدی یراحی اول شهریور امسال پس از انتشار اثر «روسریتو» که به «زنان آزاده ایران که در خط اول جنبش زن زندگی آزادی، دلیرانه می‌درخشند» تقدیم کرده بود بازداشت شد.

مهدی یراحی، خواننده و آهنگساز، توسط دادگاه انقلاب تهران به دو سال و هشت ماه حبس تعزیری و تحمل ۷۴ ضربه شلاق محکوم شد.

زهره مینویی وکیل مدافع مهدی یراحی امروز سه‌شنبه ۱۹ دی ۱۴۰۲ در شبکه «ایکس» نوشت که «موکل آقای مهدی یراحی بر اساس رأی صادره توسط شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران به ریاست قاضی ایمان افشاری، در مجموع به دو سال و هشت ماه حبس تعزیری و ۷۴ ضربه شلاق محکوم شد.» وکیل مهدی یراحی با تأکید بر اینکه «بر اساس ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی یک سال از حبس ایشان قابل اجرا است» نوشته که «آقای یراحی در حال حاضر با وثیقه ۱۵ میلیارد تومانی» که توسط آقای «کوشان حداد» از دوستان همکار ایشان تودیع شده، بطور موقت آزاد هستند.» خبرگزاری «هرانا» گزارش داده که «جلسه دادگاه رسیدگی

به اتهامات مهدی یراحی، خواننده و آهنگساز در این شعبه برگزار شده بود. در جریان این جلسه دادگاه این خواننده از بابت اتهامات فعالیت تبلیغی علیه نظام، تشویق مردم به فساد، ساخت و انتشار محتویات خلاف اخلاق و عفت عمومی و ترغیب و تحریک افراد به جرایم منافی عفت از طریق سامانه‌های رایانه‌ای به دفاع از خود پرداخت.» مهدی یراحی چند روز پیش از سالگرد اعتراضات جنبش ملی و در ششم شهریورماه ۱۴۰۲ در پی انتشار ترانه «روسریتو» با دستور دادستان تهران بازداشت و اواخر

ارتش اسرائیل از محل پنهان شدن یحیی سنوار آگاه است، اما به خاطر گروگان‌ها به او حمله نمی‌کند



یحیی سنوار

ترور «حاج جواد» (حسن الطویل) معاون نیروهای ویژه «رضوان حزب‌الله» در جنوب لبنان

● بر اساس گزارش کانال تلگرامی «صابرین» که اخبار «محور مقاومت» را پوشش می‌دهد «علی الطویل» معروف به «حاج جواد» معاون نیروهای ویژه «رضوان حزب‌الله» در جنوب لبنان ترور شد.

● الطویل در حین رانندگی در شهر «خریت سلم» در جنوب لبنان هدف قرار گرفت. برخی منابع عربی ادعا کردند وی مسئول عملیات گروه «رضوان» بود.

● بعضی منابع از وی به عنوان نفر دوم و برخی دیگر به عنوان نفر سوم میدانی حزب‌الله نام برده‌اند.

● هنوز بطور دقیق مشخص نیست ماشین وی با پهباد هدف قرار گرفته یا در اثر پمب‌گذاری منفجر شده است. گفته می‌شود یک نفر دیگر نیز در محل زخمی شد.

● صفحه فارسی وزارت خارجه اسرائیل در ایکس عکسی از حضور نیروهای اسرائیلی در سالن خانه‌ی یحیی سنوار در غزه منتشر کرده و نوشته است که او خانه نبود و در سوراخ موش پنهان شده اما «به زودی با لوله‌های تفنگ سربازان اسرائیلی روبرو می‌شود».

منابع خبری روز دوشنبه ۸ ژانویه ۲۰۲۴ (۱۸ دی‌ماه ۱۴۰۲) اعلام کردند که در حمله اسرائیل به جنوب لبنان، یک فرمانده برجسته میدانی حزب‌الله هدف قرار گرفته است. سه منبع امنیتی به رویتزر گفتند فردی که هدف قرار داده شد یکی از فرماندهان ارشد نیروهای ویژه «رضوان حزب‌الله» بود.

یکی از منابع امنیتی گفت: «این یک حمله بسیار دردناک است. حزب‌الله از زمان آغاز مباران فرامرزی در پی حمله حماس به خاک اسرائیل در هفت اکتبر، بیش از ۱۳۰ نیروی حزب‌الله را هدف قرار داد.»

بر اساس گزارش کانال تلگرامی «صابرین» که اخبار «محور مقاومت» را پوشش می‌دهد، «حسن الطویل» معروف به «حاج جواد» معاون نیروهای ویژه «رضوان حزب‌الله» در جنوب لبنان ترور شده است. وی در حین رانندگی در شهر «خریت سلم» در جنوب لبنان هدف قرار گرفت.

برخی منابع عربی ادعا کردند وی مسئول عملیات گروه «رضوان» بود.

برخی منابع از وی به عنوان نفر دوم و برخی دیگر

سپر انسانی به دور خود استفاده می‌کند.»

منابع مطلع می‌گویند سنوار با گروگان‌ها وقتی به غزه منتقل شدند به زبان عبری تقریباً بدون لهجه صحبت می‌کرد تا به آنها اطمینان خاطر بدهد. وی به آنها گفته بود: «سلام من یحیی سنوار هستم. از شما در اینجا بیشترین محافظت می‌شود.» به گزارش «کانال ۱۲»، بر اساس روایت یکی از گروگان‌ها که اخیراً آزاد شده است، سنوار به این گروه از گروگان‌ها گفته بود که هیچ اتفاقی برای شما نخواهد افتاد.

یکی از گروگان‌ها به نام یوچوید لیفشیتز، ۸۵ ساله، که در ماه اکتبر از اسارت حماس آزاد شد، در مصاحبه‌ای فاش کرد که در زمان اسارت در غزه با سنوار ملاقات کرد و از گفت‌وگویش به او ترسی نداشت.

لیفشیتز گفته بود «سنوار سه تا چهار روز پس از آنکه به گروگان گرفته شدم رسید. از او پرسیدم که چطور خجالت نمی‌کشد با مردمی که سال‌ها از صلح حمایت می‌کنند، چنین کاری انجام دهد؟ او جواب نداد و ساکت بود.»

دو روز پیش صفحه فارسی وزارت خارجه اسرائیل در ایکس عکسی از حضور نیروهای اسرائیلی در سالن خانه‌ی یحیی سنوار در غزه منتشر کرد و نوشت که او خانه نبود و در سوراخ موش پنهان شده اما «به زودی با لوله‌های تفنگ سربازان اسرائیلی روبرو می‌شود».

همچنین در هفته‌های اخیر، ارتش اسرائیل یک مخفیگاه متعلق به سنوار در شمال غزه را به همراه یک شبکه تونل بزرگ در زیر آن تخریب کرد. با اینکه ارتش اسرائیل اعلام می‌کند که به سنوار نزدیک شده، اما وی فعلاً دستگیر یا کشته نشده است. اسرائیل پس از ترور صالح العاروری رهبر حماس در بیروت پایتخت لبنان به دنبال سایر رهبران حماس از جمله یحیی سنوار است.

● روزنامه «اسرائیل هیوم» گزارش داد یحیی سنوار تعداد زیادی از گروگان‌های اسرائیلی را در اطراف خود دارد تا مانع از حمله نیروهای دفاعی اسرائیل به خودش شود.

● آموس یادلین رئیس پیشین اطلاعات نظامی ارتش اسرائیل در مصاحبه با رادیو «کان» که یکشنبه ۷ ژانویه پخش شد این مسئله را تأیید کرده بود.

بر اساس گزارش‌های متعدد، به نظر می‌رسد اسرائیل از محل دقیق مخفیگاه یحیی سنوار رهبر نظامی حماس اطلاع دارد اما فعلاً از ترور وی خودداری می‌کند. از سنوار به عنوان «مغز متفکر» عملیات تروریستی «هفت اکتبر» یاد می‌شود.

روزنامه «اسرائیل هیوم» روز دوشنبه هشتم ژانویه (۱۸ دی‌ماه) گزارش داد یحیی سنوار تعداد زیادی از گروگان‌های اسرائیلی را در اطراف خود دارد تا مانع از حمله نیروهای دفاعی اسرائیل به خودش شود.

آموس یادلین رئیس پیشین اطلاعات نظامی ارتش اسرائیل در مصاحبه با رادیو «کان» که یکشنبه ۷ ژانویه پخش شد این مسئله را تأیید کرد.

جاناناتان شانزر دستیار رئیس «بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها» (FDD)، در تویییتی نوشت که هفته‌ها گزارش‌های مشابهی را از «افراد آگاه» در باره محل پنهان شدن سنوار شنیده است. او به روزنامه «تایمز اسرائیل» گفت: «گزارش‌هایی که در دو روز گذشته از اسرائیل منتشر شد، همان چیزی است که من چند هفته شنیده‌ام... یعنی اسرائیلی‌ها می‌دانند یحیی سنوار کجا پنهان شده است.»

شانزر ادامه داد: «فرض من، اگرچه تأیید نشده، اما این است که او در تونل‌های زیر خان یونس است... ولی چیزی که من بطور خاص شنیدم این بود که او خود را با گروگان‌های اسرائیلی محافظت می‌کند. او از آنها به عنوان

درگیری مسلحانه در «بهشت زهرا»؛ «هانی گرده» از اراذل و اوباش «مدافع حرم» تیر خورد!



هانی گرده به عنوان مدافع حرم سابقه جنگ در سوریه را دارد

رئیس مرکز عملیات پلیس اطلاعات تهران گزارش داد که روز سه شنبه ۱۹ دی ماه ۱۴۰۲ حوالی ساعت ۱۳:۰۰ در مراسم تدفین یکی از «اراذل سطح یک» در «بهشت زهرا» سایر اراذل و اوباش که حضور داشتند بر سر «یک اختلاف قدیمی» درگیر می‌شوند.

بر اثر درگیری مسلحانه یکی از اراذل «سطح یک» (هانی گرده) با یک گلوله به پای چپ و چهار ضربه چاقو به سر و کمر مصدوم شده است.

تعداد زیادی از «گنده لات‌ها» و اوباش «سطح یک» سابقه قتل، تهدید و زورگیری یا سرقت‌های بزرگ دارند و زیر حکم اعدام یا زندان‌های بلندمدت هستند با این همه با وثیقه و یا مشروط بر اینکه شرارت نکنند و اگر حکومت در مواقع ضروری مثل سرکوب کمک خواست با نوچه‌هایشان علیه مردم معترض وارد عمل شوند.

در جنوب تهران خبر داد. سال گذشته، یک منبع مطلع اواسط آبان ۱۴۰۱ به کیهان لندن گفته بود که حکومت برای سرکوب دانشجویان دانشگاه صنعتی آریامهر (شریف) [دهم مهرماه] دار و دسته «هانی گرده» را اعزام کرده بود.

پلیس در دستور العمل‌های خود افراد شرور را سطح‌بندی کرده و کسانی که تکرار شرارت داشته باشند از نظر پلیس در «سطح یک» تعریف شده و رفتار و حرکات آنان مدام زیر نظر است. اراذل «سطح ۲» کسانی هستند که معمولاً نوچه‌های افراد سطح یک هستند و به کمک آنان در شرارت‌ها می‌آیند؛ اراذل «سطح ۳» هم افرادی هستند که معمولاً شرارت آنها یک یا ۲ بار تکرار شده است.

اواسط تیرماه امسال (۱۴۰۲) وقتی طرفداران تیم «تاج» (استقلال) چند هفته‌ای مداوم در تمرینات این تیم روی سکوها علیه مدیرعامل وقت حجت کریمی شعار می‌دادند، هانی گرده و نوچه‌هایش به آنجا اعزام شدند تا معترضان را «ادب» کنند. حجت کریمی عامل سپاه پاسداران است که در نهایت از این تیم کنار گذاشته شد.

تعداد زیادی از «گنده لات‌ها» و اوباش «سطح یک» سابقه قتل، تهدید و زورگیری یا سرقت‌های بزرگ دارند و زیر حکم اعدام یا زندان‌های بلندمدت هستند با اینهمه با وثیقه یا مشروط به اینکه شرارت نکنند و اگر حکومت در مواقع ضروری مثل سرکوب‌ها کمک خواست با نوچه‌هایشان علیه مردم معترض وارد عمل شوند. به استفاده از اراذل و اوباش و جنایتکاران زندانی در سرکوب اعتراضات مردم خیلی پیشتر و از جمله در جریان سرکوب‌های سال ۸۸ از سوی خود مقامات جمهوری اسلامی اعتراف شده است.

رئیس مرکز عملیات پلیس اطلاعات تهران گزارش داد که روز سه شنبه ۱۹ دی ماه ۱۴۰۲ حوالی ساعت ۱۳:۰۰ در مراسم تدفین یکی از «اراذل سطح یک» در «بهشت زهرا» سایر اراذل و اوباش نیز که حضور داشتند بر سر «یک اختلاف قدیمی» درگیر می‌شوند.

بر اثر درگیری مسلحانه یکی از اراذل «سطح یک» (هانی گرده) با یک گلوله به پای چپ و چهار ضربه چاقو به سر و کمر مصدوم شده است.

سرهنگ راستی با بیان اینکه تلاش برای دستگیری عوامل درگیری مسلحانه ادامه دارد از انتقال مصدوم به بیمارستانی



به عنوان نفر سوم میدانی حزب‌الله نام برده‌اند. هنوز بطور دقیق مشخص نیست ماشین وی با پهباد هدف قرار گرفته یا در اثر بمب‌گذاری منفجر شده است. گفته می‌شود یک نفر دیگر نیز در محل زخمی شد.

چهار روز پیش از این، اسرائیل در حمله به یک ساختمان در شهرک «الناقره»، چهار نفر از فرماندهان ارشد حزب‌الله به نام «ابراهیم عقیف فصیح»، «حسین هادی یزیک»، «هادی علی رضا» و «حسین علی محمد غزاله» را هدف قرار داد.

با توجه به اینکه اغلب این فرماندهان در مخفیگاه‌ها و پایگاه‌های غیرثابت مستقر هستند و مدام محل خود را تغییر می‌دهند، به نظر می‌رسد عوامل نفوذی اسرائیل در میان نیروهای حزب‌الله لبنان برای لو دادن محل آنها یا مسیر ترددشان دقیق همکاری و عمل می‌کنند.

شکار فرماندهان ارشد نیروهای نیابتی به یکی از مأموریت‌های اصلی دستگاه اطلاعاتی اسرائیل تبدیل شده است. صالح العاروری مشهور به «ابومحمد» نفر دوم حماس ۱۳ دی ماه در انفجاری در حومه جنوبی بیروت کشته شد. پیش از او نیز سیدرضی موسوی مسئول تدارکات «سپاه قدس» در دمشق از صحنه زندگی حذف شد.

یحیی السنوار، محمد ضیف، خالد مشعل، اسامه حمدان و اسماعیل هنیه از فرماندهانی هستند که گفته می‌شود در لیست ترور قرار دارند. صفحه فارسی وزارت خارجه اسرائیل در ایکس عکسی از حضور نیروهای اسرائیلی در سالن خانه‌ی یحیی سنوار در غزه منتشر کرده و نوشته است که او خانه نبود و در سوراخ موش پنهان شده اما «به زودی با لوله‌های تفنگ سربازان اسرائیلی روبرو می‌شود».

یک روز پیش از ترور «حاج جواد» در جنوب لبنان، اسماعیل قاتنی فرمانده نیروهای قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در نامه‌ای به اسماعیل هنیه از رؤسای گروه تروریستی حماس، کشته شدن صالح العاروری را تسلیم گفته بود. وی در این نامه نوشته بود «دشمن با ترور فرماندهان مقاومت به دنبال کاهش شکست سنگین خود در غزه و کرانه باختری است.» خود اسماعیل قاتنی نیز در لیست سپاه اسرائیل قرار دارد.

جزئیات جدیدی از «لاستیک گیت» و فساد ۲۲ میلیون دلاری در «آستان قدس رضوی»؛ آرمان علمایی کیست؟



حذف شده و در هیچ جای فرایند دادرسی پرونده «آستان قدس» مشاهده نمی‌شود!

روزنامه «اعتماد» همچنین نوشته بود که نام «آ.ع.» در جریان دادگاه‌های رسیدگی به فساد ۱۴ هزار میلیارد تومانی بانک سرمایه بارها از سوی متهمان و محکومان مورد اشاره قرار گرفته و در یکی از بخش‌های مربوط به آن پرونده، «آ.ع.» متهم به دریافت ۵/۱ میلیارد تومان حق دلالی شده است.

ساعاتی پس از انتشار این گزارش، وبسایت «تجارت نیوز» با علیرضا پیمان‌پاک مدیرعامل وقت شرکت «مدیریت تأمین زنجیره رضوی» گفتگو کرد. در گزارش «تجارت نیوز» از نام اصلی «آ.ع.» روغایی شده است: آرمان علمایی.

علیرضا پیمان‌پاک در این گفتگو در واکنش به فساد که از روز گذشته به «لاستیک گیت» معروف شده، گفته که «در کل این هم یک پرونده معمولی است که باید مراحل رسیدگی‌اش طبق روال پیش برود!»

علیرضا پیمان‌پاک همچنین در پاسخ به اینکه آرمان علمایی کیست و چه نقشی در فساد واردات لاستیک در سال ۹۸ داشته است، به «تجارت نیوز» گفته: «این اتفاق ارتباطی به آرمان علمایی ندارد. در سال ۱۳۹۸ صرفاً «ارزایران» و محمد ذوالفقاری به‌عنوان انتقال‌دهنده ارز با شرکت مدیریت زنجیره تأمین رضوی قراردادی منعقد کردند که ۸۰

میلیون دلار را به حساب شرکت‌های لاستیک واریز کنند.» علیرضا پیمان‌پاک که به عنوان مقام وقت در «آستان قدس رضوی» قرارداد واردات لاستیک با محمد ذوالفقاری را امضا کرده، در گفتگو با «تجارت نیوز» گفته که «۳۰ درصد از ارز تخصیص داده شده که معادل همان ۲۲ میلیون دلار می‌شود به چرخه بازار بازنگشته و فقط ۷۰ درصد ارز منتقل شده است.»

او گفته که «بین ۱۵۰ تا ۲۰۰ شرکت تولیدکننده در دریافت این ارز ناکام بودند که سرانجام «آستان قدس»

ابراهیم رئیسی پست و مقام گرفتند. اکنون پرونده قضایی این فساد بزرگ در قوه قضاییه جمهوری اسلامی در جریان است.

محمد ذوالفقاری که اساساً در حوزه لاستیک فعالیت نداشته و کار او در تجارت خشکبار بوده، پیش از این قرار داد با اتهام خالی‌فروشی ۸ هزار میلیارد تومانی در سامانه نیما مشهور و خیرساز شده بود. او بار دیگر با رانت توانسته طرف قرارداد با «آستان قدس رضوی» شود و به همراه شبکه‌ی فسادش ۲۲ میلیون دلار به اسم واردات لاستیک دریافت کند.



نکته جالب توجه در گزارش روزنامه «اعتماد» حضور فردی به عنوان ضامن محمد ذوالفقاری است که با نام اختصاری «آ.ع.» معرفی شده بود؛ فردی که به گفته روزنامه «اعتماد» با وجود متهم بودن در این پرونده فساد پس از روی کار آمدن دولت ابراهیم رئیسی دو سال بعد از این قرارداد- زمانی که پیمان‌پاک در دولت ریسی به قدرت رسید- در سال ۱۴۰۰ ریاست مرکز تجاری ایرانیان در ارمنستان را بر عهده گرفت.

جالب توجه اینکه در روند دادرسی این پرونده نام «آ.ع.»

● علیرضا پیمان‌پاک در واکنش به فساد که از روز گذشته به «لاستیک گیت» معروف شده گفته که «در کل اینهم یک پرونده معمولی است که باید مراحل رسیدگی‌اش طبق روال پیش برود!»

● با وجود فعالیت حدود ۱۵۰ شرکت مربوط به واردات لاستیک، «آستان قدس» این قرارداد را با فردی بسته است که در تجارت خشکبار فعالیت می‌کرده و پرونده فساد ۸۰۰۰ میلیارد تومانی دارد!

● آرمان علمایی که در پرونده فساد بانک سرمایه متهم بوده و رد پایش در پرونده «لاستیک گیت» دیده می‌شود، با روی کار آمدن ابراهیم رئیسی و باندش در دولت سیزدهم، پست و مقام گرفته است.

پس از افشای فساد ۲۲ میلیون دلاری در «آستان قدس رضوی» تحت عنوان واردات لاستیک، علیرضا پیمان‌پاک مدیرعامل وقت شرکت «مدیریت تأمین زنجیره رضوی» گفته این «یک پرونده معمولی» است و یکی از متهمان این پرونده، آرمان علمایی که پس از این فساد در دولت رئیسی پُست و مقام گرفته را بی‌ارتباط با فساد معرفی کرده است! روزنامه «اعتماد» چاپ تهران روز گذشته اطلاعاتی درباره یک فساد بزرگ توسط «آستان قدس رضوی» با ارزش ۲۲ میلیون دلار را افشا کرد.

بر اساس اطلاعات منتشر شده از سوی روزنامه «اعتماد» در سال ۹۸ و دولت دوازدهم به ریاست حسن روحانی، در دوره مدیریت علیرضا پیمان‌پاک مدیرعامل وقت شرکت «مدیریت زنجیره تأمین رضوی» وابسته به «آستان قدس»، ۸۰ میلیون دلار ارز دولتی را در قالب قراردادی در اختیار «محمد ذوالفقاری» گذاشت تا ۲۰۰ هزار حلقه لاستیک وارد کند.

با گذشت سه سال نه تنها پس از دریافت این ارز، لاستیکی وارد نشده بلکه دو تن از متهمان این پرونده نیز در دولت

حمله هوایی به کاروان تسلیحاتی نیروهای وابسته به جمهوری اسلامی در سوریه



البوکمال در مرز سوریه و عراق واقع در استان دیرالزور

این حمله خسارتی نداشته است. طی سال‌های اخیر ارتش اسرائیل و در مواردی نیز نیروهای ائتلاف به رهبری آمریکا بارها کاروان‌های تسلیحاتی مرتبط با «سپاه قدس» را در مرزهای سوریه هدف قرار دادند. با آغاز عملیات زمینی اسرائیل علیه تروریست‌های حماس در غزه حملات هوایی به مواضع سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و گروه‌های وابسته به آن در خاک سوریه افزایش پیدا کرد. یکی از این حملات اواسط آذرماه صورت گرفت که در آن محمدعلی عطایی شورچه و پناه تقی‌زاده از فرماندهان سپاه قدس در حومه دمشق کشته شدند. کمتر از سه هفته بعد (پنجم دی‌ماه) سیدرضی موسوی مسئول پشتیبانی سپاه قدس در خانه‌ای در محله زینبیه دمشق کشته شد. پیش از این یوآو گالانت وزیر دفاع اسرائیل گفته بود «هرکس علیه ما اقدام کند یک هدف بالقوه است. هیچکس در امان نیست.»

همزمان با افزایش درگیری و ناامنی در سوریه، خبرگزاری «فارس» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی گزارش داده است که کاروان‌های زیارتی غیرمجاز در حال اعزام زائر به سوریه هستند. این در شرایطی است که سازمان حج و زیارت اعلام کرده تا اطلاع ثانوی هیچ کاروانی به دمشق اعزام نمی‌کند.

این کاروان‌ها افراد را با پرواز از ایران به بندر لاذقیه می‌برند و از آنجا با اتوبوس به دمشق می‌فرستند. شبیه همین وضعیت در سال‌های گذشته نیز بارها تکرار شده است. پرواز با این هواپیماها با خطر فوق‌العاده زیاد همراه است چرا که سپاه پاسداران از هواپیماهای مسافربری به عنوان پوششی برای حمل تسلیحات به سوریه استفاده می‌کند.

در سال‌های اخیر ارتش اسرائیل بارها باند فرودگاه‌های دمشق و حلب را هدف قرار داد تا مانع فرود هواپیماهای جمهوری اسلامی که حامل تسلیحات به سوریه بودند شود.

● یک کاروان حامل مهمات و تسلیحات نظامی متعلق به نیروهای تحت حمایت جمهوری اسلامی یکشنبه ۱۷ دی‌ماه در شرق دیرالزور (منطقه البوکمال) هدف قرار گرفت. منابع غیررسمی می‌گویند احتمالاً جنگنده‌های نیروی هوایی اسرائیل این کاروان را هدف قرار دادند.

● خبرگزاری دولتی «ایرنا» به نقل منابع شبکه «المیادین» از یک «حمله هوایی ناشناس به یک دستگاه خودرو در داخل خاک سوریه در مرز شهر البوکمال سوریه با شهر القائم عراق» خبر داد. این منابع مدعی شدند که حمله خسارتی نداشته است.

● همزمان با افزایش درگیری و ناامنی در سوریه خبرگزاری «فارس» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی گزارش داده است که کاروان‌های زیارتی غیرمجاز در حال اعزام زائر به سوریه هستند. این در شرایطی است که سازمان حج و زیارت اعلام کرده تا اطلاع ثانوی هیچ کاروانی به دمشق اعزام نمی‌کند.

یک کاروان حامل مهمات و تسلیحات نظامی متعلق به نیروهای تحت حمایت جمهوری اسلامی یکشنبه ۱۷ دی‌ماه در شرق دیرالزور (منطقه البوکمال) هدف قرار گرفت. منابع غیررسمی می‌گویند احتمالاً جنگنده‌های نیروی هوایی اسرائیل این کاروان را هدف قرار دادند.

کامیون‌های حامل محموله‌های تسلیحاتی از مرز عراق وارد سوریه شده بودند. اسرائیل معمولاً در مورد چنین حملاتی سکوت می‌کند.

هنوز از تعداد تلفات احتمالی گزارشی در دست نیست اما در ویدیوهایی که کاربران در شبکه‌های اجتماعی از این حمله منتشر کرده‌اند صدای انفجار پی در پی مهمات شنیده می‌شود.

در همین ارتباط خبرگزاری دولتی «ایرنا» به نقل از منابع شبکه «المیادین»، از یک «حمله هوایی ناشناس به یک دستگاه خودرو در داخل خاک سوریه در مرز شهر البوکمال سوریه با شهر القائم عراق» خبر داد. این منابع ادعا کردند

→ «رضوی» شکایت خود را به قوه قضائیه برد و اکنون به حکم دادگاه محمد ذوالفقاری در بازداشت بسر می‌برد و مدیرعامل «ارزایران» با وثیقه ۲۵۰۰ میلیارد تومانی آزاد است.»

او همچنین مدعی شده که «ارزایران به دنبال این است که با جوسازی رسانه‌ای خود را تیره کند و برای این اتفاق هم هر از چندگاهی هزینه می‌کند تا بتواند از «آستان قدس» امتیاز بگیرد. از آنجایی که این افراد متهم به اخلاص ارزی هستند، قصد دارند پول را برگردانند تا ماجرا حل و فصل شود. ولی آنها باید این ارز را برای خرید لاستیک منتقل می‌کردند که وظیفه خود را به درستی انجام ندادند. ولی در کل این هم یک پرونده معمولی است که باید مراحل رسیدگی اش طبق روال پیش برود.»

علیرضا پیمان‌پاک درباره علت دیر برگشت خوردن چک‌های مربوط به ذوالفقاری هم گفته که «دو فقره چک وجود داشت که در سال ۹۹ برگشت خورده‌اند. یعنی همان زمانی که فرآیند واردات لاستیک دچار مشکل شد.»

او اما همچنان موضوع تضمین آرمان علمایی درباره محمد ذوالفقاری را که در گزارش روز سه‌شنبه ۱۹ دی «اعتماد» آمده رد و تأکید کرده که «در این ماجرا اصلاً نامی از آرمان علمایی وجود ندارد و اکنون هم او آزاد است و فعالیتش را انجام می‌دهد.»

«تجارت نیوز» اما در توضیحاتی نوشته که ابهامات اساسی در این پرونده به چشم می‌خورد. در وهله اول این پرسش مطرح است که چرا با وجود فعالیت حدود ۱۵۰ شرکت مربوط به واردات لاستیک، این قرارداد با شخصی منعقد شده که اولاً در حوزه تجارت خشکبار فعالیت داشته و در ثانی پیش از همکاری با «آستان قدس» هم در سامانه نیما اقدام به ۸۰۰۰ میلیارد تومان وجه غیرواقعی کرده بود؟! نکته دوم این است که قرارداد مربوطه دارای نقص‌های حقوقی جدی است که از جمله می‌توان به نبود ضامن قانونی اشاره کرد. در بند تضمین یک فقره چک به امضای خود ذینفع یعنی محمد ذوالفقاری وجود دارد که در وجه شرکت مدیریت زنجیره تامین رضوی صادر شده و البته شخصی به نام آرمان علمایی هم پشت آن را امضا کرده است.

این گزارش افزوده اگرچه چکی به نام صرافی «رمزایران» امضا نشده، اما شرکت مدیریت زنجیره تأمین رضوی ابتدا از این صرافی شکایت کرده و جالب آنکه، پس از گذشت چهار سال، تازه دو ماه پیش چک ذوالفقاری را برگشت زده است! علیرضا پیمان‌پاک که هرچند در روند قضایی به عنوان نماینده «آستان قدس رضوی» ظاهراً شاکی پرونده است اما در اصل جزو متهمان این پرونده فساد و احتمالاً همکار شبکه فساد بوده و سعی کرده با بی‌ارتباط دانستن آرمان علمایی با فساد که محمد ذوالفقاری متهم ردیف اول آن است، فرافکنی کند.

این در حالیست که حضور آرمان علمایی در میانه‌ی این معامله نشان از نقش او در این پرونده دارد و از سوی دیگر ابهام پُست گرفتگی او پس از روی کار آمدن دولت رئیسی و نشستن او بر مقام ریاست مرکز تجاری ایرانیان در ارمنستان نیز مطرح است.

اکنون پرسش مهم‌تر اینست که شبکه‌های فساد و مافیایی جمهوری اسلامی تا چه حدی قدرت دارند که آرمان علمایی که در پرونده فساد بانک سرمایه و صندوق ذخیره فرهنگیان از متهمان پرونده بوده و محکوم شده، و همچنین در حکم کارچاقی کن «آستان قدس رضوی» فعالیت می‌کرده، با روی کار آمدن دولت سیزدهم به ریاست سیدابراهیم رئیسی و باندش، توانسته به پست و مقام رسمی نیز برسد؟!

موافقت نمایندگان مجلس با تأسیس سازمان حفاظت و اطلاعات قوه قضاییه



انقلاب اسلامی» است.

«شناسایی نفوذ بیگانگان و رفتار خلاف اخلاق حرفه‌ای در جامعه قضا و کارکنان قوه قضائیه و پیشگیری و مقابله متناسب و حسب مورد با آن»، «همکاری با دیگر نهادهای امنیتی، پلیس بین الملل و دستگاه‌های اجرایی ذریط برای دستگیری مجرمین و متهمان متواری در پرونده‌های قضایی ملی و فراملی» دو مورد دیگر از وظایف مطرح شده برای این سازمان است.

از دیگر وظایف سازمان امنیتی جدید جمهوری اسلامی «شناسایی، کشف، پیشگیری و مقابله متناسب و حسب مورد با هر گونه فشار، تهدید، تطمیع و فریب علیه مقامات و کارکنان قوه قضاییه»، «ایجاد سامانه‌های اطلاعاتی هوشمند برای شناسایی، کشف، پیشگیری و مقابله با انواع فساد احتمالی در قوه قضاییه» و «شناسایی، کشف، پیشگیری و مقابله متناسب برحسب مورد با هر گونه تهدید، تطمیع و فریب علیه مقامات، قضا و کارکنان قوه قضائیه، سازمان‌های تابعه، مراکز وابسته و خانواده‌های آنان» است.

طرح تأسیس سازمان حفاظت و اطلاعات قوه قضاییه اوایل بهار ۱۴۰۱ تدوین شد و ۷۴ نفر از نمایندگان یازدهمین دوره مجلس آن را امضا کردند که برای بررسی به کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس ارجاع شد.

مرکز حفاظت و اطلاعات قوه قضایی در حال حاضر نیز در این نهاد فعال است اما با تبدیل شدن آن به سازمان، به عنوان یک نهاد امنیتی مستقل فعالیت خواهد کرد.

این مرکز هرچند تا کنون اقدامات امنیتی انجام می‌داد اما به عنوان «ضابط» عمل نمی‌کرد اما با تبدیل شدن آن به سازمان، همچون وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات قوه قضاییه به عنوان «ضابط» به تشکیل پرونده، بازداشت، بازجویی و شکایت از فعالان خواهد پرداخت. پیش از این حفاظت اطلاعات قوه قضاییه در صورت تشکیل پرونده برای فعالان سیاسی و مدنی و منتقدان، پرونده را به وزارت اطلاعات ارجاع می‌داد.

یکی از اهداف این طرح «پیچیدگی روزافزون عملیات‌های

یکی از وظایف این سازمان «شناسایی، کشف، پیشگیری و مقابله با توطئه‌ها و فعالیت‌های جاسوسی، خرابکاری در قوه قضائیه با هماهنگی وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی» است.

«شناسایی نفوذ بیگانگان و رفتار خلاف اخلاق حرفه‌ای در جامعه قضا و کارکنان قوه قضائیه و پیشگیری و مقابله متناسب و حسب مورد با آن» از دیگر وظایف این سازمان تازه تأسیس است.

طرح تأسیس این سازمان اوایل بهار ۱۴۰۱ تدوین شد و ۷۴ نفر از نمایندگان یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی آن را امضا کردند که برای بررسی به کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس ارجاع شد.

نمایندگان مجلس شورای اسلامی با تصویب کلیات طرح تأسیس سازمان حفاظت و اطلاعات قوه قضاییه موافقت کردند. یکی از اهداف تشکیل این نهاد امنیتی موازی با وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه (ساز) حفظ نظام و جلوگیری از «براندازی» است.

کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی در جلسه روز یکشنبه ۱۷ دی ۱۴۰۲ گزارش طرح تأسیس سازمان حفاظت و اطلاعات قوه قضاییه را به نمایندگان ارائه داد. تعدادی از نمایندگان موافق و مخالف نظرات خود درباره این طرح را مطرح کردند.

در نهایت نمایندگان با ۱۸۴ رأی موافق، ۲۹ رأی مخالف و ۶ رأی ممتنع از مجموع ۲۲۹ نماینده حاضر در جلسه موافقت کردند.

این طرح به قوه قضاییه اجازه می‌دهد مرکز حفاظت و اطلاعات قوه قضاییه را با هدف انجام مأموریت‌های قانونی به «سازمان حفاظت و اطلاعات قوه قضاییه» تبدیل کند.

در این طرح ۱۱ مورد وظیفه برای سازمان حفاظت و اطلاعات قوه قضاییه در نظر گرفته شده است. از جمله این وظایف «شناسایی، کشف، پیشگیری و مقابله با توطئه‌ها و فعالیت‌های جاسوسی، خرابکاری در قوه قضائیه با هماهنگی وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه پاسداران

سرویس‌های اطلاعاتی بیگانه، تنوع اشکال جرائم نوپدید، حملات گسترده سایبری، جنگ روانی مخالفان و معاندان نظام جمهوری اسلامی علیه نظام قضایی کشور» عنوان شده است.

در اهداف تشکیل این سازمان، یک کارویژه هم پیش‌بینی شده که شاید مهم‌ترین هدف از تشکیل این سازمان همین باشد؛ جلوگیری از «براندازی»: «پیشگیری، کشف، شناسایی و مقابله با توطئه‌ها و فعالیت‌های جاسوسی، خرابکاری، براندازی و ایجاد عوامل ناراضی در بین مردم و اقدامات علیه امنیت ملی در سطح قوه قضاییه و پرونده‌های مورد رسیدگی در آن قوه».

بر اساس جزئیات این طرح «ایجاد سرویس‌های اطلاعاتی هوشمند برای شناسایی»، «پیشگیری و مقابله با انواع فساد در قوه قضائیه اعم از مراجع قضائی و شبه قضائی و سازمان‌های تابعه و مراکز وابسته»، «مقابله با هر گونه فشار، تهدید، تطمیع و فریب علیه مقامات و کارکنان قوه قضائیه به منظور حفظ استقلال قوه قضائیه» از جمله اهداف تبدیل شدن این مرکز امنیتی به «سازمان» است.

با گذشت بیش از یک سال و نیم از به جریان افتادن این طرح در مجلس شورای اسلامی به نظر می‌رسد اعتراضات سراسری جنبش ملی در سال گذشته سبب پیگیری جدی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس برای پیشبرد آن شد.

در مهر ۱۴۰۱ و در اوج اعتراضات جنبش ملی، ابوالفضل عمویی سخنگوی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی از تصویب کلیات طرح در این کمیسیون خبر داد.

همزمان خبرگزاری مهر به بودجه مورد نیاز برای تبدیل شدن مرکز حفاظت اطلاعات قوه قضاییه به «سازمان» و عریض و طویل شدن در پی این تغییر اشاره کرده و نوشته که «نکته‌ای که از همان بدو مطرح شدن این طرح اعلام شد این بود که دستگاه قضا، هزینه‌های این تغییر را بر عهده می‌گیرد. سوال اینجاست که قوه قضائیه که همواره از کمبود بودجه شکایت می‌کند و خواهان افزایش

اسکای نیوز: جمهوری اسلامی در حال تحویل پهپادهای انتحاری جدید و موشک بالستیک به روسیه است



تست پهپادهای «شاهد۱۲۶» سپاه پاسداران

این منبع امنیتی همچنین گفت: «پهپاد جدید شاهد-۱۰۷ از خانواده پهپادهای با دُم V شکل است... طول آن حدود ۵/۲ متر و بال آن حدود سه متر است که می‌تواند از روی وسایل نقلیه نیز پرتاب شود و بُرد آن تا ۱۵۰۰ کیلومتر تخمین زده می‌شود.»

این پهپاد به سیستم انتقال آنلاین ویدئو مجهز است. یعنی بعد از شناسایی موقعیت می‌تواند ویدئوی مربوط به آن را به صورت زنده از طریق یک فرستنده به مرکز منتقل کند و بعد از شناسایی به سمت هدف برود.

این منبع امنیتی مدعی شد که نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی آزمایش روی این پهپاد را با روس‌ها در یک پایگاه هوایی در مرکز ایران انجام دادند.

وزارت دفاع روسیه و وزارت خارجه جمهوری اسلامی به پرسش‌های «اسکای نیوز» در این مورد پاسخ ندادند.

رژیم ایران ارسال تسلیحات به روسیه برای استفاده علیه اوکراین را رد می‌کند.

مایکل کلارک استاد مهمان «کینگزکالج» لندن در این زمینه گفت: «در صورت تأیید این موضوع، هزینه‌های سیاسی برای ایران بسیار زیاد می‌شود زیرا این امر جمهوری اسلامی را پیش از پیش در اردوگاه کسانی قرار می‌دهد که تلاش می‌کنند با خشونت، نظام بین‌المللی کنونی را خدشه‌دار کنند.» منبع آگاه امنیتی تأکید کرد که رژیم ایران به تولید موشک‌های بالستیک نزدیک است و این همکاری با تحویل موشک‌های بالستیک زمین به زمین به روسیه که بسیار کشنده‌تر از پهپادها عمل می‌کنند، قابل‌توجه‌تر می‌شود.

به گفته این فرد مطلع، «بر اساس اطلاعات موثق، به نظر می‌رسد که ایران و روسیه قرارداد تسلیحاتی‌شان را تمدید کرده‌اند و مسکو انتظار دارد به زودی سیستم‌های موشکی دقیق زمین به زمین را دریافت کند. این همکاری ارسال موشک‌هایی با برد بیشتر از ۳۰۰ کیلومتر را شامل می‌شود.» اوایل این ماه نیز به نقل از یک مقام آمریکایی مطرح شده بود که جمهوری اسلامی ایران در حال آماده شدن برای شروع ارائه موشک‌های بالستیک کوتاه‌برد به روسیه است.

● «اسکای نیوز» به نقل از «منابع امنیتی» گزارش داد پهپاد «شاهد-۱۰۷» به عنوان پرتاب شناسایی-انتحاری توصیف شد که احتمالاً مجهز به فناوری برای رهگیری اهداف در میدان نبرد مانند سیستم‌های پرتاب راکت انگلیسی و آمریکایی است که توسط نیروهای اوکراینی استفاده می‌شود.

● یک منبع به «اسکای نیوز» گفت «چند فروند» از این پهپاد ویژه طراحی شده ممکن است در معامله‌ای به ارزش بیش از دو میلیون دلار به روسیه پیشنهاد شده باشد.

● مایکل کلارک استاد مهمان «کینگزکالج» لندن در این زمینه گفت: «در صورت تأیید این موضوع، هزینه‌های سیاسی برای ایران بسیار زیاد می‌شود زیرا این امر جمهوری اسلامی را پیش از پیش در اردوگاه کسانی قرار می‌دهد که تلاش می‌کنند با خشونت، نظام بین‌المللی کنونی را خدشه‌دار کنند.»

یک منبع امنیتی آگاه مدعی شده است که جمهوری اسلامی یک پهپاد تهاجمی جدید برای جنگ روسیه در اوکراین ساخته و به نظر می‌رسد با موشک‌های زمین به زمین در اختیار روسیه قرار داده است.

«اسکای نیوز» روز چهارشنبه ۱۰ ژانویه (۲۰ دی‌ماه) گزارش داد که پهپاد «شاهد-۱۰۷» به عنوان پرتاب شناسایی-انتحاری توصیف شد که احتمالاً مجهز به فناوری برای رهگیری اهداف در میدان نبرد مانند سیستم‌های پرتاب راکت انگلیسی و آمریکایی است که توسط نیروهای اوکراینی استفاده می‌شود.

این منبع به «اسکای نیوز» گفت «چند فروند» از این پهپاد ویژه طراحی شده ممکن است در معامله‌ای به ارزش بیش از دو میلیون دلار به روسیه پیشنهاد شده باشد.

این منبع گفت که این نشان‌دهنده «حاصل طراحی نیروی قابل توجهی است که رژیم ایران برای حمایت از منافع روسیه در مورد اوکراین انجام می‌دهد.»

پیش از این اوکراین و متحدان غربی آن جمهوری اسلامی را متهم کرده بودند که صدها پهپاد انتحاری «شاهد-۱۳۱» و «شاهد-۱۳۶» را به مسکو تحویل داده است.

➔ مبلغ بودجه است، با چه میزان هزینه‌ای، این تغییر را ایجاد می‌کند و آیا در بودجه سال آینده، از دولت برای این مهم، بودجه دریافت می‌کند؟ چرا که در این طرح ذکر شده که امور مالی، معاملاتی و اعتبارات این سازمان از شمول قانون محاسبات عمومی خارج و تابع آئین نامه مالی و معاملاتی مصوب رئیس قوه قضائیه می‌باشد.»

وحید جلال‌زاده رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی در ۵ بهمن‌ماه از پایان رسیدگی به «طرح تاسیس سازمان حفاظت و اطلاعات قوه قضائیه» در این کمیسیون خبر داد و گفت: «طرح تاسیس سازمان حفاظت و اطلاعات قوه قضائیه با توجه به موافقت اعضای کمیسیون برای بررسی و تصویب نهایی به صحن مجلس ارسال شده است.»

نهادهای امنیتی موازی در جمهوری اسلامی طی دو دهه گذشته توسعه یافته و در حال حاضر چند نهاد امنیتی-اطلاعاتی موازی به فعالیت اطلاعاتی و سرکوب منتقدان و مخالفان مشغول هستند.

پس از اعتراضات سال ۸۸ معاونت اطلاعات سپاه پاسداران به «سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (ساس)» تبدیل شد و ریاست آن به حسین طائب سپرده شد. جدا از حسین طائب، تعداد دیگری از امنیتی‌های نزدیک به بیت خامنه‌ای و مجتبی خامنه‌ای که به یاران «گردان حبیب» معروف هستند نیز در این موازی سازی نقش داشتند.

موضوع موازی‌سازی اطلاعاتی-امنیتی در بین علی خامنه‌ای در دوران ریاست جمهوری محمد خاتمی، دخالت در انتخابات نمایشی ریاست جمهوری اسلامی ۱۳۸۴ و ۱۳۸۸ و حتی تلاش او برای ریاست جمهوری ابراهیم رئیسی از جمله موارد مطرح شده درباره مجتبی خامنه‌ای است. اما به نظر می‌رسد نطفه تشکیل شبکه‌های سیاسی-امنیتی-اقتصادی از سوی مجتبی خامنه‌ای زمانی که او در سنین جوانی بود از سال ۱۳۶۵ در گردان حبیب در جبهه‌های جنگ ایران و عراق شکل گرفت.

«گردان حبیب» در زمان جنگ ایران و عراق در شلمچه می‌جنگید و مجتبی خامنه‌ای فرزند علی خامنه‌ای عضو آن بود. بعد از جنگ اعضای این گردان به یکی از حلقه‌های امنیتی-سیاسی حول مجتبی خامنه‌ای تبدیل شدند. برادران طائب، حسین نجات، علیرضا پناهیان، حسن محقق، محمد کوثری، علی فضل‌ی، ابراهیم جباری از جمله اعضای «گردان حبیب» بودند.

«مقابل با جنگ نرم» و «مقابل با فعالیت‌های غیرمجاز سایبری» از اهدافی است که «ساس» پیش می‌برد. یکی از واحدهای زیرمجموعه «ساس» که برخورد با جرایم سایبری را بر عهده دارد «مرکز بررسی جرایم سازمان یافته» است که وبسایت «گرداب» یکی از خروجی‌های آن است.

عریض و طویل شدن سازمان‌های امنیتی تنها به ایجاد سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ختم نشد. پس از اعتراضات آبان ۹۸ و تیر ۱۴۰۰ نیز نیروی انتظامی جمهوری اسلامی به «فرماندهی انتظامی» ارتقا یافت و همزمان «سازمان اطلاعات انتظامی کشور» نیز تشکیل شد. پیشتر نیز مقامات انتظامی گفته بودند که در ساختار جدید، پلیس اطلاعات و امنیت عمومی ناجا به دو مجموعه «سازمان اطلاعات» و «پلیس امنیت عمومی» تبدیل شده است. پلیس امنیت عمومی زیرشاخه‌هایی از جمله «پلیس امنیت اخلاقی» دارد که گشت ارشاد به عنوان مسئول مستقیم قتل مهسا امینی از زیرمجموعه‌های آن است.

در ساختار نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران افزون بر پلیس اطلاعات، واحد دیگری به نام «سازمان حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی» نیز وجود دارد.

انفجارهای کرمان؛ اصرار مقامات جمهوری اسلامی به گرفتن انتقام از اسرائیل



انفجار در کرمان در مراسم سالگرد ترور قاسم سلیمانی / ۱۳ دی ماه ۱۴۰۲

در این زمینه به دست آمده است که به زودی توسط دستگاه‌های مرتبط اطلاع‌رسانی می‌شود. «مب‌گذاری‌های کرمان به مشکلی جدی برای دستگاه‌های امنیتی جمهوری اسلامی تبدیل شده چون در هر صورت علیه آنهاست! به همین دلیل مقامات نظام مجبورند در اظهارات و سخنرانی‌های خود روی اقتدار و سطح آمادگی نیروهای رژیم در مقابله با اسرائیل تأکید کنند. از سوی دیگر، قاسم سلیمانی ۳۰ آبان ۱۳۹۶ در نامه‌ای به علی خامنه‌ای رسماً «پایان داعش» را اعلام کرد. گذشته از ضعف‌ها و حفره‌های امنیتی رژیم که قادر به پنهان کردن آنها نیست، شماری از تحلیلگران می‌گویند بعد از شش سال برای نظام سخت است که از تروریست‌های داعش چنین ضربه‌ای دریافت کرده باشد و به همین دلیل اصرار می‌کند که آن را به اسرائیل نسبت دهد!

در این میان، جمهوری اسلامی برای «انتقام سخت» یا «پاسخ سخت» از سوی هواداران خود زیر فشار قرار گرفته است. روزنامه «کیهان تهران» صحبت از انتقام با «قید فوریت» کرده است.

در یک تناقض آشکار در شرایطی که مقامات ارشد نظام اصرار می‌کنند که اسرائیل را مسئول انفجارهای کرمان معرفی کنند، «شورای عالی امنیت ملی» از «دستگاه‌های ذیربط» خواستار «تسریع در شناسایی و مجازات آمران و عاملان این رخداد» شده است. این یعنی در بالاترین سطوح امنیتی نظام هنوز به این جمع‌بندی نرسیده‌اند که چه کسانی پشت انفجارهای کرمان قرار داشته‌اند.

با اینهمه تجربه ثابت می‌کند ظرفیت جمهوری اسلامی برای «انتقام سخت» از آنچه در شعارها تکرار می‌کند بسیار پایین‌تر است. بدتر آنکه این انتقام نه از «دشمنان» بلکه از مردم گرفته می‌شود. شلیک به هوایم‌های «اوکراین اینترنشنال» بر فراز تهران در ۱۸ دی‌ماه سال ۱۳۹۸ جنایتی است که با ادعای «انتقام سخت» روی داد و در آن همه سرنشینان آن کشته شدند.

مجتبی ذوالنوری نایب رئیس مجلس شورای اسلامی هم می‌گوید: «با توجه به جنس کار که اقدام غیرانتحاری بوده، به نظر می‌آید از اقدامات اسرائیل است. با انتقامی که ارزش عملیاتی جهانی خواهد داشت، اسرائیل را تنبیه خواهیم کرد.»

عباس کعبی عضو هیات رئیسه مجلس خبرگان رهبری نیز با اعتراف به نقش رژیم در مسلح کردن گروه‌های نیابتی، اسرائیل را «مسئول اصلی» انفجارهای کرمان معرفی کرد و گفت: «اسرائیل توفان الاقصی را مجاهدت سلیمانی می‌داند که چگونه او این جریان‌های اسلامی را تجهیز کرد و هم‌اکنون این رژیم در حال زوال و پایان است.»

محمدجواد ظریف وزیر خارجه پیشین جمهوری اسلامی نیز در تویییت با اشاره به انفجارهای کرمان نوشت: «جهان باید برای توقف اربابان ترور و جنگ‌افروزان اسرائیلی متحد شود: جنایتکاران بین‌المللی را به دست عدالت بسپارید.» ظریف همچنین در یک متن که در صفحه اینستاگرامش منتشر شده نوشته است: «ضروری است منطقه و جهان نه تنها این اقدام ددمنشانه تروریستی را محکوم کرده و برای مجازات آمران و مباحران آن به صورت یکپارچه همکاری کنند، بلکه هم‌زمان لازم است برای برخورد و ریشه‌کنی این بلاي خانمانسوز جهانی، اقدام عملی برای توقف فوری تروریسم دولتی، آپارتاید و جنایات جنگی اسرائیل به ویژه در غزه را سامان دهند.»

این در حالیست که علاوه بر بیانیه‌ی داعش که مسئولیت عملیات کرمان را به عنوان دو انفجار انتحاری بر عهده گرفته، روزنامه «والاستریت ژورنال» نیز گزارش داد که اسرائیل به متحدان خود اطلاع داده که در انفجارهای ایران دخالتی نداشته است.

سردار پاسدار احمد وحیدی وزیر کشور روز جمعه ۱۵ دی به خبرنگاران گفت، تعدادی از افراد مرتبط با انفجارهای کرمان شناسایی و دستگیر شده‌اند. وی عنوان کرد: «با توانمندی‌های امنیتی سرنخ‌های خوبی

● حسین سلامی فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در یک سخنرانی طولانی در کرمان با بیان اینکه «داعش عامل آمریکا و صهیونیسم است» گفت: «مقامات صهیونیستی هیچ راهی برای فرار از این باتلاق ویرانگر ندارند... آنها بر سر دوراهی گرفتارند؛ بمانند یا بروند شکست خورده هستند.»

● شماری از هواداران نظام حین سخنرانی سلامی، شعار «مرگ بر اسرائیل» و «انتقام، انتقام» سردادند که وی در پاسخ به آنها گفت: «چشم! انتقام همه شهیدان مان گرفته خواهد شد.»

● ابراهیم رئیسی نیز با اعتراف به نقش ستیزه‌جویانه‌ی سپاه، طی سخنانی در مصالای کرمان گفت: «حاج قاسم جریان مقاومت را در منطقه برنامه‌ریزی کرد به نحوی که عرصه بر رژیم صهیونیستی تنگ آمد و اسرائیل را مستأصل کرد... لذا آمریکا و اسرائیل از زائران او کینه به دل دارند.» ● مجتبی ذوالنوری نایب رئیس مجلس شورای اسلامی، می‌گوید: «با توجه به جنس کار که اقدام غیرانتحاری بوده، به نظر می‌آید از اقدامات اسرائیل است. با انتقامی که ارزش عملیاتی جهانی خواهد داشت، اسرائیل را تنبیه خواهیم کرد.»

● سردار پاسدار احمد وحیدی وزیر کشور روز جمعه به خبرنگاران گفت، تعدادی از افراد مرتبط با انفجارهای کرمان شناسایی و دستگیر شده‌اند.

● تجربه ثابت می‌کند ظرفیت جمهوری اسلامی برای «انتقام سخت» از آنچه در شعارها تکرار می‌کند بسیار پایین‌تر است. بدتر آنکه این انتقام نه از «دشمنان» بلکه از مردم گرفته می‌شود. شلیک به هوایم‌های «اوکراین اینترنشنال» بر فراز تهران در ۱۸ دی‌ماه سال ۱۳۹۸ جنایتی است که با ادعای «انتقام سخت» روی داد و در آن همه سرنشینان آن کشته شدند.

گروه تروریستی داعش پنجشنبه ۱۴ دی‌ماه یک روز پس از انفجارهای کرمان در بیانیه‌ای مسئولیت این انفجارها را بر عهده گرفت اما مقامات جمهوری اسلامی قویاً اصرار دارند اسرائیل «مسئول اصلی» آن است.

حسین سلامی فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ۱۵ دی‌ماه در یک سخنرانی طولانی در کرمان با بیان اینکه «داعش عامل آمریکا و صهیونیسم است» گفت: «مقامات صهیونیستی هیچ راهی برای فرار از این باتلاق ویرانگر ندارند... آنها بر سر دو راهی گرفتارند؛ بمانند یا بروند شکست خورده هستند.»

شماری از هواداران نظام حین سخنرانی حسین سلامی، شعار «مرگ بر اسرائیل» و «انتقام، انتقام» سردادند که وی در پاسخ به آنها گفت: «چشم! انتقام همه شهیدان مان گرفته خواهد شد.»

ابراهیم رئیسی نیز با اعتراف به نقش ستیزه‌جویانه‌ی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و سپاه قدس، طی سخنانی در مصالای کرمان گفت: «حاج قاسم جریان مقاومت را در منطقه برنامه‌ریزی کرد به نحوی که عرصه بر رژیم صهیونیستی تنگ آمد و اسرائیل را مستأصل کرد... لذا آمریکا و اسرائیل از زائران او کینه به دل دارند.»

وی تأکید کرد، «ابتکار عمل انتقام در دست نیروهای مسلح ماست و زمان و مکان را تعیین خواهند کرد.» وی همچنین مدعی شد «پایان اسرائیل نزدیک است.»

انفجارهای کرمان؛ «هرکسی بگوید کار خود نظام است از شیطان پیروی کرده!»



تشییع جنازه کشته‌شدگان انفجارهای کرمان / ۱۴ دی‌ماه ۱۴۰۲

که تعریف شده بود، صورت گرفته است.» در این میان، سخنان حسن خمینی نوه روح‌الله خمینی هم حدس و گمان درباره اینکه این انفجارها کار خود نظام و یا با اطلاع آن بوده، بیش از پیش تشدید کرده است چرا که وی آن را به سود رژیم ارزیابی کرده است. او در سخنانی به همین مناسبت گفت که این تحلیل اشتباه است که این باعث ناامنی می‌شود بلکه باعث امنیت بیشتر می‌شود! وی افزود: «اینجور کارها باعث انسجام جامعه می‌شود و این خون شمه‌اش ریشه امنیت را بیشتر می‌کند! او نتیجه گرفت: «هرگاه دلمان می‌خواهد امنیت در کشور بیشتر شود، باید تلاش کنیم انسجام ملی بیشتر شود!»

این انفجارها در شرایطی رخ داد که از ماه‌ها پیش در چند نوبت ادعا شد که در مناطق مرزی گروه‌های مخالف جمهوری اسلامی و «معاندین» تلاش کرده‌اند برای انجام عملیات تروریستی اسلحه و مواد منفجره وارد ایران کنند. حتی گزارش شد که شماری از آنها که با موساد همکاری داشته و اعدام شده‌اند. مقامات نظام این اعدام‌ها را حاصل «اقتدار دستگاه‌های امنیتی» قلمداد می‌کنند!

در همین ارتباط، وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی با انتشار اطلاعیه‌ای اعلام کرده که ۱۱ نفر از عوامل انفجارهای کرمان در شش استان بازداشت شده‌اند.

اینهمه در حالیست که تأمین امنیت اجتماعات بر عهده یگان‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیروی انتظامی است. بطور معمول ۴۸ ساعت پیش از برگزاری تجمعاتی شبیه به «۲۲ بهمن» یا مراسم سالگرد کشته شدن سلیمانی یگان‌های تأمین مأموریت خود را بر اساس پروتکل‌های از پیش تعیین شده برای حفاظت از محدوده تجمع آغاز می‌کنند. طراحی عملیاتی شبیه به آنچه ۱۳ دی‌ماه در کرمان اجرا شد، بدون دخالت عوامل نفوذی از درون نظام تقریباً غیرممکن است. همین مسئله است که افکار عمومی را به آنجا رسانده که انگشت اتهام را به سوی خود نظام نشانده می‌گیرد.

است، خدای نکرده چنین کاری کند؟... آن انسان بدبخت در توییتر خود اینگونه می‌نویسد که این افراد برای کیک و ساندیس به مراسم سالگرد حاج قاسم عزیز رفته بودند!»



گذشته از کشتار مردم در کوچه و خیابان، این ادعاها در حالیست که پیش از این جمهوری اسلامی در اماکن مذهبی نیز بمب‌گذاری کرده تا آن بهره‌برداری سیاسی و امنیتی کند! احمد خاتمی امام جمعه تهران نیز ۱۵ دی‌ماه در خطبه‌های نماز به دفاع از نظام و نیروهای امنیتی پرداخت و گفت: «برخی این حادثه را دستمایه تخریب مسئولان امنیتی ساختند. در طول ماه‌های گذشته به کرات نهادهای امنیتی و انتظامی توطئه‌های زیادی را خنثی کردند و برخی بجای تشکر از عزیزان جان بر کف اینها را تخریب می‌کنند؛ همه نظام در پی آنند که این جلادان را دستگیر کرده و به سزای عمل ننگین‌شان برسانند.»

برخی از عوامل حکومت هم برای لاپوشانی ضعف و قصور عوامل امنیتی تلاش می‌کنند. یکی از آنها موسی غضنفرآبادی رئیس کمیسیون قضایی مجلس شورای اسلامی است که گفته بود، «انفجار کرمان خارج از محدوده امنیتی

● غلامرضا نوری قزلبچه نمایندگان مجلس شورای اسلامی به وبسایت «دیده‌بان ایران» می‌گوید «نوع عملیات و زمان و مکان این اجتماع از پیش تعیین شده و محل‌ها برای نیروهای امنیتی مشخص بود، بنابراین باید تهیدات امنیتی لازم با دقت انجام می‌گرفت. قابل قبول نیست به سادگی از کنار این حوادث بگذریم و مسئولین امر را متوجه مسئولیت، قصور و کوتاهی‌هایشان نکنیم.»

● مرتضی مطیعی نماینده خامنه‌ای در سمنان با استناد به آیات قرآن گفته «آنهايي که در ماجرای اخیر کرمان به جمهوری اسلامی تهمت زدند که این کار، کار نظام بوده است از شیطان پیروی می‌کنند... کدام انسان عاقلی می‌پذیرد نظام خدای نکرده چنین کاری کند؟»

● احمد خاتمی امام جمعه تهران در دفاع از نظام و نیروهای امنیتی می‌گوید «برخی این حادثه را دستمایه تخریب مسئولان امنیتی ساختند... برخی بجای تشکر از عزیزان جان برکف اینها را تخریب می‌کنند.»

پس از انفجارهای مرگبار کرمان با حدود ۴۰۰ کشته و زخمی اگرچه شمار زیادی از مقامات ارشد جمهوری اسلامی قویاً اسرائیل را «عامل اصلی» آن می‌دانند و نمی‌پذیرند که «داعش» مسئول آن بوده اما همزمان با یک معضل جدی روبرو هستند؛ بسیاری از ایرانی‌ها می‌گویند این جنایت کار خود نظام است. حتی برخی از خودی‌ها و طرفداران نظام دست روی «قصور» دستگاه‌های امنیتی و وزارت کشور گذاشته‌اند.

به نظر می‌رسد این موارد همگی به گوش بالاترین رده‌های حکومت نیز رسیده است. برخی تحلیلگران حوزه امنیتی می‌گویند بر اساس جدول اولویت‌بندی روش‌های مختلف در عملیات روانی برای مهار اعتراضات اجتماعی توسط حکومت، «ایجاد سیر بلا» (قربانی کردن بعضی عوامل خودی) و «ایجاد کانون‌های خبری جدید» از ترفندهای آن است. بسیاری از مردم در شبکه‌های اجتماعی حتی کاربرانی داخل ایران با صراحت مطرح می‌کنند که نظام برای اهدافش هواداران خود را قربانی کرده است.

غلامرضا نوری قزلبچه از نمایندگان مجلس شورای اسلامی به وبسایت «دیده‌بان ایران» گفته «نوع عملیات و زمان و مکان این اجتماع از پیش تعیین شده و محل‌ها برای نیروهای امنیتی مشخص بود، بنابراین این موضوعات باید پیش‌بینی می‌شد و تهیدات امنیتی لازم با دقت انجام می‌گرفت. قابل قبول نیست که از کنار چنین حوادثی به سادگی بگذریم و مسئولین امر را متوجه مسئولیت، قصور و کوتاهی‌هایشان نکنیم. معتقدم این موضوع باید در مجلس بررسی شود و مسئولان ذریبط و وزیر کشور بایستی در مجلس توضیح دهند تا ابعاد قضیه روشن شود.»

این وضعیت نظام را وادار به دفاع از خود کرده است. مسئولیتی که به نظر می‌رسد گام نخست آن به نمایندگان استانی علی‌خامنه‌ای و ائمه جمعه سپرده شده است.

مرتضی مطیعی نماینده خامنه‌ای در سمنان روز شنبه ۱۶ آذرماه در یک سخنرانی با استناد به آیات قرآن گفته «آنهايي که در ماجرای اخیر کرمان به جمهوری اسلامی تهمت زدند که این کار، کار نظام بوده است از شیطان پیروی می‌کنند» و «شیطان بر آنها نازل شده است!» وی با اشاره به آنچه «سقوط اخلاقی افراد» خوانده در ادامه پرسیده «کدام انسان عاقلی می‌پذیرد نظامی که تمام قوای خود را با تمام وجود برای پذیرایی از میهمانان حاج قاسم سلیمانی مهیا کرده

صدای انفجار مهیب اطراف دریاچه بختگان؛ مسئولان استان فارس: سقوط هواپیما نبود شاید انفجار معدن باشد!

● غلامرضا غلامی سرپرست اداره کل مدیریت بحران استانداری فارس درباره این انفجار گفت، که ممکن است این صدا از «انفجار معدن» این منطقه باشد اما علت اصلی آن در دست بررسی است.

● وی توضیح داد، «طبق پیگیری از فرودگاه شیراز، علت انفجار مشخص نیست، اما هواپیمای مسافربری و یا بالگرد سقوط نکرده است... برای بررسی بیشتر باید از پدافند غیرعامل پیگیری شود که اخبار تکمیلی متعاقبا اعلام می‌شود».

در شیراز حوالی دریاچه بختگان روز شنبه ۱۶ دی ماه صدای یک انفجار مهیب شنیده شد که اهالی آن مناطق را به وحشت انداخت.

در شبکه‌های اجتماعی شایعه شد که یک هواپیما یا هلی‌کوپتر سقوط کرده یا دچار انفجار شده است. پس از چند ساعت تاخیر، مقامات استانی اعلام کردند که سقوط هواپیما یا هلی‌کوپتر شایعه است اما صدای انفجار را رد نکردند. غلامرضا غلامی سرپرست اداره کل مدیریت بحران استانداری فارس درباره این انفجار گفت که ممکن است این صدا از «انفجار معدن» این منطقه باشد اما علت اصلی آن در دست بررسی است.

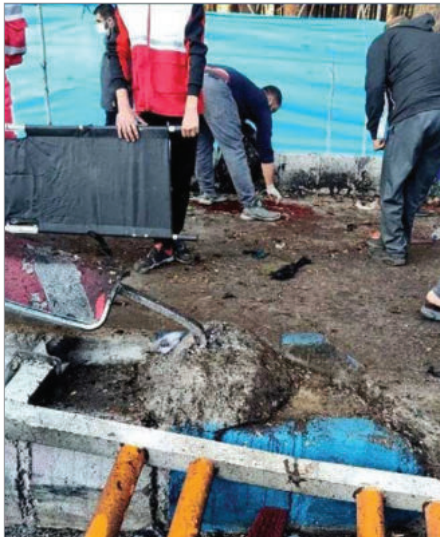
وی توضیح داد، «طبق پیگیری از فرودگاه شیراز، علت انفجار مشخص نیست، اما هواپیمای مسافربری و یا بالگرد سقوط نکرده است... برای بررسی بیشتر باید از پدافند غیرعامل پیگیری شود که اخبار تکمیلی متعاقبا اعلام می‌شود».

سقوط هلی‌کوپتر در دریاچه بختگان یا حوالی آن دارای پیشینه است. همچنین در آن مناطق نیروهای مسلح رزمایش دوره‌ای برگزار می‌کنند و تعدادی زاغه مهمات در آن منطقه وجود دارد.

با اینهمه وضعیت غیرعادی در ایران بر نگرانی‌های عمومی افزوده است. چهار روز پس از انفجارهای مرگبار در کرمان نگرانی‌ها از شنیده شدن صدای یک انفجار مهیب با منشاء نامشخص را در میان مردم تشدید می‌کند. به ویژه آنکه در موارد مشابه سابقه داشته که مردم یک منطقه صدای انفجار مهیب را با گوش خودشان شنیده‌اند اما مقامات استانی آن را تکذیب کرده‌اند!

در بعضی موارد نیز مقامات امنیتی نظام حرف‌هایی می‌زنند که مهر تأییدی بر بلاهت خودشان است. به عنوان مثال سردار پاسدار احمد وحیدی وزیر کشور ساعاتی پس از انفجارهای مرگبار کرمان با حدود ۴۰۰ کشته و زخمی به خبرنگاران گفته بود «شرایط در شهر کرمان عادی است و مردم به شایعات توجه نکنند!» همین بی‌اعتنایی‌ها و اظهارات غیرمسئولانه و دروغ سبب شده که بی‌اعتمادی مردم به نظام بیش از پیش تشدید شود.

یک چهارم کشته‌شدگان انفجارهای کرمان دانش‌آموز بودند؛ سوء استفاده‌ی مداوم حکومت از کودکان



جنبه‌های مختلفی داشته است. رضا مراد صحرایی وزیر آموزش و پرورش جمهوری اسلامی آذرماه امسال در سخنانی گفت از نظر علی خامنه‌ای بسیج زمانی موفق است که «در یک دست دانش‌آموزان بسیجی قرآن و در دست دیگر سلاح باشد».

وزیر آموزش و پرورش جمهوری اسلامی که در «همایش بسیج دانش‌آموزی» سخنرانی می‌کرد افزوده که «بسیج عرصه عمومی بوده و مختص به عرصه و قشر خاصی است. همه اهداف انقلابی در بسیج جمع و در همه ساحت‌ها فعال است».

او در ادامه گفته «رذل‌ترین سربازان جهان و بی‌رحم‌ترین نظامیان اسرائیلی که زمانی کل کشورهای عربی را شکست دادند، امروز در برابر تفکر بسیجی مستأصل شده است.» رضا مراد صحرایی که سابقه ریاست حراست دانشگاه «علامه» را در کارنامه دارد، از سال گذشته که به عنوان وزیر آموزش و پرورش فعالیت خود را آغاز کرده، اقدامات ایدئولوژیک در این وزارتخانه را در دستور کار قرار داده است.

جمهوری اسلامی علاوه بر فرستادن کودکان به جبهه‌های جنگ هشت ساله با عراق یا کلیدهای پلاستیکی بهشت بر گردن، در سال‌های گذشته سابقه استفاده از کودک‌سربازان در اعتراضات سراسری برای سرکوب شهروندان و همچنین در جنگ سوریه را نیز دارد و اکنون به نظر می‌رسد وزیر آموزش و پرورش برای بهره‌کشی بیشتر از کودکان در حوزه نظامی‌گری برنامه‌های جدید دارد.

دانش‌آموزان در چهار دهه گذشته پیوسته به اشکال مختلف به عضویت بسیج نیروی شبه‌نظامی وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که خود یک نهاد نظامی ایدئولوژیک نامتعارف و موازی ارتش در جمهوری اسلامی است در آمده‌اند و از آنها برای سرکوب مردم استفاده شده است. همچنین گزارش‌ها نشان می‌دهد در سال‌های گذشته بخشی از کودکان و نوجوانان توسط جمهوری اسلامی در قالب نیروی سرکوب خیابانی به کار گرفته شدند تا با باتوم و اسلحه سرد به معترضان حمله کنند؛ اقدامی که قطعاً مقدمه تبدیل شدن این کودکان به «شخصیت غیراجتماعی» است.

● سهم یک چهارم دانش‌آموزان در آمار کشته‌شدگان این عملیات نشان می‌دهد که بار دیگر جمهوری اسلامی با سوء استفاده از کودکان در برنامه‌های حکومتی و ایدئولوژیک، آنها را قربانی کرده است.

● از ابتدای پیروزی انقلاب ۵۷ تا کنون بردن اجباری دانش‌آموزان به انواع مراسم حکومتی و راهپیمایی‌های ایدئولوژیک از جمله در «روز قدس» و «۲۲ بهمن» مرسوم بوده است.

● وزیر آموزش و پرورش جمهوری اسلامی آذرماه امسال در سخنانی گفت از نظر علی خامنه‌ای بسیج زمانی موفق است که «در یک دست دانش‌آموزان بسیجی قرآن و در دست دیگر سلاح باشد».

در عملیات تروریستی هفته گذشته در کرمان و در سالگرد مرگ قاسم سلیمانی، دست‌کم ۲۳ دانش‌آموز جان باخته و ده‌ها دانش‌آموز زخمی شدند. این تعداد قربانی در میان دانش‌آموزان، آنهم در ساعاتی که مدارس دایر بوده، نشان از یک جنایت دیگر جمهوری اسلامی در حق کودکان ایرانی در پی سوء استفاده‌های ایدئولوژیک از آنهاست.

بر اساس آمارهای اعلام شده از سوی آموزش و پرورش یک چهارم کشته‌شدگان انفجارهای هفته گذشته کرمان دانش‌آموزان هستند. دانش‌آموزانی که با توجه به روز و ساعت انفجارها، از سوی مدارس به مراسم حکومتی سالگرد مرگ قاسم سلیمانی برده شده‌اند تا به عنوان سیاهی لشکر از آنها سوء استفاده شود!

زهرآ مظهر مشاور امور «شاهد و اینترگران» وزیر آموزش و پرورش صبح شنبه ۱۶ دی ۱۴۰۲ اعلام کرد که تعداد دانش‌آموزان کشته‌شده در انفجار تروریستی کرمان به ۲۳ تن افزایش یافته و بیش از ۲۰ دانش‌آموز نیز در بیمارستان‌ها بستری هستند.

این مقام آموزش و پرورش از شمار دانش‌آموزانی که مجروح شده اما اکنون در بیمارستان بستری نیستند و مرخص شده‌اند آماري ارائه نداده است.

دو انفجار انتحاری در چهارمین سالگرد مرگ قاسم سلیمانی در ۱۳ دی ۱۴۰۲ سبب کشته شدن بیش از ۱۰۰ تن و زخمی شدن دست‌کم ۲۸۴ تن از شهروندان شد. در میان کشته‌شدگان و زخمی‌ها هیچیک از اعضای خانواده قاسم سلیمانی یا مقامات مسئول استانی یا کشوری دیده نمی‌شوند!

جدا از آنکه این انفجارها از سوی جمهوری اسلامی، بخشی از حکومت یا آنتور که گروه تروریستی داعش اعلام کرده از سوی این گروه صورت گرفته باشد، سهم یک چهارم دانش‌آموزان در آمار کشته‌شدگان این عملیات نشان می‌دهد که بار دیگر جمهوری اسلامی با سوء استفاده از کودکان در برنامه‌های حکومتی و ایدئولوژیک، آنها را قربانی کرده است.

از ابتدای پیروزی انقلاب ۵۷ تا کنون بردن اجباری دانش‌آموزان به انواع مراسم حکومتی و راهپیمایی‌های ایدئولوژیک از جمله در «روز قدس» و «۲۲ بهمن» مرسوم بوده است. این کودکان همواره حکم سیاهی لشکر برای افزایش جمعیت در مراسم مختلف را داشتند تا حکومتی نامشروع، در تبلیغات رسانه‌ای به نمایش مشروعیت بپردازد! سوء استفاده از کودکان برای بهره‌برداری ایدئولوژیک

رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح کرمان: «پیش از انفجارها از تهدیدات خبر داشتیم»؛ پس چرا مراسم مرگبار قاسم سلیمانی لغو نشد؟!



انفجارهای کرمان / ۱۳ دی ماه ۱۴۰۲

دادستان کرمان در ادامه مدعی شد: «یکی از دو عامل انتحاری تابعیت تاجیکستانی داشته است... دو عامل انتحاری نیز قبل از مراسم تشییع شناسایی و دستگیر شدند؛ تا کنون ۳۲ نفر در این پرونده از افرادی که پشتیبانی می‌کردند، دستگیر شدند و در حال بازجویی و مراحل مقدماتی بازجویی هستند.»

وی همه اینها را توضیح داد تا در نهایت ناتوانی و ضعف دستگاه‌های امنیتی و اطلاعاتی حکومت را لاپوشانی کند. بخشی مدعی شد، «همه به اتفاق اعلام کردند که در این حادثه هیچ قصوری از نیروهای امنیتی و نظامی نبوده است.» اینکه چرا با وجود این حجم تهدید و با وجود ضعف و ناتوانی در برقراری امنیت نظام هواداران خود را به قربانگاه اعزام کرد شاید در آنچه حسن خمینی نوه بنیانگذار انقلاب اسلامی در یک سخنرانی گفت روشن شود. وی گفته است: «اینجور کارها باعث انسجام جامعه می‌شود و این خون ثمره‌اش ریشه امنیت را بیشتر می‌کند!»

اگرچه رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح در کرمان ادعا کرده نیروهای نظامی و امنیتی هیچ قصوری نداشتند اما پیش از این غلامرضا نوری قزلقه نمایندگان مجلس شورای اسلامی به وسایط «دیده‌بان ایران» می‌گوید «نوع عملیات و زمان و مکان این اجتماع از پیش تعیین شده و محل‌ها برای نیروهای امنیتی مشخص بود، بنابراین باید تمهیدات امنیتی لازم با دقت انجام می‌گرفت. قابل قبول نیست به سادگی از کنار این حوادث بگذریم و مسئولین امر را متوجه مسئولیت، قصور و کوتاهی‌هایشان نکنیم.»

مقامات جمهوری اسلامی برای حفظ یک دروغ مجبور می‌شوند ده‌ها دروغ دیگر بگویند و همین تناقضات در گفتار و همچنین تفاوت‌های فاحش بین ادعاها و واقعیت سبب تشدید بی‌اعتمادی افکار عمومی شده و این گمان را که چنین جنایت‌هایی توسط خود رژیم و یا با اطلاع از آن برای بهره‌برداری‌های سیاسی انجام می‌شود به شدت تقویت می‌کند.

تهدیدات امنیتی لغو نشده است! علی توکلی رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح کرمان یکشنبه ۱۷ دی‌ماه در اظهاراتی درباره انفجارهای مرگبار که حدود ۴۰۰ کشته و زخمی برجای گذاشت ادعا کرد، «خبرهایی از تهدیدات دشمن داشتیم و قبلاً ۱۶ مپ آماده انفجار در کرمان کشف شد... قرار بود ۶۴ مپ نیز در سراسر کشور در مراسم سلیمانی منفجر شود که کشف شد و عوامل آن بازداشت شدند.»

رسانه‌های داخلی ایران روز یکشنبه ۱۷ دی‌ماه به نقل از مهدی بخشی دادستان کرمان نیز خبر دادند، «دو عامل انتحاری به دنبال انجام عملیات در مراسم تشییع جنازه کشته‌شدگان انفجارهای کرمان بودند که قبل از برگزاری مراسم دستگیر شدند.»

این مراسم قرار بود ۱۵ دی‌ماه دو روز بعد از انفجارها برگزار شود اما بنا به دستور شورای تأمین لغو شد. در همین ارتباط، دادستان کرمان ۱۶ دی‌ماه گفت، «به همت نیروهای امنیتی و اطلاعاتی ظرف ۲۴ ساعت تمام عوامل دخیل در این انفجار دستگیر شدند... عصر حادثه محل ساخت جلیقه‌های انفجاری در حاشیه شهر کشف شد که قرار بود در مراسم تشییع جنازه کشته‌ها در صبح روز بعد استفاده شود.» دادستان کرمان توضیح داد، «در دو ماه گذشته تعداد زیادی از عوامل انتحاری و عناصر داعشی در کرمان توسط وزارت اطلاعات و اطلاعات سپاه شناسایی و دستگیر شدند» که تعداد آنها ۲۳ نفر است.

مهدی بخشی با اعلام این آمار عنوان کرد، «یکی از شواهدی که نشان می‌دهد عامل انتحاری انفجار نتوانسته است وارد جمعیت اصلی شود شهادت و مصدوم شدن تعداد زیادی از نیروهای نظامی و انتظامی مستقر در محل بوده است.» این ادعا در شرایطی است که فقط چهار نفر از کشته‌شدگان مأمور انتظامی بودند. مشخص نیست اگر ۲۳ داعشی و عامل انتحاری پیش از انفجارها بازداشت شده بودند پس چرا جلوی انفجارها گرفته نشده است؟!

● علی توکلی رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح کرمان در اظهاراتی درباره انفجارهای کرمان مدعی شد، «خبرهایی از تهدیدات دشمن داشتیم و قبلاً ۱۶ مپ آماده انفجار در کرمان کشف شد... قرار بود ۶۴ مپ نیز در سراسر کشور در مراسم سلیمانی منفجر شود که کشف شد و عوامل آن بازداشت شدند.»

● اگر این ادعاها درست باشد مشخص نیست به چه علت مراسم سالگرد قاسم سلیمانی با وجود این حجم از تهدیدات امنیتی لغو نشده است؟!

● مهدی بخشی دادستان کرمان می‌گوید: «به همت نیروهای امنیتی و اطلاعاتی ظرف ۲۴ ساعت تمام عوامل دخیل در این انفجار دستگیر شدند... عصر حادثه محل ساخت جلیقه‌های انفجاری در حاشیه شهر کشف شد که قرار بود در مراسم تشییع جنازه کشته‌ها در صبح روز بعد استفاده شود.»

● در اظهاراتی متناقض دادستان کرمان گفته «پیش از وقوع انفجارها ۲۳ داعشی و عامل انتحاری را بازداشت کرده بودیم.» وی همچنین مدعی شد، «همه به اتفاق اعلام کردند که در این حادثه هیچ قصوری از نیروهای امنیتی و نظامی نبوده است.»

● مقامات جمهوری اسلامی برای حفظ یک دروغ مجبور می‌شوند ده‌ها دروغ دیگر بگویند و همین تناقضات در گفتار و همچنین تفاوت‌های فاحش بین ادعاها و واقعیت سبب تشدید بی‌اعتمادی افکار عمومی شده و این گمان را که چنین جنایت‌هایی توسط خود رژیم و یا با اطلاع از آن برای بهره‌برداری‌های سیاسی انجام می‌شود به شدت تقویت می‌کند.

آنطور که مقامات قضایی و امنیتی نظام در استان کرمان ادعا می‌کنند قبل از وقوع انفجارهای مرگبار اخیر هم از تهدیدات خبر داشته‌اند و هم ده‌ها مپ از گوشه و کنار ایران کشف کرده‌اند. اگر این ادعاها درست باشد مشخص نیست به چه علت مراسم سالگرد قاسم سلیمانی با وجود

روند رشد جمعیت کندتر شد ایدئولوژیک کردن فرزندآوری نتیجه معکوس داد



● در سال ۱۴۰۱ یک میلیون و ۷۵ هزار و ۳۳۱ رویداد ولادت در کشور به ثبت رسیده که به نسبت سال ۱۴۰۰ این آمار ۳/۷ درصد کاهش داشته است.

● جدا از کند شدن رشد جمعیت، یکی از تهدیدهایی که در رابطه با آینده منابع انسانی در ایران وجود دارد، موج گسترده مهاجرت از کشور است.

● از آنجا که «رشد جمعیت» در ایران با «تبلیغات ایدئولوژیک حکومت» پیوند خورده حتی خانوارهایی که مشکلات اقتصادی ندارند، علاقه‌ای به فرزندآوری نشان نمی‌دهند.

مرکز رصد جمعیت کشور از کاهش رشد جمعیت خبر داده است. کارشناسان معتقدند با توجه به روند مهاجرت و در واقع فرار از ایران، هزینه زیادی لازم است تا تعداد کسانی را که از کشور می‌روند با تولدهای جدید جبران کرد.

گزارش‌های مرکز رصد جمعیت کشور اعلام کرده که آمار ثبتی رویدادهای حیاتی از ابتدای سال تا اول مردادماه نشان می‌دهد که کل ولادت کشور در این بازه زمانی ۳۳۸ هزار و ۶۸۴ نفر بوده که از این میزان، ۱۷۵ هزار و ۷۴۰ ولادت مربوط به پسران و ۱۶۲ هزار و ۹۴۴ ولادت دیگر مربوط به دختران است.

جزئیات داده‌های مرکز رصد جمعیت کشور نشان می‌دهد در سال ۱۴۰۱ یک میلیون و ۷۵ هزار و ۳۳۱ رویداد ولادت در کشور به ثبت رسیده که به نسبت سال ۱۴۰۰ این آمار ۳/۷ درصد کاهش داشته بطوری که آمار ولادت در سال ۱۴۰۰ یک میلیون و ۱۱۶ هزار و ۲۱۲ نفر بوده است. همچنین در ۴ ماهه اول سال ۱۴۰۲ تعداد ۳۳۸ هزار و ۶۸۴ تولد در کشور به ثبت رسیده که این میزان به نسبت مدت مشابه سال گذشته که ۳۴۲ هزار و ۸۳ مورد بوده، یک درصد کاهش را نشان می‌دهد.

در سال ۱۴۰۱ میانگین سن مادران در اولین فرزندآوری ۲۷/۳ سال بوده است. مقدار این شاخص در مناطق شهری ۲۸/۱ سال و در نقاط روستایی ۲۴/۴ سال بوده است. در این سال میانگین سن پدر در اولین فرزندآوری برابر با ۳۲ سال بوده است. میانگین سن پدر برای مناطق شهری برابر با ۳۲/۶ سال و برای نقاط روستایی برابر با ۲۹/۸ سال است. جمهوری اسلامی سال‌هاست با اصرار علی‌خامنه‌ای برنامه‌ها و تبلیغاتی برای افزایش جمعیت را اجرا کرده اما مطلقاً مورد استقبال قرار نگرفته و رشد جمعیت روند منفی خود را ادامه داده است.

علی‌خامنه‌ای از مرداد سال ۱۳۹۰ بطور مکرر خواهان افزایش جمعیت ایران به دست کم ۱۵۰ میلیون نفر شده است. او در همین سال طی سخنانی گفت: «معتقدم کشور ما با امکاناتی که داریم، می‌تواند ۱۵۰ میلیون نفر جمعیت داشته باشد و هر اقدام و تدبیری که می‌خواهد برای متوقف کردن رشد جمعیت انجام بگیرد، بعد از ۱۵۰ میلیون نفری شدن کشور انجام بگیرد.»

علی‌خامنه‌ای سپس در مهرماه سال ۱۳۹۱ نیز سیاست دهه هفتاد برای کنترل جمعیت را خطا خواند و افزود: «یکی از خطاهایی که خود ما کردیم این بوده که تحدید نسل از اواسط دهه ۷۰ به این طرف باید متوقف می‌شد.

مسئولان در این باره اشتباه کردند و خودم هم سهیم هستم.»

کارشناسان نسبت به کمبود نیروی انسانی بهره‌ور و پیر شدن جمعیت کشور هشدار می‌دهند اما از آنجا که «رشد جمعیت» در ایران با «تبلیغات ایدئولوژیک حکومت» پیوند خورده حتی خانوارهایی که مشکلات اقتصادی ندارند، علاقه‌ای به فرزندآوری نشان نمی‌دهند.

برای نمونه پس از هم‌گذاری در مراسم کشته شدن قاسم سلیمانی در کرمان و کشته شدن ده‌ها نفر از شرکت‌کنندگان در این مراسم، لطف‌الله دژکام نماینده ولی فقیه در استان فارس گفته «اگر می‌خواهید انتقام بگیرید، اگر می‌بینید دشمن در صدد نابودی شما، تمدن و امت شماست، به مسئله خانواده و فرزندآوری به عنوان یک جهاد نگاه کنید.»

جدا از کند شدن رشد جمعیت، یکی از تهدیدهایی که در رابطه با آینده منابع انسانی در ایران وجود دارد، موج گسترده مهاجرت از کشور است. روندی که به عقیده برخی کارشناسان جبران آن به راحتی امکان‌پذیر نخواهد بود و زیان‌های گسترده‌ای را در پی خواهد داشت.

در همین رابطه شهلا کاظمی‌پور، جمعیت‌شناس گفته که «بیشتر مسئولان برای کاهش رشد جمعیت ایران به کاهش موالید استناد می‌کنند. در حالیکه بحث مهاجرت را در کشور داریم که روز به روز هم تشدید می‌شود. ما چقدر هزینه کنیم که تعداد تولدها را به اندازه کسانی که از ایران می‌روند، افزایش دهیم!»

شهلا کاظمی‌پور این سخنان را در نشست «سرمایه اجتماعی و محیط کسب‌وکار» با همکاری مرکز پژوهش‌های اتاق ایران و انجمن جامعه‌شناسی ایران که هفته جاری برگزار شد گفته است.

او افزوده که «ساختار کلی جمعیت مانند یک اندام‌واره است که باید بین تمام بخش‌های آن نوعی تعادل پویا و

تجدیدشونده برقرار باشد. نمی‌توان یک وضعیت ایده‌آل در نظر گرفت.»

این جمعیت‌شناس گفته که «تغییرات جمعیتی علاوه بر اینکه از پارامترهای جمعیتی ناشی می‌شود از بسیاری از عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که به مرور زمان در مسیر تحول کشورها رخ می‌دهد نیز تأثیر می‌پذیرد.»

شهلا کاظمی‌پور افزوده که در حال حاضر ایران در انتهای گذار جمعیتی اول است. هنوز رشد جمعیتی به صفر نرسیده است. پیش‌بینی ما این است که سال ۱۴۲۵، رشد جمعیتی در ایران به صفر خواهد رسید و بعد از آن نیز منفی خواهد شد.»

این جمعیت‌شناس در ادامه به تأثیر آمار مهاجرت از ایران بر کاهش رشد جمعیت پرداخته و گفته است: «موالید، مرگ و میر، مهاجرت‌پذیری و مهاجرت‌فرستی در رشد جمعیت اثرگذار هستند. نگرانی که در جامعه ایران وجود دارد این است که بیشتر مسئولان برای کاهش رشد جمعیت ایران به کاهش موالید استناد می‌کنند.»

کاظمی‌پور ادامه داده که «تمام سیاست‌ها، حتی قانون جوانی جمعیت هم روی بحث موالید متمرکز است. در حالی که در حال حاضر ما بحث مهاجرت‌فرستی را در کشور داریم که روز به روز هم تشدید می‌شود. مهاجرت‌فرستی نیروی کار، نخبگان و... را داریم.»

او گفته که «سال گذشته حدود یک میلیون و ۱۷۰ هزار تولد داشتیم که به مرور هم در حال کاهش است. آمار دقیقی درباره مهاجرت ایرانیان نداریم. اما آنطور که خود مسئولان می‌گویند سالانه حدود ۲۰۰ هزار نخبه از کشور مهاجرت می‌کنند. بر این اساس ما چقدر هزینه کنیم که سالانه تولدها را ۲۰۰ هزار نفر افزایش دهیم. چقدر هزینه کنیم نوزادی که متولد شده را به نخبگی برسانیم.»

پیامدهای گرانی اینترنت؛ سقوط نمودار مشتریان شاغلان در فضای مجازی

در مورد گرانی اینترنت، زهرا پاکپور در یادداشتی که در روزنامه «فرهیختگان» منتشر شد نوشت: «ابتدا قرار بود بسته‌های اینترنتی فقط ۳۰ درصد افزایش قیمت داشته باشند اما حالا بسته‌های اینترنت همراه اول ۱۵۲ درصد و بسته‌های ایرانسل ۱۱۱ درصد افزایش قیمت داشته است.» وی اضافه کرد: «چند نکته در این زمینه مطرح است؛ ابتدا آنکه اپراتورها خلف وعده کردند و بجای ۳۰ درصد افزایش قیمت (که در سطح خود مبلغ قابل توجهی است) تعرفه بسته‌ها را چند صد برابر افزایش دادند. جدا از این، عملکرد و تصمیم فوری دولت برای افزایش قیمت، جامعه را با شوکی مواجه کرده که چرا دولت برای کاهش قیمت اینقدر سریع و ضربتی وارد عمل نمی‌شود؟ مورد بعدی آنکه وقتی هنوز اپراتورها کیفیت اینترنت را افزایش ندادند، چرا باید تعرفه به صورت ناگهانی افزایش یابد و از طرفی در صورت خلف وعده اپراتورها، ضمانت اجرا چه خواهد بود؟»

به گفته پاکپور، مردم انتظار دارند وقتی بابت خدماتی هزینه بالایی پرداخت میکنند، لاقلاً تأثیر کیفیت آن را هم ببینند! اما وضعیت به گونه‌ای شده که نه تنها افزایش سرعت اتفاق نیفتاده، بلکه فیلترینگ هم نمکی شده بر زخم‌های کاربران!

داوود حشمتی روزنامه‌نگار و تحلیلگر در ارتباط با اینکه «دولت از گران کردن اینترنت چه اهدافی را دنبال می‌کند؟» در روزنامه «هم‌میهن» نوشت: «در حالی که سازمان تنظیم مقررات اعلام کرد مجوزی ۳۰ درصدی برای گرانی اینترنت داده است بسته‌های جدید همراه با قیمت هر گیگابایت ۶ هزار تومان عرضه شد. این درحالی است که آخرین باری که این اپراتور بسته اینترنت بلندمدت عرضه کرده بود هر گیگابایت حدود دوهزار تومان بود. ایرانسل نیز فعلاً تمام بسته‌های بیش از یک ماه خود را حذف کرده و بسته یک‌ماهه را با قیمت هر گیگابایت ۶ هزار تومان عرضه کرده است. با این حساب، در واقع اینترنت برای مردم عملاً نه ۳۰ درصد، بلکه سه برابر قیمت آن افزایش یافته است.»

افزایش قیمت سه برابری از سوی شرکت «ایرانسل» در حالی اتفاق افتاده که پیشتر این شرکت با صدور اطلاعیه‌ای از جزئیات افزایش قیمت خدمات اینترنتی خود نوشته بود «فرایند اصلاح قیمت بسته‌های اینترنت همراه، با اعمال افزایش قیمت ۳۴ درصدی روی تمام بسته‌ها، از شب گذشته آغاز شده و هم‌اکنون در حال انجام است. این فرایند، برای برخی بسته‌ها کامل شده و برای برخی دیگر، همچنان ادامه دارد.»

این اطلاعیه افزوده بود که «بسته‌های قبلی اینترنت همراه، با لحاظ افزایش قیمت ۳۴ درصدی و بدون تغییر در حجم یا مدت زمان، در کانال‌های مختلف مانند وب‌سایت، سوپر اپلیکیشن ایرانسل‌من، کدهای دستوری و... مجدداً در دسترس قرار خواهند گرفت.»

در واکنش به افزایش عجیب تعرفه‌های اینترنت، برخی معتقدند دولت در حال طبقاتی کردن اینترنت است که مصداق نابرابری و تبعیض است و هر کس پولدارتر است می‌تواند بیشتر از اینترنت استفاده کند. برخی نیز معتقدند جمهوری اسلامی که در فیلترینگ شکست خورده حالا با افزایش نجومی قیمت اینترنت به دنبال محدود کردن ارتباطات مجازی مردم و جلوگیری از دسترسی آنها به دنیای آزاد است.



به گفته یک کارگر مجازی در مورد گرانی اخیر تعرفه‌ها «خرید اینترنت و پول آن بر عهده خودمان است، شرکت هزینه نمی‌کند. با این گران شدن، هم مشتری‌مان کمتر می‌شود هم هزینه‌های خودمان بالاتر می‌رود؛ شرکت ریالی برای فروش مجازی خرج نمی‌کند.»

زهرا که در فضای مجازی و صفحات اینستاگرامی، لوازم آرایش و لباس می‌فروشد، می‌گوید: «هر بار که تعرفه‌ها را بالا می‌برند، بخشی از مشتریان‌مان را از دست می‌دهیم، ضمن اینکه خودمان هم باید کلی پول پای اینترنت بدهیم، هم بسته بخریم هم فیلترشکن! قیمت فیلترشکن‌ها سرسام‌آور است و با فیلتر کردن فضای مجازی، دکان و دستگاه برای یک عده درست شده تا به اسم فروش فیلترشکن پول نجومی به جیب بزنند...»

علیرضا حیدری کارشناس رفاه و تامین اجتماعی در ارتباط با بی‌حقوقی این کارگران به این‌ها گفت: «اصل ۲۹ قانون اساسی، بیمه و بازنشستگی را حق همگانی می‌داند؛ بنابراین باید همه این شاغلان فضای مجازی که تعدادشان به نسبت یک دهه قبل، صد برابر یا حتی بیشتر شده از این حق قانونی خود بهره‌مند باشند.»

او اضافه کرد: «باید بپذیریم که برخی از مشاغل قائل به زمان و مکان نیستند، ساعت کار مشخص و کارگاه ثابت ندارند؛ این مشاغل در فضای جدید کسب و کار در حال گسترش هستند؛ بنابراین باید انعطاف‌پذیری لازم برای تحت پوشش قرار دادن این قبیل مشاغل به وجود بیاید؛ شاید قوانین و مقررات جدید در تامین اجتماعی نیاز باشد، بایستی شیوه‌های سنتی احصاء و بازرسی تامین اجتماعی تغییر کند. تامین اجتماعی در برنامه هفتم برای پوشش بیمه‌ای پلتفرم‌های جدید یک پیشنهاد ارائه داده که در مجلس هم تصویب شده؛ حالا باید ببینیم چطور قرار است با اصلاح ابزارها و الگوریتم‌ها، شاغلان این حوزه مشمول بیمه تامین اجتماعی شوند.»

او تأکید کرد: «برای کارگران خویش‌فرمایی که از تمکن مالی برخوردار نیستند، باید اصل ۲۹ قانون اساسی و تامین منابع توسط دولت در لایه حمایتی نظام تامین اجتماعی مبنا قرار بگیرد؛ هیچ شهروندی نباید از چتر بیمه محروم بماند.»

● با اینکه وزارت ارتباطات یکسری شرط و شروط برای اپراتورها گذاشت اما در نهایت اعلام شد که وزارت ارتباطات و سازمان رگولاتوری با افزایش حدود ۳۰ درصدی تعرفه اینترنت موافقت کرده است. از یکی، دو ساعت پیش از اعلام این خبر، افزایش قیمت‌ها در کدهای خرید و اپلیکیشن‌های خرید اینترنت اپراتورها شروع شد و افزایش قیمت به ۳۰ درصد محدود ماند: پایین‌ترین درصد افزوده شده بر قیمت تعرفه‌های اینترنت ۳۳ درصد و بالاترین نیز چیزی حدود ۱۵۶ درصد بود!

● کاربران فضای مجازی که از این طریق امرار معاش می‌کنند جدا از فیلترینگ و مسدود شدن اپلیکیشن‌هایی مانند اینستاگرام و واتساپ، حالا این گرانی تازه هم هزینه‌های کار کردن را بالا برده و هم قطعاً دوباره نمودار تعداد مشتریان دچار سقوط می‌شود.

خبرگزاری «ایلنا» طی گزارشی در ارتباط با وضعیت اینترنت در ایران نوشته است: «اگر فرض بگیریم، تعداد کارگران فضای مجازی امروز در کشور حدود یک میلیون نفر است و اگر قرار را بر این بگذاریم که ۷۵ درصد این شاغلان سرپرست خانوار هستند، می‌توانیم ادعا کنیم حداقل ۲ میلیون نفر از جمعیت کشور راهی برای ارتزاق جز کار کارمزدی یا پورسانتی در فضای مجازی ندارند. حال سوال پیش می‌آید که چرا یک میلیون نفر از کارگران کشور باید در شرایطی شبیه بیگاری بدون دستمزد ثابت و بیمه کار کنند اما همیشه نگران آینده باشند؟»

بر اساس این گزارش ۷ دی‌ماه رسانه‌ها اعلام کردند «وزارت ارتباطات با افزایش تعرفه اینترنت به میزان ۳۴ درصد موافقت کرده است». در همین ارتباط خبرگزاری فارس نوشته بود: «بیش از این وزارت ارتباطات گفته بود که افزایش تعرفه منوط به پذیرش شروط رگولاتوری است و در خبری اعلام شد که اپراتورهای ارتباطی با حضور در سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی برخی از شروط این سازمان از جمله افزایش ۳۰ درصدی سرعت اینترنت را پذیرفتند.»

با اینکه وزارت ارتباطات یکسری شرط و شروط برای اپراتورها گذاشت اما در نهایت اعلام شد که وزارت ارتباطات و سازمان رگولاتوری با افزایش حدود ۳۰ درصدی تعرفه اینترنت موافقت کرده است.

از یکی، دو ساعت پیش از اعلام این خبر، افزایش قیمت‌ها در کدهای خرید و اپلیکیشن‌های خرید اینترنت اپراتورها شروع شد و افزایش قیمت به ۳۰ درصد محدود ماند: پایین‌ترین درصد افزوده شده بر قیمت تعرفه‌های اینترنت ۳۳ درصد و بالاترین نیز چیزی حدود ۱۵۶ درصد بود! برای مثال اپراتور همراه اول بسته ۵۰ گیگ بلندمدت را که ۱۱۹ هزار تومان ارائه می‌داد با افزایش ۱۵۶ درصدی، قیمت این بسته به ۳۰۰ هزار تومان تبدیل شد یا اپراتور ایرانسل پیش از افزایش تعرفه‌ها، بسته ۱۰ گیگی را ۳۶ هزار تومان برای مصرف‌کننده ارائه می‌داد و یکبار به افزایش ۱۱۱ درصدی، قیمت این بسته به ۷۶ هزار تومان رسید.

به این ترتیب، کاربران فضای مجازی که از این طریق امرار معاش می‌کنند جدا از فیلترینگ و مسدود شدن اپلیکیشن‌هایی مانند اینستاگرام و واتساپ، حالا این گرانی تازه هم هزینه‌های کار کردن را بالا برده و هم قطعاً دوباره نمودار تعداد مشتریان دچار سقوط می‌شود.

دلار در مرز ۵۲ هزار تومان؛ غلبه واقعیت اقتصاد بر سیاست‌های دستوری



تثبیت ارزی» و دیگری «ابزار سلف ارزی». محمدرضا فرزین گفته بود «برای اینکه بتوانیم با تکانه های ارزی آتی مقابله کنیم، نیاز به صندوق تثبیت داریم». فرزین اعلام کرد که برای پیش بینی پذیر کردن نرخ ارز، ابزار سلف ارزی هم راه‌اندازی شده و قرار است تمام عملیات ارزی کشور به مرکز مبادله ایران منتقل شود تا تجار به راحتی بتوانند نیازهای شان را تامین و رفع کنند. وبسایت «خبرآنلاین» با اشاره به برنامه‌های جدید بانک مرکزی برای مهار قیمت ارز نوشته بود که بررسی روند سیاست های بانک مرکزی در دوره فرزین بیانگر آن است که این نهاد در همسویی با دولت تلاش دارد با ابزارهای مختلفی مانند مرکز مبادله خرید و فروش ارز و طلا و یا راه اندازی اوراق مشتقه و یا صندوق تثبیت ارزی مسیره‌های تقاضا برای ارز را کانالیزه کند تا به این طرق از جهش های ارزی جلوگیری شود.

سیاست های تثبیتی بانک مرکزی در حالی در کانون توجه این نهاد و دولت قرار گرفته که همچنان سایه سنگین تحریم ها بر سر اقتصاد ایران باقی است و به نظر می رسد که دولت حتی لایحه بودجه خود را هم با پیش فرض ادامه تحریم ها در سال ۱۴۰۳ تنظیم کرده است؛ حال در این شرایط بانک مرکزی برای هماهنگی با سیاست های بالادستی و کلان دولت به دنبال کنترل و پایین نگه داشتن قیمت ارز به صورت دستوری و غیر واقعی است.

در همین رابطه فردین آقابرگی کارشناس بازارهای مالی معتقد است قیمت دلار به صورت عملیاتی در حال افزایش است. این کارشناس بازارهای مالی گفته که «در فضای مدیریت شده و امنیتی بازار ارز که با بالا رفتن نرخ ارز در فردوسی و منوچهری چند صراف و ارزفروش بازداشت می‌شوند، ما نمی‌توانیم نقطه دقیق تلاقی عرضه و تقاضا و نقطه شکل گیری قیمت در بازار آزاد را ببینیم. اما بر اساس آن چه به عنوان یک مصرف کننده لمس می‌کنیم، یک واقعیت آشکار می‌شود. واقعیت این است که با محاسبه واردات لوازم خانگی، لوازم الکترونیکی، لوازم خودرو یا کلیه لوازم وارداتی

قیمت دیگر ارزها نیز افزایشی بود و قیمت یورو از بامداد تا بعد از ظهر سه‌شنبه از ۵۵ هزار و ۹۵۰ تومان، با ورود به کانل ۵۶ هزار تومان، به ۵۶ هزار و ۴۰۰ تومان افزایش یافت. قیمت دیگر ارزهای رایج در بازار ایران نیز با افزایش چشمگیری روبرو شده است.

بانک مرکزی طی ماه‌های گذشته تلاش کرده بود سیاست تثبیت قیمت‌ها را برای جلوگیری از افزایش قیمت ارز در بازار آزاد بکار بگیرد اما به نظر می‌رسد با نزدیک شده به پایان سال و افزایش تقاضا برای ارز، سیاست‌های بانک مرکزی کارآمد نباشد و قیمت ارز روندی افزایشی را در هفته‌های آینده سپری کند.

اخبار سیاسی روزهای گذشته مانند جنگ اسرائیل و با حماس با توجه به نقش جمهوری اسلامی در آتش‌افروزی حماس، انفجارهای تروریستی کرمان و همچنین ایجاد محدودیت آمریکا برای بانکهای عراقی با هدف جلوگیری از دور زدن تحریم‌های جمهوری اسلامی بر بازار ارز و صعودی شدن قیمت‌ها اثرگذار بوده است.

با اینهمه برخی کارشناسان معتقدند افزایش قیمت‌ها در بازار ارز پیامی از وضعیت اقتصادی کشور است و بانک مرکزی نیز در حال حاضر توان ثابت نگه داشتن قیمت‌ها در این بازار را ندارد.

در روزهای گذشته برخی معامله‌گران از تشدید ارزیابی سیاست‌گذار برای تثبیت قیمت ارز خبر داده بودند. کارشناسان اقتصادی از هفته‌ها پیش هشدار می‌دادند سیاست فریز ارزی بانک مرکزی قیمت دلار را از سایر بازارها عقب نگه داشته و این موضوع دیر یا زود، خود را در قیمت نشان می‌دهد.

محمدرضا فرزین رئیس کل بانک مرکزی هفته گذشته در شصت و سومین اجلاس سالانه مجمع عمومی و فوق العاده بانک مرکزی از سیاست‌گذار پولی، برای کنترل و جلوگیری از جهش‌های احتمالی ارزی در آینده روغمایی کرد. رئیس بانک مرکزی برنامه جدید ارزی را در «دو بخش مجزا اما هم راستا» اعلام کرد؛ «اول راه اندازی صندوق

● در حالی که پایان کار بازار در روز سه‌شنبه با قیمت ۵۱ هزار ۵۵۰ تومان همراه بود، در نخستین ساعات امروز قیمت دلار با ۴۰۰ تومان افزایش به ۵۱ هزار و ۹۵۰ تومان رسید.

● قیمت هر سکه طلا به ۳۰ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان رسید و هر گرم طلا نیز دو میلیون و ۵۹۹ هزار تومان معامله شد.

● فردین آقابرگی کارشناس بازارهای مالی می‌گوید قیمت دلار به صورت عملی به سمت بالای ۶۰ هزار تومان میل پیدا می‌کند در حالی که ممکن است روی کاغذ بین ۴۹ تا نهایتاً ۵۱ هزار تومان باشد.

قیمت‌ها در بازار ارز و طلا روند صعودی دارد و هر دلار آمریکا به مرز ۵۲ هزار تومان رسیده است. پیشتر کارشناسان پیش‌بینی کرده بودند در پایان سال و به دلیل افزایش تقاضای ارز در بازار آزاد، بانک مرکزی نمی‌تواند با سیاست‌های دستوری و ارزیابی قیمت‌ها را ثابت نگه دارد. قیمت دلار از روزهای گذشته در بازار آزاد ایران روندی صعودی گرفته است. صبح امروز چهارشنبه ۲۰ دی ۱۴۰۲ قیمت هر دلار آمریکا به مرز ۵۲ هزار تومان رسید. در حالی که پایان کار بازار در روز سه‌شنبه با قیمت ۵۱ هزار ۵۵۰ تومان همراه بود، در نخستین ساعات امروز قیمت دلار با ۴۰۰ تومان افزایش به ۵۱ هزار و ۹۵۰ تومان رسید.

قیمت هر یورو نیز با ۴۰۰ تومان افزایش طی نخستین ساعات آغاز به کار بازار به ۵۶ هزار و ۸۰۰ تومان رسید. همچنین قیمت‌ها در بازار طلا نیز در همراهی با صعودی شدن قیمت‌ها در بازار ارز، افزایش یافت. صبح امروز قیمت هر سکه طلا به ۳۰ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان رسید و هر گرم طلا نیز دو میلیون و ۵۹۹ هزار تومان معامله شد.

روز گذشته، سه‌شنبه ۱۹ دی ۱۴۰۲، نیز در نخستین ساعات کار بازار ارز، قیمت هر دلار آمریکا ۵۱ هزار و ۱۰۰ تومان بود اما طی چند ساعت تا بعد از ظهر قیمت هر دلار با ۴۵۰ تومان افزایش به ۵۱ هزار و ۵۵۰ تومان رسید.



خبرنگاری که می‌خواست از معاون ترودو درباره تروریستی اعلام کردن سپاه پاسداران سؤال پرسد بازداشت شد

● به گزارش «تورنتو سان»، روز دوشنبه ۸ ژانویه یک خبرنگار در حالی که سعی داشت از کریستیا فریلند معاون نخست‌وزیر سؤال کند دستگیر شد.

● دیوید منزیس از «ربل نیوز» با میکروفون به سوی فریلند می‌رود و می‌پرسد چرا دولت این کشور هنوز سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در فهرست گروه‌های تروریستی قرار نداده است؟ فریلند اما پاسخ نمی‌دهد.

● موضوع قرار دادن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در لیست تروریستی کشور کانادا از مدت‌ها پیش مطرح شده و ایرانیان زیادی نیز با وجود مقاومتی که از سوی لابی‌گران جمهوری اسلامی در آن کشور انجام می‌شود، از سال‌ها پیش برای این کار تلاش می‌کنند.

به گزارش «تورنتو سان»، خبرنگاری که می‌خواست از کریستیا فریلند وزیر اقتصاد کانادا و معاون جاستین ترودو درباره قرار دادن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در لیست تروریستی این کشور سؤال مطرح کند، توسط پلیس دستگیر و در حالی که به وی دستبند زده شده بود، از آن محل انتقال یافت. این روزنامه نوشته است که خبرنگار پس از مدتی بدون وارد کردن اتهام آزاد شد.

به گزارش «تورنتو سان»، روز دوشنبه ۸ ژانویه یک خبرنگار در حالی که سعی داشت از کریستیا فریلند وزیر اقتصاد و معاون نخست‌وزیر سؤال کند دستگیر شد.

فریلند به همراه جاستین ترودو در ریچموند هیل در مراسم چهارمین سالگرد سرنوشتی پرواز PS752 توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شرکت کرده بودند. این هواپیما از طریق اوکراین عازم کانادا بود و همه سرنشینان آن از جمله ۵۵ شهروند کانادایی و ۳۰ ساکن دائم این کشور کشته شدند.

دیوید منزیس از «ربل نیوز» با میکروفون به سوی فریلند می‌رود و می‌پرسد چرا دولت این کشور هنوز سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در فهرست گروه‌های تروریستی قرار نداده است؟ فریلند اما پاسخ نمی‌دهد.

منزیس در حالی که در کنار فریلند راه می‌رفت، قبل از اینکه یک پلیس با لباس شخصی مانع وی شود، پرسش دوم را مطرح می‌کند اما به دلیل «تعرض» بازداشت می‌شود.

هنگام بازداشت، منزیس می‌پرسد که چرا او را به خاطر پرسیدن سؤال بازداشت می‌کنند؟! اما در نهایت با کمک دیگر افسران پلیس به او دستبند زده می‌شود و او را از محل دور می‌کنند. این خبرنگار بعداً بدون وارد کردن اتهام آزاد شد.

این دستگیری در رسانه‌های اجتماعی به شدت مورد انتقاد قرار گرفته است. پیر پولیور رهبر حزب محافظه‌کار گفت که این وضعیت آزادی رسانه‌ها پس از هشت سال تحت رهبری ترودو است.

میشل رمپل گارنر نماینده محافظه‌کار نیز در ایکس چنین اظهار نظر کرده است: «ژورنالیسم نمایشی و جنجالی به نظم خسته‌کننده است اما او حق دارد کار خودش را پیش ببرد... مداخله پلیس در اینجا غیرقابل توجیه و وحشیانه است.» لورین هارپر همسر استفان هارپر نخست‌وزیر سابق کانادا نیز با اشاره به «واکنش مبالغه‌آمیز» پلیس نوشت: «مراکز آموزش پلیس باید این فیلم را به کارآموزان خود نشان دهند تا بدانند چه کارهایی را نباید انجام دهند.» در همین ارتباط، ایلان ماسک در واکنش به یکی از کامنت‌گذاران ایکس که نوشته بود این خبرنگار «به اشتباه به دلیل اتهام کذب» تعرض به یک مقام دولتی «بازداشت شد» پاسخ داد: «اینطور به نظر می‌رسد. البته خوب است که پلیس جلوی کسی را که می‌خواهد به یک مقام ارشد دولتی نزدیک شود بگیرد اما غلط است که بگوییم او می‌خواسته عوامدانه به این مقام حمله کند.»

یک افسر سابق پلیس نیز که اکنون در سیاست فعال است، بازداشت این خبرنگار را «ماهه شرمساری مطلق برای پلیس» خوانده و معتقد است که از این کار نمی‌توان و نباید دفاع کرد. این کار چه از نظر اخلاقی و چه قانونی اشتباه بوده و این خبرنگار نباید بازداشت و با وی چنین رفتاری می‌شد.

جری آگار چهره رادیویی تورنتو و ستون‌نویس «تورنتو سان» نیز رفتار پلیس با خبرنگار را نکوهش کرده و می‌گوید: «مسئله بر سر این نیست که این فرد دیوید منزیس است. بر سر این هم نیست که او یک شورشی است. بلکه بر سر این است که اگر در چنین شرایطی از افرادی که با آنها اختلاف نظر دارید دفاع نکنید، پس چه کسی خواهد ماند که از شما دفاع کند؟» همچنین لری گلدشتاین سردبیر سابق «تورنتو سان» در شبکه ایکس با اشاره به اینکه چطور پلیس تورنتو یک تظاهرکننده‌ی طرفدار فلسطین را که در مرکز شهر با تهدید فریاد می‌زده که «تو را نابود خواهیم کرد» دستگیر نکرده «چون ما کسی را که شخص دیگری را تهدید می‌کند دستگیر نمی‌کنیم. اما حالا می‌گوید منزیس به وی حمله کرده؟! واقعا جدی می‌گویید؟!»

موضوع قرار دادن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در لیست تروریستی کشور کانادا از مدت‌ها پیش مطرح شده و ایرانیان زیادی نیز با وجود مقاومتی که از سوی لابی‌گران جمهوری اسلامی در آن کشور انجام می‌شود، از سال‌ها پیش برای این کار تلاش می‌کنند. جنایت فجیع شلیک موشکی به پرواز پی‌اس ۷۵۲ که در آن بسیاری از شهروندان کانادا و ایرانیان دوتابعیتی کشته شدند، یکی از موضوعاتی است که می‌تواند به عنوان مبنای این اقدام قرار بگیرد اما کانادا و انگلیس و همچنین اتحادیه اروپا تا کنون از این کار خودداری کرده‌اند.

می‌توان فهمید این کالاها با نرخ بالاتر از ۶۰ هزار تومان دارد پنج می‌شود. مبنای محاسبه این رقم است.» فردین آقابرگی در ادامه افزوده «بر همین اساس است که وقتی کالایی مثل نرخ دلاری گوشی آیفون را با کشورهای خارجی مقایسه می‌کنیم، می‌بینیم در خارج از کشور خیلی ارزان‌تر است. به این دلیل که در کشور ما نرخ دلار بالاتر است و در اختیار همه نیست.»

به گفته این کارشناس، آنچه را که روی ویتز می‌بینیم یک بخش است و بخش دیگری را به صورت ملموس می‌توان در کالاهای مصرفی دید. با توجه به این موضوع روند و حرکت ما به صورت عملی به سمت بالای ۶۰ هزار تومان میل پیدا می‌کند در حالی که ممکن است روی کاغذ بین ۴۹ تا نهایتاً ۵۱ هزار تومان باشد؛ بنابراین قیمت دلار از ابتدای سال به صورت عملیاتی در حال رشد بوده است. در ابتدای سال، ۴۷ یا ۴۸ هزار تومان بوده و محصول در حال حاضر دارد با نرخ بالای ۶۰ هزار تومان وارد می‌شود. جواد فلاحیان کارشناس و فعال اقتصادی درباره روند قیمت دلار در ماه‌های پایانی سال معتقد است که «دولت در سه ماه پایانی سال نیاز به جذب نقدینگی دارد زیرا باید کسری بودجه‌ای که دارد را جبران کند. به همین خاطر ممکن است در سه ماه پایانی سال از سیاست‌های انقباضی عقب‌نشینی و به سمت سیاست‌های انبساطی حرکت کند.» جواد فلاحیان افزوده بود «تغییر موضع بانک مرکزی می‌تواند محرکی برای جهش قیمت دلار از اوایل بهمن تا اواسط اسفند باشد. بنابراین احتمال افزایش قیمت دلار بالاست. دلار می‌تواند تا محدوده ۶۰ تا ۶۵ هزار تومان رشد داشته باشد، البته به شرط اینکه دولت از سیاست‌های انقباضی عقب‌نشینی کند.»

هفته گذشته نیز میثم رادپور کارشناس اقتصادی با اشاره به ارزیابی بانک مرکزی برای کنترل قیمت دلار با بهره‌گیری از افزایش اندک در فروش نفت، گفته بود: «بهترین پیش‌بینی کننده و متر قیمت دلار نرخ رشد تورم است. قطعاً اگر بازه بلندمدت را در نظر بگیریم تصور نمی‌کنم افزایش فروش نفت با وجود تورم بتواند بازار ارز را کنترل کند. معتقدم این بازار با تورم جابه‌جا خواهد شد و این مساله با توجه به مفروضات فعلی اقتصاد و برابری قدرت خرید، طبیعی و منطقی است.»

به گفته میثم رادپور موضوع تورم در سال‌های اخیر جابه‌جایی‌های جدی را برای کالا و خدمات در کشور به دنبال داشته است. به گمانم با وجود تورم‌های بالایی که تجربه می‌کنیم ثبات قیمت دلار ماندگار نیست. اگر افق زمانی را یک ساله در نظر بگیریم و بخواهیم پیش‌بینی برای قیمت دلار داشته باشیم باید به همان اندازه‌ای که در طول یک سال تورم داریم، روی قیمت ارز بگذاریم.

این کارشناس اقتصادی با پیش‌بینی افزایش قیمت دلار تا پیش از پایان سال گفته بود: «اگر در حال حاضر تورم را ۴۰ درصد در نظر بگیریم، سه ماهه آن همین مقدار ۱۰ درصد است و این تورم انباشته می‌شود. اگرچه افزایش فروش نفت می‌تواند زمان اثرگذاری تورم در بازار ارز را به تاخیر بیندازد، اما در نهایت نمی‌تواند اثر انباشته تورم را کنترل کند.»

فرشاد مومنی روز گذشته در سخنرانی در «همایش روز ملی مبارزه با فساد» به شیوه مدیریت قیمت ارز در کشور اشاره کرده و گفت: «مدیریت اقتصادی کشور بعد از جنگ مدعی شد که نگران افزایش نرخ ارز است و طبق گزارش‌های رسمی در ۳۰ سال بیش از ۴۰۰ میلیارد دلار صرف جلوگیری از افزایش نرخ ارز شد اما در همین مدت با احتساب قدرت خرید از دست رفته نرخ دلار حدود ۲۸ هزار برابر شد و شما این مساله را در طرح‌های عمرانی و بازار مسکن می‌بینیم.»

ادامه حملات حوثی‌ها به کشتی‌های تجاری

بحران دریای سرخ اقتصاد جهانی را تحت تأثیر قرار داده است



پرواز هلیکوپتر نظامی حوثی‌ها بر فراز کشتی باری Galaxy



یک کشتی کانتری قبل از ورود به کانال سوئز در «العین السخنه» / مصر / ۳۰ ژوئیه ۲۰۲۳

به مقصد اروپا هستند، دو هفته بیشتر از حد معمول طول می‌کشد تا به دست مشتریان برسد. این سازنده کفش فعلاً انتظار «تأثیر مادی» بر تجارت خود ندارد اما به سی‌ان‌ان گفت که «به نظارت دقیق اوضاع ادامه خواهد داد».

بانک جهانی در گزارشی دوسالانه‌ی خود که روز سه‌شنبه ۹ ژانویه منتشر شد، هشدار داد که اختلال در مسیرهای کلیدی حمل و نقل باعث اختلال در شبکه‌های عرضه و افزایش احتمال گره‌گاه‌های توری می‌شود.

شش شرکت از ۱۰ شرکت بزرگ حمل و نقل کانتری-یعنی مرسک، MSC، Hapag-Lloyd، CMA CGM، ZIM و ONE به دلیل تهدیدات شبه‌نظامیان حوثی تا حد زیادی یا بطور کامل از رفت و آمد در دریای سرخ دوری می‌کنند. خطری که برای خدمه، محموله و کشتی‌ها وجود دارد، ناوها را مجبور کرده است که کشتی‌ها را در جهت «دماغه امید نیک» در آفریقای جنوبی تغییر مسیر دهند که منجر به تأخیر آنها تا سه هفته می‌شود.

این وضعیت در حال حاضر بطور قابل توجهی هزینه‌های حمل و نقل را افزایش داده است که در نهایت می‌تواند روی قیمت نهایی برای مصرف‌کننده تأثیرگذار باشد. کارشناسان می‌گویند «هرچه این اختلالات بیشتر ادامه داشته باشد، اثرات رکود توری برای اقتصاد جهانی قوی‌تر می‌شود.»

اگر جنگ اسرائیل و حماس به یک درگیری منطقه‌ای گسترده‌تر تبدیل شود یا حوثی‌ها تصمیم بگیرند که حملات خود را به سمت تانکرهای نفت و کشتی‌های فله‌بر- که مواد خام حیاتی مانند سنگ آهن، غلات و چوب حمل می‌کنند- هدایت نمایند، پیامدهای آن برای اقتصاد جهانی شدیدتر خواهد بود. گزارش بانک جهانی می‌افزاید: «در شرایط تشدید درگیری‌ها، عرضه انرژی نیز می‌تواند بطور قابل توجهی مختل و در نتیجه منجر به افزایش قیمت انرژی شود.»

وضعیت در دریای سرخ نشان می‌دهد که حوثی‌ها قصد عقب‌نشینی ندارند و حمله به کشتی‌ها در حال افزایش است. این باعث می‌شود که اپراتورهای کشتی‌های کانتری برای کاهش خطرات، مسیر خود را تغییر دهند.

بر اساس اطلاعات شرکت «Everstream Analytics» نرخ حمل و نقل اقیانوس به دلیل تغییر مسیر در اطراف دریای سرخ افزایش یافته است. نرخ هزینه‌های آسیا به اروپا و آسیا به آمریکای شمالی از زمان شروع بحران بیش از دو برابر شده است.

سی‌ان‌ان گزارش داده حملات شبه‌نظامیان مورد حمایت جمهوری اسلامی در دریای سرخ عملاً یکی از مسیرهای تجاری اصلی جهان را به روی اکثر کشتی‌های کانتری بسته است. بسته شدن بلندمدت این آبراه مهم که به کانال سوئز متصل می‌شود، می‌تواند زنجیره‌های حمل و نقل و عرضه جهانی را بهم بزند و قیمت کالاهای تولیدی را در دورانی مهم برای شکست تورم افزایش دهد. کانال سوئز حمل و نقل ۱۰ تا ۱۵ درصد تجارت جهانی را به خود اختصاص می‌دهد که شامل صادرات نفت و ۳۰ درصد از حجم تردد کانتری جهان است.

با تداوم بحران، خطراتی که اقتصاد جهانی را تهدید می‌کند در حال افزایش است. خرده‌فروشان هشدار داده‌اند هزینه حمل و نقل کالاها در حال افزایش است.

خرده‌فروشی که با شرکت‌هایی مانند شرکت وسایل خانگی سوئدی Ikea همکاری می‌کنند نسبت به تأخیر در ارسال و کمبود احتمالی برخی محصولات هشدار داده‌اند. به همین ترتیب، فروشگاه‌های لباس بریتانیایی Next نیز هفته گذشته اعلام کردند که «مشکلات دسترسی به کانال سوئز، در صورت ادامه، احتمالاً باعث تأخیر در تحویل کالا از سوی انبارها در اوایل امسال می‌شود.»

شرکت Crocs (CROX) نیز اعلام کرده است اقلامی که

سی‌ان‌ان گزارش داده حملات شبه‌نظامیان مورد حمایت جمهوری اسلامی در دریای سرخ عملاً یکی از مسیرهای تجاری اصلی جهان را به روی اکثر کشتی‌های کانتری بسته است.

بسته شدن بلندمدت این آبراه مهم که به کانال سوئز متصل می‌شود، می‌تواند زنجیره‌های حمل و نقل و عرضه جهانی را بهم بزند و قیمت کالاهای تولیدی را در دورانی مهم برای شکست تورم افزایش دهد.

اگر جنگ اسرائیل و حماس به یک درگیری منطقه‌ای گسترده‌تر تبدیل شود یا حوثی‌ها تصمیم بگیرند که حملات خود را به سمت تانکرهای نفت و کشتی‌های فله‌بر- که مواد خام حیاتی مانند سنگ آهن، غلات و چوب حمل می‌کنند- هدایت نمایند، پیامدهای آن برای اقتصاد جهانی شدیدتر خواهد بود.

با وجود استقرار ناوهای «گروه ضربت ۱۵۳» (ائتلاف دریایی نگهبانان رفاه) در دریای سرخ برای محافظت از کشتی‌های تجاری روز چهارشنبه ۱۰ ژانویه ۲۰۲۴ (۲۰ دی‌ماه) گزارش شد که باز هم یک کشتی مورد حمله حوثی‌ها قرار گرفته است.

منابع غربی گفتند ناوشکن انگلیسی «اچ‌ام‌اس دایموند» و ناوهای آمریکایی سه‌شنبه شب بارها مشغول رهگیری پهپادهایی بودند که حوثی‌ها به سمت کشتی‌های تجاری پرتاب می‌کردند. مقامات دو کشور می‌گویند یک عملیات بزرگ نیروهای حوثی در دریای سرخ را خنثی کرده‌اند.

به گزارش «اسکای نیوز»، گرانت شاپس وزیر دفاع بریتانیا با اشاره به اینکه «ادامه حملات حوثی‌ها به هیچ وجه قابل قبول نیست» گفت: «یک کشتی جنگی بریتانیا چندین پهپاد تهاجمی را چند ساعت پس از اعلام آمریکا مبنی بر اینکه دو کشور ۱۸ پهپاد و سه موشک را سرنگون کردند، با موشک و توپ منهدم کرده است.»

روزنامه «تلگراف»: حدود ۲۰۰ نفر از حوثی‌ها در دانشگاه علوم و فنون دریایی خامنه‌ای در زیباکنار دوره دیده‌اند



حوثی‌ها روی عرشه کشتی «گالکسی لیدر» در دریای سرخ / آبان ۱۴۰۲

دانشجویان برگزار شده و برای جلوگیری از درز اطلاعات، مراوده‌ی حوثی‌ها با سایر دانشجویان این مرکز ممنوع بوده است.

تلگراف می‌افزاید: «جزیره فارور در سواحل هرمزگان نیز که تحت کنترل سپاه پاسداران است، برای آموزش شبه‌نظامیان وابسته به [رژیم] ایران استفاده می‌شود.» در بخشی از این گزارش اشاره شده است که در خود سپاه پاسداران، عملیات حوثی‌ها علیه کشتی‌های تجاری خارجی و نفتکش‌ها را «مؤثرترین تاکتیک برای تشدید جنگ» علیه اسرائیل می‌دانند.

اخیراً شورای امنیت سازمان ملل با ۱۱ رأی موافق و چهار رأی ممتنع، قطعنامه‌ای تصویب کرد که از حوثی‌ها خواسته شده فوراً حملات به خطوط کشتیرانی را متوقف کنند. هرچند بارها این درخواست مطرح شده اما تا کنون هیچ نتیجه‌ای نداشته است.

حوثی‌ها با پشتیبانی جمهوری اسلامی با مختل کردن تردد کشتی‌ها در دریای سرخ عملاً یکی از مسیرهای تجاری اصلی جهان را به روی اکثر کشتی‌های کانتینری و حمل و نقل آنها بسته‌اند.

تحلیلگران هشدار می‌دهند بسته شدن بلندمدت این آبراه مهم که به کانال سوئز متصل می‌شود، می‌تواند زنجیره‌های حمل و نقل و عرضه‌ی جهانی را بهم بزند و قیمت کالاهای تولیدی را در دورانی مهم برای شکست تورم افزایش دهد. اگر جنگ اسرائیل و حماس به یک درگیری منطقه‌ای گسترده‌تر تبدیل شود یا حوثی‌ها تصمیم بگیرند که حملات خود را به سمت تانکرهای نفت و کشتی‌های فله‌بر- که مواد خام حیاتی مانند سنگ آهن، غلات و چوب حمل می‌کنند- هدایت نمایند، پیامدهای آن برای اقتصاد جهانی شدیدتر خواهد بود.

● روزنامه «تلگراف» به نقل از منابع امنیتی گزارش داد حدود ۲۰۰ مزدور که بخش‌هایی از یمن را کنترل می‌کنند، دوره آموزشی خود را دانشگاه علوم و فنون دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در شهر ساحلی زیباکنار در استان گیلان طی کرده‌اند.

● منابع اطلاعاتی گفته‌اند دوره آموزش حوثی‌ها جدا از سایر دانشجویان برگزار شده و برای جلوگیری از درز اطلاعات، مراوده‌ی حوثی‌ها با سایر دانشجویان این مرکز ممنوع بوده است.

● تلگراف می‌افزاید: «جزیره فارور در سواحل هرمزگان نیز که تحت کنترل سپاه پاسداران است، برای آموزش شبه‌نظامیان وابسته به [رژیم] ایران استفاده می‌شود.»

منابعی در ایران می‌گویند علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی نقش شخصی در محاصره دریای سرخ در ماه نوامبر بر عهده گرفته است و از ارائه بیشتر سلاح و تجهیزات به حوثی‌ها حمایت می‌کند.

روزنامه «تلگراف» روز چهارشنبه ۱۰ ژانویه (۲۰ دی‌ماه) گزارش داد حدود ۲۰۰ مزدور که بخش‌هایی از یمن را کنترل می‌کنند، دوره آموزشی خود را در دانشگاه علوم و فنون دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در شهر ساحلی زیباکنار در استان گیلان طی کرده‌اند.

جزئیات این آموزش که توسط منابع اطلاعاتی در ایران گردآوری شده، نشان دهنده دخالت مستقیم تهران در گسترش درگیری در خاورمیانه است.

بخشی از این دوره آموزشی تحت نظر «نیروی قدس» سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برگزار شده است. این مرکز در سال ۱۳۹۲ تأسیس شد و طی چهار سال تمام

آموزش‌های نیروی دریایی سپاه از جمله نیروهای نیابتی ایران به آنجا منتقل شد. اولین دوره برای حوثی‌ها در دانشگاه علوم و فنون دریایی در ژانویه ۲۰۲۰ راه‌اندازی شد.

منابع اطلاعاتی گفته‌اند دوره آموزش حوثی‌ها جدا از سایر



تصویری از دانش‌آموختگان افسری نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در مقابل دانشگاه علوم و فنون دریایی خمینی

مرگ ماهانه ۱۸۰ کارگر در ایران به دلیل حادثه در محیط کار



شده است. برخی از این افراد دو دست یا دو دست یک پا را از دست می‌دهند. حتی بیماری هم داشته‌ایم که دو دست و دو پای خود را به علت سوختگی الکتریکی از دست داده و قطع شده است.»

رعایت حریم در پروژه‌ها، عایق‌سازی یا انتقال خطوط برق به زیرزمین از جمله راهکارهایی است که محمدجواد فاطمی برای کاهش آمار سوختگی‌های الکتریکی در محیط کار به آنها اشاره می‌کند. او افزوده که انجمن حمایت از بیماران سوختگی از نهادها و وزارتخانه‌های مسئول از جمله وزارت کشور، شهرداری‌ها و نظام مهندسی خواسته برای رعایت این نکات و ایمن‌سازی محیط کار اقدام کنند.

هر روز و هر هفته گزارش‌ها و خبرهایی درباره مرگ کارگران در محل کار در نقاط مختلف ایران منتشر می‌شود. روز سه‌شنبه ۲۸ آذر ۱۴۰۲ سقوط سبد حمل بار جرثقیل تاورکین در یک کارگاه ساختمانی، موجب مرگ و مصدومیت سه کارگر ساختمانی شد. بر اساس گزارش‌ها به دلیل پاره شدن سیم بکسل مصالح ساختمانی روی سه کارگر افغانستانی حین انجام کار سقوط کرد که در نتیجه آن یک کارگر جان باخت و دو کارگر دیگر به بیمارستان انتقال داده شدند.

همچنین دو حادثه در شهر سبزوار سبب جان باخت یک کارگر و مصدوم شدن یک کارگر دیگر شد. یک کارگر ساختمانی در خیابان «جهاد» سبزوار حین کار در «ارتفاع غیر هم‌تراز» یک ساختمان بر اثر برخورد با زمین دچار حادثه شد و جان باخت. در حادثه دیگر، یک کارگر دیگر حین انجام کار در یک ساختمان خیابان «معلم» بر اثر بی‌احتیاطی و رعایت نشدن اصول ایمنی از ارتفاع ساختمان سقوط کرد و به شدت مصدوم شد. در بیستم آذرماه نیز ۷۵ کارگر یک کارخانه تولیدکننده ظروف آرکوپال در شهرک صنعتی رواند کاشان دچار مسمومیت تنفسی شدند. یک روز بعد نیز ۲۰ کارگر زن در این کارخانه با مسمومیت تنفسی روبرو شدند. منابع کارگری گزارش دادند که مسمومیت تنفسی ۹۵ کارگر این کارخانه طی دو روز متوالی به دلیل نشت گاز مونوکسید کربن روی داده است. هجدهم آذرماه نیز پنج کارگر پیمانکاری شاغل در تلمبه‌خانه شرکت نفت برداسپی کوه‌دشت هنگام لایروبی انبار ایستگاه پمپاژ این شرکت در منطقه شیروند گندابه شهرستان کوه‌دشت بر اثر گازگرفتگی جان باختند. پیکر بی‌جان این کارگران حدود یک روز بعد توسط مأموران مجهز به ماسک اکسیژن و پس از تخلیه گازهای سمی از این انبار بیرون آورده شد.

اگر در مشاغل مثل کارگران ساختمانی رعایت نشود، مصداق مرگ خاموش است. یعنی درست است که فرد مانند سقوط از ساختمان یا فروریختن مصالح بر سرش دچار مرگ و نقص عضو نمی‌شود، اما به مرور در اثر فشار ناشی از بار روی بدن و فیزیک استخوان و اندام، یا استنشاق مواد به کار رفته در تولید، به مرور دچار بیماری شدید و مرگ زودرس می‌شود. اما از آنجا که برخی تصمیم‌گیران در این حوزه خود کارفرمای بخش ساختمانی هستند یا به مافیای ساخت و ساز نزدیک‌اند، امکان تغییر و قانون‌گذاری در حوزه بهداشت شغلی کارگر ساختمانی مثل مجاری بیمه و مزد آنان دشوار شده است. روزنامه «شرق» در شماره امروز پنجشنبه در گزارشی با اشاره به آمار سازمان پزشکی قانونی درباره مرگ کارگران بر اثر حادثه در محیط کار نوشته وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی شمار حوادث حین کار در ایران را نسبت به میانگین جهانی «پایین» دانسته و تأکید کرده این وزارتخانه همواره تلاش کرده تا با اقداماتی ایمنی محیط کار را افزایش دهد.

علی حسین رعیتی‌فرد معاون روابط کار و وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی نیز در واکنش به گزارش سازمان پزشکی قانونی اعلام کرد تعداد کارگران جانباخته در سال گذشته «نصف آمار پزشکی قانونی» بوده و تعداد آنها مطابق اطلاعاتی که ما داریم، ۷۱۱ کارگر در سال ۱۴۰۱ بوده‌اند که بر اثر حوادث ناشی از کار جان باخته‌اند.

انکار آمار بالای مرگ کارگران در محل کار در حالیست که اواخر آذرماه امسال محمدجواد فاطمی رئیس انجمن حمایت از بیماران سوختگی (ققنوس) اعلام کرده که «کارگران هم می‌سوزند و هم برق‌گرفتگی برای آنها اتفاق می‌افتد و یکی از موضوعات مهم این است که تقریباً سالی ۲ هزار کارگر دچار سوختگی الکتریکی می‌شوند.»

به گفته محمدجواد فاطمی علت این سوختگی‌ها که اکثراً در پروژه‌های ساختمانی اتفاق می‌افتد اینست که سیم برق از محیط کاری کارگران رد می‌شود، عایق‌سازی و ایمن‌سازی هم نمی‌شود، حریم‌ها رعایت نمی‌شود و کارگر ممکن است در زمانی که میله داربست را در دست دارد، به این سیم‌های برق گیر کرده و کارگر دچار برق‌گرفتگی شود.

رئیس انجمن حمایت از بیماران سوختگی با بیان شایع بودن این سوختگی‌ها در بین کارگران ساختمانی گفته «مطالعه‌ای هم که ما در خصوص این افراد داشته‌ایم ۶۵ درصد آنها حداقل یک عضویشان را از دست داده‌اند و یا دست یا پای‌شان قطع

● در شش ماه نخست سال ۱۴۰۲، هزار و ۷۷ کارگر بر اثر حوادث حین کار جان خود را از دست دادند. این رقم در مقایسه با مدت مشابه سال پیش با آمار ۹۳۱ نفر، ۱۵/۷ درصد افزایش داشته است.

● «سقوط از ارتفاع» با ۴۹۸ نفر، «اصابت جسم سخت» با ۲۴۶ نفر اصلی‌ترین دلایل جان باختن کارگران در محل کار است.

آمار جان باختن کارگران در محل کار بر اثر حادثه نشان می‌دهد طی شش ماه نخست امسال بطور متوسط ماهانه ۱۸۰ کارگر در کشور جان خود را در محل کار از دست می‌دهند. رعایت نکردن استانداردهای ایمنی سبب شده کارگران به دلایل مختلف از جمله اصابت جسم سخت، برق‌گرفتگی، سوختگی، کمبود اکسیژن و سقوط از ارتفاع جان خود را از دست بدهند.

بر اساس گزارش سازمان پزشکی قانونی، در شش ماه نخست سال ۱۴۰۲، هزار و ۷۷ کارگر بر اثر حوادث حین کار جان خود را از دست دادند. این رقم در مقایسه با مدت مشابه سال پیش با آمار ۹۳۱ نفر، ۱۵/۷ درصد افزایش داشته است.

در میان کارگرانی که جان خود را در شش ماه نخست امسال در محل کار از دست داده‌اند هزار و ۶۶ مورد مرد و ۱۱ نفر زن بودند. این گزارش همچنین نشان می‌دهد که استان تهران با ۲۱۷، اصفهان با ۸۱ و مازندران با ۷۰ مورد، بیشترین آمار مرگ‌های حوادث کار را در فاصله فروردین تا شهریور امسال داشتند.

«سقوط از ارتفاع» با ۴۹۸ نفر، «اصابت جسم سخت» با ۲۴۶ نفر اصلی‌ترین دلایل جان باختن کارگران در محل کار است. در رده‌های بعدی «برق‌گرفتگی» با ۱۵۵، «سوختگی» با ۶۵ و «کمبود اکسیژن» با ۳۵ مورد قرار دارند. همچنین پزشکی قانونی علت مرگ ۷۸ کارگر را در گزارش خود اعلام نکرده است.

اکبر شوکت رئیس انجمن‌های صنفی کارگران ساختمانی نیز به خبرگزاری «ایلنا» گفته که کارگران ساختمانی با مشکل «بالا بودن آمار نقص عضو و مرگ» به خاطر «عدم ایمنی در محیط کار و سقوط» مواجه هستند.

این فعال صنفی افزوده که «بهداشت حرفه‌ای» و «سلامت شغلی» کارگران ساختمانی، از مسائلیست که کمتر مورد توجه قرار گرفته و فهم آن، ضرورت‌هایی در بحث ایمنی کار و بیمه و حقوق این کارگران را نمایان خواهد ساخت.

به گفته اکبر شوکت در قانون کار و تبصره‌های آن در زمینه بهداشت شغلی نیروی کار، مرتبط با مواد ۷۵ و ۸۳ این قانون و دستورالعمل یا آیین‌نامه «حمل بار با دست» که سقف بار قابل حمل برای کارگر را ۲۰ کیلوگرم عنوان می‌کند. اما کارگران ساختمانی در ایران روزانه مدام وزن‌های ۴۰ و ۵۰ کیلویی بلند می‌کنند.

از سوی دیگر نبود رعایت نشدن «بهداشت حرفه‌ای» سبب می‌شود که برخی کارگران اگر چه در طول اشتغال بر اثر حادثه در محیط کار نمی‌میرند اما دچار «مرگ خاموش» می‌شوند.

اکبر شوکت در این رابطه گفته که کارگران ساختمانی در ایران علاوه بر مشکلاتی مثل دیسک شدید و آرتروز و فشار بر اندام و استخوان‌ها که خارج از وصف است و عملاً کارگر ساختمانی را در سن ۵۰ سالگی زمین‌گیر می‌کند، کارگر ساختمانی همچنین گرد و غبار موادی را استنشاق و وارد ریه خود می‌کند که همگی سمی هستند.

رئیس انجمن‌های صنفی کارگران ساختمانی گفته مواردی از قبیل «بهداشت حرفه‌ای» و سلامت در محیط کار

گابریل آتال اولین نخست وزیر همجنسگرای فرانسه



گابریل آتال در مراسم انتقال مقام / پاریس / ۹ ژانویه ۲۰۲۴ / رویترز

نداشته‌اند و ماکرون است که مسئولیت بیشتر تصمیم‌ها را بر عهده دارد. اولیویه فور رهبر حزب سوسیالیست، به رادیو فرانس اینتر گفت: «الیزابت بورن، گابریل آتال یا هر شخص دیگری، برای من مهم نیست، چون همین سیاست‌ها ادامه خواهد داشت.»

تا کنون رکورد جوانان در دولت فرانسه متعلق به لوران فابیوس بود که در ۳۷ سالگی از سوی رئیس‌جمهور وقت، فرانسوا میتران، در سال ۱۹۸۴ منصوب شده بود. آتال چیزی شبیه یک «ماکرون کوچک» با شخصیتی بلندپرواز و سوابقی درخشان ولی تجربه‌ی کم در انتخابات و فردی خارج از دنیای سیاست به شمار می‌رود.

در ارتباط با همجنسگرایی آتال نیز تا قرن بیست و یکم در فرانسه غیرقابل تصور بود که در سال ۲۰۱۳ ازدواج همجنسگرایان را پذیرفت. یکی از نمایندگان ارشد مارین لوپن، سیاستمدار شناخته‌شده نیز یک فعال همجنسگرا است. آتال قبلاً مصاحبه‌هایی انجام داده که در آن به همجنسگرا بودن و حضور خود در سیاست اشاره کرده است. وی در سال ۲۰۲۱ به نشریه فرانسوی لوموند گفت: «عکس گرفتن با دوست پسرم چیز نیست که سیاستمداران دیگر نیز همیشه (با دوست دختر خود) انجام داده‌اند، پس چرا همجنسگراها نباید این کار را انجام دهند.»

مدت‌هاست که شایعاتی مبنی بر همجنسگرا بودن ماکرون نیز مطرح شده؛ اما او شایعات را مسخره کرده و بلافاصله پس از انتخاب اولیه خود در مورد ادعاها در فضای مجازی مبنی بر رابطه‌اش با رئیس‌مذکر رادیو فرانسه شوخی نیز کرده است.

با این حال، خبر انتصاب گابریل آتال باعث ایجاد نظرات مختلف و زهرآگین در رسانه‌های اجتماعی شده و در برخی رسانه‌های جریان‌های اصلی نیز شگفتی و تعجب برانگیزانه است.

ویلیام راکت سردبیر مجله به شدت محافظه‌کار فیگارو گفته: «برای ماکرون، همجنسگرایی گابریل آتال عاملی است که نباید نادیده گرفته شود. یکی از اصول مکتب ماکرون، آزادی و رهایی است. انتخاب آتال در واقع بازتابی از این عقیده و تفکر است.»

*منبع: تایمز

*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

خود آموزگار سابق مدرسه او بوده است. گابریل آتال جوان‌ترین رئیس دولت در سیستم ۶۲ ساله جمهوری فرانسه است که در آن نخست‌وزیران توسط رئیس‌جمهور منصوب می‌شوند. آنان تابع ریاست جمهوری باقی می‌مانند و از آنها انتظار می‌رود رئیس‌جمهور را حین اجرای



الیزابت بورن

دستوراتش از بحران‌های سیاسی محافظت کنند. پَتریک ویگنال نماینده پارلمان با اشاره به اینکه خود ماکرون برای اولین بار به عنوان جوان‌ترین رهبر در تاریخ مدرن فرانسه در زمان رسیدن به ریاست جمهوری یک چهره محبوب در میان رای‌دهندگان بود، گفت: «گابریل آتال کمی شبیه ماکرون در سال ۲۰۱۷ است.»

ویگنال که عضو حزب رنسانس ماکرون است و برای اولین بار بیش از ده سال پیش با آتال ملاقات کرده بود، افزود: «وزیر آموزش و پرورش، شخصی موجه و دارای اختیار است.»

ژان دانیل لوی محقق موسسه نظرسنجی هریس نیز گفته است: «اتحاد ماکرون- آتال می‌تواند جان تازه‌ای به دولت بدمد.»

چهره‌های اپوزیسیون اما می‌گویند که انتظار تغییر چندانی

● سوسیالیست سابق و وفادار امانوئل ماکرون که جایگزین الیزابت بورن می‌شود، جوان‌ترین نخست وزیر فرانسه از سال ۱۹۸۴ تا کنون است.

امانوئل ماکرون رئیس‌جمهور فرانسه، وزیر آموزش ۳۴ ساله کابینه خود را به عنوان جوان‌ترین و اولین نخست وزیر همجنسگرای فرانسه منصوب کرد تا به اصلاح دولت این کشور بپردازد.

گابریل آتال سوسیالیست سابق و وفادار ماکرون جایگزین الیزابت بورن می‌شود و به او توصیه شده تا انرژی جدیدی به دولت متزلزل میانه‌رو آن کشور تزریق کند، زیرا این دولت می‌بایست برای انتخابات دشوار پارلمان اروپا در ژوئن و بازی‌های المپیک تابستانی پاریس آماده شود.

ماکرون، الیزابت بورن نخست وزیر ۶۲ ساله آن کشور را برخلاف میل خود، روز دوشنبه ۸ ژانویه، پس از ۲۰ ماه کار پر مشقت در کابینه که اکثریت آنها حامی حزب رنسانس ماکرون نبودند، مجبور به استعفا کرد.

آتال فارغ‌التحصیل مدارس و دانشگاه‌های ویژه نخبگان پاریس است که طبقه حاکمه فرانسه را پرورش می‌دهند. وی از سال ۲۰۱۷ به عنوان سخنگوی دولت و معاون وزیر خدمت می‌کرده و از زمان تصدی وزارت آموزش و پرورش به ستاره‌ی ماکرون تبدیل شد.

او با دستور ممنوعیت پوشش مسلمانان در مراکز دولتی و منع مردم‌آزاری، نظر خود را اعمال کرد. تمایلات جنسی و اتحاد مدنی آتال با استفان سژورنه رهبر حزب رنسانس ماکرون، خشم جناح راست را در رسانه‌های اجتماعی و واکنش منفی برخی محافظه‌کاران را برانگیخته است.

با این حال، اپوزیسیون محافظه‌کار که ماکرون به حمایت آنها برای اجرای قوانین نیاز دارد، تحت تأثیر رهبری قاطع آتال در آموزش و پرورش، بزرگترین وزارتخانه فرانسه، قرار گرفته‌اند.

بر اساس نظرسنجی‌ها، این وزیر جوان و خوش‌بین، پیش از مارین لوپن، رهبر تجمع ملی پوپولیستی، به محبوب‌ترین سیاستمدار فرانسه تبدیل شده است.

برای ماکرون، توسل به احزاب راستگرا با توجه به افزایش حمایت از مارین لوپن و حزب وی برای انتخابات اروپا و همچنین به دنبال آن، انتخابات ریاست جمهوری در سال ۲۰۲۷، جنبه حیاتی دارد.

ماکرون به آتال وظیفه بازگرداندن اعتبار خود را داده است. دولت در محاصره، پس از یک سال آشفتگی، تحت تأثیر تلاطم‌های موجود قرار گرفته است. نخست وزیر جدید بر کابینه‌ای ریاست خواهد کرد که توسط ماکرون و همکارانش در کاخ الیزه انتخاب می‌شود.

دولت الیزابت بورن پس از آنکه کنترل اکثریت پارلمان را از دست داد، برای اجرای اصلاحاتی که مورد استقبال نیستند از جمله در مورد بازنشستگی و قوانین مهاجرت، تلاش زیادی کرد. یک هفته شورش در تابستان نیز به وجهه دولت لطمه بیشتری زد. به دنبال کاهش محبوبیت بورن، شمار طرفداران ماکرون نیز به حدود ۲۶ درصد کاهش یافته است.

گزارش شده که چندین تن از افراد با نفوذ و مقتدر در حزب رنسانس ماکرون، از جمله برونو لومر وزیر دارایی، در برابر انتصاب چنین سیاستمدار جوان و نسبتاً بی‌تجربه‌ای به عنوان رئیس جدید دولت مقاومت کرده‌اند.

با این حال، گفته می‌شود که آتال به شدت مورد حمایت بریژیت ماکرون، همسر رئیس‌جمهور این کشور است که

مالچ‌پاشی و مومیایی دریاچه ارومیه از ادعای «طرح تحقیقاتی» تا دستور توقف



کنیم، تجربه‌ای که درباره برخی از تالاب‌های کشور هم وجود دارد، مهمترین آن مالچ‌پاشی در تالاب هورالعظیم است که تجربه ناموفق قابل توجهی بود.»

این متخصص مدیریت تالاب تأکید کرده که «مالچ‌پاشی می‌تواند پیامدهایی سوئی برای تنوع جانوری و گیاهی داشته باشد، سبب تخریب زیستگاه‌ها شود و تهدیدی برای میکرواورگانیزم‌ها باشد. مالچ‌پاشی پیامدهای میان مدت و بلند مدتی هم دارد، مواد به مرور زمان با روان‌آب‌ها، سیلاب‌ها و مواردی دیگر ممکن است در کل سطح دریاچه پخش شوند، و اگر امید داشته باشیم روزی آبگیری دریاچه ارومیه بطور جدی دنبال شود، ممکن است سبب آسیب رساندن به گونه‌هایی مانند آرتمیا شود، آرتمیایی که کلی ارزش صادراتی دارد و می‌تواند سبب ارز آوری شود برای همین لازم هست به خوبی درباره این پیامدها فکر شود.»

علی ارواحی تأکید کرده که «بستر نمکی دریاچه ارومیه یک لایه با ضخامت کم نیست که به راحتی با یک مالچ‌پاشی تثبیت شود، به‌نظم خیلی بعید است مالچ‌پاشی در دریاچه ارومیه برای جلوگیری از انتشار ریزگردهای نمکی کمک کننده باشد.»

به عقیده این کارشناس «تجربه خوزستان نشان می‌دهد با کمک مالچ‌پاشی شاهد تأثیر چشم‌گیری درباره کنترل انتشار ریزگردها نبودیم، چراکه مثلاً وقتی بخش عراقی هورالعظیم مالچ‌پاشی نمی‌کرد گرد و غبار در آسمان خوزستان همچنان منتشر می‌شد، حالا شما دریاچه ارومیه را در نظر بگیرید، این دریاچه ۵۰۰ هزار هکتار وسعت دارد اما مالچ‌پاشی که در این دریاچه دارد انجام می‌شود در نوارهای ساحلی دریاچه است، علاوه بر آثار تخریبی برای تنوع زیستی این سطح از مالچ‌پاشی مگر چقدر می‌تواند انتشار ریزگردهای نمکی را کنترل کند؟ با وسعتی که دریاچه ارومیه دارد کنترل انتشار ریزگردها بعید است.»

اعلام کرد که تلاش‌ها برای احیای دریاچه ارومیه در دولت سیزدهم ادامه دارد و برگزاری منظم ستاد احیا، اتمام بخش سخت‌افزاری احیای دریاچه تا پایان سال، بهره‌برداری از تونل انتقال آب زاب، اصلاح الگوی کشت و حذف محصولات آب‌بر، توقف توسعه اراضی کشاورزی، ممانعت از احداث سدهای در حال بهره‌برداری یا درحال مطالعه از جمله اقدامات انجام شده است.

حسام احمدی بیرگانی عضو هیئت علمی دانشکده منابع طبیعی دانشگاه ارومیه که در سال ۹۴ و در دوره ریاست معصومه ابتکار بر سازمان محیط زیست از جمله پژوهشگران طرح مالچ‌پاشی بر دریاچه ارومیه بوده هم گفته پرونده مالچ‌پاشی در همان تحقیقات بسته شد.

حسام احمدی بیرگانی توضیح داده که چنین پروژه‌ای با اقلیم آذربایجان غربی سازگاری ندارد و این استان مانند استان‌های مرکزی ایران نیست که برای تثبیت ریزگردها به مالچ‌پاشی نیاز داشته باشد؛ چراکه میزان بارش در این استان با نواحی مرکزی ایران متفاوت است و از همین رو نیاز به مالچ‌پاشی ندارد و پوشش گیاهی تشکیل شده به اندازه کافی کار تثبیت ریزگردها را انجام می‌دهد.

حسین آخانی استاد دانشگاه تهران که سالها درباره دریاچه ارومیه و همچنین مالچ‌پاشی‌ها در جنوب ایران تحقیق کرده در پستی اینستاگرامی نوشته که «کار خوبی می‌کنند. در مصر باستان خدایان و مردگان‌شان را مومیایی می‌کردند. مگر ما چی مون از مصر باستان کم داریم؟ مالچ‌پاشی کنند، ولی تو رو به خدا خوب مالچ بپاشند تا لاقل نسل‌های آینده بتوانند جنازه مومیایی دریاچه را که پیدا کردند، نگویند سمبل شده. اینجا را کم نگذارید، بناست قرن‌ها در تاریخ بماند.»

علی ارواحی متخصص مدیریت تالاب هم به «خرانلین» گفته که «مالچ برای این استفاده می‌شود که حرکت شن و ماسه روان را در اکوسیستم‌های مختلف مانند بیابان تثبیت

مدیرکل روابط عمومی سازمان حفاظت محیط زیست: خاک‌پوش یا مالچ غیرنفتی تنها در مساحت ۶۰ مترمربع از دریاچه ارومیه و به منظور تحقیقات انجام شده است. مدیرکل حفاظت محیط زیست آذربایجان شرقی اعلام کرد مالچ‌پاشی بدون اطلاع این سازمان استانی صورت گرفته است.

استاد دانشگاه تهران: مگر ما چی مون از مصر باستان کم داریم؟ مالچ‌پاشی کنند، ولی تو رو به خدا خوب مالچ بپاشند تا لاقل نسل‌های آینده بتوانند جنازه مومیایی دریاچه را که پیدا کردند، نگویند سمبل شده!

خبر مالچ‌پاشی بر بستر دریاچه ارومیه برای جلوگیری از انتشار ریزگردهای نمکی برخاسته از سطح خشک آن با اظهارات متناقض مسئولان روبرو شده است.

فعالان محیط زیست طی روزهای گذشته از مالچ‌پاشی بر سطح دریاچه ارومیه خبر دادند. این خبر با انتشار گزارشی از سوی شبکه سهند، شبکه استانی آذربایجان شرقی متعلق به صداوسیما جمهوری اسلامی، تأیید شد. با انتشار این خبر موجی از واکنش‌ها از سوی فعالان محیط زیست به راه افتاد و در مقابل، مقامات دولتی نیز اظهاراتی متناقض درباره آن ارائه دادند.

میثم سعیدی مدیر کل روابط عمومی سازمان حفاظت محیط زیست در واکنش به انتشار خبر مالچ‌پاشی دریاچه ارومیه مدعی شد که این اقدام، یک طرح تحقیقاتی است! میثم سعیدی در حساب شبکه اجتماعی «ایکس» نوشت: «خاک‌پوش یا مالچ غیرنفتی تنها در مساحت ۶۰ مترمربع از دریاچه ارومیه و به منظور تحقیقات انجام شده است. لذا تیر و توپت‌هایی مبنی بر اینکه «مالچ‌پاشی در دریاچه ارومیه آغاز شد»، جنگ روانی است برای فشار بر افکار عمومی؛ فریب سربازان رسانه‌های چرک دشمن را نخورید.» به نظر می‌رسد مدیران سازمان حفاظت محیط زیست با هم هماهنگ نبودند و همزمان با ادعای مدیرکل روابط عمومی این سازمان، شهنام اشتری مدیرکل حفاظت محیط زیست آذربایجان شرقی هم اعلام کرد مالچ‌پاشی بدون اطلاع این سازمان استانی صورت گرفته است.

شهنام اشتری گفت که «طبق بررسی‌های انجام شده، این اقدام بدون انجام هماهنگی و اخذ مجوزهای لازم از سوی سازمان حفاظت محیط زیست و ستاد احیاء دریاچه ارومیه انجام شده است. به محض آگاهی از اصل موضوع، همکاران اداره محیط زیست شهرستان عجب شیر با حضور در محل نسبت به ممانعت و توقف عملیات اقدام کرده است.»

سپروس داوودی مدیرکل منابع طبیعی آذربایجان شرقی هم اعلام کرده که طرح اجرایی به نام مالچ‌پاشی حوضه دریاچه ارومیه نداریم. او افزوده که مالچ‌پاشی در ۴۰۰ متر مربع در شهرستان یاد شده از سوی یک شرکت دانش بنیان به عنوان یک طرح تحقیقاتی مطرح شده که در خصوص جلوگیری از گرد و غبار بطور عمومی پیگیری می‌شود اما هیچ گونه مجوز یا مصوبه‌ای در این خصوص صادر نشده است.

در پی اظهارات متناقض مقامات استانی و کشوری درباره خبری به این مهمی، صداوسیما در گزارشی فرمایشی با تأکید بر تحقیقاتی بودن این اقدام در مساحت کوچکی از دریاچه

سرنوشت افزایش قیمت بنزین در دست سران قوا

آن را کاهش دهد. در همین رابطه علی سرزعی اقتصاددان معتقد است که «اگر افزایش قیمت بنزین که امری گریزناپذیر است امسال انجام شود بسیار بهتر از سال بعد است؛ زیرا امسال انتظارات تورمی پایین است و افزایش قابل توجه بنزین نمی‌تواند اثرات تورمی شدیدی داشته باشد.»

علی سرزعی افزوده که «این نگرانی هست که سال بعد انتظارات تورمی بالاتر باشد و افزایش قیمت بنزین حتی به مقدار متوسط یا کم انتظارات تورمی را با شدت بیشتری بالا برد. حتی اگر دولت جسارت افزایش قیمت بنزین به اندازه زیاد در سال جاری را ندارد، بهتر است افزایش جزئی را اجرا کند تا فضای ذهنی برای افزایش بعدی در سال بعد ایجاد شود.»

پیش از این نیز جلال محمودزاده عضو کمیسیون کشاورزی مجلس شورای اسلامی با اشاره به نگرانی از تصویب کلیات لایحه بودجه با توجه به «مشکلاتی» که دارد، افزایش قیمت بنزین را یکی از این مشکلات عنوان کرده بود.

جلال محمودزاده گفته بود در بودجه‌ی سال آینده، مجلس چراغ سبزی برای گران کردن حامل‌های انرژی داده که این خطری است که ممکن است دولت به یکباره برود و بنزین یا سایر حامل‌های انرژی را گران کند. به صورت کلی این مسئله مشخص است و از صحبت‌های رئیس کمیسیون تلفیق چنین چیزی بر می‌آید که اینها یکجوری یک چراغ سبزی به دولت داده باشند. روزنامه «اعتقاد» در گزارشی به احتمال قوی درباره افزایش قیمت بنزین در سال آینده اشاره کرده و نوشته که در سال ۱۴۰۲ و ۱۳۸۱ تقریباً قیمت دلاری یک لیتر بنزین یکی بوده، اما در آن زمان نرخ دلار کمتر از هزار تومان بود و امروز ۵۰ هزار تومان است. در آن زمان برنامه چهارم توسعه اجرا می‌شد که دولت را مکلف به افزایش ۲۰ درصدی قیمت حامل‌های انرژی در یک دوره ۴ ساله می‌کرد و الان قیمت بنزین ۴ سال است که تکان نخورده و تورم از کمتر از ۱۵ درصد به بیش از ۴۰ درصد رسیده و در واقع نرخ حامل‌های انرژی، از تورم جا مانده است. این گزارش افزوده افزایش نرخ بنزین در مقایسه با دلار، و جا ماندن نرخ حامل‌های انرژی از تورم موجود، بزرگ‌ترین مشوق دولت برای شوک درمانی پیش رو است. کما اینکه دیگر خبری از «تکذیب شدید» مسئولان درباره نرخ بنزین در سال آینده نیست.

مرتضی افقه، اقتصاددان و استاد دانشگاه جندی‌شاپور اهواز اما در مورد احتمال افزایش نرخ بنزین در سال آینده گفته که «از دو سال پیش دولت درصد افزایش نرخ بنزین و سایر خدمات دولتی بود و نرخ بسیاری از خدمات دولتی هم به صورت چراغ خاموش افزایش پیدا کرد، اما نرخ بنزین را تغییر ندادند و آن‌هم به دلیل نگرانی‌ها از واکنش مردم بود و اگر امروز تصمیم به افزایش نرخ بنزین گرفته‌اند به دلیل کسری بودجه سال آینده است.»

این اقتصاددان در ادامه گفته که «باید پرسید دولت با استناد به چه موضوعی اعلام کرد که بدون برداشتن تحریم‌ها هم می‌تواند اقتصاد کشور را مدیریت کند و تحریم‌ها را به سفره مردم گره نمی‌زند؟ واقعیت این است که هر چه جلوتر رفتیم و منابع تامین درآمد‌های نفتی کمتر می‌شود دست درازی‌ها به سفره مردم هم بیشتر می‌شود.»

مرتضی افقه افزوده «ممکن است نرخ بنزین بطور نسبی کمی از نرخ تورم عقب مانده باشد، اما اینکه این‌گونه استدلال شود که به دلیل قیمت پایین بنزین مصرف آن بالا رفته استدلال درستی نیست و دولت ناکارآمدی‌های خود را از طریق افزایش قیمت‌ها و از جمله قیمت بنزین به مردم منتقل کرده است.»

● **رئیس سازمان برنامه و بودجه گفته درباره افزایش قیمت سوخت اگر بخواهم روشن بگویم در بحث سیاست قیمتی در لایحه بودجه ۱۴۰۳ تصمیمی نگرفتیم.**

● **معاون سازمان برنامه و بودجه: افزایش قیمت بنزین فرابودجه‌ای است. در واقع اتخاذ چنین تصمیمی نیازمند سران سه قواست و باید تمام قوا با هم سر این موضوع تصمیم‌گیری کنند.**

افزایش قیمت بنزین از موضوعات پرمناقشه در میان کارشناسان اقتصادی و انرژی در ایران است. رئیس سازمان برنامه و بودجه گفته در سیاست قیمتی در لایحه بودجه ۱۴۰۳ تصمیمی گرفته نشده. معاون هماهنگی سازمان برنامه و بودجه اما می‌گوید موضوع قیمت بنزین «فرابودجه‌ای» و تصمیم آن با «سران قوا» است.

داود منظور رئیس سازمان برنامه و بودجه صبح دپروز چهارشنبه ۱۳ دی ۱۴۰۲ در حاشیه جلسه هیئت دولت در جمع خبرنگاران درباره احتمال افزایش قیمت سوخت گفته بود که افزایش قیمت سوخت باید در منابع هدفمندسازی یارانه‌ها پیش‌بینی شود. آنچه که الان در منابع هدفمندی پیش‌بینی کردیم این است که سرجمع منابع هدفمندی حدود ۱۰ درصد افزایش پیدا می‌کند، اما تصمیمی درباره ترکیب ۱۰ درصد نگرفتیم که باید رایزنی شود.»

رئیس سازمان برنامه و بودجه تأکید کرده که «اگر بخواهم روشن بگویم در بحث سیاست قیمتی در لایحه بودجه ۱۴۰۳ تصمیمی نگرفتیم.»

حمید امانی همدانی، معاونت هماهنگی برنامه بودجه و نظارت سازمان برنامه و بودجه کشور سه روز پیش در جمع خبرنگاران گفته بود: «افزایش قیمت بنزین فرابودجه‌ای است. در واقع اتخاذ چنین تصمیمی نیازمند سران سه قواست و باید تمام قوا با هم سر این موضوع تصمیم‌گیری کنند.»

معاون سازمان برنامه و بودجه افزوده بود که «بنابراین سازمان برنامه و بودجه می‌تواند برای این موضوع به تنهایی تصمیم‌گیری کند.»

هادی حق شناس اقتصاددان می‌گوید که «مشکل سازمان برنامه و بودجه این است که نمی‌تواند یا نمی‌خواهد واقعیت‌ها را به نمایند‌ها بگوید. یا اینکه شاید فهم واقعی از وضعیت اقتصاد ایران ندارند.»

این اقتصاددان گفته که «واقعیت اقتصاد، این نیست که قیمت بنزین زیاد بشود. چون این افزایش قیمت بنزین در اقتصاد ایران هر چند سال یک بار اتفاق افتاده و مشکل بنزین و خودرو حل نشده است. ما چند بار قیمت بنزین را با شوک درمانی افزایش دادیم، اما مسئله حل نشد. زمانی که می‌خواستیم زیاد کنیم دلیل آن را جلوگیری از اتلاف سوخت، قاچاق و کاهش آلودگی هوای تهران و شهرهای دیگر اعلام کردیم، آیا این مشکلات حل شد؟ یا امروز باز با این دلایل روبه‌رو هستیم که قیمت سوخت در کشورهای همسایه ارزان است، بنابراین قاچاق می‌شود. یا این دلیل را می‌شنویم که مصرف داخلی هم بالای ۱۰۰ میلیون لیتر در روز رفته است. مسئله بنزین، با افزایش قیمت حل نمی‌شود. مسئله با واردات خودروهای هیبریدی و کم‌مصرف حل می‌شود. مسئله این است که مافیای خودرو حذف شود. وقتی واردات خودرو در مجلس تصویب می‌شود، جای دیگر جلوی واردات را می‌گیرند.»

کارشناسان معتقدند دولت در نهایت ناچار خواهد بود در آینده‌ای نه چندان دور قیمت بنزین را افزایش و یارانه

چند هفته پیش روزنامه «هم‌میهن» در گزارشی در رابطه با وضعیت دریاچه ارومیه نوشت در حالی که در خردادماه امسال، کمترین تراز دریاچه ارومیه از سال ۱۳۴۳ ثبت شده است، در روزهای پایانی مردادماه تراز آبی دریاچه به ۱۲۷۰ متر رسیده است؛ عددی که قبلاً به ۱۲۷۲ متر به عنوان وضعیت بحرانی گزارش شده است.

در این گزارش تأکید شده خشکی دریاچه ارومیه زندگی و سلامت ۶ تا ۱۵ میلیون نفر را تحت تأثیر قرار می‌دهد و موجی از بیماری‌های تنفسی، بحران‌های مهاجرتی و محیط زیستی ایجاد می‌کند.

در ادامه این گزارش با اشاره به برگزاری نشست تخصصی «بررسی و آسیب‌شناسی آخرین وضعیت دریاچه ارومیه» به نقل از مهدی فصیحی هرندی پژوهشگر حکمرانی، دیپلماسی و سیاست‌گذاری آب آمده است «آنطور که عددها نشان می‌دهد، دریاچه ارومیه تنها ۵ درصد آب دارد؛ یعنی نزدیک به صفر. ما به زودی بستری کریستالی شده خواهیم داشت که دیگر عملاً قابلیت تبدیل شدن به دریاچه آب شور را ندارد.»

پیش از این نیز عیسی کلانتری، رئیس سابق سازمان حفاظت از محیط زیست وقتی به کافه‌خبر خبرنگاران آمد، درباره انتشار این گردهای نمکی گفت: «دریاچه خشک شود، گرد و غبار نمکی آن تا ۴۰۰ کیلومتر خواهد رفت، اگر دریاچه خشک شود به مرور مردم باید تبریز را تخلیه کنند، چراکه بیش از ۱۰ سال نمی‌توانند غبار نمکی را تحمل کنند.»

مهدی فصیحی هرندی با بیان اینکه «صحبت کردن درباره بحران دریاچه ارومیه دیگر بی‌معنی است» افزوده است: «خشک شدن دریاچه ارومیه تنها، بی‌آبی و خشکسالی نیست، آنچه خیلی دیر متوجه‌اش شدیم بی‌توجهی به جامعه پیرامونی آن منطقه است. باید این موضوع را به جامعه محلی اعلام کرد که برداشت بیش از اندازه آب منجر به چه مشکلاتی می‌شود. عمده دلیل خشک شدن دریاچه ارومیه، برداشت از آب‌های زیرزمینی است، اما تا زمانی که این مشکل حل نشود، نمی‌توان به راهکاری رسید.»

آذرماه امسال نیز مرکز تحقیقات سنجش از دور دانشگاه صنعتی «شریف» در گزارشی با عنوان «آنالیز تراز، سطح و حجم دریاچه ارومیه با استفاده از تصاویر ماهواره‌ای» تصاویری از تغییرات سطح آب دریاچه ارومیه از سال ۱۳۹۴ تا سال ۱۴۰۲ منتشر کرده است. تصاویری که نشان می‌دهد این دریاچه‌ی پُرآب چگونه به شوره‌زاری بزرگ تبدیل شده است. بر اساس این تصاویر، وضعیت سطح آب دریاچه ارومیه از سال ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۸ روندی نوسانی را طی کرده اما طی چهار سال گذشته مسیری رو به پایان در پیش گرفته و به نظر می‌رسد دیگر امیدی به احیای آن نیست.

این گزارش افزوده که در آبان ۱۴۰۰ حدود ۹۰۰ کیلومترمربع از سطح آب دریاچه کاسته شده و در آبان ۱۴۰۱، سطح آب دریاچه به کمتر از ۸۸۰ کیلومترمربع رسیده است. همچنین آخرین نتایج رصد وضعیت دریاچه ارومیه نشان می‌دهد که طی ۲۵ سال گذشته و از سال ۱۳۷۷ تا کنون، به میزان ۹۷ درصد از سطح آب دریاچه ارومیه کاسته شده است.

این گزارش تأکید کرده «اگرچه بررسی‌های دقیق کارشناسی با اجماع محققین حوزه‌های مختلف دانش بر این باور بودند که تحقق احیای دوباره دریاچه ارومیه در یک بازه زمانی ۱۰ ساله امکان‌پذیر است، لکن به دلیل نبود امکان تامین کامل و به موقع اعتبارات دولتی جهت پروژه‌های مورد نیاز از یک سو و نارسایی‌های ساختاری در دستگاه‌های مجری- بطور اخص وزارت نیرو، وزارت جهاد کشاورزی و سازمان حفاظت محیط زیست- برنامه با تأخیری سه ساله مواجه شد.»

سدهای کشور یکی پس از دیگری در حال خشک شدن هستند

«ظرفیت این سد ۶۰ میلیون مترمکعب است نه ۶ میلیون مترمکعبی که در اخبار مطرح شده بود.»
به گفته این فعال محیط زیست، «این سد در یکی از سرشاخه‌های حوضه آبخیز هیرمند است که به زابل و سیستان می‌رسد و هر سدی در مسیر آن ساخته شود برای ایران خطراًفرین است و شرایط خشکی را در پایین‌دست افزایش می‌دهد.»

از سوی دیگر در پی تنش آبی در تهران با کاهش سطح ذخایر سدها و کاهش شدید بارش‌ها، الگوی مصرف آب هر خانوار در تهران از ۱۴ مترمکعب می‌بایست به ۱۲ مترمکعب در ماه کاهش یابد.

به عبارت دیگر از این پس هر خانوار تهرانی که حداکثر ۱۲ مترمکعب در ماه مصرف آب داشته باشد، مصرف عادی و بیش از این مقدار، پرمصرف تلقی می‌شود.

محسن اردکانی مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب استان تهران ۱۳ دی‌ماه در این زمینه گفته بود که طرح جدید برخورد با مشترکان پرمصرف و بدمصرف آب نیز از هفته گذشته در تهران آغاز شده است.

همچنین شرکت مدیریت منابع آب ایران نیز اعلام کرده شرایط بارش‌ها در پاییز ۱۴۰۲ به نسبت سال قبل شش درصد کاهش داشته که کاملاً خلاف پیش‌بینی سازمان هواشناسی مبنی بر پاییزی پر بارش است.

بر اساس آمارهای سازمان منابع آب ایران، استان چهارمحال و بختیاری با ۵۸ درصد کاهش، استان فارس با ۴۸ درصد و استان‌های خراسان رضوی و زنجان با ۴۷ درصد بیشترین کاهش بارش را نسبت به سال آبی گذشته داشته‌اند.

در گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، نیز با وجود امید به جبران کم‌بارشی در سال جاری، شرایط آبی ایران بحرانی ارزیابی شده است. این در حالی است که کارشناسان تأکید دارند وضع ذخایر آبی در ایران بحرانی‌تر از چیزی است که در این گزارش به آن اشاره شده است.

ذخایر سدهای استان فارس، کرمانشاه، هرمزگان و خراسان رضوی نیز با کاهش حجم پرشدگی نسبت به سال قبل مواجه‌اند که این موضوع برای تأمین آب شرب در سال پیش رو نگرانی‌هایی ایجاد کرده است. در این گزارش تأکید شد که سدهای استان گلستان و شهرستان داراب در استان فارس تقریباً خشک شده‌اند و ذخیره آنها صفر است.

از سوی دیگر خبرگزاری «مهر» روز سی‌ام آذر، با اشاره به خشکسالی مطلق در جنوب کرمان نوشت که باتلاق جازموریان به بیابانی بی آب و علف تبدیل شده است.

معاون محیط زیست طبیعی و تنوع زیستی اداره کل حفاظت محیط زیست استان اصفهان نیز ۱۷ خرداد امسال از خشک شدن «صد درصد» تالاب گاوخونی خبر داده و گفته بود که تنها دو یا سه درصد از قسمت شمالی تالاب کمی مرطوب است.

دریاچه ارومیه نیز سال‌ها به دلیل سیاست‌های نادرست جمهوری اسلامی با وضعیتی بحرانی روبرو شده و گزارش‌ها نشان می‌دهد بیش از ۹۰ درصد دریاچه خشک و ناقوس مرگ آن به صدا درآمده است.

به عقیده کارشناسان، یکی از اصلی‌ترین عوامل از بین رفتن منابع آب و خشکسالی، سدسازی‌های بی‌رویه و غیرکارشناسی جمهوری اسلامی بوده که از دوره ریاست جمهوری اکبر هاشمی رفسنجانی آغاز و تا کنون ادامه داشته است.



سد لار یکی از سدهای تأمین کننده آب آشامیدنی تهران

و از ذخیره مخزن در حال برداشت هستیم» توضیح داده بود: «میزان کاهش بارش برف در سال جاری استثنایی است. در صورت تداوم این شرایط، مجبور به اتخاذ تصمیمات سخت خواهیم بود.»

سد امیرکبیر همان سد کرج است که بر رودخانه کرج در ۲۵ کیلومتری شمال شهر کرج و کنار جاده چالوس ساخته شده و یکی از منابع مهم تأمین آب شهر تهران به شمار می‌رود. به گزارش خبرگزاری تسنیم از این سد، سطح آب به طرز عجیبی پایین رفته و در برخی نقاط این کاهش به ۲۰ متر هم می‌رسد. بارش‌های سال زراعی امسال در البرز نسبت به میانگین بلندمدت کاهش ۵۰ درصدی داشته و از ابتدای سال آبی جاری تا کنون ۵۹ میلی‌متر بارندگی در البرز ثبت شده است.

بر این اساس در حال حاضر ۱۷ سد مهم کشور زیر ۲۰ درصد آب دارند؛ در واقع بیش از ۸۰ درصد ظرفیت مخازن این سدها خالی شده است. از جمله ۳ سد استان خراسان جنوبی خشک شده‌اند.

به گفته عباس سارانی مدیرعامل شرکت آب منطقه‌ای خراسان جنوبی، در حال حاضر حجم آب مخازن هشت سد خراسان جنوبی ۸/۸ میلیون مترمکعب است که این آمار در مدت مشابه سال قبل ۹/۸ میلیون مترمکعب بوده است.

۳مخزن سد «شهید پارسا»، سد دره‌بید و سد کریت خشک شده‌اند و در حال حاضر تنها ۱۱/۵۶ درصد از حجم مخازن سدهای استان خراسان جنوبی آب دارند.

همچنین سد کارده مشهد و سد چهچهه خراسان رضوی نیز خشک شده‌اند.

حجم ذخیره سد کارده در مشهد تقریباً به پایان رسیده و تصاویری که مردم از اراضی خشک و برهوت پشت این سد ثبت و منتشر کرده‌اند، هولناک و نگران‌کننده است. اینهمه در حالیست که سد خاشرود در ولایت نیمروز افغانستان، نزدیک مرز آن کشور زنگ خطری برای ایران به شمار می‌رود. چرا که طالبان اعلام کرده که برنامه ساخت یک سد در خاشرود را دارد. خاشرود یکی از شاخه‌های رود هیرمند است که مدت‌هاست محل تنش بین ایران و افغانستان شده است. در همین ارتباط محمد درویش فعال محیط‌زیست درباره خطرات سد جدید طالبان برای ایران به «انتخاب» گفته است:

● ذخایر آب سد لار به ۱ درصد رسیده که باید گفت تقریباً خشک شده و آب باقیمانده برای آشامیدن قابل استفاده نیست.

● در سال آبی امسال ۵ میلیارد و ۲۷۰ میلیون مترمکعب آب وارد سدهای ایران شده که نسبت به پارسال کاهش ۳ درصدی داشته و در مجموع رشد ذخایر ۳۲ سد کشور نسبت به سال گذشته منفی است.

آخرین وضعیت بحرانی ۵ سد تهران حکایت از کسری ۳۰۰ میلیون متر مکعبی ذخایر سدها نسبت به شرایط معمولی دارد. ذخایر ۳ سد از مجموع ۵ سد زیر ۲۰ درصد است که این سدها، همگی در سامانه شرقی تأمین آب تهران واقع شده‌اند. ذخایر آب سد لار به ۱ درصد رسیده که باید گفت تقریباً خشک شده و آب باقیمانده برای آشامیدن قابل استفاده نیست. همچنین برداشت از منابع زیرزمینی نسبت به منابع سطحی، به نسبت کم‌سابقه ۷۰ درصد به ۳۰ درصد رسیده و در برخی روزها، میزان تأمین آب از محل چاه‌ها از مرز ۷۰ درصد هم می‌گذرد. اینهمه در حالیست که رشد ذخایر ۳۲ سد کشور منفی است.

در سال آبی امسال ۵ میلیارد و ۲۷۰ میلیون مترمکعب آب وارد سدهای ایران شده که نسبت به پارسال کاهش ۳ درصدی داشته و در مجموع رشد ذخایر ۳۲ سد کشور نسبت به سال گذشته منفی است.

این برای نخستین بار در سال آبی جاری است که میزان مجموعه‌ی ورودی آب به سدهای کشور نسبت به زمان مشابه سال قبل منفی شده است.

این مسئله نشان می‌دهد در حالی که ورودی آب به سدهای کشور در پاییز رشد داشته، این میزان در هفته‌های آغازین زمستان به حدی کاهش یافته که آمار مثبت پاییز را نیز در مجموع منفی کرده است.

در همین زمینه فیروز قاسم‌زاده، سخنگوی صنعت آب به روزنامه «فرهیختگان» گفته است: «سدها در مقایسه با متوسط پنج سال گذشته دارای کاهش ۱۰ درصدی است. همچنین درصد پرشدگی سدهای پایتخت ۱۵ درصد است. مجموع ۱۳ سد مهم حوضه آبریز دریاچه ارومیه نیز حدود ۲۴ درصد پرشدگی دارد که نسبت به سال آبی گذشته ۱۵ درصد کاهش داشته است.»

در سدهای تهران، ۸۵ درصد مجموع ظرفیت مخازن سدها خالی است و تنها ۲۷۷ میلیون مترمکعب ذخیره آب در تهران وجود دارد.

وضعیت سدهای شرق تهران از سال قبل وخیم‌تر و وضعیت سدهای غرب تهران از زمان مشابه سال قبل، کمی بهتر است. در زنجیره کارون که سدهای مخزنی کارون ۴، کارون ۳، شهید عباسپور، مسجد سلیمان و گتوند واقع شده، در حال حاضر مجموع ذخایر سدها ۷ میلیارد و ۶۱۸ میلیون مترمکعب است که حدود نیمی از این ذخایر، در مخزن بزرگ سد گتوند ذخیره شده است.

از سوی دیگر ورودی آب سد کرج نیز نصف میزان خروجی شده است. به گفته مدیرعامل آب منطقه‌ای استان البرز «متأسفانه دوره‌های خشکسالی تداوم پیدا کرده است. اگر لازم باشد برای تأمین آب شرب از دشت‌های ممنوعه برداشت می‌کنیم.»

داوود نجفیان ۱۶ دی ماه اعلام کرد که امسال ۷۶۰ حلقه چاه آب غیرمجاز مسدود شده است و تا پایان سال تعداد آنها به هزار حلقه می‌رسد.

وی با بیان اینکه «میزان ورودی نصف میزان خروجی است

فرزندآوری با امکانات صفر و هزینه‌های نجومی

نرخ رحم اجاره‌ای تا ۹۰۰ میلیون تومان!

است به طوری که احتمالاً بخش قابل توجهی از خانوارهای ایرانی در مواجهه با افزایش هزینه خرید یا اجاره مسکن، به نوعی «داشتن فرزند را از اولویت زندگی شان خارج کرده اند» و در مقطعی که تهیه گران‌ترین کالای مصرفی، یعنی خانه، با «ثبات یا کاهش قیمت روبرو بوده» نیز نبود مانع برای فرزندآوری باعث افزایش آن شده است.

این گزارش تأکید کرده بود که شبیه این رابطه برای ازدواج هم قابل مشاهده است. در ابتدای نیمه دوم دهه ۹۰ و همچنین سال گذشته که به ترتیب «هزینه خرید مسکن» و «هزینه اجاره نشینی» صعود تند داشت، آمار رسمی ازدواج با بیشترین کاهش سالانه روبرو شد. از سوی دیگر مرکز رصد جمعیت کشور هفته گذشته اعلام کرد که آمار ثبتی رویدادهای حیاتی از ابتدای سال تا اول مردادماه نشان می‌دهد که کل ولادت کشور در این بازه زمانی ۳۳۸ هزار و ۶۸۴ نفر بوده که از این میزان، ۱۷۵ هزار و ۷۴۰ ولادت مربوط به پسران و ۱۶۲ هزار و ۹۴۴ ولادت دیگر مربوط به دختران است. جزییات داده‌های مرکز رصد جمعیت کشور نشان می‌دهد در سال ۱۴۰۱ یک میلیون و ۷۵ هزار و ۳۳۱ رویداد ولادت در کشور به ثبت رسیده که به نسبت سال ۱۴۰۰ این آمار ۳/۷ درصد کاهش داشته بطوری که آمار ولادت در سال ۱۴۰۰ یک میلیون و ۱۱۶ هزار و ۲۱۲ نفر بوده است.

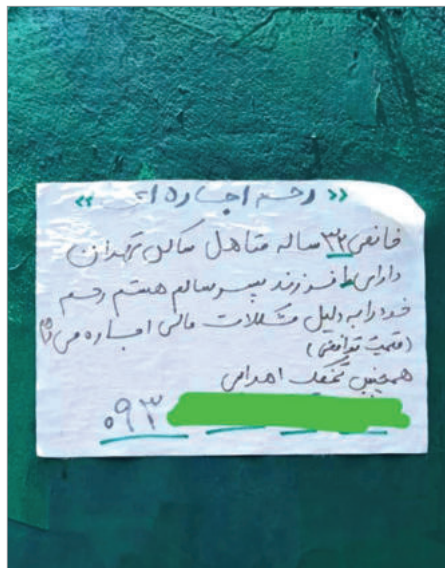
همچنین در ۴ ماهه اول سال ۱۴۰۲ تعداد ۳۳۸ هزار و ۶۸۴ تولد در کشور به ثبت رسیده که این میزان به نسبت مدت مشابه سال گذشته که ۳۴۲ هزار و ۸۳ مورد بوده، یک درصد کاهش را نشان می‌دهد.

در سال ۱۴۰۱ میانگین سن مادران در اولین فرزندآوری ۲۷/۳ سال بوده است. مقدار این شاخص در مناطق شهری ۲۸/۱ سال و در نقاط روستایی ۲۴/۴ سال بوده است. در این سال میانگین سن پدر در اولین فرزندآوری برابر با ۳۲ سال بوده است. میانگین سن پدر برای مناطق شهری برابر با ۳۲/۶ سال و برای نقاط روستایی برابر با ۲۹/۸ سال است. جمهوری اسلامی سال‌هاست با اصرار علی‌خامنه‌ای برنامه‌ها و تبلیغاتی برای افزایش جمعیت اجرا کرده اما مطلقاً مورد استقبال قرار نگرفته و رشد جمعیت روند منفی خود را ادامه داده است.

علی‌خامنه‌ای از مرداد سال ۱۳۹۰ بطور مکرر خواهان افزایش جمعیت ایران به دست کم ۱۵۰ میلیون نفر شده است. او در همین سال طی سخنانی گفت: «معتقدم کشور ما با امکاناتی که داریم، می‌تواند ۱۵۰ میلیون نفر جمعیت داشته باشد و هر اقدام و تدبیری که می‌خواهد برای متوقف کردن رشد جمعیت انجام بگیرد، بعد از ۱۵۰ میلیون نفری شدن کشور انجام بگیرد.»

علی‌خامنه‌ای سپس در مهرماه سال ۱۳۹۱ نیز سیاست دهه هفتاد برای کنترل جمعیت را خطا خواند و افزود: «یکی از خطاهایی که خود ما کردیم این بوده که تحدید نسل از اواسط دهه ۷۰ به این طرف باید متوقف می‌شد. مسئولان در این باره اشتباه کردند و خودم هم سهیم هستم.»

کارشناسان نسبت به کمبود نیروی انسانی بهره‌ور و پیر شدن جمعیت کشور هشدار می‌دهند اما از آنجا که «رشد جمعیت» در ایران با «تبلیغات ایدئولوژیک حکومت» پیوند خورده حتی خانوارهایی که مشکلات اقتصادی ندارند، علاقه‌ای به فرزندآوری نشان نمی‌دهند.



دیگر یک کشور میانسال هستیم و نازایی در ایران بالاست و ناباروری اولیه و ثانویه داریم که سبک زندگی، تغذیه و حتی پوشش، آب و هوا و رطوبت هم بر باروری تأثیر دارد.» دبیر مرکز مطالعات راهبردی جمعیت کشور گفته که «در ۱۰ سال گذشته ناباروری ثانویه از ناباروری اولیه پیشی گرفته است و این یعنی زوج‌های زیادی که بارور بوده‌اند را هم از دست می‌دهیم و ۸۶ درصد افرادی که ناباروری ثانویه دارند به این اذعان می‌کردند هر وقت بخواهند که تصمیم به فرزنددار شدن بگیرند، موفق می‌شوند و فرصت فرزندآوری برای‌شان مهیاست در حالی که اینطور نیست.»

گزارش‌ها حاکی از آمار رسمی تغییرات جمعیتی کشور است. سال گذشته ۵۲۴ هزار ازدواج به ثبت رسید که کمترین میزان از سال ۷۶ به بعد است. در سال ۱۴۰۱ همچنین یک میلیون و ۷۵ هزار نفر ولادت اتفاق افتاد که این کمترین میزان فرزندآوری از سال ۸۳ تا کنون است.

وبسایت «فرارو» ماه گذشته با اعلام آمار کاهش ازدواج و تولد در کشور نوشت که روند کاهش توأم «ازدواج» و «زاد و ولد» در کشور که سال گذشته با رکورد «کمترین واقعه» برای هر دو همراه شد، از نگاه برخی‌ها، ناشی از تغییرات «سبک زندگی» تلقی می‌شود؛ اما واقعیت معادله جدید جمعیتی، فراتر از این تغییر است و «ریشه اقتصادی» دارد. بر اساس این گزارش، فاکتور «هزینه خرید و تامین مسکن» طی سال‌های جهش قیمت‌ها، مانند ترمز در فرزندآوری عمل کرده است. شروع بحران تورم مسکن ابتدا به مستاجر شدن اکثر زوج‌های جدید و سپس با انعکاس «سختی دسترسی به مسکن» در جامعه، به کاهش میل به ازدواج منجر شد. از طرفی، «ابرهزینه اجاره در سبد هزینه خانوارها» باعث انصراف از «داشتن فرزند» شده است.

این گزارش در ادامه نوشته بود که عصر جهش قیمت مسکن و صعود تاریخی اجاره بها در شهرهای ایران، «تغییرات چشمگیری» در معادله جمعیتی کشور ایجاد کرد. داده‌های رسمی از روند ازدواج و فرزندآوری طی بیش از یک دهه گذشته نشان می‌دهد، «رابطه کاملاً معنادار بین تورم مسکن و رشد جمعیت از محل زاد و ولد» وجود داشته

● قیمت رحم اجاره‌ای از ۴۰۰ میلیون تومان آغاز و تا ۹۰۰ میلیون تومان هم افزایش می‌یابد. زوج اجاره‌کننده رحم جدا از مبلغ کلی، باید ماهیانه نیز ۴ تا ۷ میلیون تومان به اجاره‌دهنده رحم پرداخت کنند.

● خدمات بیمه درمانی برای ناباروری آنقدر ناچیز و بی‌خاصیت است که با وجود جمعیت بیش از سه میلیون نفری زوج‌های نابارور تنها سه هزار پرونده برای بهره‌مندی از این بیمه تشکیل شده است.

جمهوری اسلامی در حالی به خاطر اهداف ایدئولوژیک خود به دنبال افزایش جمعیت است که مردم هیچ علاقه‌ای به این تبلیغات نشان نمی‌دهند. دولت حتی نتوانسته برای زوج‌های نابارور که قصد فرزندآوری دارند، امکانات فراهم کند بطوری که نرخ رحم اجاره‌ای تا ۹۰۰ میلیون تومان افزایش یافته است.

بسیاری از زوج‌هایی که با مشکل بارداری مواجه هستند از رحم اجاره‌ای استفاده می‌کنند که البته شیوه‌ای پیچیده است. برخی نیز به دلیل مشکلات اقتصادی داوطلب اجاره دادن هستند تا از این طریق بتوانند معیشت خود را بگذرانند. در چنین شرایطی بازاری برای اجاره رحم به راه افتاده که نرخ‌های مختلفی در آن وجود دارد.

به گزارش وبسایت «جریان نو» قیمت رحم اجاره‌ای متغیر است و در حال حاضر از ۴۰۰ میلیون تومان آغاز و تا ۹۰۰ میلیون تومان هم افزایش می‌یابد. زوج اجاره‌کننده رحم جدا از مبلغ کلی، باید ماهیانه نیز ۴ تا ۷ میلیون تومان به اجاره‌دهنده رحم پرداخت کنند و البته در صورت دوقلو بودن جنین‌ها هم حدود ۲۰ میلیون تومان هزینه اضافه باید پرداخت شود. سن اجاره‌دهندگان در مبلغ پیشنهادی برای رحم بسیار تأثیرگذار است. بر اساس این گزارش دهه هفتادی‌ها عمده اجاره‌دهندگان رحم هستند. یکی از شرایط مهم برای اجاره رحم داشتن فرزندانی سالم، رضایت همسر، یا پدر و مادر، عدم زایمان نارس و سن زیر ۳۳ سال است.

این نرخ‌ها در صورتی است که جنین با لقاح آزمایشگاهی تخمک و اسپرم مادر و پدر درست و به صورت آی‌وی‌اف به رحم اجاره‌دهنده منتقل شود. اما در صورتی که مادر دارای تخمک نباشد و اجاره‌دهنده رحم تخمک خودش را هم اهدا کند ممکن است نرخ اجاره بیشتر شود.

زوج‌هایی که به هر علتی با مشکلات ناباروری روبرو هستند از ابتدای آغاز مراحل درمان با هزینه‌های هنگفتی روبرو می‌شوند آنهم در حالی که بسیاری از آنها زیر پوشش بیمه نیستند. از سوی دیگر برخی مراحل از جمله آی‌وی‌اف شاید بارها تکرار شود تا در نهایت بارداری اتفاق بیفتد و هر دوره این درمان‌ها همچنین هزینه‌های زیادی را به زوج نابارور تحمیل می‌کنند. خدمات بیمه درمانی برای ناباروری آنقدر ناچیز و بی‌خاصیت است که با وجود جمعیت بیش از سه میلیون نفری زوج‌های نابارور تنها سه هزار پرونده در سازمان تأمین اجتماعی برای بهره‌مندی از این خدمات تشکیل شده است. اینهمه در حالیست که آبان امسال صالح قاسمی دبیر مرکز مطالعات راهبردی جمعیت کشور خبر داد که در ۱۰ سال گذشته ناباروری ثانویه از ناباروری اولیه پیشی گرفته است و این یعنی زوج‌های زیادی که بارور بوده‌اند نیز از دست می‌روند.

صالح قاسمی گفته «با میانگین سنی بالای ۳۵ سال حالا

فساد ۲۲ میلیون دلاری «آستان قدس رضوی» برای واردات لاستیک

«آستان قدس رضوی» در دوره ریاست ابراهیم رئیسی بر قوه قضاییه (۱۳۹۷ تا ۱۴۰۰) و دولت دوم حسن روحانی، ۸۰ میلیون دلار ارز دولتی برای واردات لاستیک دریافت کرد اما کالایی در برابر این ارز وارد نشده است. به گزارش روزنامه «اعتقاد»، با گذشت سه سال از تشکیل پرونده قضایی، این پرونده همچنان حلقه‌های مفقوده و ابعادی مجهول دارد و روند دادرسی به سویی پیش رفته که نام برخی اشخاص در این پرونده فساد مخفی ماند. یکی از متهمان اصلی این پرونده در دوره ریاست جمهوری رئیسی به مقام ریاست مرکز تجاری ایرانیان در ارمنستان رسید و متهم دیگر هم در دولت سیزدهم معاون وزیر و مشاور معاون اول رئیس جمهوری اسلامی است.

کانون نویسندگان ایران:

مراسم بزرگداشت بکتاش آبتین با فشار مأموران امنیتی ناتمام ماند

مراسم دومین سالگرد قتل فراقضایی بکتاش آبتین نویسنده و شاعر و فیلمساز، با حضور نیروهای امنیتی نیمه تمام ماند. کانون نویسندگان ایران نوشته با دخالت مأموران امنیتی برای پایان دادن به مراسم او، «یاران بکتاش تنها فرصت یافتند که پیش از ترک گورستان با پرپر کردن گل‌ها مزار عزیزش را گلباران کنند.» بکتاش آبتین روز شنبه ۱۸ دی ۱۴۰۰ در پی ابتلا به بیماری کرونا در زندان و اعزام دیر هنگام به بیمارستان، در سن ۶۷ سالگی در بیمارستان ساسان تهران چشم از جهان فرو بست.

تداوم بحران خودکشی رزیدنت‌ها؛ هشدار انجمن علمی روانپزشکان ایران به دولت

پگاه طلاپویزاد رزیدنت چشم‌پزشکی شاغل در دزفول، علی قانع‌ی فرد دندانپزشک طرحی شاغل در میاندوآب و سیامک بهروان رزیدنت روانپزشکی شاغل در بابل هفته گذشته



خودکشی کرده و جان باختند. معاون سازمان نظام پزشکی، نداشتن امید به آینده را یکی از مهم‌ترین عوامل خودکشی رزیدنت‌ها دانسته و گفته با حقوق هشت تا ۱۱ میلیون تومان بطور باید زندگی خود را بگذرانند؟ انجمن علمی روانپزشکان ایران در نامه‌ای به ابراهیم رئیسی با اشاره به آمار بالای خودکشی در بین رزیدنت‌ها، هشدار داده که تداوم این روند زمینه‌ساز «فروپاشی نظام سلامت کشور» است.

هشدار سازمان حقوق بشر ایران:

خطر اعدام قریب الوقوع چهار زندانی سیاسی گُرد

سازمان حقوق بشر ایران ضمن محکوم کردن صدور حکم اعدام برای چهار زندانی سیاسی، محسن مظلوم، پژمان فاتحی، وفا آذربار و هژیر فرامرزی، خواهان پاسخ مناسب جامعه جهانی به اعدام‌های بی‌رویه در ایران است. محمود امیری مقدم مدیر سازمان حقوق بشر ایران گفت: «علاوه بر غیرانسانی بودن مجازات مرگ، این چهار زندانی همچون بسیاری دیگر از زندانیان محکوم به اعدام، از کوچکترین استانداردهای دادرسی عادلانه برخوردار نبوده‌اند و احکام آنها حتی بر اساس قوانین جمهوری اسلامی غیرقانونی است.»

توزیع «شیر رایگان» دانش‌آموزان را مسموم و روانه بیمارستان کرد!

بر اساس گزارش‌ها، روز سه‌شنبه ۱۹ دی‌ماه تعدادی از دانش‌آموزان شهرستان چهاربرج در میاندوآب استان آذربایجان غربی بر اثر مصرف «شیر رایگان» که در مدرسه توزیع شده بود مسموم شده و به بیمارستان منتقل شدند. به گفته‌ی رئیس دانشکده علوم پزشکی میاندوآب، تعداد این دانش‌آموزان ۲۰ نفر است که پس از درمان حال همگی آنها بهبود یافته است. هنوز در مورد علت و نحوه توزیع شیرهای مسموم اطلاعات بیشتری منتشر نشده است.

وقوع آتش‌سوزی گسترده در جنگل‌های چمستان استان مازندران

صادق طهماسب پور رئیس اداره منابع طبیعی و آبخیزداری نور روز سه‌شنبه ۱۹ دی‌ماه در رابطه با وقوع آتش‌سوزی در جنگل‌های روستای لایویج در بخش چمستان استان مازندران گفت: «این آتش‌سوزی از سوی نیروهای مردمی گزارش شد



و بلافاصله نیروهای یگان حفاظت با به‌کارگیری خودروهای آتش‌نشانی شهرداری عازم محل وقوع آتش‌سوزی شدند. طبق گزارش‌های رسیده، جنگل‌های منطقه در سه نقطه ۲ نقطه در ارتفاعات بالادست و سخت‌گذر و یک نقطه هم در پایین‌دست دچار حریق شده که در پایین‌دست با همکاری نیروها آتش خاموش شد اما در ارتفاعات به علت بعد مسافت روند اطفاء سخت و دشوار خواهد بود.»

درگیری مسلحانه در «پاسگاه جنگل راسک»؛ یک درجه‌دار نیروی انتظامی کشته شد

برای دومین بار در یک ماه گذشته افراد مسلح به پاسگاه راسک در جنوب سیستان و بلوچستان حمله کردند. در این درگیری گروه‌های امیرحسین حسین‌آبادی کشته شد. طرفین بیشتر از سه ساعت تبادل آتش می‌کردند تا نیروهای کمکی به پاسگاه رسیدند. گروه «جیش العدل» مسئولیت این حمله را به عهده گرفته است.

آمار فاجعه‌بار خودکشی کودکان در ایران

در پی انتشار گسترده خبر خودکشی یسنا دختر ۱۲ ساله یاسوجی در ۱۷ دی‌ماه، خبر دیگری نیز در رابطه با خودکشی یک پسر ۱۱ ساله در تهران در همان روز منتشر شد که توسط روسری مادرش خود را حلق آویز کرد. دو هفته پیش از این نیز خبر خودکشی دو نوجوان ۱۷ و ۱۵ ساله در تهران و کرمانشاه منتشر شده بود و کمتر از سه ماه پیش از آن هم دو دانش‌آموز دیگر از طریق مصرف قرص و پرش از ارتفاع به زندگی خود پایان داده بودند.

طبق گزارش انجمن دفاع از حقوق کودکان ایران، هیچگونه آمار رسمی در مورد تعداد خودکشی کودکان و نوجوانان وجود ندارد. «ایمن» در گزارشی یادآور شده که تنها آمار موجود در این زمینه، مربوط به سازمان ثبت احوال است و نشان می‌دهد خودکشی جزو پنج دلیل اصلی مرگ نوجوانان است و بیش از ۳ درصد مرگ‌ها در این سن، به علت خودکشی اتفاق می‌افتد. بر اساس این پژوهش که در یک بازه زمانی ده ساله انجام گرفته، مشخص شده ۴۸ درصد خودکشی‌ها مربوط به پسران و ۵۲ درصد مربوط به دختران است. همچنین در این پژوهش آمده: «۴۰ درصد از خودکشی‌ها بر اثر حلق آویز شدن، ۳۸ درصد بر اثر پریدن از ارتفاع و ۱۲ درصد نیز بر اثر مصرف قرص اتفاق افتاده است که ۴۵ درصد بین سنین ۹ تا ۱۴ سال و ۵۵ درصد هم مربوط به سن ۱۵ تا ۱۸ سال بوده است.»



در مورد دلایل خودکشی کودکان و نوجوانان، این پژوهش نشان می‌دهد که دلایلی مانند درگیری‌های خانوادگی (۲۸ درصد)، مشکلات تحصیلی (۲۶ درصد)، ازدواج اجباری (۲۰ درصد)، قربانی تجاوزه (۸ درصد)، فقر (۸ درصد)، تأثیرپذیری از فیلم (۵ درصد) و شکست عاطفی (۵ درصد) از مهم‌ترین دلایل هستند که در شهرهای تهران، اصفهان و همدان بیشترین شمار خودکشی را به خود اختصاص داده‌اند.

شیوع «روتاویروس» در ایران؛ مرگبار مثل وبا اما بدون برنامه واکسیناسیون

شیوع روتاویروس در کشور طی هفته‌های اخیر، افراد زیادی را گرفتار کرده است. در این میان، آمار ابتلای نوزادان و کودکان بیش از بزرگسالان است. تب و اسهال از علائم ابتلا به روتاویروس است. تا کنون ۹ گونه از روتاویروس‌ها در دنیا شناسایی شده‌اند و سالانه بیش از ۵۰۰ هزار کودک زیر ۵ سال در سراسر دنیا برائر ابتلا به این بیماری جان خود را از دست می‌دهند. موضوعی که گفته می‌شود در ایران آمار بالایی ندارد. دکتر مینو محرز: «روتاویروس مثل سایر ویروس‌های گوارشی از طریق دهان و مدفوع منتقل می‌شود و مهم‌ترین راه پیشگیری از آن رعایت بهداشت دست‌ها و شستشوی مرتب آنها است.»

تلاش دستگاه‌های مختلف برای کاهش ساعت کاری و افزایش خانه‌نشینی زنان شاغل

پیگیری کاهش ساعت کاری کارمندان و تلاش برای دور کردن زنان از محیط‌های اجتماعی مدت‌هاست در دستور کار سازمان‌ها و نهادهای مختلف دولتی قرار دارد. این تلاش‌ها در حالیست که مسئولان اشتغال در جمهوری اسلامی از سوی دیگر ادعا می‌کنند نرخ مشارکت اقتصادی زنان افزایش پیدا کرده است. یک جمعیت‌شناس در همین ارتباط معتقد است که از بهار ۹۸ تا زمستان ۱۴۰۱ نرخ مشارکت اقتصادی زنان، روندی نزولی را طی کرده و سرعت نرخ بیکاری زنان بیشتر از نرخ اشتغال است.

پنج قاچاقچی مرتبط با رژیم ایران در مرز سوریه و اردن کشته شدند

به گزارش رویترز، پنج قاچاقچی اسلحه و مواد مخدر مرتبط با جمهوری اسلامی یکشنبه ۱۷ دی‌ماه پس از تلاش برای عبور غیرقانونی از مرز سوریه در حالی که قصد ورود



به اراضی شمالی اردن را داشتند در کمین ارتش اردن گیر افتادند و کشته شدند. نیروهای ارتش همچنین ۱۵ نفر از این قاچاقچی‌ها را زنده دستگیر کردند. منابع خبری گزارش دادند طرفین چند ساعت تبادل آتش می‌کردند. بیش از ۶۳۰ هزار کپسول مخدر کپسول فن‌تبلین و نزدیک به سه هزار و پانصد بسته حشیش از آنها کشف و ضبط شد.

شهلا لاهیجی در ۸۱ سالگی درگذشت

شهلا عبدالله‌زاده لاهیجی نویسنده، مترجم و مدیر انتشارات روشنگران و مطالعات زنان ایران، دوشنبه ۱۸ دی ۱۴۰۲ درگذشت.

وی مدت‌ها بیمار بود و در یک بیمارستان در تهران چشم از جهان فرو بست.

شهلا لاهیجی در سال ۲۰۰۱ «جایزه آزادی نوشتن» را از انجمن جهانی قلم (پن) دریافت کرد و پیش از آن در آوریل ۲۰۰۰ یکی از مهمانانی بود که در کنفرانس برلین با عنوان «ایران پس از انتخابات پارلمانی: پویایی اصلاحات در جمهوری اسلامی» به دعوت حزب سبزهای آلمان در کنار ۱۶ تن دیگر مانند محمود دولت‌آبادی، شهلا شرکت، عزت‌الله سبحانی، مهرانگیز کار و فریبرز رئیس‌دانا و... شرکت کرده بود.

فرانتس بکن‌باوئر «قیصر» فوتبال آلمان درگذشت

فرانتس بکن‌باوئر اسطوره باشگاه بایرن مونیخ و تیم ملی آلمان در سن ۷۸ سالگی درگذشت.

وی بین سال‌های ۱۹۶۴ تا ۱۹۷۷ بازیکن باشگاه تیم بایرن مونیخ بود و پس از آن برای چند سال به عنوان سرمربی روی نیمکت این تیم نشست.

بکن‌باوئر ۱۰۴ بازی ملی با لباس آلمان غربی در کارنامه خود داشت و با همین تیم فاتح جام جهانی ۱۹۷۴ شد.

از بکن‌باوئر به عنوان یکی از بهترین مدافعان تاریخ فوتبال یاد می‌شود. او سال‌ها ریاست باشگاه بایرن مونیخ را برعهده داشت و همچنین مدتی نایب‌رئیس فدراسیون فوتبال آلمان بود.

او که بین آلمانی‌ها به «قیصر» (کایزر) معروف بود برای کمک به افراد دارای معلولیت و همچنین کسانی که از نظر مالی ضعیف هستند، بنیادی به نام خود تأسیس کرده بود و همزمان به تیم‌های کوچک فوتبال نیز یاری می‌رساند و از سال ۲۰۱۳ یکی از سفیران پروژه بین‌المللی «فوتبال برای دوستی» بود.



البته او نیز مانند برخی گول‌های ورزش به خاطر فرار مالیاتی و دیگر مسائل مالی مورد انتقاد قرار داشت.

بکن‌باوئر در سال‌های اخیر چند بار تحت جراحی قلب قرار گرفته بود و به گفته‌ی برادرش، حال وی در هفته‌های گذشته خوب نبود.

این اسطوره فوتبال یکشنبه ۷ ژانویه ۲۰۲۴ در کنار خانواده چشم از جهان فرو بست.

یک نماینده مجلس شورای اسلامی:

برخی از بیمارستان‌ها تا سکه نگیرند بیمار را عمل نمی‌کنند

حسینعلی حاجی‌دلیگانی عضو کمیسیون حقوقی مجلس شورای اسلامی روز سه‌شنبه ۱۹ دی‌ماه در جلسه علنی گفت «در برخی از بیمارستان‌ها تا وقتی از بیمار سکه و دلار نگیرند بیمار را عمل و درمان نمی‌کنند.»

بعضی جراح‌ها در ایران عمل یک بیمار را مشروط به دریافت دست‌کم دو سکه طلا می‌کنند. طلب سکه از بیماران، ترفند جدید برخی از پزشکان برای فرار مالیاتی است.

بسیاری از مردم توانایی پرداخت «زیرمیزی» را ندارند و ماه‌ها باید در انتظار باشند تا یک جراح در رویه‌های معمول بیمارستانی بیمار آنها را عمل کند.

خالد پیرزاده به پنج سال و هشت ماه حبس محکوم شد

خالد (کوشان) پیرزاده زندانی سیاسی مشروطه‌خواه به اتهام «اجتماع و تبانی» و «تبلیغ علیه نظام» در شعبه بیست و ششم دادگاه انقلاب تهران مجموعاً به پنج سال و هشت ماه حبس محکوم شد.

«گلریز قهرمان» به اتهام دزدی از پارلمان نیوزلند کنار گذاشته شد

«گلریز قهرمان» نماینده گُرد ایرانی‌تبار پارلمان نیوزلند و عضو «حزب سبز» متهم به دزدی از فروشگاه‌های در اوکلند شده است. وی با این اتهام از مسئولیت‌های خود کنار گذاشته شد.

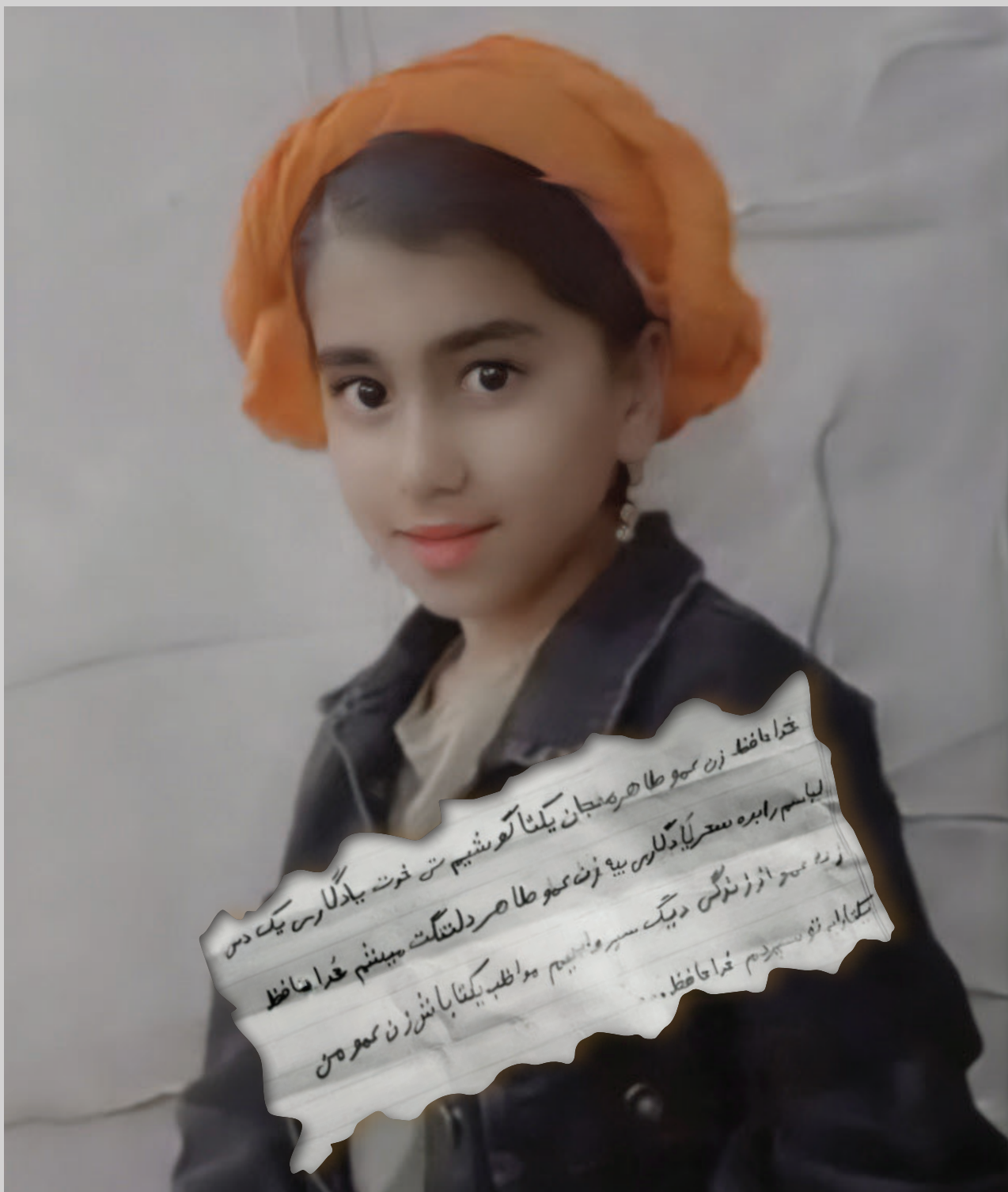
حزب سبز که از احزاب چپ‌گرای این کشور است تأیید کرده که از اتهامات مربوطه آگاه است و «تا زمانی که



این موضوع حل نشود، او از تمام مسئولیت‌های خود کنار گذاشته می‌شود.»

«گلریز قهرمان» متهم به دزدی از فروشگاه لوکس «اسکاتیز بوتیک» شده است.

اسکاتیز بوتیک به فروش نشان‌های تجاری لوکس معروف است که قیمت برخی از لباس‌هایش تا هفت هزار دلار می‌رسد.



عکس هفته | یسنا: از زندگی سیرم!

یسنا کودک ۱۲ ساله‌ی یاسوجی خود را کشت چون با همین سن کم از زندگی سیر شده بود. او این را در نامه‌ای به زن‌عمویش نوشته و از او خواسته تا مواظب خواهر کوچکترش، یکتا، باشد.